



# خوردن سبزیجات

سیمای حضرت  
صاحب الزمان (عج)  
در گستره ادیان

استاد اصغر  
حسینی تهرانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ  
إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا  
سوره اسراء آیه ۸۱

# خورشید تابناک

ترجمه شده به: فارسی - عربی - انگلیسی

عقاید ادیان و اقوام و ملل راجع به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ

بقیه الله

منجی عالم بشریت

تألیف

استاد اصغر حسینی تهرانی

واحد تحقیقات و انتشارات

مؤسسه حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ

دفتر تهران ۳۲ الی ۳۱۳۸۳۳۰

حسینی طهرانی، اصغر، ۱۳۳۷ -

خورشید تابناک : عقاید اقوام و ملل راجع به حضرت مهدی (عج) منجی عالم بشریت  
/تألیف اصغر حسینی تهرانی.--- [تهران]: پیام آزادی، ۱۳۸۱.

۳۱۲ ص: ISBN 964 - 302 - 563 - 2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه : ص. ۳۰۷ - ۳۱۲.

۱. مهدویت - اثبات. ۲. محمد بن حسن (عج) امام دوازدهم، ۲۵۵ هـ ق. - - رؤیت. ۳.  
مهدویت - احادیث. الف. مؤسسه حضرت صاحب الزمان (عج). قسم التحقیق و النشر. ب. عنوان.  
ج. عنوان: عقاید اقوام و ملل راجع به حضرت مهدی (عج) منجی عالم بشریت.

۲۹۷/۴۶۲

۹ خ ۵۷۵ ح ۲۳۴/۴/۱۳۲

۳۱۸۲ - ۸۱ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات پیام آزادی

**خورشید تابناک**

عقاید اقوام و ملل راجع به حضرت مهدی (عج)

مؤلف : ..... اصغر حسینی تهرانی

چاپ اول: ..... ۱۳۸۱

شمارگان: ..... ۳۳۰۰ نسخه

حروفچینی: ..... سوره

لیتوگرافی: ..... پیام حق

چاپخانه: ..... موعود نور

انتشارات پیام آزادی : خیابان جمهوری اسلامی - ما بین میدان استقلال و بهارستان

مقابل سینما اروپا - کوچه شهید مظفری - پلاک ۱۱ کدیستی ۱۱۴۶۸۱۳۴۱۵

تلفن : ۳۱۱۴۲۷۵ - نمابر : ۳۹۰۵۵۱۵

قیمت : ۱۶۰۰ تومان



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین

شکی نیست که انسان به مقتضای فطرت الهی که برخواسته از نهاد درونی اوست همواره به دنبال تعالی و رشد فزاینده بوده و می‌باشد و در این راستا متناسب با هر عصر و زمانی از امکانات و بهره‌مندیهای مختلفی بهره جسته و تاریخچه زندگانی انسانهای برجسته را به عنوان بهترین امکان برای الگو و سر منشع خود انتخاب نموده است چرا که برترین و کاملترین انسانها کسی است که تجربه دیگران را به تجربیات خود بیافزاید.

در این میان آنان که به جهت بهره‌مندی از امتیازاتی در طبقات اصلی انسانهای کامل قرار گرفته و در یک کلام برگزیده شده از سوی وحی و خداوند متعال باشند طبعاً به عنوان بهترین انسانها و الگوها، هدف اصلی وصول به درجه کمال واقع گردیده و آمالها و آرزوها در وصول به ایشان و درجات متعالی موجود در این بزرگواران خلاصه می‌گردد چرا که پایان این وصال وصول الی الله و رضایت مندی و خوشنودی خالق و مبدأ هستی خواهد بود و ناگفته پیداست که آن کسی که به عنوان برترین انسانها صالح بوده و می‌باشد و وعده اجرای عدالت و قسط و داد پس از دوره‌ای مملو از ظلم و ظلمتی فراگیر بیان این حدیث شریف (یَمَلَأُ اللَّهُ بِهِی قِسْطُنْ وَ عَدْلٌ...) به سبب او داده شده بهترین الگو و منشأ برای تمامی انسانها بوده و می‌باشد چرا که دست‌یابی به او گذشته از اینکه به خواهد بود لیکن از سوی دیگر از آن جا که چنین انسان کاملی بنابر مصالحی از دیده‌ها پنهان بوده و بجز برخی از خواص توفیق دیدارش را نداشته و ندارند هر گونی تلاشی که ضمن شناساندن این وجود ذی جود به نسل بشریت و طالب کمال و سعادت، زمینه ساز وصول فیزیکی و بصری با این عزیز بوده و امید را در



نسلها و عصرها زنده‌تر نموده و هاله‌های ابهام را از اعماق وجود انسانها بزدايد قطعاً تلاشی در خود و قابل تحسین و ارزشمند خواهد بود که در این میان تلاش دوست و صدیق ارجمند و گرامی و محقق جناب آقای حسینی تهرانی که انصافاً خدمات ارزنده و شایسته‌ای را نیز در امور مختلف دینی و شعائر اسلامی و مکتب جعفری از خود مبذول داشته‌اند تلاشی در خور و شایسته تقدیر و فراوانی است که امید است اجر و مزد آنرا از امید و آمال همگان حضرت بقیه‌الله العظم صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بهره جُسته و این عصر ارزشمند موجب سعادت هر دو گیتی برای ایشان و همگان و این حقیر نیز بوده باشد و آخر دعوانا و ان الحمد لله رب العالمین

۱۱ ذی القعدة ۱۴۲۳

مصادف با ولادت با سعادت

حضرت ثامن الحج علیه آلاف

تحية و الثناء

واحد تحقیقات و انشتارات موسسه

حضرت صاحب الزمان (عج)

سیدمرتضی شیرازی



**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**  
**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**  
**وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْنَا سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ**  
**سَيِّمًا لِإِمَامَةِ الْمَبِينِ الْحَبَّةِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيِّ**  
(عجل الله تعالى فرجه)

(لولا الحجة لساخت الارض باهلها)

به امید دستگیری حضرت صاحب الامر عجل الله تعالى فرجه از پدر و مادر اینجانب و توفیق هرچه بهتر و بیشتر برای خدمت به اسلام و مسلمین و قلم زدن برای فرهنگ غنی تشیع و ولایت و امامت و ثواب این نوشته و تحقیق چند ساله را تقدیم به روح مادر بزرگوارم و عالمه و مُحِب اهل البیت علیهم السلام که نزدیک یکسال است سر به تیره تراب گذاردند و در آستانه اولین سالگرد رحلتشان منتظر کرامت هرچه بیشتر از ناحیه حضرت هستیم.

**يا ابا صالح المهدي عليه السلام ادرکنی**

این نوشته را:

تقدیم به پیشگاه مقدس و منور و معظم و روح آفرینش و اصل خلقت

**حضرت صاحب العصر قائم المنتظر المهدي عليه السلام**

\*روحي و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداه\*

هدیه می نمایم و به حضرتش عرضه می دارم سید و مولا آقا قیم این

هدیه ناچیز را از من بپذیر.



قال الامام المهدي عليه السلام

انّي لا أدعو لمؤمن يذكر مصيبة جدّي الشهيد ثم يدعولي بتعجيل الفرج و  
التأييد

من برای مؤمنی که یادآور مصیبت جد شهیدم شود سپس برای تعجیل فرج و  
تأیید من دعا کند دعا می کنم.  
(اخبار الحجه ۱۱۰)

(تذکر و تکلیف عامه مردم در حال حاضر)

یکی از تکالیف مهمه در زمان غیبت احترام به منسوبان حضرت یعنی سلسله  
جلیه سادات و فقها و علما و عالمینی که عامل به احکام الهی هستند بویژه فقها  
و مجتهدینی که جامع الشرایطند و کسانی که اهل تقوی و در یقین کاملند و در  
نهایت همه مؤمنان و محبان حضرت مهدی عليه السلام در هر درجه و در هر صنفی و  
جایگاهی که باشند و باید همگی به تمامی دوستان آن حضرت دوستی نمائیم و  
به آنان با کمال احترام و محبت و نیکی تام و تمام عمل شود.

## فهرست مطالب

۱۵	..... مناجات: خداشناسی
۱۶	..... شعری راجع به حضرت مهدی آل محمد <small>عَلَيْهِمُ السَّلَامُ</small> از حافظ
۱۷	..... حکمت
۱۹	..... پیشگفتار
۲۷	..... مقدمه
۳۸	..... امامت از دیدگاه فرهنگ شیعه
۳۹	..... امامت و ولایت از دیدگاه قرآن کریم
۴۲	..... عصمت امام ... و لزوم وجود امام
۴۴	..... یکی از معجزات حضرت امام حسن عسکری <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>
۴۷	..... اثبات وجود مبارک حضرت مهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small> از کتب شیعه و سنی
۵۳	..... حکومت جهانی حضرت مهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>
۵۴	..... آیات قرآنی درباره مصلح کل و منجی عالم بشریت حضرت مهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>
۵۸	..... آیات قرآنی درباره بقیة الله امام زمان مهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>
۷۴	..... آیا ۱۲۴۰۰۰ پیامبران الهی هر کدام شریعتی مخصوص به خود داشته‌اند؟
.....	ازدواج حضرت امام حسن عسکری <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small> با دختر حاکم روم که به طور اعجاز به وقوع پیوست و وقوع آن
۷۵	..... از معجزات امامت می‌باشد
۷۹	..... در میلاد با سعادت حضرت بقیة الله الاعظم مهدی موعود <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>
۸۰	..... جریان ولادت با سعادت حضرت مهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>
۸۴	..... (شرح اسامی نه گانه)
۸۵	..... دادخواهی حضرت امیرالمومنین <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>



- ۸۶ ..... دادخواهی حضرت امام حسن علیه السلام
- ۸۶ ..... دادخواهی حضرت امام حسین علیه السلام
- ۸۸ ..... دادخواهی سایر ائمه علیهم السلام تا حضرت مهدی علیه السلام قیامه الشریف
- ۸۹ ..... درباره رجعت اهل بیت علیهم السلام
- ۹۰ ..... حدیثی بسیار معتبر و جالب از جناب سلمان فارسی (ره)
- ۹۲ ..... پیراهن بهشتی حضرت ابراهیم علیه السلام برای حضرت مهدی علیه السلام قیامه الشریف
- ۹۳ ..... قضیه جعفر، عموی حضرت صاحب الزمان علیه السلام قیامه الشریف
- ۹۶ ..... افضل اعمال امتی انتظار الفرج
- ۹۷ ..... بالاترین و بیشترین عبادت در نزد من انتظار فرج است
- ۹۸ ..... آینده بشریت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام قیامه الشریف «صاحب الامر» در نهج البلاغه
- ۹۹ ..... ره آوردهای حکومت حضرت مهدی علیه السلام قیامه الشریف
- ۱۰۰ ..... احترام خاص برای نام مقدس حضرت صاحب الزمان علیه السلام قیامه الشریف
- مکاشفه چیست؟ و آیا می شود در حالت خواب یا مکاشفه یا حضور به خدمت مبارک حضرت امام علیه السلام
- ۱۰۲ ..... مشرف شد
- ۱۰۳ ..... حضرت بقیه الله صاحب الامر امام مهدی علیه السلام قیامه الشریف در کتب اهل سنت
- ۱۰۴ ..... حضرت عیسی بن مریم افضل است یا حضرت صاحب الامر علیه السلام (امام یا مأموم)
- ۱۰۷ ..... نامه اعمال ما به حضور امام عصر حضرت مهدی علیه السلام قیامه الشریف می رسد
- ۱۱۰ ..... (پیام حضرت امام زمان علیه السلام به شیعیان)
- ۱۱۰ ..... بخشی از نامه مبارک حضرت صاحب الزمان علیه السلام به مرحوم شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه ..
- ۱۱۱ ..... بحث درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۱۲ ..... چگونگی حال انتظار
- ۱۱۴ ..... رجعت و ظهور حضرت قائم علیه السلام قیامه الشریف
- ۱۱۸ ..... در زمان غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام قیامه الشریف ما چه فایده ای از ایشان می بریم؟
- ۱۲۳ ..... خصوصیات حضرت مهدی علیه السلام و اسرار و برکاتی که پس از ظهورشان به وقوع می پیوندد
- ۱۲۸ ..... توصیف شمایل حضرت مهدی علیه السلام قیامه الشریف که رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام بیان فرمودند
- ۱۳۰ ..... (برتری چهل گونه حضرت «قائم علیه السلام» قیامه الشریف)

- ۱۳۰ ..... صفات و نشانه‌های ظاهری حضرت حُجّت ابن الحسن العسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَجَّهَ الشَّرِيفُ
- ۱۳۲ ..... بحث درباره ادیان الهی و مسیحیت (و در این جا پیامی برای جامعه مسیحیت)
- ۱۳۵ ..... (در صورتی که نه او را کشتند و نه او را به صلیب کشیدند)
- ۱۳۶ ..... علائم ظهور و قیام حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَجَّهَ الشَّرِيفُ
- ۱۳۷ ..... غیبت صغری حضرت صاحب الامر مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَجَّهَ الشَّرِيفُ و شرح حال نواب چهارگانه
- ۱۳۸ ..... درباره غیبت کبری آن حضرت
- ۱۳۹ ..... غیبت از سنن انبیاء
- ۱۴۰ ..... پیشگویی معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) در خصوص غیبت حضرت
- ۱۴۲ ..... نگاه و نگرشی به دوران غیبت صغری حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَجَّهَ الشَّرِيفُ و نقش نواب خاص آن حضرت
- ۱۴۵ ..... غیبت کبری حضرت بقیة الله
- ۱۴۸ ..... بحث درباره غیبت حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَجَّهَ الشَّرِيفُ
- ۱۵۰ ..... طول عمر مبارک حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ۱۵۰ ..... معمرین دنیا و آنهایی که دارای طول عمری زیاد بوده‌اند
- ۱۵۳ ..... وقایع زمان غیبت و علائم آخرالزمان
- ۱۵۶ ..... نشانه‌ها و علامت‌های نزدیک شدن به قیام حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَجَّهَ الشَّرِيفُ
- ۱۵۹ ..... وظائف شیعیان در زمان غیبت
- ۱۶۰ ..... آیا می‌دانید؟ چه وظیفه‌ای نسبت به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَجَّهَ الشَّرِيفُ داریم
- ۱۶۱ ..... افضل الاعمال، انتظار الفرّج
- ۱۷۴ ..... (ملاقات با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ در کنار کعبه معظمه در مکه)
- ۱۷۵ ..... تعلیم دعای فرج که حضرت صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَجَّهَ الشَّرِيفُ بیان فرموده‌اند
- ۱۷۷ ..... تعلیم دعای حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ برای نجات از گرفتاری
- ۱۷۹ ..... دیدارهای مکرر علامه بحرالعلوم با حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ۱۸۰ ..... دیدارهای مکرر علامه بحرالعلوم در حرم عسکریین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در شهر سامرا
- ۱۸۱ ..... دیدار حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَجَّهَ الشَّرِيفُ در مسجد سهله
- ۱۸۲ ..... حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَجَّهَ الشَّرِيفُ در حال زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در نجف اشرف
- ۱۸۳ ..... اشعار خدانشناسی



- ۱۸۴ ..... رؤیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در منزل ملا عبدالرحیم اسدی دماوندی
- ۱۸۵ ..... شفای همسر آقای متقی همدانی به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف
- ۱۸۶ ..... دستور ساخت بنای مسجد جمکران به دستور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشريف
- ۱۸۹ ..... حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در مسجد «جمکران»
- ۱۸۹ ..... کیفیت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در آخر الزمان
- ۱۹۰ ..... قیام برای بیعت با حضرت مهدی صاحب العصر والزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف
- ۱۹۲ ..... خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از مکه به سوی مدینه منوره
- ۱۹۲ ..... ورود و تشریف فرمایی حضرت به کوفه و نجف اشرف
- ۱۹۲ ..... برنامه حضرت در مسجد سهله و مسجد کوفه
- ۱۹۳ ..... فتح سایر ممالک و بلاد
- ۱۹۴ ..... جوابیه علمای اهل سنت درباره قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشريف
- ۱۹۵ ..... اشعاری درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف فیض روح قدسی
- ۲۰۱ ..... حدیثی درباره ۳۱۳ نفر از اصحاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف از کلام حضرت علی عجل الله تعالی فرجه الشريف
- ۲۰۴ ..... دوری و درد فراق از حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشريف
- ۲۱۳ ..... شرح حضرت صادق عجل الله تعالی فرجه الشريف درباره تشریف و داخل شدن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف به مسجد الحرام
- ۲۱۷ ..... (درباره محل اقامتگاه امام عجل الله تعالی فرجه الشريف) جزیره خضراء
- ۲۶۵ ..... لقای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف
- ۲۶۶ ..... ارشاد پیامبران و اوصیاء الهی و رهبران آسمانی
- ۲۶۷ ..... عقاید اقوام و ملل راجع به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف
- ۲۶۸ ..... روز قیامت و جهنم
- ۲۷۱ ..... تأمل در آفرینش
- شرحی راجع به اسامی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از زبان ادیان مختلف و احادیثی از آن وجود شریف
- ۲۷۵ ..... راجع به ابراهیم بن مهزیار
- ۲۸۳ ..... و اما نامهای مبارک حضرت بقیة الله صاحب الزمان حجة بن الحسن العسكري مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف
- ۲۹۴ ..... فطرت بشر از ظلم تنفر دارد

- ۲۹۶ ..... «بیان شیعه حقه اثنی عشری»
- ۲۹۶ ..... شیعه و امامت حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَاءَ الشَّرِيفُ
- و اما نامه‌های امام عصر بقیة الله حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَاءَ الشَّرِيفُ با حروف الفبا فارسی (برای نورانی تر شدن  
 ۲۹۷ ..... الفبای فارسی)
- ۳۰۳ ..... در زمان غیبت آیا ممکن است به محضر امام زمان حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَاءَ الشَّرِيفُ مُشرف شد؟
- ۳۰۷ ..... سخن پایانی
- ۳۰۹ ..... کتب منابع و مأخذ



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله الطاهرین

و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین

### مناجات : خداشناسی

الهی دلی ده که جای تو باشد	لسانی که در آن ثنای تو باشد
الهی بده همتی آن چنانم	که سعیم وصول لقای تو باشد
الهی چنانم کن از عشق خود مست	که خواب و خورم از برای تو باشد
الهی عطا کن به فکرم تو نوری	که محصول فکرم دعای تو باشد
الهی عطا کن مرا گوش و قلبی	که آن گوش پر از صدای تو باشد
الهی چنان کن که این عبد مسکین	برای تو خواهد برای تو باشد
الهی عطا کن بر این بنده چشمی	که بینایش از ضیای تو باشد
الهی چنانم کن از فضل و رحمت	که دایم سرم را هوای تو باشد
الهی چنانم کن از عیب خالی	که هستیم محو و فنای تو باشد
الهی مرا حفظ کن از مهالک	که هر کار کردم رضای تو باشد
الهی ندانم چه بنحشی کسی را	که هم عاشق و هم گدای تو باشد
الهی بر این بنده خود دلی ده	که مستغنی از ما سوای تو باشد
الهی به طوطی عطا کن بیانی	که نطقش کلید عطای تو باشد

(اشعار از طوطی)

## شعری راجع به حضرت مهدی آل محمد عاشق الکمال نوریه الشریف

ازحافظ

یوسف گم گشته باز آید بکنعان غم مخور  
 کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور  
 این دل غمدیده حالش به شود دل بد مکن  
 وین سر شوریده باز آید بسامان غم مخور  
 گریهار عمر باشد باز برتخت چمن  
 چترگل در سرکشی ای مرغ خوشخوان غم مخور  
 ای دل ارسیل فنا بنیاد هستی برکند  
 چون ترانو حست کشتی بان زطوفان غم مخور  
 حال مادر فرقت جانان و ابرام رقیب  
 جمله میدانند خدای جان گردان غم مخور  
 دور گردون گردو روزی بر مراد ما نرفت  
 دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور  
 هان مشو نومید چون واقف نه‌ای از سر غیب  
 باشد اندر پرده بازیهای پنهان غم مخور  
 در بیابان گر بشوق کعبه خواهی زد قدم  
 سرزنشهاگر کند خار مُغیلان غم مخور  
 گرچه منزل بس خطرناکست و مقصد بس بعید  
 هیچ راهی نیست کانرا نیست پایان غم مخور  
 حافظا در گنج فقر و خلوت شبهای تار  
 تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور



مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید  
 که زانفاس خوشش بوی کسی می آید  
 از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش  
 زده ام فالی و فریاد رسی می آید  
 ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس  
 موسی این جا به امید عبسی می آید  
 هیچ کس نیست که در کوی تو اش کاری نیست  
 هر کس آنجا بطریق هوسی می آید  
 کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست  
 این قدر هست که بانک جرسی می آید  
 خبر از بلبل این باغ بپرسید که من  
 ناله ای می شنوم کز قفسی می آید

### حکمت

بیانی از مرحوم آیت الله علامه طباطبایی (ره) صاحب تفسیر المیزان  
 سرانجام دنیا تسلیم حق خواهد شد چون این وعده خداوند است.  
 «والعاقبة للتقوی»

علاوه بر این انسان به آن فطرتی که در او به ودیعه و امانت سپرده‌اند طالب  
 سعادت حقیقی خویش است، و سعادت حقیقی او در این است که بر کرسی  
 فرماندهی جسم و جان خویش مسلط شود و زمام حیات اجتماعی را به دست  
 بگیرد، خطی که می‌تواند از سلوک خود نیک بختی و سعادت دنیا و آخرت خود را  
 تضمین نماید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صلى الله عليك يا ابا صالح المهدي ادركنى

اللهم انا نرغبُ اليك في دوله كريمه تُعزبها الاسلام

و اهله و تذل بها النفاق و اهله

هرگز آن مهر تو از لوح دل و جان نرود

هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود

آن چنان مهر توام در دل و جان جای گرفت مهدی جان

که اگر گرمی جانم ز تنم پاک شود مهر تو از جان نرود

### پیشگفتار

الحمد لله الذى علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم و الصلوة على سيد ولد آدم و رسوله الخاتم و امام الائمة و سراج الائمة المنتخب من طينة الكرم و سلالة المجد و الاقدام و مغرس الفخار العرق و فرع العلاء المثمر المورق محمد المصطفى ﷺ و على اهل بيته مصاييح الظلم و عصم الامم و منارالدين الواضحة و مثاقيل الفضل الراجحة صلى الله عليهم اجمعين و سيما امام العصر و ناموس الدهر الحجة بن الحسن العسكري و عجل الله تعالى فرجه و سهل الله مخرجه صلوة متواتره متظافرة دائمه مستنرة.

قال اميرالمؤمنين على ابن ابي طالب ؑ فى نهج البلاغه: اول الدين معرفته و

کمال معرفته التصدیق به و کمال التصدیق به توحیده و کمال توحیده الاخلاص له و کمال الاخلاص له نفی الصفات عنه.

حمد و سپاس بی حد به درگاه خداوند باریتعالی و حمدی شایسته آن خدایی که هیچ عقل و فکری را توان اطلاع بر حقیقت و فهم به کنه وجود مقدسش نیست و هیچ فکر و اندیشه و دانش را وسع و فهم و احاطه به معرفت او نیست و هر که در وصف او چیزی بیان کند نتواند توصیف نماید و هر عبارتی در شکر نعمت او ایراد نماید نشاید ثبوت وصف و مرتبه اش را گوید و شائبه و تشبیه او در تصور نگنجد.

پیامبر عالی قدر اسلام حضرت خاتم الانبیاء و مقتدای اولیا و اصفیاء پیشوای جهان بشریت خاتم الرسل حضرت محمد المصطفی ﷺ فرموده‌اند:

«لاأحصى ثناً عليك انت كما اثنت على نفسك و انت فوق مايقول القائلون»

ستایش و حمد و تکریم بر درگاهت همان طوری که خود بیان فرموده‌ای به حساب نمی آید ای منزّه از سخن گویندگان.

هزاران درود و صلوات و سلام و تحیات به روح مقدس و منور ارواح پاکان و دودمان وجود شریف سراپا نور حضرات ائمه معصومین علیهم السلام و برگزیدگان و پیشوایان که بعد از رسول الله خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین یعسوب الدین قائد العز المحجلین امام المبین علی ابن ابی طالب علیه السلام که به وسیله آن نور پاک و یازده فرزندانش به عالم اسلام و تشیع علوی و حسینی با خون ریخته شده آن حضرت به ما رسیده و از خداوند عالم به حق آن رادمرد عالم بشریت خواهانم که به ما از امت تشیع این سعادت را عطا فرماید که پاسدار و نگهدار فرهنگ ولایت و تشیع باشیم. کتاب شریفی را که مطالعه می‌فرمایید چهل حدیث مهم و معتبر مربوط به حضرت صاحب الامر حضرت

امام محمد مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و سی باب هم در مورد فضائل ایشان که جمعاً هفتاد آیات فضائل و مناقب و اثبات امامت و احادیث معتبره در این امر، به این جهت در نظر گرفته شده چون نام مبارک «یا مهدی» به حساب حروف ابجد هفتاد می‌شود و بحث در پیرامون عقاید ادیان و اقوام و ملل راجع به حضرتشان و پیش‌گویی‌های انبیاء ادیان بوده که جمع‌آوری شده امید است مطالعه کنندگان محترم از فیض و درک مقام حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَام بهره‌مند گردند زیرا در نوشتن و مطالعه نمودن و جمع‌آوری و تمامی امور این مجموعه این حقیر با توسل و با توجه و با وضو و طهارت روحی بوده ام و نوعاً رو به قبله در محل حسینیه و کتابخانه مشغول تحقیق و تفحص و با توسل به ساحت مقدس ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام شده لذا از خوانندگان عزیز تقاضا دارم با وضو و با توجه به مطالعه پردازند و اموات اینجانب را از دعای خیر فراموش نفرمایند.

در حین مطالعه کتاب خواهید دید که اصل اعتقاد به مهدویت از نظر قرآن مجید و احادیث کاملاً موضوعی ثابت شده است و آیات مفصلی از قرآن کریم درباره قیام حضرت مهدی صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَام و احادیث زیادی نیز در کتب معتبره شیعه و حتی کتب علمای اهل تسنن هم درباره حضرت ذکر و بیان شده که کاملاً با آدرس، از کتب موردنظر و حتی از کتب ادیان قدیم بیان شده است. جادارد که ما شکر خداوند عظیم را نماییم که دین و روش آباء و اجدادی ما اسلام و تشیع بوده است و قابل ذکر است حمد خدای را که پدران و مادران بیداری به ما عطا فرمود که از نعمت آنان بهره‌مند شده‌ایم که این بسا نعمتی مهم است که آنان همگی با قبول اسلام و درک آن ولایت حضرت علی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام را پذیرند و در اثر بینش صحیح آنان ما در ضلالت و گمراهی نباشیم. در کتاب مهم اثبات الهداة جلد دوم صفحه ۵۵۲ حدیث بسیار مهمی را



نقل نموده است از حضرت رسول الله ﷺ که حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام روزی به حضرت امام حسین سیدالشهدا علیه السلام فرمودند: روزی که تو به دنیا آمدی رسول خدا صلی الله علیه و آله به من وارد گردیدند و تو را در بغل گرفتند و اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ تو خواندند و تو را بوسیدند و فرمودند ای فاطمه حسینت را بگیر و بدان که او پدر نه امام است و از نسلش پیشوایان صالحی به وجود خواهند آمد که (نهمین آنان مهدی قائم است که پس از غیبتش جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود). و در اینجا دعا کنیم که قابل باشیم و حکومت عدل حضرتش را ببینیم.

در کتاب اصول کافی بخش امامت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که «همیشه در روی زمین (برای خداوند حجتی است که حلال و حرام را معرفی می کند)

و مردم را به راه راست و راه خدای تعالی دعوت می نماید». اشاره به عصر و زمان ماست که امام و حجت خداوند در حال حاضر حضرت صاحب الامر علیه السلام است و همچنین در کتاب اصول کافی از حضرت امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است که حضرت فرموده اند: «هرگز در روی زمین بدون امام و حجت خداوند نیست اگر امامی نباشد چنین شود که زمین از گناه خلائق اهلش را می بلعد و فرو می برد». و از این حدیث شریف اینطور استنباط می شود که وجود نازنین حضرت امام عصر صاحب الزمان مهدی علیه السلام در حال حاضر سایه ای پر نور و پربرکت بر تمام عالم و دنیا تاباند و از برکت وجود مقدسشان همه بهره مند و متنعم هستیم.

حدیثی در جلد اول کتاب اصول کافی کتاب الحجه آمده است که در آن درباره روح امامان سوال شده، حضرت فرمودند: امامان بعد از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

همان پنج روح پیامبر را دارا هستند: ۱- روح حیات و زندگی که به وسیله آن راه می روند و جنبش دارند. ۲- روح قوت و توانایی که به وسیله آن قیام و مبارزه می نمایند. ۳- روح زندگانی که به وسیله آن می خورند و می آشامند و به حلال می آمیزند. ۴- روح ایمان که به آن عقیده دارند و عدالت را اجرا می نمایند. ۵- روح القدس، که از پیامبر به امام منتقل و متعلق به امام می شود. و روح القدس که به وسیله آن پیامبر نبوت و پیامبری را تحمل می نمایند و چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جان به جان آفرین تسلیم فرمود روح القدس را از او منتقل و به امام منتخب خداوند باری تعالی، حضرت علی علیه السلام عطا و عنایت شده و آن روحی است که نه می خوابد، نه غفلت می کند، و با آن روح نه به بازی سرگرم می شود، و نه بر خود می بالد، و نه مغرور می شود، و نه فریب می خورد و نه دستخوش آرزوی دروغ و استخفاف می گردد ولی آن چهار روح می خوابند و استراحت می کنند. و امام با روح القدس همه چیز را درک می کنند و متوجه به امور کلی هستند. امامت عهد معهودی است از جانب خدای عزوجل برای مردانی به نام و معین، و امام پنهان نمی کند امامت خود را برای مردمان، چنانچه خداوند متعال به حضرت داود علیه السلام وحی فرمود که از خاندانت یکی را وصی تعیین کن چون در نظر ندارم پیامبری مبعوث و معین نمایم. حضرت داود فرزندی داشت و پسر بچه ای بود که مادر او نزد حضرت داود علیه السلام بود و حضرت او را دوست می داشت حضرت داود علیه السلام پس از این وحی در فکر بودند که کدام یک از فرزندان خود را انتخاب نماید تا این که وحی از جانب خداوند آمد که در انتخاب شتاب نکن، و در همان حال دو نفر خدمت حضرت داود آمدند که با هم نزاع داشتند. خطاب رسید به حضرت داود که پسران خود را جمع کن و هر کس که در این قضیه به حق حکم کرد او بعد از تو وصی می باشد حضرت داود علیه السلام پسرانش را جمع نمود و چون دو

طرف شرح موضوع اختلاف خود را بیان کردند و (قضیه این بود که گوسفندان به باغ انگوری رفته و انگورهای آن باغ را خورده بودند) حضرت سلیمان رو به صاحب باغ کرده و گفتند که چه موقعی گوسفندان به باغ تو رفته‌اند و انگورهایت را خورده‌اند او گفت در شب به باغ من آمده‌اند حضرت سلیمان علیه السلام فرمودند ای صاحب گوسفندان حکم این است که همه بره گوسفندان را با پشم گوسفندان بزرگ امسال به صاحب باغ باید بدهی حضرت داود علیه السلام گفت که چرا حکم نکردی که تمام گوسفندان را به صاحب باغ بدهد با اینکه علماء بنی اسرائیل قیمت کرده‌اند که بهای انگورها برابر بهای گوسفندان است. حضرت سلیمان علیه السلام گفت درختهای مو انگور برابر گوسفندان است بنابراین آنها از ریشه کنده نشده‌اند و تنها بار و میوه آنها را گوسفندان خورده‌اند و در سال آینده درختان مو بار میوه و انگور می‌دهند پس گوسفندان مال صاحب باغ نیست. خداوند تبارک و تعالی به حضرت داود علیه السلام وحی فرمود که حکم بحث همین است که سلیمان صادر نمود، ای داود تو چیزی را خواستی و ما چیز دیگری را خواستیم پس پیغمبری و رسالت بعد از تو معلوم شد تا اینجا متوجه شدیم که تعیین رسالت و ولایت با نظر و عنایت خداوند متعال است. (لله اعلمُ حیث یجعل رسالته)

روایتی از امام صادق علیه السلام است در کتاب (الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب) که خداوند تبارک و تعالی فرمود:

فَمَهْمُنَا سَلِيمَان

ما حکم را به سلیمان فهمانندیم.

(پس همه چیز و همه انتخابها از جانب خداست).

در کتاب اصول کافی آمده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده‌اند: در مکتوبی وصیت نوشته شده‌ای از آسمان توسط جبرئیل امین برای حضرت

رسول الله ﷺ آمد که در آن نامه‌ی سر مهر شده‌ای بود پس جبرئیل امین گفت یا محمد این وصیت نامه‌ی توست برای امت تو که باید نزد خاندان تو باشد. پیامبر فرمود ای جبرئیل کدام خاندانم؟ فرمود: خاندانی که خدا از آنان و فرزندانشان بر می‌گزیند تا از علم و نبوت تو ارث برند مانند وارث ابراهیم علیه السلام، و اما وارث تو علی ابن ابی طالب است و ذریه‌ی تو از ایشان می باشد و مهر اول مخصوص علی است پیامبر اکرم فرمود بیا علی جان نامه را بگشا و ببین دستور مهر اول چیست علی مهر اول را باز نمود و بدان عمل کرد و پس از شهادت ایشان، امام حسن علیه السلام مهر دوم را باز نموده و بدان عمل نمود پس از شهادت ایشان، امام حسین مهر سوم را باز نمودند که در آن نوشته بود: جهاد نما و جنگ کن و کشته شو و برای شهادت عده ای را با خود ببر که جز با تو به سعادت نمی‌رسند و پس از امام حسین علیه السلام برای حضرت سجاد علیه السلام این عبارت نوشته شده بود که: خموشی گزین چون علمی را که در پرده داری زمان ابراز آن نیست و پس از این بزرگوار حضرت باقر علیه السلام نامه را گشود که در آن بود کتاب خداوند را تفسیر کن و امامت پدرت را تصدیق و امت اسلام را امامت نما و حق گو باش و از هیچ مترس و پس از امام پنجم امام صادق علیه السلام نامه را گشود و مهر ششم را باز کرد: دستور خداوند در آن تعلیم علوم اسلامی و فقه شیعه جعفری اثنی عشری بود و پس از ایشان نامه به یک یک از امامان رسید و آخر الامر به آخرین وارث، مأمور قیام الهی حضرت مهدی علیه السلام مأموریت صبر و غیبت از جانب حضرت باری تعالی عطا گردید.

الهی باخص صفاتک و بعز جلالک و باعظم اسمائک و بنور انبیائک و بعصمة اولیائک و بدماء شهدائک و بمناجات فقرائک تسئلک زیاده فی العلم و صحة فی الجسم و برکة فی الرزق و طولاً فی العمر و توبه قبل الموت و راحة عند الموت و مغفرة بعد الموت و نجاة من النار و دخولاً فی الجنة و عافية فی



الدّین و الدنیا و الاخره برحمتک یا ارحم الراحمین.  
(و با امید عفو و مغفرت خدای شُبحان جهت پدر و مادر و اموات اینجانب و  
همگی خوانندگان)

خادم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام

العبد اصغر حسینی تهرانی

خردادماه ۱۳۸۱

۱۷ ربیع الاول ۱۴۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللهم صل على ولي أمرك القائم المؤمل والعدل المنتظر

### مقدمه

معمولاً انسان‌های متفکر، قائل به این هستند که حکومتی واحد و جهانی در دنیا برقرار شود، تا با یک قانون واحد بتوان با سعادت و صفا در دنیا زندگی نمود و این آرزو که روزی عالم زیر نظر حکومت واحدی قرار بگیرد و در سراسر دنیا عدل و مساوات برقرار شود همیشه مورد توجه دانش پژوهان و عالمان و دانشمندان بزرگ دنیا بوده و هست.

در قدیم که ارتباطات به معنای امروزه وجود نداشت نیز، بشر علاقه داشته که در همه جا یک قانون مدرن و صحیح که در آن ظلم و ستمی وجود نداشته باشد اجرا شود.

و خلاصه حکومتی بر مبنای عدل و داد و دوستی وجود داشته و محبت و ایمان و اعتقاد به خداوند برقرار باشد؛ همچنین تمامی مردم دوستدار و محتاج به این بوده‌اند که زیر نظر حکومتی بر مبنای عدل و انصاف و مساوات و ضد ظلم و بیدادگری به زندگی شرافتمندانه‌ای بپردازند، چنان که در تاریخ در شرح حال «اسکندر کبیر» نگاشته‌اند که او هم به وسیله اقتدار و قدرت خود خواهان برقراری حکومتی واحد برای ایرانیان و یونانیان و رومیان که در زمان قبل از میلاد مسیح از موقعیت بالای اجتماعی و سیاسی و علمی زیاد و ارزشمند و فوق

العاده ای برخوردار بودند، بوده است.

در فلسفه غرب هم از قرن پیش و حتی اخیراً این معنا متجلی بوده مثل ویکتور هوگو *Viktor Hogo* در قرن نوزدهم میلادی صحبت از حکومت جهانی، یک جمهوری واحد که طبق یک قانون چنانکه نظام در دنیا زندگی کنند را مطرح کرده است تا با این سیاست همه‌ی وحشی‌گری و جنگ‌های مذهبی و قومی... از بین برود.

و چنانکه در جنگ جهانی اول بیشتر از ده میلیون انسان کشته و بیش از سه میلیون مجروح و معلول شدند و در جنگ جهانی دوم نیز بیش از چهل میلیون نفر کشته و بیش از بیست میلیون زخمی معلول و از کار افتاده شدند و میلیونها نفر خانه و کاشانه خود را از دست دادند.

و اما بعد از جنگ جهانی دوم بیش از پنجاه کشور طی کمیسیونی نظرات خود را در رابطه با مسائل بین‌المللی مطرح کردند که ماحصل اهدافشان در این آیه از قرآن کریم نمایان است:

و شاور هم فی الامر شورئ بینهم

ولی اگر به این آیه عمل می‌کردند این همه گرفتاری در دنیا پیش نمی‌آمد. در واقع طراح حکومت واحد جهانی خداوند باریتعالی است که به وسیله انبیاء و ادیان الهی، جهان را به یک حکومت و دین و نظام و قانون متوجه و امر فرموده است.

وقتی توسط پیامبر عالی قدر اسلام ابلاغ دین بر همه شد پیروی از اسلام بر همگان واجب و تکلیف عمومی برای اجرای قوانین اسلامی از جانب پروردگار عالم گردید. لذا در قرآن کریم در سوره مائده آیه شریفه پنجم آمده است:

الْیَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِیْنَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَیْكُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِیْنًا

امروز کامل گردانیدم دین را برای شما و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم برای شما اسلام را دینی پاکیزه.

و وقتی که تمام آیات قران کریم کامل شد و دین خدا اعلام و کامل شدنش طبق آیه فوق از ناحیه‌ی مقدسه‌ی پیامبر ﷺ عظیم الشان اسلام اعلام شد، یعنی اعلام حکومت واحد اسلامی جهانی برای تمامی بندگان که پیامبر گرامی اسلام این نسخه‌ی شفاء بخش را جهت سعادت همه‌ی اهل عالم از جانب خداوند سبحان صادر تا تمامی افراد بشر موظف به اطاعت آن شوند درحالی‌که تمامی ملل و پیروان ادیان مختلف هیچ‌گونه اختلافی در مرام و مسلک و دین و حرام و حلال با هم نداشته و همگی پیرو دینی واحد شده با هم زندگی مسالمت آمیز و یک نواختی خواهند داشت.

چنانچه در این کتاب در فصلهای بعدی به آن اشاره می‌شود که بزرگان ادیان قبل از اسلام در کتب خود از قبل متذکر به این معنا شده اند که روزی مصلحتی از جانب خداوند خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. اسلام و تشیع؛ همچنین آنان که مهر پر گهر ولایت به قلب آنان خورده است معتقدند که آن روز مهدی فاطمه قائم آل محمد ﷺ به کعبه تکیه خواهد زد و بیان می‌فرماید؛

بقیت الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین و ما انا علیکم بحفیظ<sup>۱</sup>

آنچه خدا بر شما باقی گذارد و بهتر است اگر واقعاً به خدا ایمان دارید من نگهبان شما نیستم. (و من هستم قائم آل محمد ﷺ)

السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه

و آنگاه که گروه گروه مسلمین دور حضرت جمع شده و در خدمت او قرار می



گیرند و از اصحاب ایشان شده و حضرت شروع به تاسیس حکومت جهانی بر پایه عدل و قسط خواهند فرمود. و اما وظیفه‌ی ما شیعیان و پیروان آن حضرت در حال حاضر این است که در انتظار ظهور آن وجود مبارک و شریف باشیم و برای فرج ایشان در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی دعا کنیم چون وقت ظهور آن حضرت متکی به زمینه‌ای است که باید در دنیا به وجود آید در آیه شریفه‌ی:

### فانتظروا انی معکم من المنتظرین

علماء و مفسرین بزرگ اسلامی گفته اند که همه باید انتظار و زمینه به وجود آمدن ظهور حکومت اسلام بر سراسر جهان و ظهور حضرت بقیه الله حضرت مهدی علیه السلام را داشته باشند و طبق خبری خداوند به همه‌ی منتظرین ظهور آن حضرت اجر و ثواب عنایت می فرماید. پروردگار عالم در روز غدیر دین و احکام الهی را کامل فرمودند ولی به علت نداشتن قابلیت فهم کامل از دین، تا به حال اکثر علوم و معارف و احکام الهیه در پرده‌ای از ابهام است و مابقی آن علوم مهم نزد حضرت بقیه الله علیه السلام می باشد (چنانچه در روایات هم ذکر شده است) وقتی حضرت صاحب الامر علیه السلام ظهور فرمایند حامل بقیه علوم و معارف و احکام الهی می باشند که از طرف انبیاء و امامان علیهم السلام منتشر نشده و تفسیری از قرآن مجید را می آورند که مردم زمینه و استعدادشان و کشش فکری و علمی آنها در گذشته به آن مقدار نبوده که پیامبر و ائمه علیهم السلام برای آنان بیان می داشتند. و طبیعی است که آن حضرت مطالب تازه ای بیان می فرمایند که به پیامبر عالی قدر اسلام صلی الله علیه و آله وحی شده بود و در قرآن مجید هم آن علوم کاملاً ذکر شده و ذات مقدس حق تعالی در قرآن کریم بیان فرموده است ولی چون فهم بشر عاجز از درک آن بوده آن علوم را خداوند باری تعالی بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به ائمه علیهم السلام

عطا فرموده و سپس برای حضرت بقية الله عليه السلام گذارده تا ایشان با ماموریت جدید برای مردم بیان فرمایند. لذا اگر در احادیث آمده که حضرت، مردم را به دین جدیدی دعوت می‌فرمایند. مقصود این نیست که آن دین جدید دینی غیر از اسلام باشد بلکه دین اسلام را با بیانی کامل معرفی می‌فرمایند و حقایق جدید و مطالب مهم را ایراد می‌نمایند که همگان دین اسلام الهی را درک و به آن عمل کنند.

(یأتی بدین جدید)

حدیثی در کتاب الحجة کافی)

و در بیان کاملتر مراد از دین جدید، احیای سنت رسول الله (ص) است مثل خراب کردن بعضی از قصرها و مسجدها و ساخت مساجد جدید بدون تجملات .

(نقل از جلد ۵۲ بحار الانوار)

ليظهره على الذين كله و لوكره المشركون

حضرت با کمال صفا و صمیمیت مبانی اخلاقی اجتماعی و تربیت اسلامی را برای همگان تشریح می‌فرمایند و بالاخره اجل حضرت نیز فرا می‌رسد و طی روایتی که حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند:

مَا مِنَّا أَلَّا مَقْتُولٌ أَوْ شَهِيدٌ

هیچ کدام از ما نیست مگر آن که شهید و یا کشته شویم و حضرت شهید شده و از دنیا می‌روند.

در کتاب اعلام الوری صفحه ۲۹۴ و در کتاب الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب آمده که زنی از بنی تمیم به نام سعیده که مثل بعضی از مردان قسمتی از صورتش ریش دارد حضرت را شهید و به قتل می‌رساند و نقل شده او از بلندی

سنگی بر سر حضرت پرتاب می‌کند و آن حضرت شهید می‌شوند و در روایات متعدد از رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام است که بعد از شهادت حضرت قائم عاشق کمالی برای زندگی مردم بی‌خیری و بی‌برکتی پیش می‌آید.

و در روایات متعدد از ائمه اطهار علیهم السلام است که فرموده‌اند: پس از شهادت ایشان، حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام به امر خداوند زنده می‌شوند و غسل و کفن و و دفن آن حضرت را عهده دار می‌شوند و تا وقتی که مشیت خداوند باشد حضرت ابا عبدالله حسین بن علی علیه السلام در دنیا حکومت می‌نمایند.

(بحار الانوار ۵۲)

انشاء الله

اللهم اجعل هذا الكتاب ذخيرة اليوم ففري و فافتى بحق محمد و آله الطاهرين  
صلوات الله عليهم اجمعين

خادم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام

العبد اصغر حسینی تهرانی

تهران خرداد ۱۳۸۱

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و على سيد الانبياء و افضل البرية و على آله و اوصياء الذين اخبر و ابغية الحجة في هذا الازمنة و اللغته على منكر وجود الحجة بين الرعية.

و اما بعد الحمد لله توفيقى نصيب فاضل گرامی برادر متعهد و دانش پژوه و تحقیق گر آقای حسینی تهرانی شد تا کتابی در احوالات حضرت حجة ابن الحسن صاحب العصر و الزمان امام محمد المهدی عَلَيْهِ السَّلَام ، جمع آوری و به رشته تحریر در آورند. و امامت و ولایت و امامت وجود مقدس حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَام را به بیانی کاملاً شیوا و رسا به جامعه امروزه و نسل جوان بشناسانند که خدمتی بس مهم و خدمت فرهنگی جامعی بوده خصوصاً این نوع از نوشتار برای شناخت جوانان و دانشجویان پر اهمیت است. چنانچه کتاب اخلاق اسلامی مؤلف محترم جایگاهی بس مهم و برای نسل امروزه بویژه جوانان دانشجو باز نمود. بحمد الله مجموعه این کتاب هم به صورتی تدوین شده که فایده عمومی دارد و نفع آن برای اکثریت عامه مردم بوده، لذا خواندن این کتاب شریف را بر همگان توصیه می‌نمایم. زیرا در این عصر فتنه و آشوب از هر سو علیه اسلام و همه روزه با مرور ایام با فشارهای مختلف و با تبلیغات سوء و خلاف واقع علیه فرهنگ تشیع با قلم و قدم و با پول و سلاح وارد میدان تبلیغات فرهنگی و میدان نظامی می‌شوند و مخالفین دین علیه مسلمانان و شیعیان و بهترین و صالح ترین بندگان خداوند باری تعالی قیام نموده اند، انشاء الله



الرحمن خداوند متعال شر آنها را به خودشان باز گردانده و روز بروز همه از نور تابان دین بهتر بهره برند و کمال و شناخت دین را بیابند.

دکتر سید جمال الدین شهرستانی

استاد دانشگاه تهران

خرداد ۱۳۸۱

مَعْرِفَةُ آلِ مُحَمَّدٍ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ

عرفان و شناخت محمد ﷺ براءت از آتش جهنم است.

وَ حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ جَوَازٌ عَلَى الصُّرَاطِ

دوستی خاندان نبوت ﷺ گذرنامه عبور از پل صراط است.

وَالْوِلَاةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ

ولایت خاندان رسول الله ﷺ ایمنی از عذاب قیامت است.

سلام بر وجود نازنین

قطب عالم امکان و محور عالم وجود و واسطه بین غیب و مشهود و سرور  
تمامی

مؤمنین حضرت بقیه الله عَلَيْهِ السَّلَامُ

هر در که زخم به روی من در بندی

از من تو مگذر ای خدا تا چندی

بخشنده تسوی نا امیدم تو مکن

الی در را بگشا تو را به حق مهدی الهادی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اسلام برترین و بالاترین و آخرین و کاملترین دین الهی است و قرآن کریم آخرین و کاملترین و بهترین کتاب آسمانی و کلام قدسی و الهی است که از سوی خداوند رحمان و ایزد سبحان بر پیامبر گرامی اسلام ﷺ نازل و فرود آمده است و همگام با تمسک به قرآن مجید و با توجه و عمل نمودن به آن فرامین الهی و رهنمودها انسان می تواند شرایط سعادت‌مندی در دنیا و آخرت را برای خود حاصل نماید.

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

خداوند در دنیا و آخرت خیر و نیکی و سعادت و حسنه‌ی تام و تمام به همگی عنایت فرماید.

آدمی می تواند در جهت رشد کمال و اخلاق اسلامی با استفاده از دستورات نورانی دین مبین اسلام بهره مند و موفق شده و خودسازی را جهت رسیدن به کمالات در خود پیاده نماید و در راه کمال و تقوا کوشش نماید که هم خود را به آن کمالات واقعی و معنوی رسانده و هم خانواده و اطرافیان و حتی جامعه را به آن سو رهنمون سازد و در این راستا تمسک و توسل به ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌تواند بهترین وسیله هدایت و تزکیه‌ی روح و جسم باشد. و مسئله‌ی بعدی شناخت دین و مقام نبوت و امامت است که بر هر مسلمانی واجب است آن را بیاموزد چنانچه پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند:

اِنِّیْ تَارِكٌ فِیْكُمْ الثَّقَلِیْنَ کِتَابَ اللّٰهِ وَ اَهْلَ بَیْتِیْ لَنْ یَفْتَرِقَا

من دو چیز گرانبقدر و گرامی را نزد شما به امانت می گذارم.

یکی قرآن کریم (کتاب الله) و دیگری اهل بیتم را این دو از هم جدا نمی‌شوند

تا در روز قیامت به من برگردند.

پس شناخت و درک مسئله امامت و امام شناسی طبق فرموده حضرت رسول الله ﷺ بر هر فردی واجب بوده و تکلیف همگان از جانب خداوند باری تعالی روشن است به پذیرش دین الهی و تمسک به قرآن کتاب خداوند و گوش فرا دادن به دستورات مقام رسالت پیامبر عالی قدر اسلام حضرت محمد ﷺ و مقام امامت و دست نیاز و توسل به حضرات ائمه علیهم السلام و دعا برای فرج حضرت صاحب الامر مهدی علیه السلام و انتظار فرج ایشان که از بالاترین ثوابهاست، در این راستا مطالعه کتاب خورشید تابناک که بسیار با ارزش و پر اهمیت بوده و خواندن این کتاب را بر همگان توصیه می‌نمایم و با اینکه محقق و نویسنده محترم جناب مستطاب آقای حسینی تهرانی با زحمات فراوان در گردآوری این اثر مهم علمی و دینی و فرهنگی که هم از زبان ادیان مختلف و هم از بیان اسلام و تشیع و تسنن بیانگر شناخت بیشتر و بهتر درباره بررسی آیات امامت و ولایت و آیات مربوط به حضرت و احوالات و احادیث و اخبار درباره حضرت صاحب الزمان علیه السلام مطالعه این گونه کتب را برای نسل جوان و پژوهشگر بسیار مؤثر و مفید می‌دانم. امید است توفیق هر چه بیشتر و بهتر برای درک معرفت کاملتر فهم دین و ولایت و امامت و پاسداری از آن برهمگان میسر گردد.

علی نجفی شهرضایی

حوزه علمیه قم

پانزده خرداد ماه ۱۳۸۱

### امامت از دیدگاه فرهنگ شیعه

یکی از بزرگترین مسائل مهم در فرهنگ شیعه اثنی عشری که از سایر مذاهب ممتاز می‌نماید اعتقاد به امامت پس از پیامبر عالی قدر اسلام ﷺ و اینکه زمین هیچ‌گاه خالی از حجت و امام نخواهد بود. دانشمندان شیعه در کتب علمی خویش به تحلیل و تأیید و اثبات این دو رکن پرداخته‌اند و به این ترتیب کتابها و رساله‌های مختلفی در موضوع حضرت امام عصر ولی الله العظمی و غیبت ایشان تالیف شده از جمله کتابهایی که در آن عصر به رشته تحریر در آمده کتابهای کمال الدین و تمام النعمه نوشته مرحوم شیخ صدوق رحمة الله علیه است با وجود این که وی اولین کسی نیست که در این موضوع دست به تالیف زده است ولیکن این کتاب از اولین کتابها و در عین حال از مستندترین کلام‌ها در مسئله غیبت است. و این در حالیست که از زمان تالیف این کتابها فقط ۱۰۷ سال از غیبت حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه گذشته بود. وجه تسمیه این کتابها در آن زمان این است که در نظر شیخ صدوق اولی کمال دین و دیگری کمال نعمت بوده و در باب آخر کتاب در توصیف امامت بیان داشته است.

#### بها کمال الدین و تمت النعمه

با امامت دین کامل شد و نعمت تمام گردید. ایشان در روایتی در کتاب خود از امام هشتم حضرت امام ابوالحسن علی ابن موسی الرضا علیه السلام نقل نموده است:

بأمر الامامة من تمام الدین

امامت نشانه تمامیت دین است.

با توجه به فرمایش حضرت امام رضا علیه السلام و عبارت شیخ صدوق (ره) همان نام کمال الدین و تمام النعمه برای این آثار با ارزش صحیح می‌باشد. به این

خاطر کتاب شناس بزرگ معاصر مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب پیر ارج خود، «الذریعه فی تصانیف الشیعه» نام این کتاب را «اکمال الدین و اتمام النعمه» ذکر نموده است.

پدر شیخ صدوق دختر عموی خود را در نکاح داشته و از او فرزندی نیاورده بود وی نامه‌ای به حسین بن روح نائب خاص حضرت امام عصر علیه السلام در زمان غیبت صغری نگاشت تا از حضرت درخواست نماید که برای او فرزندی دانشمند از خداوند بخواهد پس از سه روز از وصول نامه به وی خبر رسید که آن حضرت برای علی بن حسین، (پدر شیخ صدوق) دعا فرمودند و بزودی فرزندی مبارک متولد خواهد شد و مرحوم شیخ رحمة الله علیه) به این جریان مباحثات و افتخار می‌نموده و بسیار شاکر خداوند بوده است.

یارب به دلم مهر علی و اولادش افزون فرما

بی حب علی عمل نیارزد به هیچ

یارب خواهم ز تو روز جزا و حساب

با حیدر و آل، مرا نمایی دمساز

### امامت و ولایت از دیدگاه قرآن کریم

برای اثبات امامت و خلافت امام علی ابن ابی طالب علیه السلام به آیاتی از قرآن استدلال شده و از جمله آیه شریفه می‌باشد.

انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة وهم

راکعون

سوره شریقه مائده آیه ۵۵

ولی امروز صاحب اختیار شما فقط خدا ورسولش و مؤمنانی هستند که نماز می‌خوانند و در حال رکوع صدقه و زکوة می‌دهند.

مفسرین شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که آیه مذکور در شأن امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام نازل شده است و روایات کثیری از عامه و خاصه نیز بر آن دلالت دارد. ابوذر غفاری نقل نموده که روزی نماز ظهر را با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خواندیم سائلی از مردم تقاضای کمک نمود ولی کسی به او چیزی نداد سائل دستش را به طرف آسمان بلند کرد و گفت خدایا شاهد باش در مسجد پیغمبرت کسی به من چیزی نداد. امام علی ابن ابی طالب علیه السلام در حال رکوع بود با انگشتش به سائل اشاره کرد او هم انگشتر را از دست حضرت بیرون آورد و در آن حال پیامبر دست به آسمان بلند کردند و عرضه داشتند. خدایا برادرم موسی به تو گفت خدایا شرح صدری به من عطا کن و کارهایم را آسان قرار بده پس وحی نازل شد که ما بازوی تو را بواسطه برادرت محکم می‌گردانیم و نفوذ و تسلطی برایت عطا خواهیم نمود و به او زبان گویایی عطا فرمودی که مردم سخنانش را بفهمند.

خدایا منم پیغمبر تو هستم شرح صدری برایم عطا فرما و کارهایم را آسان گردان و علی را وزیرم و پشتیبانم قرار بده: ابوذر می‌گوید هنوز سخن پیامبر تمام نشده بود که آیه شریفه انما ولیکم نال شد.

نقل از کتاب ذخائر العقبی تألیف طبری صفحه ۱۶

و ذر المنثور جلد دوم صفحه ۲۹۳

و غایة المرام صفحه ۱۰۳ جلد ۲۴، در مورد مایوس و ناامید شدن کفار و منافقین در سوره مائده در آیه شریفه سوم فرموده است.

اليوم یثس الذین کفروامن دینکم فلا تخشوهم واخشون الیوم اکملت لکم



## دینکم و اتمت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دنیا

سوره مائده آیه سوم

کفار که از برچیده شدن دستگاه اسلام ناامید شده بودند. و با وجود این آیه شریفه، امروز دین شما را کامل و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را برای شما برگزیدم.

ظاهر این آیه شریفه این است که: قبل از نزول این آیه کفار امیدوار بودند که روزی خواهد آمد که اسلام برچیده شود ولی خداوند متعال آنان را مایوس گردانید.

یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تعقل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس

سوره مائده آیه شریف ۷۲

ای پیامبر! موضوعی را که بتو دستور دادیم بمردم ابلاغ کن که اگر ابلاغ نکنی رسالت خدا را انجام نداده ای (و خدا تو را از هرگونه خطری که متوجه تو باشد در امان خواهد داشت.) ( این آیه دلالت می‌کند که: خداوند موضوع قابل توجه و بسی مهمی را که اگر انجام نگیرد اساس اسلام و رسالت در خطر واقع می‌شود به پیامبر دستور می‌فرماید ولی از بس با اهمیت و مهم بوده پیامبر از مخالفت و کارشکنی مردم در هراس بوده و شاید به انتظار موقعیت مناسب آنرا به تاخیر می‌انداخته است تا اینکه از جانب خداوند باریتعالی امر مؤکد و فوری صادر شد که باید در انجام این دستور تعلل نورزی و از هیچ کس نه‌راسی آنچه مسلم است این موضوع با اهمیت در غدیر خم درباره ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام طی آیه ذکر شده نازل شد و بسیاری از مفسرین شیعه و سنی آنرا تایید دارند، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان سرپرست و متصدی اسلام بمردم معرفی نمود و

پس از حضرت مولیٰ علی علیه السلام هم این وظیفه الهی مهم و سنگین و ضروری بعهدده نسل پاکی از دودمان پیامبر الهی که از نسل علی علیه السلام بوجود می آیند خواهد بود.

و جعلنا هم ائمه یهدون بامرنا  
سوره انبیاء آیه ۷۳

و ما قرار دادیم پیشوایانی برای هدایت و رهبری  
امام علیه السلام همان گونه که نسبت به ظاهر اعمال مردم پیشوا و راهنماست  
همچنان در باطن نیز سمت پیشوایی و رهبری دارد و اوست قافله سالار کاروان  
انسانیت که از راه باطن بسوی خداوند سیر می کند.

### عصمت امام... و لزوم وجود امام

امام علیه السلام باید بطور یقین معصوم باشد پس دلیل بر اثبات عصمت امام علیه السلام این است که آنچه موجب شده ما محتاج به وجود امام باشیم معصوم نبودن ماست زیرا اگر همه مردم معصوم بودند احتیاج به امام نداشتند. چنانکه از این جمله استنباط می شود احتیاج فعل به فاعل را حدوث فعل می نامیم و لذا می گوئیم هر فعل حادثی و پدیده ای محتاج به محدث (پدید آورنده ای) است به همین دلیل معلوم می شود که هر شخص غیر معصوم نیازمند به امام معصوم است و گرنه علت احتیاج نقض شد. این گونه استدلال ها در کتابهای کلامی به تفصیل بیان شده است و چون امام معصوم در جامعه اسلامی همیشه وجود دارند و خداوند تبارک و تعالی زمین را خالی از حجت قرار نمی دهد. امامت حضرت صاحب الزمان علیه السلام نیز ثابت می گردد ما مسلمانها درباره وجود مقدس امام زمان علیه السلام معتقدیم که غیبت آن حضرت دارای حکمتی است هر چند تفصیل آن را ندانیم.

فی ان الائمة شهد الله عز و جل علی خلقه  
(کافی)

و امامان گواهان و ناظر اعمال ما هستند و نظارت نیز وسیله تکامل است.

ان الائمه ولایة امر الله و خزنة علمه  
والیان امرالله خزینة علم خدا هستند.  
(کافی)

منظور از والیان امرالله نه فقط امر به احکام، بلکه همه امور است.

حضرت امام حسن عسکری، (راجع به امامت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام) فرزند امام علی النقی علیه السلام در سال دویست و سی و دو هجری قمری متولد شدند و در سال دویست و شصت هجری بنا بر روایات به دسیسه معتمد، خلیفه عباسی مسموم و به درجه شهادت نائل شدند امام یازدهم پس از درگذشت پدر بزرگوار، به امر خداوند به مقام امامت نائل شدند و هفت سال امامت کردند و در عهد امامت کمال سختگیری از ناحیه حکومت ملعون بنی العباس بر علیه ایشان انجام می شد. تا آنجا که درب منزل ایشان به روی مردم، حتی عامه شیعه بسته بود به جز خواص شیعه، باز نمی فرمود با اینحال اکثر اوقات محبوس بودند و سبب این مراقبت شدید؛ در آن زمان این بود که جمعیت شیعه کثرت و قدرتشان به حد قابل توجهی رسیده بود و برای همگان روشن شده بود که امامان امرشان برای شیعیان مورد قبول و پذیرفته شده است و آنها از نظر قوای مردمی در حد وسیع و گسترده توان مند هستند و به همین دلیل حکومت عباسی با هراس در مقابل حضرت ایستادگی می نمودند و از هر راه با نقشه های مرموز در محو و نابود کردن امام علیه السلام و آثار ایشان می کوشیدند. طبق روایاتی که از خود امام یازدهم حضرت امام حسن عسگری علیه السلام و امام علی النقی علیه السلام نقل شده که از امام حسن عسگری فرزند بنام مهدی علیه السلام متولد خواهد شد. که همگان او را امام دوازدهم شیعه می دانند پس بدین سبب امام یازدهم حضرت عسگری علیه السلام بیشتر از سایر ائمه علیهم السلام، تحت مراقبت مقام خلافت

در آمده بود و خلیفه وقت لعنة الله عليه تصمیم قطعی گرفته بود که بهر طریقی که ممکن است به امامت و رهبری امام علیه السلام خاتمه بخشد و در این خانه را برای همیشه ببندد و از این رو همین که بیماری امام یازدهم در اثر مسموم شدن ظاهر شد، معتمد، خلیفه ملعون عباسی طبیب و چندین نفر از معتمدان خود و چند نفر از قضات را به منزل حضرت فرستاد که پیوسته با حضرت بوده و مراقب اوضاع داخلی منزل باشند و پس از شهادت امام نیز کاملاً اوضاع را مراقبت نموده و آنان دائماً به خلیفه گزارش می دادند و توسط قابله‌ها همسر و کنیزان آن حضرت را معاینه می نمودند که اگر آثار حملی و یا تولد نوزادی باشد خلیفه را در جریان بگذارند و مدت‌ها این قضیه ادامه داشت تا اینکه به کلی ناامید شدند. حضرت امام حسن عسکری علیه السلام پس از شهادت، در خانه شخصی پدرشان در شهر سامرا در کنار پدر بزرگوارشان به خاک سپرده شدند و در همان مکان قبر مطهر نرجس خاتون مادر حضرت صاحب الزمان علیه السلام و قبر مطهر عمه حضرت می باشد که چهار قبر نورانی در ضریحی در حرم عسکریین در سامره می باشد و در کنار صحن مطهر سرداب نورانی حضرت ولی عصر علیه السلام نیز می باشد.

### یکی از معجزات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

در کتاب مناقب اهل بیت علیهم السلام جلد دوم صفحه ۲۸۹

از علی بن عاصم کوفی، نقل شده که وی نابینا بود و در آن حال خدمت حضرت شرفیاب شده و بینایی چشم خود را از حضرت می خواهد حضرت در جواب او می فرماید ای پسر عاصم بدان که تو روی فرشی نشسته ای که بسیاری از پیامبران الهی و رسولان روی آن نشسته اند. علی بن عاصم به حضرت می گوید ای کاش تا آخر عمرم از شما جدا نبودم حضرت به او می

فرمایند به نزد من بیا، نزدیک حضرت رفته حضرت دست مبارکشان را روی صورتم کشیدند و به اذن خدای سبحان بینایی به من عطا شد.

سپس حضرت فرمودند: این جای قدمهای پدر ما، آدم علیه السلام است و هابیل و شیث و ادريس و هود و صالح و لقمان و ابراهيم و لوط و شعيب و موسى و داود و سليمان و خضر و دانيال و ذی القرنين و عدنان و عبدالمطلب و عبدالمناف و عبدالله و رسول الله صلی الله علیه و آله و علی ابن ابی طالب علیه السلام است.

علی ابن عاصم روی زمین افتاده و جای قدمهای مبارک را بوسه زد و سپس دست مبارک حضرت امام حسن عسگری علیه السلام را بوسید و عرضه داشت من قدرت و توانایی یاری نمودن شما را ندارم و فقط دشمنانتان غاصبین خلافت و پیروان آنان را لعن می‌کنم.

حضرت به نقل از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند هر کس قدرت و توانایی یاری کردن ما را نداشته باشد اما لعن بر دشمنان ما نماید خدای تعالی صدای او را به تمام ملائکه می‌رساند و ملائکه در آسمان برای او استغفار می‌کنند و علو مرتبه برای او طلب می‌کنند و می‌گویند پروردگارا: درود و صلوات بی پایانت را بر این بنده بفرست، که اظهار علاقه و دوستی و محبت به خاندان عصمت و طهارت نموده و بیزاری داشته از دشمنان آنان و از جانب حق تعالی خطاب می‌شود: ای ملائکه من صدای شما را شنیدم و دعای شما را مستجاب نمودم و این بنده ام را با نیکوکاران و اخیار محشور خواهم نمود.

اللهم أمتنا علی ولایتهم و البرائه من اعدائهم و ارزقنا شفاعتهم انشاء الله الرحمن

در کتاب مهم تفسیر جامع جلد چهارم صفحه ۲۳۹ آمده که سعد بن عبدالله به حضور مولای خود حضرت امام حسن عسگری علیه السلام شرفیاب شد و سوالاتی از

حضرت نمود حضرت فرمودند از این طفل سوال نما که او نور دیده‌ام است و امام دوازدهم خواهد بود. از آن گوهر تابناک پرسیدم؛ ای فرزند رسول خدا مرا از تأویل (کهیصص) مطلع بفرمایید؟ فرمودند این حروف مقطعه از اخبار غیبیه است و خداوند با اشاره به آن حروف حوادث مربوط به زکریا را برای پیامبر اسلام ﷺ اعلام فرموده است، زکریا از خداوند درخواست نمود اسماء خمس طیبه را به او تعلیم دهد جبرئیل نازل شد و اسماء را به زکریا تعلیم نمود روزی در مقام مناجات عرض نمود پروردگارا چه مصلحتی است که هر وقت نام محمد و علی و فاطمه و حسن ﷺ را به یاد می‌آورم خوشحال شده وهم و غم خود را فراموش می‌کنم.

و چون نام حسین ﷺ را متذکر می‌شوم، بی اختیار اشکم جاری می‌شود و غمگین و غصه دار می‌شوم در آن حال خداوند حادثه حضرت سید الشهداء را برای زکریا ﷺ بیان فرمود که (کاف) اشاره به کربلای امام حسین ﷺ و (ها) رمزی از شهادت آن حضرت و فرزندان و یارانش و حرف (یا) اشاره به یزیدبن معاویه لعنة الله علیه است و حرف (عین) حکایت از عطش حضرت سیدالشهداء حسین بن علی ﷺ و حرف (صاد) صبر حضرت امام حسین ﷺ را می‌رساند. و زکریا ﷺ چون واقعه جانگداز کربلا را شنید چنان متأثر شد که تا سه روز از مصلاهی خود خارج نشد و گریه زیادی نمود و از خداوند درخواست کرد که به او را نیز فرزندی کرامت فرماید که مایه روشنی چشم بوده و مانند حضرت امام حسین ﷺ به شهادت برسد.

خداوند دعایش را مستجاب و یحیی ﷺ را به او عطا فرمود و او هم چون حضرت امام حسین ﷺ شش ماهه بدنیا آمد، سپس سرایشان را بریدند و به فیض شهادت نائل شد.

و مرقد مطهر حضرت یحیی بن زکریا ﷺ در شهر دمشق (شام) در مسجد

اموی است و در آن محل قبر مطهر ایشان در ضریحی بسیار نورانی است.

### اثبات وجود مبارک حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ از کتب شیعه و سنی

شهرستانی در کتاب ملل و نحل خود ادعا نموده که معتقدان به امامت امام حسن عسگری عَلَيْهِ السَّلَامُ پس از شهادت ایشان به یازده گروه تقسیم شدند، اما هیچ اشاره‌ای به نام این گروهها نکرده است که این مطلب نادرست بودن ادعای او را ثابت می‌کند و لذا علامه سید عبدالحسین شرف الدین آن عالم بزرگ در کتاب «الفصول المهمه» درباره ادعایی که شهرستانی در کتاب خود بیان نموده است این‌گونه بیان داشتند که ای کاش ایشان حرفهایی که از این فرقه‌ها نقل می‌نمود با نام کتاب و یا شخصی مستند عنوان می‌نمود و یا حداقل اطلاعی از مکان زندگی و نام فرقه را ذکر می‌کرد شما را به خدا قسم تاکنون گروهی یا مکتبی را می‌شناسید که آرا و نظریاتش مورد نقد و بررسی باشد ولی کسی از بودن آنها مطلع نباشد؟

آیا دلیلی قوی تر از اتفاق جماعت دانشمندان و راویان موثق در مورد ولادت امام حجة بن الحسن العسگری عَلَيْهِ السَّلَامُ وجود دارد؟ چون برای اثبات این موارد هیچ چیز مثل خبر صحیح، شواهد فراوان و وجود قرائن و مویدات عقلی و منطقی نیست که البته در این زمینه همه اینها موجود است. ثامر العمیدی در جزو اول کتاب خود به نام دفاع عن الکافی ولادت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ را از طریق روایات و احادیث صحیح و نقلهای متواتر تاریخی را اثبات نموده و اعترافات و اقرارهای فقیهان و محدثان و مفسران و مورخان و پژوهشگران و ادیبان و نویسندگان علمای اهل سنت و جماعت را درباره ولادت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ آورده است. وی از قرن چهارم هجری از افرادی مثل رویانی در کتاب المسند سهل بن



عبدالله البخاری و در کتاب سرالسلسله العلویه و خوارزمی (متولد سنه ۳۸۷ قمری) در کتاب «مفاتیح العلوم» (چاپ لندن سال ۱۸۹۵ میلادی) اسم برده است.

وی اعترافات رجال قرن پنجم تا قرن چهاردهم را نیز ذکر کرده است. از آن جمله‌اند: (علمای شیعه و علمای اهل سنت).

از جمله: «ابونعیم اصفهانی» (م ۴۳۰ ق) در کتاب «الاربعین حدیثاً»

«یحیی بن سلامه خصفکی شافعی» (م ۵۶۸ ق) که در کتاب «تذکره الخواص

ابن جوزی» آمده است.

«محمی الدین بن عربی» (م ۶۳۸ ق) در کتاب «الفتوحات المکیة» که

«شعرانی» در کتاب «یواقیت» نقل کرده است.

«ابوالفداء اسماعیل بن علی» (م ۷۳۲ ق) در کتاب «المختصر فی اخبار البشر»

«ابن صباغ مالکی» (م ۸۵۵ ق) در کتاب «الفصول المهمة»

«جلال الدین سیوطی» (م ۹۱۱ ق) در کتاب «احیاء المیت»

«ابن طولون حنفی» مورخ دمشق (م ۹۵۳ ق) در کتاب «الائمة الاثنا عشر»

«احمد بن یوسف العباس قرمانی حنفی» (م ۱۰۱۹ ق) در کتاب «اخبار

الدول»

«شبرای شافعی» (م ۱۱۷۱ ق) در کتاب «الاتحاف بحب الاشراف»

«محمد امین سویدی» (م ۱۲۴۶ ق) در کتاب «سبائک الذهب»

و بالاخره «زرکلی» (م ۱۳۹۶ ق) در کتاب «الاعلام»

آیا این همه روایت، نقل قول و شاهد برای اثبات وجود ولادت شخصیتی که

امام شیعیان هستند کافی نیست؟ بنابراین غیر از این، باید در همه رویدادهای

گذشته، شخصیت‌های علمی و تاریخی و آنچه در گذشته‌های دور و نزدیک

اتفاق افتاده است شک کنیم. یعنی وضعیتی که در آن هیچ چیز پابرجا نخواهد ماند.

اما اگر بخواهید مساله را از نظر عقلی مورد بررسی قرار دهید، کتاب «گفتگو درباره حضرت مهدی (عج)» نوشته شهید صدر، از هر نظر مفید و کامل و برهانی قاطع و دلیلی محکم برای کسانی است که می اندیشند و تعقل می کنند و به گفته ها و بافته های کسانی که به دنبال اهداف خاصی هستند یا مغالطه می کنند مثل «ظہیر» و «بنداری» و دیگران توجهی ندارند.

برای نمونه به بیان یکی از مغالطه های پردازیم:

«بعید نمی دانیم که خداوند عمر یک انسان را طولانی کند... ولی عقیده به وقوع این مورد، از راه «قیاس» درست نیست. امام صادق (ع) هم قیاس در فرع را جایز نمی دانستند، چه رسد به مسائل تاریخی و عقیدتی!»

آنها نمی دانند که قیاس در این گونه موارد جایز است یا نه. یعنی در مواردی که انسان راهی برای درک مساله ندارد، می توان از نظر اهل منطق و صاحب نظران و مطلعین فن قیاس و تشبیه دلیلی معتبر و اسلوبی علمی و منهجی قرآنی آورد.

خداوند می فرماید:

و يضرب الله الامثال للناس

خداوند برای مردم مثلها می آورد.

براین اساس سخن منکران معاد درباره مسائل اعتقادی نقل کرده و پاسخ می دهد:

قرآن کریم در این باره فرموده است:

و ضرب لنا مثلاً و نسی خلقه قال من يحيى العظام و هي رميم قل يحييها الذي

انشأها اول مرة  
سورة مبارکه یاسین، آیه ۷۸ و ۷۹  
برای ما مثلی آورد در حالی که خلقت خودش را فراموش کرده بود. گفت: چه  
کسی این استخوانهای پوسیده را زنده می کند؟ بگو همان کسی که اولین بار آن  
را آفرید، زنده اش می کند...

باین تفاسیر گروهی از منهج عملی و قرآنی دوری می جویند و فرقی میان  
«قیاس» در حکم شرعی که جایز نیست (چون علت حکم شارع، احراز نشده  
است و نمی شود آن را تعمیم داد) با قیاسی که در موارد عقلی به کار گرفته می  
شود و هیچ اشکالی ندارد، نمی گذارند.

از این رو کسانی که روش ایجاد شک را پی گرفته اند، هیچ دلیل و برهان و  
سند علمی یا تاریخی قابل قبول و منطقی برای انکار خود، در دست ندارند. همه  
اینها گمان، حدس و فرضیه است که در برابر ادله و برهانهای محکم روایی،  
تاریخی و عقلی رنگ می بازند، همان طور که طرفداران ولادت حضرت  
مهدی علیه السلام، و بقای وجود شریفش ایشان را ثابت شده است چنانچه نیاز به ثبوت  
نیست و در تمام ادیان این اعتقاد هست که روزی منجی و دادرسی می آید.

روایاتی که در زمینه ولادت آن نور تابان موجود است و از جهاتی نیز با هم  
اختلاف دارند زیانی به اصل قضیه نمی رساند. در اصل که مخالفان خواسته اند / با  
تمسک بدان / به صورتی غیر واقع بینانه از آن بهره جویند و اذهان را نسبت به  
ولادت آن حضرت مشوش سازند.

تولد حضرت مثل همه ولادتها با شهادت قابله ای مانند (حکیمه خاتون) دختر  
امام جواد علیه السلام و عمه محترمه امام حسن عسکری علیه السلام، به اثبات رسیده است. و  
تواتر اجمالی در اخبار راجع به این موضوع می باشد.

مشهور بنا بر نقل راویان موثق شیعه و سنی حضرت روز پانزدهم شعبان در

سال ۲۵۵ هجری قمری متولد شدند. و مادر بزرگوار ایشان نرجس خاتون بوده‌اند.

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، نیز یاران و شیعیان خود را به آن مولود مبارک بشارت داده و او را به عنوان جانشین و حجت موعود معرفی کرده است. شایان ذکر است که روش متکران حضرت مهدی علیه السلام همان روشی است که خاورشناسان برای اشکال تراشی به اعتقادات اسلامی و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و احکام و مفاهیم قرآنی به کار می‌بردند.

*ARBARI* «آربری» که خاورشناس منصفی است درباره این روش می‌گوید: «در این روش عبارتها را از سیاق خود جدا و سپس تجزیه و تحلیل سطحی می‌کنند و...» علاوه بر این آنها بسیار مغالطه کرده و از بحث دور می‌شوند. مثلاً ارجاع نادرست به مصادر می‌دهند و به دروغ متوسل می‌شوند. گاهی نیز برای به اشتباه انداختن عبارتهای زیادی می‌آورند و سپس مصادر را یک جا ذکر می‌کنند. از همه بدتر اینکه آنان با سطحی نگری و فهم ساده خود رای و نظری می‌دهند که آن مذهب یا جماعت دارند و سپس برای اینکه حرف خود را به کرسی بنشانند تلاش می‌کنند تا شواهدی گرد آورند و آن را به زور با عقاید خود تطبیق دهند. درحالی که نه در آن مذهب چنین گفته است و نه در آن مطلب حرف قابل قبولی است.

علامه محمدتقی حکیم، در کتاب اصول العامه للفقہ المقارن آورده است: «مجتهدان شیعه اجازه نمی‌دهند یک رای که مولود اجتهاد شخصی است به عنوان کل مذهب، نسبت داده شود. خواه این نظر فقهی یا اصولی و یا حدیثی باشد؛ هر مجتهدی مسئول نظر خود است و آنچه از «ضروریات» مذهب است، نسبت آن به صورت مطلق درست است.»

از این رو عمومیت بخشیدن به یک نظر اجتهادی تا مورد قبول عمومی نباشد و مشهور نشود، سخن گزافی است.

در زمینه‌های دیگر هم چنین است مثلاً اگر یکی از مفسران یا عالمی از اخباریان نظر خاصی قائل شود یا به روایت خاصی استناد کند و یا حتی اگر نظریه‌ای را پایه و اساس قرار دهد. درست نیست که به کل مذهب یا جماعت نسبت داده شود، منطقی و صحیح این است که فقط به خود او نسبت داده شود و این نسبت بدین معناست که وی بر روایت خاصی متکی بوده است و نیز ضرورت دارد روش خاص روایی هم در نظر گرفته شود.

در این صورت بر پژوهشگر لازم است از مجموع آرای فقها و علماء، رای مذهب را به دست آورد؛ رایی که از طریق روش عمومی فقها در پذیرش اخبار و روایات به دست آمده باشد. همچنین لازم است که به آنچه در نزد علماء، مصادر اصلی و اساسی شمرده می‌شود مراجعه کند. بنابراین پژوهشگران بدون توجه به این ملاحظات مهم، در ورطه‌ای از اشتباهات و گزافه‌گویی خواهند افتاد و در نتیجه از سوء قصد و تلاش در ایجاد اخلال و وسوسه‌گری مبرا نخواهند بود. همان کاری که دائماً گذشتگان ایشان مانند خاورشناسان و دشمنان اسلام یا کسانی که نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام، و مکتب اصیل ایشان کینه دارند، و انجام داده‌اند. همان کاری که احسان الهی ظهیر، و ابراهیم جبهان، بنداری و دیگران در گذشته و حال کرده‌اند.

پس از اثبات مسأله ولادت و وجود مبارک حضرت مهدی علیه‌السلام مطلب دیگری درباره آن حضرت باقی می‌ماند که همان ادامه و استمرار وجود مبارک ایشان از زمان غیبت صغری تا قطع نمایندگی و وقوع غیبت کبری است که خواننده گرامی و پژوهشگر جوینده حق مطلوب خود را در این زمینه در این کتاب

انشاءالله می‌یابد. و بحمدالله توضیحات کافی و به قدری ادله عقلی، منطقی و علمی ذکر شده و می‌شود که تشنگان سیراب شوند و همه اوهام و افسون شک اوران از ذهنها بیرون آید. و امید است همگان توفیق هر چه بهتر و بیشتر شناخت از آن نور تابناک را بنمائیم.

مهدیا تو را به حق محمد ﷺ به یاری ما

این دعائیست که محتاج هزاران آمین است

### حکومت جهانی حضرت مهدی عاشقناکالی نورناکالی

زمانی حکومت جهانی، پر از عدل و داد حضرت صاحب الامر عاشقناکالی  
نورناکالی تحقق پیدا می‌کند که تمامی روش‌ها و مکتب‌ها و تمامی داعیان اصلاح‌گریها و تمدن‌ها و تمامی ترقیاتی که در زندگی روزمره بشری پیدا شده و در بوته امتحان آمده و هیچ کدام از آن مکاتب نتوانسته‌اند به خواسته‌های بشریت جامعه عمل ببوشانند و جامعه‌ای که عدل و داد و مساوات در آن حاکم باشد پیاده نماند و در این زمان انسان‌ها در می‌یابند که این مکاتب و گروه‌ها همه نوعی، کاسبند و هرگز نمی‌توانند سعادت مطلوب را برای بشر به ارمغان بیاورند و تمدن حاکم بر جهان امروز از عهده حل نیازهای واقعی بشریت برآید. لذا در جای خود از جان و دل به حکومت الله جل جلاله و حاکمیت آل محمد ﷺ که همان حکومت حضرت صاحب الامر عاشقناکالی  
نورناکالی است تسلیم می‌شوند و در سایه ایمان به حق قلبهایشان آرامش یافته و آسودگی بر روانشان سایه می‌افکند و اضطرابها، ناراحتی‌ها، مادیگری، دنیامداری، حرص، طمع، بی‌دینی، بی‌ایمانی و بی‌اعتقادی، خلاصه تمام ردائل اخلاقی از جامعه رخت بر می‌بندد و در مقابل کمال و محسنات اخلاقی و دینی در جامعه راه یافته و دنیا تبدیل به گلستانی از معنویت می‌شود و

تمامی خواسته‌های دیرینه انسان‌ها برآورده شده، دیگر نه مشکل اقتصادی مطرح است نه ترس از ظلم و بیدادگری بیدادگران و تمام مسائل همه و همه یکجا حل می‌شود و حکومت دارای یک ثبات اجتماعی شده و تمامی مردمی که با مشکلات زندگی امروزه که نوعاً طاقت فرساست و انسان‌ها و تمامی خلائق خداوند با اینکه با آن همه از مشکلات که دست به گریبان هستند و زندگی روزمره می‌نمایند. با شروع حکومت جهانی حضرت و از برکت حضرتشان حل می‌شود و حتی آن دسته از ظالمینی که با حرص و طمع به فکر مال اندوزی در دنیا مادی بودند و دائماً از اقشار فقیر بصورت ابزار استفاده می‌کردند در زمان حکومت عدل و عدالت همه با مساوات و عدالت با هم زندگی می‌کنند و تمامی ظالمین و بیدادگران و اخلال‌گران و فساد انگیزان و دنیا داران و دنیا مداران همگی از بین می‌روند و جامعه یکدست الهی معنوی و دینی و انسانی بدست قائم آل محمد حضرت صاحب الامر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اداره می‌شود. چنانچه حدیثی در کتاب غایة المرام از محدث بحرانی نقل شده که پیامبر عالی قدر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله بیان فرمودند:

«شما را به مهدی بشارت می‌دهم که در امت من برانگیخته می‌شود و زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که از ستم و بیداد پر شده باشد و ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می‌شوند».

### آیات قرآنی درباره مصلح کل و منجی عالم بشریت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

آیات زیادی درباره قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتب معتبره مانند تفسیر علی ابن ابراهیم قمی، فرات کوفی و تفسیر عیاشی و کتابهای خصال شیخ صدوق و غیبت شیخ طوسی و غیبت نعمانی و کافی و شرح نهج البلاغه فخر



رازی و جامع الاخبار و کنز جامع الفوائد ذکر کرده‌اند.

(بعضی از کتب یاد شده آثار علمای اهل سنت هستند).

و آیات در سوره‌های لقمان آیه ۲۰ و حدید ۱۷، مریم ۷۶، شوری ۲۰-۲۱-۴۱-۴۲، قصص ۵، الذاریات ۲۲-۲۳، واقعه ۱۰، ص ۸۶، هود ۱۱۱، فصلت ۴۵، ابراهیم ۲۲، معراج ۲۶، انعام ۲۳-۵۸، اسری ۸۱، فصلت ۱۵، مطففین ۱۳، مدثر ۱۸، ۸، ۴۸، تغابن ۸، رحمن ۴۱-۶۴، الم سجده ۲۱، نمل ۶۲، صف ۸، بقره ۱۴۸-۳-۲۱۳، طور ۵۵، حج ۳۹-۶۰-۴۱، هود ۸، اسری ۴-۵، نحل ۱۲۰-۴۵-۸۴، براءت ۳۷-۵-۳۴، انفال ۳۹، مائده ۴، آل عمران ۱۴۰، قصص ۵-۲۲، حدید ۱۶-۱۷، نور ۵۵، یونس ۲۰، صف ۱۳، طارق ۱۶، لیل ۱، جن ۲۴، قمر ۱، عنکبوت ۱۰، الشعراء ۴، انبیاء ۱۵۰-۱۲، طه ۱۱۳، فاطر ۲۴، رعد ۳۲، یوسف ۴۵، جاثیه ۲۷، ذکر شده است. چند آیه برای تیمن و تبرک می‌آوریم؛

۱- أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَهْرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ.

۲- أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.

۳- وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ

خَيْرٌ مَّرَدًّا.

۴- مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ

مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن نَّصِيبٍ.

۵- أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُم مِّنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ

لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

۶- وَ لَمَنِ اتَّصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ

۷- إِنَّمَا السَّبِيلَ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَتَّبِعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ

أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

۸- وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوَعَدُونَ.

۹- هُوَ رَبُّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ.

۱۰- وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ.

۱۱- قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ.

۱۲- وَ أَنْ كَلَّا لَمَّا لِيُؤْفِقِيَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.

۱۳- وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَ لَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ

بَيْنَهُمْ وَ أَنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٌ.

۱۴- وَ قَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَ عِدَّتُكُمْ وَ عَدَدْتُكُمْ

فَاخْلَقْتُكُمْ وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي

وَ لَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ

مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

۱۵- وَ الَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ.

۱۶- فَتَنَّهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَ اللَّهُ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ.

۱۷- قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ

أَعْلَمُ

و در روایتی در کتاب بحار ج ۵۱ ص ۵۲

عن ابی بصیر عن امام ابی جعفر علیه السلام قال : فی قول الله عزوجل: قل ان اصبح  
مأوکم غوراً فمن یاتیکم بماء معین فقال هذه نزلت فی القائم الخ.

ابی بصیر از امام باقر علیه السلام از قول خداوند روایت کرده است :

قل ان اصبح مأواکم غوراً فمن یاتیکم بماء معین

این آیه درباره امام قائم حضرت مهدی علیه السلام نازل شده است.

## ۲ - اکمال الدین

عن یحیی بن ابی القاسم قال سئلت الصادق علیه السلام عن قول الله عزوجل: الم  
ذالک الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب، فقال: المتقون  
شیعة امام علی علیه السلام و اما الغیب فهو الحجة الغائب و شاهد ذلک قول الله تعالی و  
یقولون لولا انزل علیه آیه من ربه فقل انما الغیب لله فانتظرو انی معکم من  
المنتظرین.

یحیی بن ابوالقاسم می گوید : از حضرت امام صادق علیه السلام پرسیدم: درباره قول  
خداوند

(الم ذلک الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب)

فرمودند: مراد از متقین در این آیه شیعه حضرت امام علی علیه السلام است و اما  
منظور از غیبت همان حجت غایب است و شاهد براین قول خداوند تعالی است  
(و یقولون لولا انزل علیه آیه من ربه فقل انما الغیب لله فانتظرو انی معکم من  
المنتظرین).

## ۳ - در کتاب غیبت شیخ طوسی

عن امام علی علیه السلام فی قوله تعالی وَ نُریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِینَ اسْتَضَعُوا فِی  
الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ قال : هم آل محمد یبعث الله مہدیهم  
بعد جهد هم فیغزهم و یذل عدوهم.

از حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام درباره آیه (ونريدان نمن) سؤال شد فرمودند مراد از آنان (کسانی که استضعاف شدند و خداوند آنان را پیشوایان و وارثین قرار می‌دهد) آل محمد هستند خداوند مهدی علیه السلام را برمی‌انگیزد و آنها را عزیز و دشمنانشان را ذلیل می‌کند.

۴ - تفسیر عیاشی

عن ابی عبداللّٰه فی قول اللّٰه «و لئن اخرجنا عنهم العذاب الی امة معدودة» یعنی عدة کعدة بدر قال یجمعون له فی ساعة واحدة  
حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند: تعداد نفرات اصحاب حضرت قائم علیه السلام به تعداد نفرات بدر یعنی ۳۱۳ نفرند.

### آیات قرآنی درباره بقیه الله امام زمان مهدی علیه السلام

ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين  
سوره قصص آیه پنجم

نهادیم منت بر آن قوم و کیش که بودند مستضعف و خوار و ریش  
همانا چنین خواست یکتا خدا که آن قوم گردد همی پیشوا  
بگردند روی زمین جانشین بگردند خود وارث آن زمین  
و در سوره مبارکه نور آیه ۵۵:

و عدالله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض كما  
استخلف الذين من قبلهم

در این آیه شریفه وعده بزرگ الهی بیان شده است و این مطلب یکی از ویژگی‌های خاص و قابل اهمیت در قرآن مجید است در واقع آیات کریمه فوق رابطه بین موعود آخرالزمان و بینش توحیدی را متذکر شده و بر واقعه حتمی آخر

الزمان و تحقق حکومت ضعفا بر مستکبرین آن تاکید و تضمین شده است. قرآن کریم ضمن معرفی حکومت امام زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه عدل و داد را آرزوی هر انسان حق طلب و حق جو و مستضعف بیان کرده است و این خواسته فطری بشریت علیه ستمکاران و جباران و دنیامداران و دنیا طلبان و کفار بوده و انسان‌های ممتاز همیشه در انتظار فرج مصلح کل عالم و بشریت بوده‌اند و خواهند بود.

در سوره مبارکه صف آیه شریفه نهم آمده است که :

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره  
المشکون

خداوند امام و فرستاده خود را با هدایت و دین حق برمی‌انگیزد تا بر همه ادیان غالب شود، هر چند مشرکین قبول ندارند این آیه شریفه را که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است؛ با اینکه حضرت بر همه ادیان و کیشها پیروز می‌گردند و زمین را پر از عدل و داد می‌کند. امام هشتم حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام درباره این آیه شریفه فرموده‌اند هنوز زمان تاویل این آیه نرسیده است. ابوبصیر می‌گوید از امام علیه السلام پرسیدم: قربانت گردم پس کی موقع تاویل آن فرا می‌رسد؟ حضرت فرمودند انشاءالله هنگامی که قائم قیام کند. و چون قیام نماید هر جا کافر و مشرکی باشد. ظهور وی برایش ناخوشایند ولی برای مؤمنین با سعادت و توأم با کمال است.

«ال م» ذالک الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب و

یقیمون

سوره بقره آیه اول

شیخ صدوق در کتاب اکمال الدین از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل نموده،

تفسیر این آیه شریفه را از حضرت پرسیدم حضرت فرمودند متقین در این آیه شیعیان حضرت امیر المومنین علی علیه السلام هستند و غیبت، حجت غائب حضرت مهدی علیه السلام می باشد و دلیل این عبارت در تفسیر آیه شریفه بیستم از سوره یونس نمایان است.

فقل انما الغیب لله فانظروا انی معکم من المنتظرین

ای پیامبر بگو دانای غیب از علم خداست؛ شما منتظر باشید که من نیز با شما از منتظران می باشم. در سوره حدید آیه ۲۶ مهمترین نکته این است که مهدی موعود علیه السلام هنوز نیامده است و همه باید منتظر ظهور آن نور تابناک باشیم.

اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها قد بینا لکم الایات لعلکم تعقلون بدانید خداوند زمین را پس از مردنش زنده می گرداند ما آیات خود را برای شما بیان کردیم تا درباره آن تعقل کنید.

در کتاب غیبت شیخ نعمانی از ابن عباس روایت شده است خداوند زمین مرده را بعد از پیدادگری اهلش با ظهور قائم آل محمد حضرت مهدی علیه السلام اصلاح و احیاء می فرماید و از زمین مردگانی را بر می انگیزد که یار و یاور حضرت خواهند گشت.

و لقد ارسلنا موسی بآیاتنا ان اخرج قومک من الظلمات الی النور و ذکرهم بایام الله ان فی ذالک لآیات لکل صبار شکور

سوره ابراهیم آیه ۵

ما موسی را همراه آیات خود فرستادیم تا قوم خود را از ورطه ظلمانی کفر در آورده و به عالم نورانی ایمان رهبری کند و به یاد آورد روزهای مهم خداوندی را که در آن آیاتی است برای هر صبر کننده و شکرگذار.

روزهای مهم خداوندی (ایام الله) سه روز است. (البته برای معتقدان و مؤمنان)

۱ - ظهور قائم صلوات الله علیه ۲ - مرگ ۳ - روز قیامت.

و قضینا الی بنی اسرائیل فی الكتاب

در تورات به بنی اسرائیل اعلام کردیم و پس از آن خداوند امت پیامبر اسلام ﷺ را مخاطب قرار داده و می فرماید:

لتفسدون فی الارض مرتین و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان

زهوقاً

سوره اسراء آیه ۸۱

و بگو پیامد حق و نابود شد باطل همانا باطل است نابود شونده

شما ای امت محمد به راه بنی اسرائیل خواهید رفت و همانند اصحاب آنها در

زمین دست به فساد می زنید.

و لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا

سوره اسراء آیه شریفه چهارم

و سرکشی کرده، ادعای خلافت عظمی می نمائید.

ان احسنتم احسنتم لاتفسکم و ان اساتم فلها فاذا جاء وعد الاخرة

اگر نیکی کنید نیکی بینید و اگر بدی کنید بدی و چون وعده دیگر فرا رسد، و

قائم آل محمد حضرت امام عصر عجل الله فرجه و یارانش قیام کند.

لیسوا اوجوهکم

رویهای شما سیاه گردد

ولید خلوا المسجد كما دخلوه اول مرة و لیتبروا ما علوا تتیبراً

و با یارانش به مسجد الحرام درآیند (مانند روزی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر

المومنین علی علیه السلام و سپاه اسلام نخستین بار پس از سالیانی از مدینه به مکه

مشرف شده و به بیت الله الحرام آمدند). تا دولت و شوکت و حکومتان را سخت

تباه گردانند، سپس پروردگار نظر رحمتی به آل پیامبر افکنده، و می فرماید:



عسی ربکم آن یرحمکم  
 سوره اسرا (بنی اسرائیل) آیه هشتم

خداوندا به شما ترحم کرده و بر دشمنانتان پیروز گردانید  
 بعثنا علیکم عبادنا اولی بأس شدید فجا سوا خلال الدیار  
 خداوند مردمی را پیش از ظهور (قائم آل محمد) برانگیزد تا دشمنان و ظالمین  
 نابود سازند و این کاری است که قبل از قیام قائم شدنی است. (و کان وعداً  
 مفعولاً)

ثم ردد نالکم الکره علیهم و امدد ناکم باموال و بنین و جعلنا کم اکثر نفیرا  
 در روایتی آمده است، حضرت امام حسین علیه السلام با شهدای کربلاء باز می‌گردند  
 در حالی که لباس سفید پوشیده‌اند و به مردم اعلام می‌نمایند اهل ایمان تردید  
 ننمایید. سپس از جانب امام حسین علیه السلام امام زمان حضرت مهدی علیه السلام به مردم  
 معرفی شده و اهل ایمان و یقین آن حضرت را تصدیق می‌کنند و مدتها حضرت  
 حکومت می‌فرمایند و چون امام زمان علیه السلام وفات می‌نمایند امام حسین علیه السلام ایشان  
 را غسل داده، کفن کرده و دفن می‌نمایند و سپس ایشان متصدی امر امامت  
 می‌شوند و تا زمانی حکومت می‌نمایند که در اثر کثرت عمر، ابروانشان سفید  
 شده و جلوی چشم مبارکشانشان را فرا می‌گیرد.

یرید الله ان یحق الحق بکلماته

خداوند اراده کرده است که حق را به وسیله کلمات خود تقویت کند.

و برای رسیدن به این هدف پیامبر را مبعوث کرده و به ایشان می‌فرماید:

تلك آیات الله نتلوها علیک بالحق  
 سوره آل عمران آیه ۱۰۸

ما این آیات الهی را به حق بر تو تلاوت می‌کنیم

و بالحق انزلناه و بالحق نزل  
 سوره اسراء آیه ۱۰۵

و ما این آیات براو به حق نازل کردیم و برای اقامه حق نازل شد

## لایاتیه الباطل من بین یدیه و لامن خلفه

هیچ گونه باطلی نه از پیش رو و نه از پشت سر به سراغ آن نمی آید. قرآن کریم در مرحله انزال و نزول همراه با حق بود، از این رو هیچگاه مطالبش قابل زوال نیست چنین دینی دین حق است. پیامبران بهترین رها ورد و توشه را به مردم داده و آنها را به سوی حق و حقیقت و یک امر واقعی رهنمون کرده اند و اراده الهی نیز براین قرار گرفته که این دین پا برجا و جهانی شود و سایر ادیان را زیر سیطره خود قرار دهد و آنچه را باطل و اوهام و خرافات است از میان بردارد به همین منظور خداوند متعال در جنگ بدر وعده پیروزی مسلمین را بصورت یک قاعده کلی بیان فرموده است.

## لیحق الحق و یبطل الباطل

حق را تثبیت و باطل را از میان بر خواهیم داشت.  
و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا  
و بگو حق آمد و باطل نابود شد بدرستی که باطل از بین رفتنی است.  
قرآن کریم کاملترین کتابی است که به تنهایی مطابق با فطرت بشری است و تمامی قوانین الهی که به سود و نفع بشر است در آن جمع آوری شده و به همگان راه و روش هدایت و روشن گری و کمال و نیک بختی را رهنمون می سازد.  
در سوره اعراف آیه شریفه ۱۲۸ آورده است:

## والعاقبة للمتین

این وعده الهی است که سرانجام پیروزی با اهل تقوی و یقین است.  
به بیان و نظریه از مفسرین قرآن مجید درباره سوره مبارکه نور نقل شده است حضرت علی علیه السلام به جابر فرمودند ای جابر تفسیر سوره نور را می دانی؛ سپس فرمودند:

(بحار الانوار جلد ۵۲)

الله نور السموات و الارض مثل نوره كمشكوة

مشكوة: حضرت محمد ﷺ است

مصباح، من هستم

المصباح في زجاجة، حسن و حسين هستند

كانها كوكب دري، علي بن الحسين است

يوقد من شجره، محمد بن علي است

زيتونه، جعفر بن محمد است

لاشريقيه، موسى ابن جعفر است

و لاغرييه، علي ابن موسى است

يكاد زيتها يضيي، محمد بن علي است

ولو لم تمسه نار، علي بن محمد است

نور علي نور، حسن بن علي است

يهدى الله لنوره من يشاء، (قائم ما مهدي ﷺ) است.

و اوست كه هدايت كند با نور خود از ناحيه خداوند عالم كه (من يشاء) است.

يوسف گم گشته باز آيد به كنعان غم مخور

كلبة احزان شود روزي گلستان غم مخور

درباره تسلط حضرت قائم ﷺ به تمامی آدمیان و خلائق و ادیان

ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون . سوره توبه آيه ۳۲

مفسرين به نقل از مفضل از امام صادق ﷺ در تاويل اين آيه شريفه بيان

نموده‌اند: اين آيه در مورد تسلط حضرت صاحب الامر قائم ﷺ بر همه ادیان

است. حضرت درباره تاويل اين آيه شريفه فرمودند:

و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین کله لله

چندان از مشرکان بکشید تا دیگر فتنه ای در میان مردم نباشد و تا همه تابع دین خداوند شوند. سپس امام به مفضل فرمودند: ایشان اختلاف را از میان ملل و ادیان بر می‌دارد و همه دینها یکی می‌شود و هیچ جایی از عالم اختلافی باقی نمی‌ماند چنانکه خداوند فرموده:

انّ الدّین عندالله الاسلام

آل عمران آیه مبارکه ۱۹

همانا که در نزد یکتا خدا بود دین اسلام دینی سرا

و من یتبع غیرالاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الاخرة من الخاسرین

هر آن کس که دینی کند اختیار بجز دین اسلام در روزگار

پذیرفته ز آن شخص هرگز نباد زیانهاست او را به روز معاد

هر کسی دینی جز دین اسلام را بپذیرد هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در

عالم آخرت از زیانکاران خواهد بود.

در کتاب بصائرالدرجات حدیثی از یعقوب بن جعفر روایت کرده که در مکه

معظمه در حضور حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بودم مردی وارد شد عرض کرد ای

فرزند رسول خدا شما طوری تفسیر قرآن می‌فرمائید که نظیر این کلمات را

تاکنون نشنیده‌ام حضرت در جواب فرمودند قرآن و تفسیر آن بر ما خاندان و

اهل بیت نازل شده پیش از آنکه بر مردم نازل شود ما ائمه، حلال و حرام ناسخ و

منسوخ و متفرق و احکامی را که در قرآن آمده همه را می‌دانیم و آنچه در آیات

هست و آنچه آیا شب این آیه شریفه بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و یا روز و اینکه

در حق چه شخص یا اشخاصی نازل شده خلاصه ما ائمه حجت‌های خداوند در

روی زمین هستیم و شاهد و گواهان مخلوقات می‌باشیم چنانچه پروردگار عالم

در قرآن کریم فرموده:

## ستکب شهادتهم

شهادت از ما است و سوال و پرسش از آن مشهود علیه است.

و جعلها کلمه باقیه فی عقبه لعلهم يرجعون آیه ۲۸ در سوره زخرف

خدا پرستی را در ذریه خود باقی گذاشت تا خدای یکتا باز گردند.

در تفسیر جامع جلد ششم صفحه ۲۴۳ و تفسیر برهان جلد چهارم صفحه

۱۳۸

ذیل آیه شریفه مذکور چنین بیان شده که ابن بابویه ذیل آیه فوق از ابی بصیر روایت نموده از امام صادق علیه السلام که حضرت در تفسیر این آیه فرموده‌اند، (کلمه باقیه) امام است که پروردگار در اعقاب و فرزندان امام حسین علیه السلام تا روز قیامت مقرر داشته و تعیین فرموده است.

و در حدیثی دیگر به جابر بن جعفری بیان فرموده است،

ای جابر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تصریح نموده به اسامی ائمه اطهار و در وصف معراج این‌طور تعریف نمودند که شبی که به معراج رفتم دیدم که بنور بر ساقه عرش الهی اسامی ائمه نوشته شده و ایشان دوازده نفر بودند اول آنها (علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و پس از آن؛ علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن،)

و دوازدهم از آنان (و ججه قائم) مهدی آل محمد

و این نه نفر از فرزندان و (اعقاب حسین علیه السلام هستند).

خداوند تمامی آنها را برگزیده و پاک و پاکیزه قرار داده سوگند به خدای تعالی هر کس غیر از ما ائمه را امام و پیشوای خود قرار دهد پروردگار او را با شیطان و جنودش محشور بگرداند. در تفسیر صافی و علل الشرایع و معانی الاخبار و مناقب و مجمع البیان و احتیاج طبرسی از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره خطبه الغدیر بیان

شده که فرموده‌اند:

ای مردم امامان بعد از علی فرزندان او هستند و من جد و پدر آنها هستم.  
چنانکه خداوند در قرآن فرموده است.

کلمة باقیه فی عقبه

که مراد نسل علی علیه السلام می‌باشد که امامان در نسل او قرار دادیم و من شما را آگاه می‌کنم مادامی که قرآن و عترت من در میان شما باشند هرگز گمراه نخواهید شد. و در حدیثی دیگر از نبی اکرم صلی الله علیه و آله که در کتاب مناقب نقل شده دارد که پیامبر فرمود:

امامت پس از دو امام علی و حسن، در نسل حسین قرار داده شده و نه نفر از امامان از فرزندان ایشان هستند که آخرین آنان مهدی آل محمد و مهدی این امت است. و در حدیث غزیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیست بار نام مقدس حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه و آتاه را به صورت‌های مختلف بیان نموده‌اند.

در تفسیر جامع جلد ششم صفحه ۴۰۶، حدیثی از جناب سلمان ره نقل نموده که ایشان به عیادت و دیدن حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله رفته بود و پس از ملاقات و دیدار اجازه مرخصی خواسته بودند.

حضرت فرمودند ای سلمان قدری بمان تا شاهد و گواه بهترین امر و فرموده خدای تعالی باشی در همان حال دخترگرمی آن حضرت، فاطمه علیها السلام وارد شدند. چون حال حضرت را این‌گونه دیدند گریان شدند، حضرت فرمودند خداوند دیدگان تو را گریان قرار ندهد چرا اینقدر پریشانی در جواب بیان داشتند پدر جان چطور گریان نباشم حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله سپس فرمودند ای فاطمه صبر کن چنانچه پیغمبر و پدران صبر کردند بشارت می‌دهم تو را ای دختر عزیزم بدان که پروردگارت برگزید پدرت را از میان پیامبرانی و خاتم رسولان الهی قرار

فرموده. و فرستاد او را بسوی تمام مخلوقات خود پس از آن برگزید علی را و امر فرمود به من که تو را به عقد علی درآورم و علی را وصی و وزیر خود گردانم ای فاطمه علی پس از من بزرگ امت است و حق او بر مسلمانان عظیم و بزرگ است.

و از همه حیث، او را ممتاز قرار فرموده و علم و دانش و حلم و خصوصاً ایمان در او بی نظیر است. و او اول کسی است که به خداوند و رسولش ایمان آورده است علی و مادرت خدیجه نخستین اشخاصی بودند که مرا از حیث جان و مال تقویت نمودند علی برادر، وصی، وصفی من است.

خداوند به او خصلت‌هایی عطا فرموده که به احدی عطا نفرموده نه پیش از من و نه بعد از من خدا به تو صبر عطا کند در عزای من، فاطمه علیها السلام فرمود ای پدر مرا مسرور و شاد نمودی حضرت فرمودند فاطمه جان خداوند مخلوقات را به دو دسته تقسیم فرموده من و علی را از قسم نیکو گردانید چنانچه فرموده است:

و اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین

و خداوند مردم را به قبایل مختلف خلق فرموده و قرار داده آن قبایل را به بیوتاتی و من و علی را از بهترین بیوتات برگزید و درباره ما آیه:

انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً

را نازل فرمود خداوند مرا از بین اهل بیت به پیغمبری برگزید ای فاطمه من سید ولد آدم و علی سید عرب و تو سیده نساء و حسن و حسین دو سادات شباب اهل الجنة می‌باشند.

و بشارت باد بر تو که (مهدی علیه السلام) از ذریه تو می‌باشد) و اوست که دنیا را پر از عدل و داد کند پس از آنکه مملو از ظلم و جور شده باشد.

در بحث ادیان که از اول زمان تا زمان حضرت ابراهیم و نوح و موسی و

عیسی علیه السلام و تا زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله که دین همان اسلام بوده و به تدریج کامل گردیده است.

مفضل نقل می نماید از امام صادق علیه السلام سوال نمودم آیا دینی که ابراهیم و نوح و موسی و عیسی علیهم السلام داشتند همین اسلام بوده است. حضرت در جواب فرمودند بله با دلایل قرآنی همه مسلمان بوده اند. و فرمودند از اول تا آخر قرآن چندین آیه دلیل بر مسلمان بودن آنهاست.

ان الدین عند الله الاسلام  
آل عمران آیه ۱۹

همانا دین پسندیده نزد خدا آئین اسلام است

ملة ابيکم ابراهيم هو سمائکم المسلمین  
سوره حج آیه ۱۹

اسلام دین پدر شما ابراهیم است و اوست که شما را مسلمان نامید.

ربنا واجعلنا مسلمین لك و من ذریتنا امة مسلمه

خدایا قرارده ما و اولادمان را از امت اسلام  
سوره بقره آیه ۱۲۸

و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البيت و اسمعيل ربنا تقبل منا انک انت السميع

العلیم  
سوره بقره آیه ۱۲۷

و یاد آورید هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های آن (خانه پر معنویت)

(یعنی کعبه مشرفه) را بالا میبردند (و با همه وجود نیایش می‌کردند که) پروردگارا

(الها) این خدمت خالصانه را از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی (توضیحاً کعبه قبله

مسلمین است و خلاصه کعبه دل مؤمنین)

ربنا واجعلنا مسلمین لك و من ذریتنا امة مسلمه لك و ارننا منا سکننا و تب

علینا انک انت التواب الرحیم  
بقره آیه ۱۲۸

چو دیوار کعبه بر افراشتند برای دعا دست برداشتند

که فرمای از ما قبول ای حکیم همانا تو هستی سمیع و علیم



خدایا تو ما را مسلمان نما      که باشیم بر حکم و امرت رضا  
 بر اخلاف ما نیز اینگونه باز      در دین حق را بفرمای باز  
 ره طاعت خویش بر ما نما      که تو اب و بخشنده ای، ای خدا  
 و وصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب یا بنی ان الله اصطفى لكم الدین فلا تعوتن  
 الا و انتم مسلمون      بقره آیه ۱۳۲

و یعقوب پیغمبر و ابراهیم      که پاداش بسیار شان می دهیم  
 به ابناء خود پند دادند و رای      اطاعت نمائید امر خدای  
 شما را خداوند در روی خاک      گزیدست اینسان به آئین پاک  
 مبادا ببندید رخت از جهان      مگر آنکه باشید از مسلمان

و در آیه شریفه ۱۳۳ در سوره مبارکه بقره خداوند فرموده است:

ام کنتم شهداء اذا حضر یعقوب الموت اذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی قالوا  
 نعبد الهک و اله ابائک ابراهیم و اسمعیل و اسحق

آیا آن گاه که مرگ یعقوب فرا رسید شما حاضر بودید؟ هنگامی که به فرزندان  
 خود گفت: (پس از من چه چیز و چه کسی را خواهید پرستید.)

آنان در جواب گفتند: خدای تو، و خدای پدرانت (ابراهیم و اسماعیل و  
 اسحاق) (که دین همه آنان اسلام بوده است).

خدای یکتا را، و ما در برابر او تسلیم خواهیم بود.

در تفسیر این آیه شریفه در کتاب تفسیر مجمع البیان جلد اول صفحه ۴۸۷  
 بیان داشته که: دین تکلیفی تمام انبیاء اسلام بوده است که بتدریج تا زمان  
 پیغمبر اسلام ﷺ کامل گردیده.

ام کنتم شهداء اذا حضر یعقوب الموت

یعنی، آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟

الها واحداً و نحن له مسلمون.

چو یعقوب را مرگ آمد فرا  
به ابناء خو دگفت او این سخن  
نگفتند آن رب و الامقام  
خدایی که اجدادت او را دگر  
خدایی که او بود رب خلیل  
همانا که او هست یکتا خدای  
کجا بوده اید آن زمان خود شما  
کرامی پرستید از بعد من ؟  
که او را پرستش نمودی مدام  
پرستش نمودند زین پیشتر  
خداوند اسحاق و هم اسمعیل  
بگشتیم تسلیم و گشتیم مسلمان

و در سوره مبارکه یونس آیه ۹۰ خدای تبارک و تعالی فرموده است :

و جا و زنا بینی اسرائیل البحر فاتبعهم فرعون و جنوده بغياً و عدواً حتی اذا  
ادركه الغرق قال آمنت انه لا اله الا الذی آمنت به بنوا اسرائیل و أنا من  
المسلمین

و ما بنی اسرائیل را از دریا گذرانندیم پس آنکه فرعون و سپاهش به ظلم و  
تعدی از آنها تعقیب کردند و هنگامی که فرعون در حال غرق شدن بود گفت  
ایمان آوردم که جز خداوند یگانه‌ای که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند خدایی  
نیست و اینک من از مسلمانان هستم.

و له اسلم من فی السموات و الارض طوعاً و کرها

و هر آنچه در آسمانها و زمین است با میل و بی میلی اسلام آورده‌اند  
در قصه لوط سوره الذاریات آیه ۳۶ آمده است:

فما وجدنا فیها غیر بیت من المسلمین

و در همه آن دیار جز یک خانه لوط دیگر مسلمانی خدا پرست نیافتیم.

و در سوره مبارکه بقره آیه ۱۳۱ دارد که:

اذا قال له ربه اسلم قال اسلمت لرب العالمین

حضرت ابراهیم علیه السلام هنگامی که به رسالت برگزیده شد پروردگارش به او فرمود اسلام بیاور: و در برابر پروردگار و آفریدگار خویش تسلیم باش او با همه وجود پذیرفت و اقرار نمود که در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم.

قولوا آمنا بالله و ما انزل الینا و ما أنزل الی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط و ما آوتی موسی و عیسی و ما آوتی النبیون من ربهم لانفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون

بقره آیه ۱۳۶

چو دارید باور به پروردگار	بگوئید این نکته را آشکار
که هستیم مومن به یکتا خدا	بر آنچه فرستاد بر مصطفی
بر آنچه بیاورد سوی خلیل	به یعقوب و اسحق و هم اسمعیل
به اخلاف یعقوب و موسی کلیم	به عیسی و به پیغمبران سلیم
تفاوت ندارند رسل در چشم ما	که هستند جمله ز سوی خدا
بجوئیم آئین مردان پاک	مسلمان بر اوئیم در روی خاک

سپس مفضل عرض کرد یابن رسول الله: چند نوع دین داریم؟ حضرت در جواب فرمودند ادیان مختلفی وجود دارد که چهار نوع آن بیشتر رایج است.

دین مجوس و برای این مجوس می نامند که سریانی ها خود را مجوسی نامیدند و دعوی کردند که حضرت آدم و شیث علیهما السلام ازدواج با مادران و خواهران و دختران و خاله ها و عمه ها و سایر محارم را برای آنها حلال کردند و ادعا نمودند که آدم و شیث به آنها دستور داده اند که در وسط روز آفتاب را سجده کنند و زمانی برای نماز آنها قرار نداده اند در حالی که این ادعای فترایی است بر خدای سبحان و دروغ بستن بر آدم و شیث می باشد.

دین دیگر دین حضرت موسی علیه السلام (یهود) است.

و چرا یهود نامیده شده است.

زیرا خداوند از زبان آنها می‌فرماید:

انا هدنا الیک

ما بسوی تو (خداوند) رجوع کردیم.

دین نصارا یکی دیگر از ادیان می‌باشد. و چرا به دین حضرت عیسی علیه السلام نصارا می‌گویند؟

حضرت امام صادق علیه السلام در جواب به مفضل فرمودند به این جهت که حضرت عیسی علیه السلام به آن قوم گفتند:

نحن انصار الله

ما یاوران خدائیم و دین خدا را نصرت می‌دهیم.

و آن روزی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله در مکه در کنار بیت‌الله الحرام ظهور کند خداوند دستور می‌دهد نوری به بصورت عمودی از زمین تا آسمان بتابد و تمام موجودات متوجه آن نور تابناک می‌شوند و از وجود این نور تمامی مومنین مسرور و شادمان شده و این درحالی است که حضرت ظهور می‌نمایند و بیعت با ایشان بر همگان واجب می‌شود، در آن روز قائم تکیه به خانه خدا می‌دهند و دست خود را دراز می‌کند و نوری از آن می‌جهد و می‌گوید این دست خدا و از جانب خدا، به امر خداست سپس این آیه شریفه را می‌خواند.

ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله یدالله فوق ایدیهم فمن نکث فانما

فتح آیه ۱۰

ینکث علی نفسه

ای رسول مؤمنانی که با تو بیعت می‌کنند در حقیقت با خدا بیعت می‌نمایند و دست خداوند بالای دست‌های آنهاست، پس هر کس آن بیعت را بشکند، کاری بزیان خود کرده است. نخستین کسی که دست او را می‌بوسد و بیعت می‌نماید جبرئیل است. سپس فرشتگان الهی و نجباء جن و نقبا با وی متابعت می‌کنند

سپس حضرت اهل مکه را دعوت به حکمت و موعظه حسنه می کند و مردی را از خاندان خود به نیابت در مکه مستقر می فرماید و به مدینه مشرف می شوند. مقرحکومت ایشان در مسجد کوفه و محل تقسیم غنائم در مسجد سهله است و همه مومنان در کوفه جمع شده و امیرالمومنین علیه السلام ظهور می کند.

### آیا ۱۲۴۰۰۰ پیامبران الهی هر کدام شریعتی مخصوص به خود داشته اند؟

قرآن کریم کثرت پیامبران را تایید فرموده و عده ای از آنان را بنام و نشان یاد کرده و طی حدیثی معرف از ابی ذر غفاری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عدد ایشان را صد و بیست و چهار هزار نفر بیان نموده بحسب آنچه از قرآن مجید استفاده می شود تمامی پیغمبران الهی شریعت جدیدی نیاورده اند بلکه پنج نفر از ایشان حضرات نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله هستند.

که «اولوالعزم» و صاحبان شریعت می باشند و دیگران در شریعت تابع: پیامبران اولوالعزم: بوده اند در سوره شوری آیه ۱۲ خدای تعالی فرموده است.

شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا والذی اوحینا الیک و ما وصینا به

ابراهیم و موسی و عیسی

و در سوره احزاب آیه هفتم فرموده است

واذاخذ نامن النیین میثاقهم و منک و من نوح و ابراهیم و موسی و عیسی

ابن مریم و اخذ نامنهم میثاقاً غلیظاً

و وقتی که از پیامبران پیمانشان را گرفتیم و از تو و نوح و ابراهیم و موسی و

عیسی و از ایشان پیمان و عهدی محکم گرفتیم.

سوره محمد آیه ۲

و امنوا بما نزل علی محمد وهو الحق

سوره حجرات آیه ۲۹

محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار

خداوند تشریح فرموده که برای شما از دین آنچه به نوح علیه السلام توصیه کرده و آنچه را که به خودت وحی کردیم و آنچه را که به ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام توصیه کردیم. آخرین پیامبر الهی حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که صاحب کتاب و شریعت اسلام است و مسلمانان بوی ایمان آورده‌اند.

### ازدواج حضرت امام حسن عسکری علیه السلام با دختر حاکم روم که به طور اعجاز به وقوع پیوست و وقوع آن از معجزات امامت می‌باشد

روزی امام دهم حضرت امام علی النقی علیه السلام بشرین سلیمان نخاس را که از شیعیان خاص و همسایه آن حضرت و از فرزندان ابویوب انصاری بود به حضور طلبیدند و نامه‌ای با خط و لغت فرنگی نوشته و مهر فرمودند و با یک کیسه پول به او دادند و بیان فرمودند: به بغداد برو وقتی حاملین کشتی‌های اسیران به ساحل رسیدند به کنیزان عمروبن یزید نظر کن کنیزی که فلان و فلان صفت را دارد و جامه حریر پوشیده است و از نظر کردن و دست گذاشتن مشتریان بر خود امتناع می‌کند و با زبان رومی سخن می‌گوید را انتخاب کن و نامه را به آن کنیز بده پس از خواندن نامه ایشان راضی خواهد شد که او را برایم خریداری کن سپس او را خریده و نزد ما بیاور. بشرین سلیمان گفت آنچه حضرت فرموده بود واقع شد همین که آن زن اسیرنامه را نظر کرد بسیار گریست و به عمروبن یزید گفت: مرا به صاحب این نامه بفروش و سوگندها یاد کرد که اگر مرا نفروشی خود را هلاک می‌کنم سرانجام با همان کیسه پول را دادم ایشان را تحویل گرفتم او شاد و خندان نامه امام را می‌بوسید و به چشمانش می‌چسباند با تعجب گفتم نامه‌ای که صاحبش را نمی‌شناسی برای چه می‌بوسی و بخود می‌مالی کنیز گفت ای مرد چه می‌گویی و گوش فرا ده تا احوال خود را شرح دهم.

من ملیکه دختر یسوعای فرزند قیصر پادشاه روم و مادرم از فرزندان شمعون بن حمون بن الصفاوصی حضرت عیسی علیه السلام است.

جدم قیصر در سیزده سالگی میخواست مرا به عقد فرزند برادر خود درآورد برای این کار سیصد نفر از نسل حواریون عیسی و علماء و عباد نصاری و هفتصد نفر از صاحب مقام و منصب و چهار هزار نفر از امراء و سرداران سپاه را جمع کرد و تختی مرصع به انواع جواهر با چهل پایه تعبیه کرد و مجسمه‌ها و چلیپاها را بر بلندیه‌های تخت قرار داد و پسر برادر خود را بر بالای تخت نشانید همین که کشیشان خواستند انجیلها را بدست بگیرند و بخوانند مجسمه‌ها و بتها و چلیپاها سرنگون و پایه‌های تخت خراب و تخت بر زمین افتاد و پسر برادر ملک از تخت سرنگون گشته و بیهوش شد در آن حال رنگ کشیشان متغیر و اعضای بدنشان لرزید جدم و پدرم به علماء و کشیشان دستور دادند این بساط را دوباره برقرار کرده و برادر دیگر داماد را به جای او قرار دهند تا مرا به او تزویج کنند دوباره تخت سرنگون و ماجرا تکرار شد این واقعه را نحوست خواندند بهر حال مردم متفرق شدند و جدم غمناک و خجالت زده به حرم سرای خود بازگشت چون شب شد بخواب رفتم در خواب دیدم که حضرت مسیح و شمعون و جمعی از حواریون در قصر جدم جمع شدند و منبری از نور که از رفعت به آسمان سربلندی می‌کرد در همانجا که تخت را گذاشته بودند نصب کردند و پیامبر اسلام حضرت رسول اکرم محمد صلی الله علیه و آله پیامبر اکرم با وصی و دامادش علی ابن ابی طالب علیه السلام و جمعی از امامان و فرزندان بزرگوارش قصر را به قدم خویش منور ساختند حضرت مسیح علیه السلام به استقبال رسول الله شتافت و دست در گردن او انداخت آنگاه رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا روح الله آمده‌ایم ملیکه فرزند وصی تو شمعون را برای این فرزند سعادت‌مند خود خواستگاری کنیم و اشاره فرمود به امام حسن عسکری علیه السلام

فرزند کسی که تو نامه پدرش را به من دادی پس رسول الله صلی الله علیه و آله خطبه‌ای انشاء فرمود و با حضرت مسیح علیه السلام مرا به عقد حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در آوردند. و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمودند قائم ما (امام دوازدهم) که فرزند حسن است از تو خواهد شد.

از خواب بیدار شدم و از ترس به جدم نگفتم روز به روز آتش محبت خورشید امامت در دلم مشتعل می‌شد و صبر و قرار از من می‌گرفت تا حدی که خوردن و آشامیدن بر من حرام شد هر روز چهره‌ام زردتر و از بدنم کاسته می‌شد و آثار عشق نهانی در بیرون ظاهر می‌شد جدم مرا به همه طبیبان روم عرضه کرد ولی دردم را دوا ننمودند تا از خودم پرسید: آیا در دلت آرزویی هست گفتم ای جد بزرگوار درهای فرج بسته است فکر می‌کنم اگر شکنجه و آزار مسلمانانی را که در زندان تو هستند دفع و آنان را آزاد کنی امیدوارم حضرت مسیح علیه السلام عافیتی از جانب خداوند به من ببخشد چون چنین کرد اندک صحتی در خود ظاهر کردم و مختصر طعامی خوردم جدم خوشحال شد و آزادی مسلمانان بیشتر شد و اکثراً آنان را از زندانها آزاد نمود.

بعد از چهارده شب در خواب دیدم بهترین زن عالم فاطمه زهرا علیها السلام به دیدن من آمده و حضرت مریم با هزار کنیز از حواریون بهشت در خدمت آن حضرت می‌باشند. حضرت مریم به من گفت این خانم بهترین زنان و مادر شوهر تو امام حسن عسکری است با شنیدن اسم مبارکش دست به دامن ایشان انداخته و گریستم و شکایت کردم که امام حسن عسکری به من جفا کرده و از دیدن من امتناع می‌کند فرمود اگر می‌خواهی حق تعالی و مردم از تو خشنود گردند و امام حسن به دیدن تو بیاید بگو

اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علیاً ولی الله



و این سه جمله را گفتم و حضرت سیده النساء فاطمه الزهرا علیها السلام مرا به سینه چسبانید و دلداری داد و فرمود اینک منتظر آمدن فرزندم باش من او را به سوی تو می‌فرستم بیدار شدم و آن سه شهادت را مرتباً در زبانم بود شب آینده بخواب رفتم خورشید جمال آن حضرت طالع گردید، گفتم، ای دوست بعد از آنکه دلم را اسیر محبت خود گردانیدی چرا از دوری خود به من جفا می‌کنی فرمود: دیر آمدن من نزد تو برای شرک تو بود اکنون که مسلمان شدی هر شب به نزد تو خواهم آمد، تا آنکه حق تعالی ما را در ظاهر به یکدیگر برساند پس از آن شب یک شب گذشته است که ایشان به دیدارم نیایند و درد هجران مرا به شربت وصال دوا فرمایند.

بشربن سلیمان گفت چگونه در میان اسیران افتادی؟ در جواب بیان داشت امام حسن عسکری علیه السلام در شبی از شبها به من خبر داد که در فلان روز جدت لشگری به جنگ مسلمانان می‌فرستد تو خود را در میان خدمتکاران و کنیزان بینداز به هیبتی که تو را نشناسند چنین کردم لشکر مسلمانان ما را اسیر و به بغداد آوردند و آخر کار من آن بود که دیدی و تا حال کسی به غیر از تو ندانسته که من دختر پادشاه رومم.

بشر می‌گوید به سامرا آمدیم و من او را به خدمت امام علی النقی علیه السلام بردم امام به او فرمود می‌خواهم تو را گرامی بدارم ده هزار اشرفی بدهم یا تو را به شرف ابدی بشارت دهم کدام یک نزد تو بهتر است عرض کرد: بشارت به شرف را می‌خواهم و مال نمی‌خواهم حضرت فرمودند که بشارت باد تو را به فرزندگی که از طرف خداوند پیشوای مشرق و مغرب عالم شود و زمین را پر از عدل و داد کند بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد گفت این فرزند از چه کسی بوجود خواهد آمد فرمود از کسی که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله تو را برای او خواستگاری

فرموده است پس از او پرسید که حضرت مسیح علیه السلام و وصی او تو را به عقد چه کسی در آورده‌اند گفت به عقد امام حسن عسکری علیه السلام حضرت فرمود: که آیا او را می‌شناسی؟ گفت از آن شبی که بدست بهترین زنان عالم مسلمان شدم شبی نگذشته است که او بدیدن من نیامده باشد حضرت حکیمه خاتون را طلبیدند و به او فرمودند که این آن کسی است که می‌گفتم او را ببر به خانه خود و واجبات و سنت‌ها را به او بیاموز که او عیال حسن من و مادر صاحب الامر مهدی علیه السلام است. روز بعد امام علی نقی علیه السلام فرمود: ای حکیمه نرجس را برای فرزندم بفرست حکیمه خاتون عرض کرد آمدم اجازه بگیرم فرمود خداوند می‌خواهد تو را در چنین ثوابی شریک کند، و تو را واسطه چنین امری قرار دهد حکیمه می‌گوید به منزل آمدم و زفاف آنان را در خانه خود واقع ساختم و بعد از آن هر دو آنان را خدمت امام علی نقی علیه السلام بردم چند روزی گذشت و امام علی نقی علیه السلام دار دنیا را وداع نمود، و امامت و پیشوایی امت اسلام به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از جانب خدای سبحان انتقال یافت.

### در میلاد با سعادت حضرت بقیة الله الاعظم مهدی موعود علیه السلام

سحر در نیمه شعبان عیان شد آیتی کبری

منور خانه نرگس بنور طور در سینا

بدنیا تا به امر حق بیامد حضرت مهدی

سزدگر فخر بنماید بعالم شهر سامرا

گرفت از مقدم مهدی سرای عسگری رونق

همان مهدی که وصفش هست در انجیل یوحنا

ملائک تهنیت گویان که از کتم عدم آمد  
 بسوی کشور هستی وئی خالق یکتا  
 ز پشت پرده غیبت در آمد نور یزدانی  
 قدم بر ملک هستی زد وصی سید بطحا  
 همه عالم بفرمانش سر و جانم بقربانش  
 برای تهنیت گویی بیامد موسی و عیسی  
 وصی مصطفی آن شافع روز جزا مهدی  
 کلام الله ناطق حجّت حق زاده زهرا  
 بیامد مصلح عالم دلیل و یار مظلومان  
 بیامد آنکه عدل از او شود ستور او پابرجا  
 تو غائب نیستی جانا، ترا هر کس نمی بیند  
 که آن خورشید عالم را نبیند چشم نابینا  
 ترا احمد چه غم باشد ز جور مردم نادان  
 چو بینی بانک جاء الحق رسد بر گنبد خضرا

### جریان ولادت با سعادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

قدحا لشعبان عظیم الشرف      من معدن الطف الجلی والنخفی  
 بشراک یا فاتحة الوجود      بخاتم الولاية الموعود  
 والله کل ما یشاء یهدی

شعر از: الانوار القدیسه

بنوره والنور نور المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مرحوم آیت اله شیخ محمد حسین غروی کُمپانی ره

مشهورترین اخبار، درباره ولادت با سعادت حضرت در شب جمعه پانزدهم

شعبان ۲۵۵ هجری قمری نزدیک صبح واقع شده و بیان مختصر آن طبق نقل از محدث قمی، ابن بابویه، شیخ طوسی و سید مرتضی به سندهای معتبر چنین است:

حکیمه خاتون می‌گوید من طبق عادت همه روزه که به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام مشرف می‌شدم امام علیه السلام فرمودند ای عمه امشب نزد ما باش که امشب فرزند گرامی ما «که خدا بوسیله او زمین را به علم و ایمان، هدایت و زنده می‌فرماید بعد از آنکه به شیوع کفر و ضلالت مرده باشد» متولد می‌شود من نرجس را ملاحظه کردم اثری از حمل نیافتم برگشتم عرض کردم حضرت تبسم فرموده و گفتند چون صبح شود اثر حمل بر او ظاهر شود مثل او مثل مادر موسی علیه السلام است که در هنگام ولادت هیچ تغییری بر او ظاهر نشد و احدی بر حال او مطلع نگردید.

حکیمه گفت: من نزد نرجس رفتم و این حال را به او گفتم گفت: ای خاتون هیچ اثری در خود مشاهده نمی‌کنم بهر حال شب در آنجا ماندم و افطار کرده و نزدیک نرجس خوابیدم در هر ساعت از او خبر می‌گرفتم و او به حال خود خوابیده بود هر ساعت حیرتم زیاده‌تر می‌شد در این شب زودتر از شب‌های دیگر به تهجد برخاستم نماز شب را ادا کردم چون به نماز وتر رسیدم نرجس از خواب جست، وضو ساخت و نماز شب را به‌جا آورد در این هنگام صبح کاذب طلوع کرده بود و وعده حضرت نزدیک شکی در دلم ایجاد شد ناگاه امام حسن عسکری علیه السلام صدا زد عمه جان شک مکن که وقتش نزدیک است. در این وقت اضطرابی در نرجس دیدم او را برگرفتم و نام الهی را بر او خواندم حضرت صدا زدند که عمه جان سوره انا انزلناه فی لیلۃ القدر را بر او بخوان، من از نرجس پرسیدم در چه حالی گفت: آنچه مولایم فرموده اثرش بر من ظاهر شده شروع

کردم بخواندن انا انزلنا شنیدم که آن طفل در شکم مادر در خواندن آیات شریفه با من همراهی می‌کرد و سپس به من سلام کرد من ترسیدم حضرت صدا زدند به قدرت حق تعالی تعجب نکن در این هنگام نرجس از دیده من غائب شد گویا پرده‌ای میان من و او حائل گردید فریاد کنان به سوی امام حسن عسکری علیه السلام دویدم حضرت فرمود: ای عمه برگرد که او را در جای خود خواهی دید چون برگشتم پرده گشوده شد و در نرجس نوری مشاهده کردم که دیده مرا خیره کرد و حضرت صاحب علیه السلام را دیدم که رو به قبله به سجده افتاده و بعدانگشتان سبابه را به طرف آسمان بلند نموده و فرمود:

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان جدی رسول الله وان ابی  
امیر المؤمنین وصی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم

پس یک یک امامان را شمرد تا بخودشان رسیدند، سپس فرمودند:

اللهم انجز لی وعدی واتمم لی امری وثبت وطایی واملاء الارض بی عدلا  
وقسطا

و نوری از او به آسمان بالا رفته بود آنگاه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مرا صدا زدند. ای عمه فرزند مرا نزد من بیاور او را در آغوش گرفتم دیدم مختون و ناف بریده و در سمت راست بازوی مبارکشان نوشته است:

جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا

آن فرزند تا چشمش به پدر افتاد سلام کرد حضرت زبان مبارک بر چشمان و دهان و دو گوشش گردانید و دست بر سر او مالید و گفت ای فرزند به قدرت الهی سخن بگو صاحب الامر عج استعاضه کرد و گفت:

بسم الله الرحمن الرحيم ترید ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و  
نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين و نمکن لهم في الارض و تری فرعون و هامان و

جنود هما منهم ماکانوا یحذرون

بعد صلوات برسول الله ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ و همه امامان فرستاد آنگاه مرغانی بر سر مبارک آن حضرت ظاهر شدند یکی از آن مرغان قنداقه مبارک را برداشت و پرواز کرد نرجس خاتون با دیدن این منظر گریان شد حضرت فرمود اندکی ساکت باش و بدان که آن طفل مبارک غیر از پستان تو شیر نخواهد خورد و بزودی ایشان را به سوی تو برمی گردانند (آن مرغان ملائکه و فرشتگان الهی بودند). و پس از مدتی قنداقه را باز پس آوردند.

دوران تربیت حضرت تا پنج سالگی در کفالت پدر بزرگوارش و از جانب خداوند تبارک و تعالی به روح القدس سپرده شده بود در این مدت، وی مخفی از همه می زیست (و در مخفی گاه زندگی می فرمودند) و به علت وجود دشمنان با کسی ارتباط نداشتند مگر بعضی از خواص که او را در ایام کودکی مشاهده می کردند. سرانجام امام حسن عسکریؑ در سن ۲۸ سالگی در سال دویست و شصت به زهر معتمد عباسی شهید و در منزل خودشان مدفون گردیدند و امامت به حضرت ولی عصر امام زمانؑ انتقال یافت که تا امروز ادامه دارد.

به به امشب چه شبی هست که از اول شب

همه شهر طرب ناک و پر از آرزین است

مگر الاها شیاطین به غل و زنجیرند

که همه ارض به کل مکان صحبت کروین اند

حجت ابن الحسن آن قائم دین احمدؑ

که جهان روشن از آن شمس جهان تاین است

شمس اگر نور دهد بر همه اقلیم از اوست

اوست که در نیمه شب پرده در نسیرین است

العجل ای خلف پاک حسن سرور دین  
دوری هجر تو بر سوختگان هیت سنگین است

### (شرح اسامی نه گانه)

محدث قمی از نجم الثاقب محدث نوری یکصد و هشتاد و دو اسم برای آن حضرت ذکر فرموده، اما اهم اسامی عبارتند از:

۱ - بقية الله هنگامی که خروج کرد به کعبه تکیه می‌کند و اول سخنی که می‌گوید این آیه است:

بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين

۲ - حجة الله، در بیشتر ادعیه و اخبار به این اسم ذکر شده و نقش خاتم آن حضرت انا حجة الله است.

۳ - خلف صالح، به معنی جانشین است. زیرا آن حضرت جانشین جمیع انبیاء و اوصیاء می‌باشد.

۴ - شریذ، آن کس که جای مُعینی ندارد.

۵ - غریم، غائب و پنهان از دیدها باشد.

۶ - م ح م د (صلی الله علیه و آله و علی آبائه و اهل بیته الطیبین الطاهرین) منظور از محمد اسم اول حضرت صاحب الزمان است.

۷ - مهدی که شهر و مشهورترین القاب آن حضرت است هدایت شده می‌باشد.

۸ - منتظر، که همه خلایق منتظر مقدم مبارک او هستند.

۹ - مأمعین (لقب حضرت مهدی علیه السلام) است.

### دادخواهی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

حضرت علی علیه السلام سختیهای بسیاری را که بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله درک کرده بودند برای حضرت بازگو می‌کند و می‌فرماید یا رسول الله تسلیم حوادث شدم و راضی به رضای خدا گشتم و با مخالفتی که با من نمودند و نقض کردند با اینکه حجت بر آنها تمام گشت و آن مصیبت که آمدند و گفتند یا علی بیرون بیا و در آنچه مسلمانان شرکت کرده اند تو نیز شرکت کن و گرنه گردنت را می‌زنیم. فضا گفت امیرالمؤمنین مشغول کاری است و از آمدن به بیرون معذور است ولی آنها گوش نکردند و هیزم آوردند و درب منزل را آتش زدند حضرت فاطمه علیها سلام پشت در آمد و از آنجا صدا زدند بروید وای بر شما چگونه بر خدا و پیامبر جسارت می‌کنید که با اینکار می‌خواهید نسل پیامبر را از روی زمین براندازید و نور خدا را خاموش کنید با اینکه خداوند نمی‌گذارد که نورش خاموش شود.

آن ملعون در جواب گفت ای فاطمه فعلاً نه محمد حاضر است و نه فرشتگان و علی یک نفر از مسلمانان است اگر بیاید و با ابوبکر بیعت کند که کرده و گرنه همه شما را آتش می‌زنم و آنان درب منزل را آتش زدند و قنفذ ملعون دستش را داخل نمود تا در را باز کند و آن ملعون با تازیانه به بازوی حضرتش زد بطوریکه بازویش همانند بازوبند سیاهی ورم کرد و طوری با پای خود به در نیم سوخته زد که محسن ششماهه سقط شد. او و قنفذ و خالد بن ولید به داخل منزل هجوم آوردند و مفصل این جریان مهم تاریخی در کتاب الغدیر امینی ره بیان شده و این موضوع مهم در کتب معتبر اهل سنت هم نقل شده است و این گونه حوادث باعث درج در صفحات سیاه و نکبت بار تاریخ شده و جسارت و بی‌ایمانی گذشتگان را در خود به یادگار گذاشته است.

با اینکه چگونه به خود اجازه دادند با اینکه هنوز کمتر از سه ماه از دنیا رفتن



رسول گرامی اسلام گذشته بود که بزرگترین مخالفت را با دستور پیامبر عالی قدر اسلام نمایند.

با آن حدیث غدیر و آیه مستقیم درباره رهبری و ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

اليوم اكملت لكم

آن بی شرم مردم کار دیگر کردند و علی علیه السلام را خانه نشین نمودند.

### دادخواهی حضرت امام حسن علیه السلام

و آن گاه امام حسن علیه السلام می فرماید از هنگامی که پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام به کوفه وارد شدند تا زمان شهادت به دست عبدالرحمن بن ملجم ملعون، در خدمت پدرم بودم و همانطوری که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله به پدرم وصیت فرموده بود ایشان هم به من وصیت فرمودند و پس از پدرم، معاویه انواع سختی‌ها را برای ما و شیعیان اعمال نمود و حال من در نزد جد و پدرم دادخواهی خود و شیعیان پدرم را از این جنایت کاران می‌نمایم.

### دادخواهی حضرت امام حسین علیه السلام

و سپس امام حسین علیه السلام با بدنی آغشته به خون، همراه با یارانش که مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله می‌ایستند چون پیغمبر صلی الله علیه و آله او را می‌نگرد زار زار می‌گریه. از گریه او اهل آسمان و زمین نیز گریه می‌کنند و فاطمه زهرا علیها السلام هم ناله جانکاه می‌کنند از گریه ایشان همه گریان می‌شوند سپس امیرالمؤمنین علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام در سمت راست پیامبر و فاطمه زهرا در سمت چپ آن حضرت قرار می‌گیرند پیامبر او را در آغوش می‌گیرند سپس حمزه سیدالشهداء عموی پیغمبر در سمت

راست آن حضرت و در سمت چپ جعفر بن ابی طالب (جعفر طیار) قرار می گیرد و در همان حال حضرت خدیجه کبری و فاطمه بنت اسد (مادر امیرالمومنین) محسن سقط شده فاطمه زهرا را بدست گرفته ناله کنان به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می آیند و فاطمه علیها السلام این آیه را از قرآن مجید قرائت می نماید:

یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضراً و ما عملت من سوء تودلو ان  
بینها و بینہ امدأ بعیداً و یحذر کم الله نفسه و الله رؤف بالعباد

سوره آل عمران آیه ۳۰

بیادآور روزی که بشما وعده شده بود امروز هر کسی که کار نیکی کرده و یا عمل بدی نموده نتیجه عمل خود را خواهد دید و امروز همه بدکاران آرزو می کنند که ای کاش میان او و اعمال بدش که انجام داده فاصله زمانی می بود و خداوند شما را از نافرمانی خودش برحذر می دارد (بالینکه) خداوند به همه بندگانش پر مهر و مهربان و رؤف است.

ولنذ یقنهم من العذاب الادی دون العذاب الاکبر لعلهم یرجعون

و ما کافران را در دنیا طعم عذاب را نزدیکتر بچشائیم و عذاب بزرگتر و شدیدتر هم در قیامت خواهند چشید مگر اینکه به سوی خدا باز گردند و توبه کنند.

سوره سجده آیه شریفه ۲۱

مفضل بدان که عذاب نزدیکتر رجعت آل محمد صلی الله علیه و آله و عذاب بزرگتر عذاب روز قیامت است که خداوند می فرماید:

یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات و برزوالله الواحد القهار

سوره ابراهیم آیه شریفه ۴۸

قیامت روزی است که اوضاع زمین و آسمان ها دگرگون می گردد و همه در

پیشگاه خداوند حاضر می شوند.

و وجدوا ما عملوا حاضراً ولا يظلم ربك احداً آیه ۴۹ سوره کهف  
گنهکاران در روز رستاخیز تمام اعمال گذشته خود را در برابر خود حاضر  
می بینند و خداوند به هیچ کس ستم نمی کند.

فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره و من يعمل مثقال ذرة شراً يره

آیه ۷ و ۸ سوره زلزال

هر کس اندکی کار نیک و یا بد انجام دهد، جزای آن عمل را خواهد دید و به  
تعبیر دیگر این جهان کشت زار جهان دیگر است.

### دادخواهی سایر ائمه علیهم السلام تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

حضرت علی ابن الحسین علیه السلام و امام محمد باقر علیه السلام و آنچه را از امت جفاکار و  
از ظالمین دیده اند به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت می کنند سپس من (حضرت امام  
صادق علیه السلام) بر می خیزم و از ظلم منصور خلیفه عباسی شکایت می کنم بعد از من  
فرزندم موسی بن جعفر از هارون لعنة الله علیه به رسول الله شکایت می نماید و  
بعد از او علی بن موسی الرضا از مامون و بعد از وی فرزندش محمد از معتصم و  
بعد از وی فرزندش علی بن محمد از متوکل عباسی و بعد از او فرزندش حسن  
بن علی از ظلم معتز شکایت می کند. آنگاه مهدی قائم در حالیکه پیراهن آن  
حضرت را که آغشته به خون پیشانی و دندان پاکش می باشد پوشیده و  
فرشتگان اطراف او را گرفته اند جلوی پیامبر می ایستد و می گوید ای جد بزرگوار  
شما مرا به اوصافی معرفی فرمودید که مردم مرا از روی آن اوصاف بشناسند و  
نام و نسب و کنیه ام را ذکر فرمودید مع هذا افرادی از امت منکر وجود من شدند در  
حالی که من به فرمان الهی ظاهر گشته ام.

پیامبر می فرماید خدای را شکر می کنم که وعده خود را درباره ما عملی ساخت و ما را وارث زمین گردانید.

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون انا فتحنا لک فتحاً مبیناً لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تاخر و یتم نعمته علیک و یهدیک صراطاً مستقیماً و ینصرک الله نصراً عزیزاً

ما تو را به فتح آشکاری در عالم پیروز می گردانیم تا از گناه گذشته و آینده تو در گذریم و نعمت خود را بر تو به حد کمال رسانیم و به راه مستقیم هدایت کنیم و خدا تو را به نصرتی با عزت و کرامت یاری خواهد کرد. سوره فتح آیه ۱ تا ۳

در حقیقت فتح مبین که در این آیه شریفه بیان شده آیه مبارکه غلبه حق است که بنص این آیه همان دین مقدس اسلام است که یکی از بهترین شواهد برای ظهور حضرت امام مهدی موعود جهان و قائم آل محمد علیهم السلام است چون چنین فتح مبین و پیروزی آشکار که تمام گناهان گذشته و آینده امت پیامبر بخشیده شود و همگی به راه راست بروند و بر کفار غلبه کامل پیدا کنند و دین آنان تمام ادیان باطله را منکوب کند هنوز تحقق پیدا نکرده و این درست در زمان قیام مهدی موعود علیهم السلام عملی است که شیطان از بین می رود و عدل حکومت مهدی علیهم السلام جهان را پر می کند و دینی جز دین مقدس اسلام نمی ماند.

### درباره رجعت اهل بیت علیهم السلام

شیخ صدوق ره در کتاب من لایحضره الفقیه از موسی بن عبدالله نخعی نقل نموده که حضرت امام علی النقی علیه السلام در زیارت جامعه فرموده اند:

وجعلنی ممن یقتص آثارکم و یسلک سبیلکم و یهدی بهدئکم و یحشر فی

زمرتکم و یگر فی رجعتکم و یملک فی دولتکم و یشرف فی عافیتکم و یمکن فی ایامکم و تقر عینه غدا برویتکم

خداوند مرا از زمرة کسانی قرار دهد تا از شما (اهلبیت عصمت و طهارت علیهم السلام) پیروی نمایم و از راه و طریق شما هدایت یابم. و در جمعیت شما برانگیخته و در رجعت با شما بدنیا بازگشت کنم و در دولت شما به ریاست رسم و در راحتی شما بشرافت نائل گردم و در روزگار دولت و حکومت شما قدرت بهم رسانم و فردا چشمهایمان با دیدن شما روشن شود.

### حدیثی بسیار معتبر و جالب از جناب سلمان فارسی (ره)

حدیثی بسیار ممتاز که در کتاب منقضب الاثر از سلمان فارسی روایت شده است روزی سلمان به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد حضرت به او فرمودند ای سلمان خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد جز اینکه دوازده نقیب برای او قرار داد عرض کردم یا رسول الله قبلاً از یهود و نصارا هم این کلام را شنیده‌ام سپس حضرت فرمودند: ای سلمان آیا می‌دانی که دوازده تن که خداوند بعد از من برای پیشوایی برگزیده است، چه کسانی هستند؟ بدان که مرا از نور پاک خود آفرید و علی را از نور من سپس از نور من و علی فاطمه را خلق فرمود و بعد از نور من و علی و فاطمه، حسن و حسین را آفرید.

خداوند، محمود است و من محمّد هستم.

یکی از نامهای خداوند، علی است، و این نیز علی بن ابی‌طالب است. (در دعای جوشن کبیر یکی از اسامی خداوند علی است).

خداوند، فاطر السموات و الارض است و این نیز فاطمه علیها السلام است.

خداوند صاحب احسان و محسن است و این نیز حسن علیه السلام است.

خداوند، صاحب احسان است و این نیز حسین علیه السلام است.

پس از نور ما و نور حسین بقیه امامان نیز نه تن را آفرید و آنها را به پیروی از خود دعوت کرد و آنها پیش از آنکه آسمانی درست شود و زمینی پهن گردد و هوایی و آبی و فرشته ای و بشری باشد خداوند را اطاعت نموده‌اند و ما با علم خداوند، انواری بودیم که از وی اطاعت می‌کردیم. سلمان گفت: یا رسول الله کسی که به شما و اهل بیت ایمان داشته باشد چه پاداشی دارد. حضرت فرمودند ای سلمان هر کس عارف بحق ما شود و پیروی نماید و دوستان ما را دوست بدارد و از دشمنان ما بیزاری جوید، به خداوند قسم که با ما خواهد بود و هر جا ما وارد شویم او نیز همراه ما خواهد بود.

(اشاره به بهشت و جنت المأوی است)

سپس سلمان سوال نمود یا رسول الله آیا می‌شود بدون اینکه اسامی آنان را بدانیم به آنها ایمان داشته باشیم حضرت فرمودند می‌دانی که پس از من علی ابن ابی طالب امام است و پس از او حسن بن علی و بعد حسین بن علی و بعد از ایشان علی بن الحسین، محمد بن علی (باقر) شکافنده علم، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی الرضا، محمد بن علی، علی بن محمد هادی و بعد از ایشان حسن بن علی و بعد از او فرزندش، قائم.

مهدی ناطق و قائم بر حق است

و اوست که دنیا را به عدل و فضیلت رهنمون می‌سازد

سلمان با حال گریه از پیامبر سوال نمود آیا من ائمه بعد از شما را درک می‌کنم؟ حضرت فرمودند ای سلمان تو و امثال تو که آنها را دوست بدارند با معرفت آنها را درک می‌کنند سپس حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: این آیه شریفه را بخوان:

فاذا جاء وعدا و ليهما بعثنا عليكم عبداً لنا اولى بأس شديد فجاؤا خلال  
الديار و كان وعداً مفعولاً ثم رددنا لكم الكرة عليهم و امددناكم باموال و بنين و  
جعلناكم اكثر نفيراً

سلمان سپس گریه ای از روی شوق نمود و از حضرت سوال نمود یا رسول  
الله آیا معنی این آیه در زمان شما خواهد بود؟ حضرت فرمودند: آری و الله در آن  
زمان من و علی و فاطمه حسن و حسین و نه تن از امامان از اولادان حسین علیه السلام  
که همه آنان مظلوم اهل بیت من می باشند در یک جا خواهیم بود. آن گاه ابلیس  
و لشکریان او در یک سو و در سوی دیگر مؤمنین واقعی و کافران حقیقی در  
مقابل آنان حاضر می شوند تا از یکدیگر قصاص کنند و این است تاویل این آیه  
شریفه:

و نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين  
و نمکن لهم في الارض و نرى فرعون و هامان و جنودهما منهم ما كانوا يحذرون

سوره قصص آیه شریفه چهارم و پنجم

ما، اراده کرده ایم که منت بنهیم بر آنان که در زمین زبون گشتند و آنها را از  
پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنان نشان  
دهیم، آنچه را که آنها از آن می ترسیدند.

### پیراهن بهشتی حضرت ابراهیم علیه السلام برای حضرت مهدی علیه السلام

در کتاب کمال الدین، روایتی از مفضل است که از حضرت صادق علیه السلام نقل  
نموده است: وقتی که آتش برای سوزاندن حضرت ابراهیم علیه السلام آماده شد و ایشان  
را با منجنیق به سوی آتش افروخته شده می بردند جبرئیل از جانب خداوند  
متعال به نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمد و پیراهنی از بهشت برای ایشان آورد و گفت

فوراً این پیراهن را بیوش حضرت آن لباس بهشتی را پوشیدند سپس جبرئیل به ابراهیم علیه السلام گفت از سرما و گرما محفوظی و به تو صدمه‌ای نمی‌رسد. و چون زمان فوت ایشان رسید آن پیراهن را در جلدی پیچیده و به اسحاق علیه السلام داد و بعد از آن به یعقوب علیه السلام رسید و چون یوسف علیه السلام به دنیا آمد و به نوجوانی رسید حضرت آن لباس را به حضرت یوسف علیه السلام عنایت فرمود و وقتی یوسف علیه السلام به آن بلا گرفتار شد و به چاه افتاد آن پیراهن را از جلد بیرون آورد و در همان لحظه حضرت یعقوب در کنعان بوی پیراهن بهشتی را استشمام کرد و فرمود:

و لما فصلت العیر قال ابوهم انی لأجد ریح یوسف لولا ان تُفندون

سوره یوسف آیه ۹۴

و چون کاروان از مصر بیرون آمد یعقوب گفت: من بوی یوسف را استشمام می‌کنم، اگر مرا به خطا نسبت ندهید. و این پیراهنی بود که جبرئیل آن را از بهشت آورد.

سپس حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند سرانجام این پیراهن به رسول الله حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسید و هنگامی که قائم ما ظهور نماید آن پیراهن با او خواهد بود.

نقل این حدیث مهم از کتاب خرایج راوندی است.

### قضیه جعفر، عموی حضرت صاحب الزمان علیه السلام

شیخ صدوق ره در کتاب کمال الدین نقل نموده‌اند شخصی به نام ابوالادیان خادم امام حسن عسکری علیه السلام بود که نامه‌های حضرت را به شهرهای مختلف می‌رسانید روزی حضرت، ابوالادیان را به حضور می‌پذیرند و به او می‌فرمایند: که این نامه‌ها را بگیر و به مکانهایی که نوشته‌ام برسان، سفرت پانزده روز طول



می کشد و وقتی به سامره باز گردی من از دنیا رفته و شهید شده‌ام پس می بینی مرا در خانه ام غسل می دهند و صدای شیون و عزا از این خانه بلند است و کسی که پاسخ نامه‌های مرا از تو طلب نماید و درباره انبان بپرسد او قائم و پیشوای تو خواهد بود ابوالادیان می گوید با اشک و آه نامه‌ها را برداشتم و بعد از خداحافظی از نزد حضرت مرخص شدم و به شهرهایی که باید نامه‌ها را می بردم رفتم و تمام دستورات را انجام داده درست پس از پانزده روز به سامرا باز گشتم. مشاهده کردم که از بیت امام علیه السلام صدای شیون و زاری می آید به منزل امام که رسیدم دیدم که ایشان شهید شده‌اند و عده ای مشغول غسل و کفن کردن حضرت هستند. متوجه شدم جعفر بن علی دم درب خانه ایستاده و شیعیان گروه گروه می آیند و به او تسلیت گفته و به جهت مقام امامتش به او تهنیت می گویند.

من برای امتحان به نزد او رفتم و مثل دیگران به او تسلیت گفتم. ولی او چیزی از من نخواست آنگاه عقیده خادم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام آمد و به او گفت آقا امام را کفن کردند برخیزید و بر او نماز گذارید، جعفر در حالیکه شیعیان اطراف او را گرفته بودند و عثمان بن سعید که بعداً نائب اول حضرت صاحب الزمان شد و او وکیل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بود و او هم در جلوی جمعیت بود با آنان داخل منزل شدند، درست در موقعی که آماده نماز بر امام شدیم و جعفر آماده تکبیر نماز شد. آقازاده پنج یا شش ساله‌ای که نور از صورت مبارکش می درخشید و موهای سرشان سیاه و میان دندانهای جلویش باز بود. وارد شدند و ردای جعفر را کشیدند و فرمودند عمو کنار برو که من در نماز گذاردن بر پدرم از تو سزاوارترم.

بلافاصله جعفر عقب رفت و رنگش تغییر کرد. سپس همان آقازاده جلو آمد و بر پدر بزرگوارش نماز گذارد و ایشان را در پهلوی قبر مطهر حضرت امام علی

النقی علیه السلام دفن نمودند. و همان آقا زاده فرمودند جوابهای نامه‌هایی که پدرم به تو داده بودند بیاور.

جلو رفتم و حضور ایشان تسلیت و برای مقام امامت تهنیت عرض کرده و جواب نامه‌ها را خدمتشان تقدیم نمودم و یقین کردم که جانشین امام حسن عسکری علیه السلام هستند زیرا نماز گذاردن و مطالبه جواب نامه‌ها دو نشانه‌ای بود که حضرت فرمودند. در همان موقع عده‌ای از شیعیان از قم آمدند و سراغ امام حسن عسکری علیه السلام را گرفتند و در همان حال متوجه شهادت ایشان شدند و با گریه و زاری می‌پرسیدند امام بعد از حضرت کیست؟ عده‌ای جعفر را نشان دادند شخصی از اهل قم از جعفر پرسید ما چه همراه داریم. جعفر گفت از من، غیب می‌پرسید. در این وقت خادمی از اندرون آمد و گفت امام علیه السلام می‌فرمایند شما نامه فلانی و فلانی را آورده‌اید و انبانی دارید که هزار دینار در آن است و سکه‌ای ده دیناری در آن انبان است که صاف شده. آنها بلافاصله نامه‌ها و اموال و انبان را به آن خادم دادند و گفتند کسی که تو را فرستاده امام است. کم کم شناخت حضرت برای شیعیان میسر شد و وکیل و نائب امام عثمان بن سعید برای شیعیان معلوم شد و جعفر که این ماجرا را دید پناه به (معتمد) آن خلیفه ملعون عباسی آورد:

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون

سورة انبیا، آیه ۱۰۵

در این آیه نوید به این دارد که پایان سعادت‌مندان حیات بشری همراه با حاکمیت صالحان بر کره زمین است و این آیه با ارزش و سرشار از معنویت فقط مختص مسلمانان نیست بلکه این آیه را حضرت داود علیه السلام در کتاب دینی خود داشته‌اند و وعده فرا رسیدن موعده (آخر الزمان) را در آن کتاب داده است و حتی

به تمامی پیامبران گذشته این نوید داده شده و همه انبیاء در کتب خود اشاره به منجی حقیقی را بیان فرموده‌اند در قرآن مجید مثل‌هایی از زندگی پیشینیان و پیامبران الهی و امم و ملل گذشته و قوانین و فرامین الهی نسبت به بشر را بیان فرموده و چنانچه در سوره مبارکه توبه آیه شریفه ۳۶ آمده است:

ان عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهراً فی کتاب الله

همانا تعداد ماه‌ها در کتاب خدا دوازده ماه است

در کتب معتبر تفاسیر شیعه منظور از دوازده ماه وجود حضرات ائمه علیهم‌السلام و آخرین آنان حضور مقدس امام دوازدهم قائم آل محمد است.

یملأ الله به الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً

در این حدیث شریف که در کتاب بحار مجلسی جلد ۵۱ مفصل نقل شده، خداوند زمین را از عدالت پر می‌سازد پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده باشد. انسان به طور فطری از ظلم و ستم و بی‌عدالتی بیزار است و طالب و جوینده عدل و عدالت و مساوات است بنابراین همیشه در انتظار روزی بوده که عدالت واقعی و حقیقی در اطراف زندگیش مشهود و معلوم باشد و همیشه در انتظار فرج کسی است که تمامی ستم‌ها را از بین ببرد و تبعیض‌ها را پایان بخشد و حکومت و عدالت جهانی را در صحنه گیتی پیاده نماید.

### افضل اعمال امتی انتظار الفرج

وظیفه انتظار بسر بردن در فرج (قائم علیه‌السلام) است و طی حدیثی از نبی اکرم پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که در انتظار بودن فرج قائم در آخرالزمان توأم با اجر و ثواب عظیمی است که قابل وصف نیست.

## بالاترین و بیشترین عبادت در نزد من انتظار فرج است

در نهج البلاغه اشاره‌های صریحی به فرج قائم آل محمد علیهم‌السلام حضرت صاحب العصر و الزمان علیه‌السلام در زمان غیبت شده است و این بزرگترین و بهترین و مهمترین امید را در دل شیعیان می‌پروراند که در اثر این انتظار اشتیاق فوق‌العاده‌ای در شیعه و خواهان و آن سرور پدید می‌آید که پیوسته به یاد و فکر و دعاگوی آن وجود نورانی می‌باشند و در برابر شرایط سخت و دشوار مقاومت نموده و با ذکر و یاد و نام حضرت روزگار می‌گذرانند و انسان‌های مؤمن و شیعیان خالص در هر جایی از این کره خاکی ساکن باشند یا بن‌الحسن را فراموش ننموده و پیوسته به یاد ایشان می‌باشند اگر به مکه رود به یاد آن فیض عظمای الهی باشد اگر در حال طواف باشد وجود حضرت را حس می‌کند اگر در منی باشد حضور مهدی علیه‌السلام را درک می‌کند اگر به جمرات رود و شیطان را با سنگ ریزه رمی کند و از شیطان دور شده و خود را نزدیک تر به حضرت ببیند و اگر نماز بخواند بعد از نماز سلام و درود به حضرت می‌فرستد اگر سامره رود در سرداب نور مقدسش را ببیند اگر زیارت آل یاسین خواند جمال خورشید تابناکش ببیند. اگر ندبه کند در استغفار از گناهان در حضور خالق خود را گامی نزدیکتر به وجود انورش می‌بیند پس همانا شیعه به مسأله امامت و ولایت معتقد است و همواره حضور دائمی و همیشگی ولایت را در قلب خود احساس می‌کند و می‌داند که آدینه به آدینه حساب عمل و نامه رفتارش را به حضور حضرت می‌برند و حضرت از اعمال نیک او خرسند و از اعمال بد او غمگین می‌شوند پس حس حضور حضرت تاثیر نورانی در زندگی روزمره ایجاد می‌کند به طوری که انسان به جایی می‌رسد که فقط نور حقیقت و معنویت می‌بیند.

## آینده بشریت و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه «صاحب الامر» در نهج البلاغه

در خطبه شماره ۱۵۰ در کتاب شریف نهج البلاغه آمده است:

یومی فیها الی الملاحم و أخذ و ایمنأ و شمالاً: طعنأ (طعنأ) فی مسالک الغی و ترکأ لمذاهب الرّشد فلا تستعجلوا ما هو کائن مرصد و لا تستبطنو ما یجیء به الغد فکم من.

۲ - مستعجل بما ان أدركه و دآ أنه و دآ أنه لم یدرکه و ما أقرب الیوم من تباشیر غد یا قوم هذا اّبان) و رود کلّ موعد و دنو من طلعة ما لا تعرفون. «.....»

از خطبه‌های آن حضرت که در آن به فتنه و پیش آمدهای سختی که بعد از ایشان واقع شده است اشاره می‌فرماید:

دنیا پرستان به راههای چپ و راست رفتند و راه گمراهی پیمودند، و از راه روشن هدایت و رستگاری چشم پوشیدند پس درباره آنچه که باید باشد شتاب نداشته باشید و آنچه را که در آینده باید بیاید دیر شمارید که بسا کسی برای رسیدن به چیزی شتاب کند اما وقتی به آن رسید آرزو کند که کاش به آن نرسیده بود چه نزدیک است امروز ما به فردایی که سپیده آن آشکار و نهان می‌شود. ای مردم اینک ما در آستانه تحقق به وعده‌های داده شده و نزدیکی طلوع آن چیزهایی که بر شما پوشیده و ابهام آمیز است قرار داریم و (او اشاره به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه است) از پرده غیبت ظاهر شوند و حکومت عدل جهانی را بناگذارند و تمامی ظالمان را از صحنه دور نماید و مردم را از نور و علم و معنویت و سجایای اخلاقی بهره‌مند سازند. و این نوع بهره‌مندی از معنویت‌های گوناگون و سجایای اخلاقی به نفع کامل بشر و بشریت است.

اشاره مستقیم درباره حکومت عدل جهانی اسلامی توسط حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه در نهج البلاغه در خطبه شماره ۱۵۰ شده است و کاملاً توصیف

فرموده که تمامی ظالمان جهان را از صحنه دور می‌فرماید و بهترین نوع حکومت الهی به دست صالح ترین از بندگان خدای سبحان گرفته خواهد شد و اداره خواهد نمود و بشر و بشریت با سجایای اخلاقی کامل به بهترین وجه ممکن ادامه حیات و زندگی را دارا خواهد شد. انشاءالله

قال المهدي عليه السلام في توقيعه الشريف:

قد آذا ناجهلاء الشيعة و حمقاتهم و من دينة جناح البعوضة ارجح منه.

(بحار ج ۲۵ ص ۲۶۶)

حضرت مهدی عليه السلام فرموده‌اند: به تحقیق جاهلان و کم خردان شیعه و کسانی که پروبال پشه، از دین داری آنان برتر و محکم تر است، ما را آزار می‌دهند.

### ره آوردهای حکومت حضرت مهدی عليه السلام

ألا و انّ من أذركها منّا يسرى فيها بسراج منير، و يخذو فيها على مثال الصالحين، ليحلّ فيها ربّقا، و يعتق فيها رقاً، و يصدع شعباً، و يشعب صدعاً، في ستره عن الناس لا يبصر القائف أثره و لو تابع نظره ثمّ ليشحذنّ فيها قوم شحذ القين النصل تجلّى بالتثريل أبصارهم و يرمى بالتفسير في مسا معيهم، و يغبقون كأس الحكمة بعد الصبوح.

آن کس که فتنه‌های آینده را در یابد با چراغی روشن در آن گام می‌نهد و بر سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید.

و ملت‌های اسیر و بردگان را آزاد می‌سازد، و جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده نموده و حق جویان را دور هم جمع‌آوری می‌کند. حضرت مهدی عليه السلام سال‌های طولانی پنهان از مردم بسر می‌برد آن چنان که جوینده نمی‌بیند با آنکه

در یافتن نشانه‌ی وی تلاش فراوان کند سپس گروهی برای در هم کوبیدن فتنه‌ها آماده می‌شوند، چون شمشیرهای صیقل یافته و دیده‌های آنان با قرآن جلا می‌گیرد و با تفسیر قرآن گوشه‌هایشان نوا می‌گیرد و در بامداد و شامگاه جام‌های حکمت می‌نوشند.

و با الهامات نورانی از قرآن مجید و تفسیر و تاویل کاملی که از حضرت قائم علیه السلام به آنها می‌رسد اشخاصی حکیم تربیت یافته می‌شوند و از اصحاب مخصوص حضرت می‌شوند و به یاری ایشان می‌شتابند و با عنایات ربانی و با استفاده از وجود مبارک امام علیه السلام تمام عالم پر از عدل و داد شده و حکومت اسلامی بر مبنای عدل تمام گیتی را فرا می‌گیرد و در زیر سایه خدای سبحان به آرامش می‌رسند.

### احترام خاص برای نام مقدس حضرت صاحب الزمان علیه السلام

بسیاری از علمای اسلام مانند شیخ مفید، شیخ صدوق، میرداماد، علامه مجلسی و شیخ طبرسی و اخیراً مرحوم آقای حلبی و دیگر بزرگان دستور صریح (فتوا) داده‌اند که بردن نام مقدس حضرتش که م ح م د است حرام است و دلیل آنان روایات زیاد و متواتری است بر نهی از بردن نام مبارک ایشان روایتی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است که فرموده‌اند: صاحب این امر (یعنی حضرت قائم علیه السلام) مردی است که قیام کننده و برقرار کننده حکومت واحد جهانی اسلامی است و بردن نام ایشان کفر است و نام برنده کافر و در روایت دیگر در توقیع شریفی که از کلام آن حضرت رسیده فرموده‌اند: «ملعون است کسی که مرا در میان محفلی از مردم اسم برد». و در روایت دیگری از امام حسن عسگری علیه السلام که فرموده‌اند شاید مراد از نام (م ح م د) ایشان است که احترامی ویژه دارد.

## لا یحل لکم ذکره باسمه

مباح و حلال نیست که ایشان را (حضرت قائم علیه السلام) را به اسم مبارکشان یاد و بیان کنید. با توجه به این احادیث هرگونه بیان و عملی که موجب احترام خاص و تعظیم و تکریم نسبت به وجود و مقام مقدس و منور آن حضرت قرار گیرد مطلوب و قابل اهمیت و ارزش است پس باید در مجالس دینی و یا هر جای دیگر که نامی از حضرت بیان می شود تمامی مومنین و حضار در آن مجلس قیام نموده و احترام نمایند چه بسا واجب شرعی است احترام و درود و سلام بر آن حضرت و احادیث زیادی است که وقتی نام مقدس آن حضرت را در محفلی که یکی از حضرات ائمه علیهم السلام نشسته بودند برده می شد آنان قیام می فرمودند و بر آن حضرت درود و سلام می فرستادند لذا در کتاب نجم الثاقب از مرحوم سید نعمت الله جزائری حدیثی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است: روزی در حضور حضرت نامی از امام برده شد، بلافاصله حضرت قیام نمودند و همگی را به قیام دستور فرمودند و به احترام نام مقدس حضرت مهدی علیه السلام ایستادند و احترام خاص فرمودند.

لکن چون رفتار امام علیه السلام حجت است پس قیام بعد از بردن هرگونه نامی از حضرت بر همگان واجب است.

در کتاب سرگذشت علم نوشته جورج سارتون *Gorg. Sarton* صفحه ۱۲۲ دارد که: «در دنیا، علم اکنون تفوق نظامی و صنعتی را موجب شده و روزی خواهد رسید که تفوق اجتماعی را نیز موجب گردد و وضعی به وجود خواهد آورد که در آن عدالت اجتماعی متناسب با جوهر اجتماع فراهم گردد».

منظور این است که اجتماع احتیاج به عدالت دارد و جمع نمودن عدالت با زندگی روزمره کار مصلحی است از جانب خداوند سبحان و آن کسی نیست جز



قائم آل محمد علیهم السلام.

روزی در مجلس حضرت صادق علیه السلام اسم مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برده شد حضرت ناگهان برای تعظیم و احترام آن حضرت برخاستند.

نقل از منتخب الاثر ص ۵۰۶

### مکاشفه چیست؟ و آیا می شود در حالت خواب یا مکاشفه یا حضور به خدمت مبارک حضرت امام علیه السلام مشرف شد.

تعریف مکاشفه: وقتی روح آدمی تقویت شد و توانست جنبه های مادی و حیوانی و تمامی تمایلات دنیایی و تمنیات نفسانی را کنار بگذارد. و روح خود را صاحب شود و در اختیار خود قرار دهد و لقمه حرام و شبه ناکی نخورد و مجالست با افراد مؤمن داشته باشد و از حرام و غیبت و تهمت و خلاصه گناه و متعلقات آن بپرهیزد و اعمال نیک انجام دهد و دائماً متوسل به ائمه اطهار علیهم السلام خصوصاً حضرت ولی عصر علیه السلام باشد و همیشه با وضو بوده مشغول ذکر خدای متعال باشد زمینه مکاشفه برایش فراهم می شود.

گاهی شده پس از عبادت های پرنور و پرتوجهی مثل نماز شب و به جا آوردن اعمال شب های قدر و یا شب نیمه شعبان و ثلث آخر شب های جمعه که بسیار موقع حساسی است و یا اعیاد ائمه علیهم السلام و یا حرم امن الهی و حرم های ائمه معصومین علیهم السلام در این مواقع حالاتی به مؤمن دست می دهد که شخص نمی داند چه شده آیا خواب بوده یا بیدار و در این حالت حقایقی برایش کشف و مشهود می گردد استاد ما مرحوم آیت الله آقای حاج سید مجتبی استرآبادی رحمه الله علیه ثلث آخر شب جمعه را پر اهمیت می دانستند و همیشه در طول سال ثلث آخر شب جمعه را به احیاء و دعای کمیل می گذراند و قرآن بدست تمامی دعا را

دو زانو و از حفظ می خواندند رضوان الیه علیه روحشان شاد همیشه بیادشان هستیم ایشان می گفتند به طوریکه ارواح طیبه و یا ملائکه از جانب خداوند با صالحین در آن موقع صحبت می کنند و اگر قابلیت داشته باشد شاید حضرات ائمه اطهار را ببیند و با آنها صحبت کند و یا سوالی کند و آنان جواب بدهند. حتی ممکن است فرد مؤمن حضرت بقیه الله علیه السلام را ببیند ولی او را در آن وقت نشناسد و بعدها متوجه شود که کسی را که دیده (از قرائن معلوم شده) حضرت قائم علیه السلام بوده و در احادیث است که وقتی حضرت ظاهر می شوند بسیاری از مردم می گویند ما این آقا را زیاد دیده بودیم ولی فکر نمی کردیم که ایشان حضرت امام زمان علیه السلام باشند. حتی از وجود حضرتش بهره های علمی مهم برده باشد. مانند علامه بحر العلوم علامه حلی، علی بن مهزیار اهوازی، مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و حاج علی بغدادی که شرح آن در کتاب مفاتیح الجنان است و سایر بزرگانی که به ملاقات آن حضرت نائل شده اند.

### حضرت بقیه الله صاحب الامر امام مهدی علیه السلام در کتب اهل سنت

۱ - ابن ماجه در کتاب صحیح<sup>۱</sup> از انس بن مالک روایت نموده که پیغمبر اسلام فرمودند: ما فرزندان عبدالمطلب من، حمزه، علی، حسن و حسین تا مهدی سروران اهل بهشت هستیم.

۲ - در کتاب کفایة الطالب شیخ شافعی) که در کتاب مناقب حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام درباره ظهور مهدی علیه السلام در آخرالزمان به اسناد خود از کتاب سنن ابو داود، از زرار عبدالله نقل می کند؛ پیامبر فرمود: «دنیا به پایان نمی رسد مگر اینکه مردی از اهل بیت من در آخرالزمان ظهور نماید که

نامش مطابق نام من است و همه جا را به عدل و داد می‌رساند»<sup>۱</sup>.  
 در کتاب صحیح بخاری<sup>۲</sup> در باب نزول حضرت عیسی بن مریم علیه السلام و در کتاب صحیح مسلم<sup>۳</sup> از ابوهریره نقل نموده‌اند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «چه حالی خواهند داشت آنهایی که ببینند آن زمانی که عیسی بن مریم در بین آنان فرود آید و امام آنها (قائم) هم میان آن جماعت باشد». و عیسی بن مریم با آن جماعت به امام اقتداء می‌نمایند و نماز می‌گذارند.  
 این حدیث مهم و صحیح، که صحت آن مورد اتفاق همه محدثین شیعه مذهب و علمای بزرگ اهل سنت است که حضرت عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر مبارک حضرت بقیه الله العظم حضرت صاحب الامر امام زمان علیه السلام به نماز می‌ایستند و او را مقتدای خود می‌دانند و تابع اوامر ایشان می‌گردند و نماز می‌گذارند یعنی از متن این حدیث این‌گونه استفاده می‌شود که تمامی انبیاء و اولیاء و پیامبران قبل تابع وجود شریف حضرت می‌گردند و ایشان شخصیتی خواهند بود که با دینی کامل و واجد در کل عالم حاکم خواهند شد و اداره حکومت دینی بدست مبارکشان خواهد گردید و در تمامی جهان همه با یک زبان و دین واحد یعنی اسلام موحد و مسلمان خواهند بود.

### حضرت عیسی بن مریم افضل است یا حضرت صاحب الامر علیه السلام (امام یا مأموم)

حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام هر دو پیشوا، یکی پیامبر و دیگری امام معصوم است که اگر در محلی اجتماع کنند و امام سمت پیشوایی پیدا کند حق با ایشان است زیرا از پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله روایت شده: «امام

۱. سند این حدیث در کتاب سنن ابوداود جلد دوم صفحه ۷۰۲ است.

۲. مکتوب در جلد چهارم صفحه ۱۴۳ چاپ آستانه.

۳. چاپ بولاق جلد اول صفحه ۱۵۴

جماعت باید پیشوای جماعت باشد اگر دو نفر مساوی بودند آنکه عالم تر و چنانچه هر دو در علم مساوی بودند آنکه فقیه تر و اگر هر دو فقیه بودند آن را که خوش صورت تر و زیباتر است باید مقدم داشت و به او اقتداء نمود» و اما اگر حضرت صاحب الزمان علیه السلام بدانند که حضرت عیسی علیه السلام از خودشان برترند جایز نخواهد بود چون امام از هر کس آشناتر به مسائل امور اسلامی هستند و لذا بروی مقدم می شوند ولی حضرت عیسی بن مریم علیه السلام می دانند که حضرت مهدی علیه السلام از ایشان افضل هستند، به همین جهت پشت سر ایشان نماز می گذارند و مأموم، امام، قرار می گیرند.

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

خداوند جان و مال مومنین را می خرد تا در مقابل بهشت و جنت المآوی را به آنها عطا فرماید. آنهایی که در راه خدا پیکار و مبارزه می کنند و کشته می شوند این وعده الهی است که در قرآن مجید و در کتاب تورات و انجیل و کتب آسمانی دیگر به مومنین داده شده است.

کیست که بهتر از خداوند به عهدش وفا کند پس شما را به آنچه که کسب نموده اید بشارت باد زیرا سعادت بزرگ است، که به آن نائل می شوید. و امام علیه السلام در میان امت نماینده پیامبر است و بر حضرت عیسی علیه السلام جایز نیست که بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اشرف مخلوقات و خاتم انبیاء الهی پیشی گیرد.

«.....» اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام

دینا...»

امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و پر شما نعمت را تمام کردم و بهترین دین که آیین اسلام است برایتان برگزیدم.

يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته

سوره مائده آیه ۶۷

پیامبر اسلام ﷺ پس از شرح این آیه شریفه در روز غدیر خم مردم را به سوی خاندان نبوت و چنگ زدن به ریسمان ولایت علی بن ابی طالب ﷺ دعوت کردند و فرمودند:

«ای گروه مومنان نور خدای تبارک و تعالی در من قرار گرفت و پس از من در وجود علی ﷺ همانا بعد از او در نسلش تا قائم المهدی که پیشوای دوازدهم می باشند. و آنها همگی از جانب حضرت حق هستند و جلب کننده همه حقوق از دست رفته.

در اصول کافی است (قال رسول الله ﷺ)

الا و ان خاتم الاوصياء منا القائم المهدی

آگاه باشید که خاتم اوصیاء مهدی قائم ﷺ از ماست.

الا انه الظاهر علی الدین كله

آگاه باشید که او بر همه ادیان پیروز می شود.

الا انه المنتقم من الظالمین

آگاه باشید که او انتقام گیر از ستمگران است.

الا انه فاتح الحصون و هادمها

آگاه باشید که گشاینده و در هم کوبنده مرزهاست.

الا انه مدرک بكل ثار لاولياء الله عزوجل

آگاه باشید که او خون خواه همه بندگان صالح خداوندست.

الا انه قاتل كل قبيلة من اهل الشرك

آگاه باشید که او از بین برنده هر قبیله‌ای از مشرکان و اهل شرک است.

الا انه الغراف من البحر العميق

و آگاه باشید که او نهری خروشان از اقیانوسی بیکران است.

آگاه باشید که او یاور دین خدای تبارک و تعالی است.

آگاه باشید که او هر دانشمندی را به دانش و هر نادانی را به نادانی می‌شناسد.

آگاه باشید که او برگزیده و انتخاب شده از سوی خدای متعال است.

آگاه باشید که او وارث هر علم و دانش است و در برگیرنده آن می‌باشد.

آگاه باشید که او آنچه بگوید از جانب خدای بزرگ می‌گوید و هشدار دهنده به

امر ایمان است.

آگاه باشید که او مردی رشید و قوی و کامل و نیرومند و متین است.

آگاه باشید که فرمانروایی جهان هستی به او واگذار شده است.

آگاه باشید که هر کس از (پیامبران و امامان) پیش از او نوید آمدنش را داده و

می‌دهند.

آگاه باشید او که بیاید احدی بر او چیره نیست و کسی او را شکست ندهد.

آگاه باشید که او ولی خدا در روی زمین و داور او در میان مردم و امین او در

آشکارا و نهان است.

نقل از کتاب بحار الانوار - جلد ۳۷ - صفحه ۲۱۱

**نامه اعمال ما به حضور امام عصر حضرت مهدی عليه السلام می‌رسد**

حضرت امام زمان عليه السلام در توقیع و نوشته‌ای خطاب به شیعیان فرموده‌اند:

(نقل از تحفة المهدیه)

فانا نحيط علما بانبائكم و لا يغرب عنا شيء من اخباركم  
 ما بر اوضاع و احوال شما کاملاً آگاهیم و هیچ یک از اخبار شما بر ما پوشیده  
 نمی‌ماند.

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین<sup>۱</sup> به نقل از حضرت امام صادق علیه السلام  
 فرموده‌اند:

اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون  
 عمل کنید که خداوند و پیامبر و مؤمنین اعمال و کردار شما را می‌بینند. (که  
 مراد از مؤمنین امام علیه السلام است)

یا حجة ابن الحسن العسكري علیه السلام

صورت شاهد ازل جلوه گر از جمال تو  
 معنی حُسن لم یزل، در خور خط و خال تو  
 جام جهان نمای جم ساغر درد نوش تو  
 طلعت لیلی قِدم، آیینه مثال تو  
 کوکب درُزی فلک، شمع در سرای تو  
 سرمه دیده ملک، خاک ره نعال تو  
 عرصه فرش ساحت گوشه نشین گدای تو  
 قِبة عرش حلقة منطقة جلال تو  
 دفتر علم و معرفت نسخه حکمت و ادب  
 نقطه مهملی است در، دائرة کمال تو  
 ماه دو هفته بنده، حسن یگانه روی تو  
 پیر خرد بمعرفت کودک خردسال تو

رفرف عقل پیراگر از سر سدره بگذرد  
 باز نمی رسد، باول قدم خیال تو  
 گلشن جان نمی دهد چون تو گلی دگر نشان  
 خلد جنان، نپرورد سرو باعتدال تو  
 خضر اگر چه زندگی، ز آب حیات یافته  
 باز کند دوندگی، در طلب زلال تو  
 ای به فدای ناز تو، و آندل دلنواز تو  
 سوخت ز سوز عشق تو مفتخر نوال تو

در مدح یازدهمین خورشید آسمان ولایت امام حسن عسکری علیه السلام

زد آتش عشق تو به جانها	شوق تو فتاده بر روانها
تو رهبر شهر علم و دینی	راهی به ره تو کاروانها
تو راهنمای وادی عشق	برگرد ره تو ساربانها
لفظ تو منصّه حقایق	هر جای زمین به هر زمانها
درگاه تو قبله قبایل	خسروگاه تو کعبه جهانها
ای یازدهم امام برحق	عاجز ز مدیح تو زبانها
ای نور دو دیده پیمبری	خورشید عیان در آسمانها
نام تو نهان به کنه ذرات	هر چند عیان تر از عیانها
تو پور عزیز مرتضایی	جد و ابوین شادمانها
از مقدم پرسعادت توست	در دست قمر چراغدانها
تو ژرف ترین حقیقت دهر	گسترده ترین بیکرانها
فرزند تو ناجی جهان است	از معدلتش رهانوانها



در پرده غیب است افسوس	از فرقت او است این فغانها
از بهر ولایت تو آرد	نرگس پسری امید جانها
چون ظلم و ستم ز حد فزون شد	رخ را بنماید از نهانها
ای آیت حق امام و رهبر	عاشق به تو پیرها، جوانها
احدی عشر ائمه دین	ای رونق باغ و بوستانها
گیسوی تو سنبل و رخت گل	آراسته از تو گلستانها
از برکت توست این فضائل	برگرد تو عالمی به خوانها
ما عاشق و بیقرار نامت	افتاده به خاک آستانها
ارجو که ز لطف دست ما را	گیری که تویی زمستانها
احمد که نشسته در ره تو	پژمرده و خسته چون خزانها
در روز حساب و گاه محشر	شو در حق او ز مهربانها

(پیام حضرت امام زمان علیه السلام به شیعیان)

بخشی از نامه مبارک حضرت صاحب الزمان علیه السلام به مرحوم شیخ مفید  
رضوان الله تعالی علیه

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَا عَنَّا وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لِمَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ  
عَلَيْهِمْ...

اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان بخشد با دل‌هایی متحد و یکپارچه /  
به پیمانی که با ما دارند وفا می‌کردند. هرگز میمنت و فیض ملاقات ما از آنان به  
تأخیر نمی‌افتاد و به زودی سعادت دیدار ما با معرفتی کامل و شناختی راستین  
نصیبشان می‌گردید. پس ما را از شیعیان پنهان نساخته مگر آن دسته از  
کردارشان که بر ما خوشایند نیست و از ایشان توقع نداریم. خداوند مددکار و یاور

ماست و او برای ما کفایت کننده و نیکو وکیل است دروذهای خداوند بر سرور ما نوید دهنده و ترساننده محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش باد. نقل از احتجاج جلد دوم صفحه ۳۲۵

به پیش آینه دل هر آنچه می‌دارم جز خیال جمالت نمی‌نماید باز  
بیا که بلبل مطبوع خاطر حافظه بوی گلبن وصل تو می‌سراید باز  
بدان مثل که شب آبستن است به رویتاره می‌شمرم تا که شب چه زاید باز  
(حافظ)

### بحث درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام

در بحث پیرامون نبوت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامت حضرات ائمه هدی علیهم السلام آمده است: به موجب قانون هدایت عامه که در آفرینش جاری است آدمیان به حکم اختیار به نیروی وحی هدایت می‌شوند و روح به سوی کمال و انسانیت و سعادت می‌رسد و بدیهی است که کمال و سعادت انسان‌ها در زندگی اجتماعی است نه فردی، پس باید در ابتدا اجتماع به سوی دین و دین خواهی سوق پیدا کند.

بشر از روزی که پا به زمین نهاد پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت بوده و به امید رسیدن به چنین روزی قدم بر داشته در حالی که جهان را پر از تجاوز، بی‌عدالتی، بی‌رحمی، گناه دیده و لمس کرده پس بشر همیشه با فکر صلح و صفا و هم‌زیستی، مسالمت و عدل و انصاف دنبال رهبری بوده که چنین جامعه‌ای را نجات دهد همانا می‌دانیم با استفاده از روایات صحیح، منجی کل که قائم آل محمد حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد و احادیث بی‌شماری از طریق عامه و خاصه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام درباره ظهور

حضرت بیان شده است که ایشان از نسل پیامبر ﷺ می‌باشند و با ظهور خود جامعه بشری را به کمال واقعی و به حیات معنوی خواهند رسانید از این روی در بحارالانوار آمده است.<sup>۱</sup>

قال ابو جعفر علیه السلام اذا قام قائمنا وضع الله یده علی روس العباد فجمع به عقولهم و کملت به احلامهم

بیا که فرقت تو چشم من چنان در بست

که فتح باب وصال مگر گشاید باز

غمی که چون سپه زنگ ملک دل بگرفت

زخیل شادی روی رخت زداید باز

در آگه در دل خسته توان درآید باز

بیا که در تن مرده روان درآید باز

قال الامام الصادق علیه السلام

ان لنادولة یسجی بهاله اذا شاء ثم قال: من سران یكون من اصحاب القائم

علیه السلام فلیتظر ولیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر

### چگونگی حال انتظار

انسان وقتی که به کسی علاقه داشته باشد سعی و تلاش می‌کند که خود را به

او نزدیک نماید و اعمال و کرداری داشته باشد که طرف مقابلش احساس

رضایت از او کند. و اگر طرف مقابلش مظهر تمام خوبی‌ها، عدالت، حقیقت،

انسانیت، و حقانیت باشد. و در مرتبه آخر اینکه مقام والای امامت را دارا باشد. و

کسی که منتظر فرج بوده و گم‌گشته‌ای را همیشه در ذهن خود داشته باشد. باید

یک انس و مشابَهتی به او در خودش ایجاد کند. در دستور زبان عربی جمله (هومتظر) جمله حالیه است برای فعل‌های قبلی یعنی این کارها را انجام بدهد در حالی که منتظر است.

بنابراین در این مطلب اینطور مشاهده می‌شود که در این حدیث شریف دو مطلب به آن توصیه شده است اول اینکه ما باید با پرداختن به خود یعنی حال تزکیه و خودسازی (ولیعمل بالورع) (و محاسن الاخلاق و هو منتظر) و اگر درست فکر کنیم می‌بینیم که با توجه به مکارم اخلاق و ورع و نیکوکاری و در صورتی که حال تزکیه و خودسازی پیدا کنیم حال انتظار به ما دست می‌دهد و باید ظرف وجودی خود را از رذائل خالی کنیم و آنچه که مانع می‌شود تا خوبی‌ها در او تحقق پیدا کند چون تا ظرف وجودیش تخلیه نشود جایی برای ورود محاسن اخلاق و مکارم خلقی و اخلاق حسنه و کمال و آراستگی باطنی پیدا نمی‌شود پس بنابراین شخص منتظر اولین وظیفه‌اش اصلاح مسیر خودش است در زندگی فردی و در سلوک شخصی، و وقتی خود را اصلاح نمود در خانه و اجتماع الگو شده و آنگاه می‌تواند زمینه منتظر بودن را در خود پیاده نماید. شخصی که منتظر پرچم عدالت است خود در سر خانه اش پرچم ظلم نصب نمی‌کند و کسی که منتظر قائم است و خود در حال انتظار است زبان و رفتار و سلوک و اعمال و کارهایش، معاملاتش، گفتارش، کردارش خلاصه نباید خلاف حق و حقیقت باشد و روز به روز سنخیت با مطلوب ایجاد کند و در زندگی فردی خود با مطلوبش ایجاد سنخیت و همخوانی نماید و ایجاد آن با عمل صالح و خودسازی و باور داشتن مهدویت است و حضور امام علیه السلام را در قلب خود احساس کند و در تمام امکانه و در تمام حال امام علیه السلام را حاضر و ناظر بداند و بداند که پرونده اعمال او هفته به هفته خدمت حضرتش می‌رسد و آن حال حال انتظار است.

«گل نرگس زاده نرجس»

زان لب لعل که رشک شکر مست

خواهد آن کس که زهل بصرست

عاشق و واله و شیدای توشد	هرکسی عارف و صاحب نظرست
هرکسی محنت هجران دیده است	از دل خسته من با خبرست
بی تو گر عمر ابد بخشندم	همه آن ضرر اندر ضررست
هرکه را یاد تو از یاد برفت	روزگارش خطر اندر خطرست
ز آنچه گل در چمن حس بود	گل نرگس ز همه خوبترست
کی برون آید از این پرده غیبت	شام هجران تو را کی سحرست

لطفی فرمای معدن لطف و کرم

از غم هجر تو خونین جگرم

### رجعت و ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه

رجعت در لغت به معنی بازگشت به آن است که مؤمنان خالص و سردمداران کافر بعد از مرگ به دنیا باز می گردند. گروه اول مؤمنین به عزت دائمی نائل شده و گروه دوم سردمداران کافر به ذلت دنیوی و آخروی می رسند ولی این معنا با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تفاوت دارد زیرا ظهور در فرهنگ شیعه آن است که حجت الله حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه پس از غیبت طولانی در زمانی که دنیا پر از ظلم و جور شد قبل از وقوع قیامت ظهور می فرمایند و تفاوت آن با رجعت این است که خداوند برای برچیدن ریشه های ظلم و ستم و ایجاد عدالت در زندگی بشری امام بحق و منجی را پس از غیبتی طولانی آشکار می سازد، و رجعت آن است که در هنگام ظهور برای یاری استمرار حاکمیت حق بعد از برقراری عدالت، خداوند

متعال عده ای از مومنان را که از دنیا رفته‌اند، به دنیا باز می‌گرداند آنها مومنانی هستند که سالیان طولانی از عمرشان در انتظار فرج بودند، ولی قبل از ظهور دیده از جهان فرو بستند و عمرشان به پایان رسید. براین اساس رجعت یکی از وقایع مهمی است که در آستانه ظهور حضرت قائم علیه السلام رخ می‌دهد و در همان هنگام است که برخی پیامبران الهی و ائمه اطهار علیهم السلام و مومنان صالح به دنیا برمی‌گردند تا شاهد اعتلای کلمه اسلام در دنیا باشند. پس باید بدانیم رجعت ظهور نیست در نتیجه نزدیکی زمان اتفاق آن دو نباید موجب شود که آنها را یکی تلقی نمائیم. چنانکه شیخ مفید (ره) فرموده است:

ذالک عند قیام مهدی آل محمد علیهم السلام

یعنی رجعت هنگام قیام قائم مهدی آل محمد علیهم السلام خواهد بود. و سید مرتضی نیز (از علمای بزرگ اسلامی) فرموده است: «آنچه که شیعه به آن اعتقاد دارد این است که خداوند متعال هنگام ظهور امام زمان مهدی علیه السلام گروهی از شیعیان فوت شده را به دنیا بر می‌گرداند»<sup>۱</sup> دویت نلسون (*Doiyt Nalson*) در کتاب عقیده شیعه در مسئله رجعت آورده: «رجعت به معنای ظهور حضرت قائم است با اینکه این خلاف معنای رجعت در اصطلاح کلام و نظر شیعه است و منظور از رجعت بازگشت عده ای مومن و کافر است به دنیا، و در این خصوص بعضی از متفکرین اسلامی و دانشمندان و علمای بزرگ به این عقیده هستند که مسأله رجعت به عنوان یکی از مراتب اصول دین است و در مرتبه اعتقاد به توحید و نبوت و معادست و از موارد مسلمات قطعی محسوب می‌شود و شأن آن در این مورد، هم شأن بسیاری از قضایای فقهی و تاریخی است که راهی به انکار آنها نیست.»

در زیارت حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام می‌خوانیم:

انی من المؤمنین برجعتم

من به بازگشت شما اهل بیت علیهم السلام ایمان و اعتقاد دارم.  
و در زیارت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام آمده است:

انی بکم و بایابکم من المؤمنین

من به شما و بازگشت و رجعت شما خاندان معتقدم.  
و در روایتی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است:

من اقر بسبعة اشياء فهو مؤمن و ذکر منها الايمان بالرجعة

و در حدیثی دارد که هر کس به هفت چیز معتقد باشد مومن است و از آن  
میان ایمان به رجعت را اصل بیان فرموده است. پس اعتقاد به اصل رجعت به  
طور اجمالی واجب است هر چند احتیاج به بحث گسترده تری دارد.

بنابراین رجعت از زمره امور اعتقادی است نه یک قضیه تاریخی. حتی  
علمای کلام رجعت را در کنار سایر مباحث اعتقادی بحث نموده‌اند. نکته دیگر  
اینکه آیا صرف تحقق آن در آینده موجب تاریخی بودن آن می‌شود؟ پس اگر  
چنین است مسئله معاد تاریخی است؟ نه چنین نیست.

هوالذی خلق لکم ما فی الارض جمیعا

سوره بقره آیه شریفه بیست و نهم

او خدائست که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرده.

الم تر أن الله سخر لکم ما فی الارض

آیا نمی بینید خداوند آنچه در زمین است (همه) را مسخر و در تسخیر شما  
گردانید.

همانا کمال آدمی در این است که موجودات، مسخر اراده او گردند و اراده‌اش  
نافذ در پدیده‌های عالم باشد و آنچه حضرت حق از آدمی خواسته آن را اطاعت

نموده و هر چه را نهی فرموده از آن دوری نماید تا به کمال برسد پس کمال هر موجودی آشکار ساختن استعدادهای نهفته در وجود خود است تا در مسیر رشد و تعالی انسانی قرار گیرد و به آسایش و آرامش برسد و تنها این مدینه فاضله در عصر حکومت حضرت صاحب الامر عجله الله تعالی فرجه الشریف صورت می‌پذیرد. در این زمان موجودات به کمال مطلوب در آفرینش دست می‌یابند و کسی نیست که مانع اهداف عالی آنان گردد. و حیات هستی را در معرض خطر قرار دهد در صورتی که دشمنان اسلام قبل از این تمامی مفاصد اخلاقی، مالی و دینی را بر خلق خدا روا داشتند و مسیر زندگی طبیعی و عادی انسان را به بیراهه کشاندند به طوری که بعد از پیامبر عالی قدر اسلام مسیر اسلام و دین الهی را به سمت دیگر کشاندند و در راه انحراف قرار دادند و با غضب خلافت امیرالمومنین علی علیه السلام این وضع را برای مسلمین ترسیم کردند و باب رحمت الهی را که مکتب شیعه اثنی عشری است از مسلمین دور نمودند و با مسدود نمودن خط ولایت و تشیع مسیر اصلی اسلام را ظاهراً از بین بردند و نگذاشتند از نعمت ولایت همگان بهره برند. در اینجا می‌پردازیم به این موضوع که به راستی شیعه اثنی عشری و کسانی که رجعت می‌یابند چه کسانی هستند.

شیعه در لغت به معنای پیرو است و به کسی اطلاق می‌شود که جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را حق می‌داند و پیرو مکتب ایشان می‌باشد.

در اینجا است که منطق با واقع بینی درهم می‌آمیزد و انسان را به سوی حق و حقیقت دعوت می‌کند. حق یعنی درک درست از جهان و هرچه در آن است زیرا جهان از یک منبع نامتناهی سرچشمه گرفته که همان خالق متعال و غیر قابل زوال است. و آن زمان است که انسان از همه چیز جدا می‌شود و به خدای یگانه می‌پیوندد و در مقابل او سرتعظیم فرود می‌آورد و با هدایت و رهبری



خداوندگار به آئینی پاک می‌گراید که همان مکتب تشیع و امامت است و این افراد همان کسانی هستند که رجعت پیدا می‌کنند.

و همراه با (قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حضرت صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَامُ) تشکیل حکومت حقه الهیه را می‌دهند و با آن نور پاک در این دنیا زندگی می‌نمایند.

### در زمان غیبت حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ ما چه فایده‌ای از ایشان می‌بریم؟

غیبت در لغت حاضر نبودن در جمع است. چنانکه در بین ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز غیبت سابقه داشته است مانند حضرت امام موسی ابن جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ، حضرت امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ و حضرت امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ که همه این بزرگواران زندان طویل المدتی را گذراندند و در تبعید بودند. در چنین اوقاتی استفاده مردم از آنها از طریق اصحاب بوده است. کسانی هستند که با حضرت ولی عصر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ تماس دارند ولی این دیدار برخلاف گذشته برای احکام نیست زیرا حالا وظیفه عمل به احکام از طرق متعارفه است نه از طریق ایشان یکی از فواید وجود امام عَلَيْهِ السَّلَامُ شهود است که برای بیان احکام و تشکیل حکومت صورت می‌گیرد ولی فایده کلی امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در متون فلسفی و روایی اشاره شده است. نظر مبانی فلسفه از طریق برهان لمّی فاعلی و برهان نمایی، این موضوع ثابت شده است که آنچه در عالم وجود از نعمت‌ها موجود است و یا به عبارت دیگر انواع فیوضاتی که از طرف حضرت حق باریتعالی به خلق می‌رسد به وسیله وسایطی صورت می‌گیرد. منتهی فلاسفه وسایط را عالم عقول گفته‌اند ولی به حسب اعتقادات شیعه و نصوص مذهب این فیوضات به وسیله انوار اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به ما می‌رسد که این مفاد براهین مبتنی بر حرکت جوهریه است و هم مفاد برهان قاعده و اجمال قضیه به این ترتیب است که خداوند تبارک و

### الواحد لا یصدر عنه الا الواحد

### و سنخیت علت و معلول

تعالی که واحد بسیط من جمیع جهات است با عالم کثرات که از هر نظر متشنث است نسبتی ندارد یعنی بین وحدت بساطتی و کثرت و تشتت همه جانبه، هیچ نسبتی وجود ندارد لذا می‌گویند حتماً باید واسطه‌ای در کار باشد تا سنخیتی به وجود آورد اما این که واسطه چه کسی باید باشد دارای یک بعد فلسفی و یک بعد ارزشی و یا عرفانی است که باید گفت عالم به یک اصل واحد بر می‌گردد یعنی کل این عالم متکثر یک واحدست مثل بدن ما که از میلیاردها موجود زنده دیگر تشکیل شده است و در عین حال یک واحد است و همه‌ی یاخته‌های عجیب و غریب تشکیل دهنده جسم انسانی در واقع تحت پوشش یک موجودند. فلاسفه معتقدند که طبق قواعد فلسفی کل عالم به یک واحد بر می‌گردد و به تعبیر قرآن مجید:

### و ما امرنا الا واحده

ارزش‌ها در درجات قرب مجموعه به یک واحد بر می‌گردد اما وقتی علت می‌خواهد این مجموعه را ایجاد کند متوجه یک نقطه خاص است. یعنی خداوند عالم را ایجاد فرموده برای اینکه می‌خواسته در این عالم موجوداتی وجود داشته باشد که به کمال برسند اگرچه این موجودات خدا گونه‌اند. (منه المسیر و الیه المسیر) از خدا شروع شده ایم و دوباره به خدا خواهیم رسید در حقیقت خلقت، خداگونه درست شده است.

امام زمان حضرت مهدی عجله تعالی فرجه الشریف هدایت‌های جانبی برای افرادی دارند که در شرایط حساس می‌خواهند در زندگی عامه مردم تغییر روش بدهند ولی ناگهان حضرت به دانش می‌رسند و کارش را اصلاح می‌فرمایند و یا طریق صحیح را به

او تفهیم می‌فرمایند. خداوند قادر است و توسط حضرت به بندگان فیض عنایت می‌فرماید. فلاسفه مشاء می‌گویند: خداوند عقل اول را آفرید و در عقل اول وجود و ماهیت و علم به خود و علم به حق عشق به خود و عشق به حق بوجود آورد حداقل شش جهت کثرتی در عقل اول هست که این وسیله می‌شود برای ایجاد کثرت بیشتر و عقل دوم فلک اقصی است تا برسد به عقل فعال که عقل دهم است و در روایت است که:

اول ما خلق الله العقل

اما در جای دیگر نیز به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

اول ما خلق الله نوری

خداوند مرا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را از نور قدس خودش آفرید و چون خواست خلق را انشاء کند (یعنی نور دیگران را) نور مرا شکافت و از نور شکافته شده من آسمان‌ها و زمین را خلق فرمود.

و در روایات (لولا فاطمه لولا علی لولا انتم) دلالت بر روایت دیگر دارد که اگر اهل بیت نبودند، یا اگر شما نبودید دنیا را خلق نمی‌کردم زیرا هدف تکامل است و تکامل بسته به نظر حضرت باری تعالی پس انبیاء از آدم تا قبل از حضرت خاتم صلی الله علیه و آله به خاطر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت او خلق شده اند و دیگران به خاطر انبیاء و اوصیاء بوجود آمده‌اند، تا به آخر. پس اگر اینان نبودند کلاً خلقت لغو می‌شد در زیارت جامعه کبیره آمده است:

موالی لا احصى ثناءکم و لا يبلغ من المدح کنهکم و من الوصف قدرکم و انتم نور الاخيار و هداة الابرار و حجج الجبار بکم فتح الله و بکم یختم الله. شروع عالم به وجود شما بوده است این علت فاعلی است که می‌فرماید: (بکم فتح الله) و (بکم یختم الله) شروع و ختم عالم به وسیله شما بوده است.

(بکم ينزل الغيث) به وسیله شما باران فرود می‌آید. و انوار مقدس آنها خالق کل آسمان‌ها و زمین است نه از وجود طبیعی زیرا نوعاً واکثراً انسان‌ها بعد از مرگ به ظلمت و تاریکی مبتلا می‌شوند ولی آنها به نور. در اصول کافی در تفسیر آیه «و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها» «.....» سوره اعراف آیه ۱۸۰ در تفسیر این آیه شریفه آمده است که ائمه علیهم‌السلام فرموده‌اند. که به خدا قسم اسماء حسنی خدا ما هستیم.

بکم ينفس الهم و يكشف الضر

خداوند به وسیله شما غم و اندوه و گرفتاری‌ها را برطرف می‌کند  
من اراد الله بدء بکم، بکم یبیین الله الکذب، بکم یباعد الله الزمان  
به اراده خداوند و به وسیله شما زمان‌های سخت و گرفتاری‌ها برطرف  
می‌شود

بکم تنبت الارض اشجارها

به نعمت وجود مبارک شما و به وسیله شما از زمین فواکه و میوه‌ها و درختان  
و سبزه‌زارها می‌روید

زد آتش عشق به جانها

شوق تو فتاده بر روان‌ها	زد آتش عشق تو به جانها
راهی به ره تو کاروان‌ها	تو رهبر شهر علم و دینی
برگرد ره تو ساربان‌ها	تو راهنمای وادی عشق
هر جای زمین به هر زمان‌ها	لفظ تو منصّه حقایق
جایگاه تو کعبه جهان‌ها	درگاه تو قبله قبایل
عاجز ز مدیح تو زبان‌ها	ای یازدهم امام برحق
خورشید عیان در آسمان‌ها	ای نور دو دیده پیمبر

نام تو نهان به کنه ذرات  
 تو پور عزیز مرتضایی  
 از مقدم پرسعادت توست  
 تو ژرف‌ترین حقیقت دهر  
 فرزندی تو ناجی جهان است  
 در پرده غیب است افسوس  
 از بهر ولایت تو آرد  
 چون ظلم و ستم ز حد فزون شد  
 ای آیت حق امام و رهبر  
 احدی عشر ائمه دین  
 گیسوی تو سنبل و رخت گل  
 از برکت توست این فضائل  
 ما عاشق و بیقرار نامت  
 ارجو که ز لطف دست ما را  
 احمد که نشسته در ره تو  
 در روز حساب و گاه محشر  
 هر چند عیان تر از عیان‌ها  
 جعد و ابوین شادمان‌ها  
 در دست قمر چراغدان‌ها  
 گسترده‌ترین بیکران‌ها  
 از معدلتش رهانوان‌ها  
 از فرقت اوست این فغان‌ها  
 نرگس پسری امید جان‌ها  
 رخ را بنماید ز نهان‌ها  
 عاشق به تو پیرها، جوان‌ها  
 ای رونق باغ و بوستان‌ها  
 آراسته از تو گلستان‌ها  
 برگرد تو عالمی به جوان‌ها  
 افتاده به خاک آستان‌ها  
 گیری که تویی زمستان‌ها  
 پژمرده و خسته چون خزان‌ها  
 شو در حق او ز مهربان‌ها

یا صاحب الزمان علیه السلام

«ادرکنی»

## خصوصیات حضرت مهدی علیه السلام و اسرار و برکاتی که پس از ظهورشان به وقوع می پیوندد

- ۱ - نور آن حضرت در میان انوار ائمه علیهم السلام مانند ستاره‌ای درخشان در میان کواکب و ستارگان است که همه گان مشاهده می نمایند.
- ۲ - شرافت نسب از طرف پدر واضح و از طرف ما در به قیصر روم و شمعون وصی حضرت عیسی علیه السلام منتهی می شود.
- ۳ - در روز ولادت، حضرت را به سراپرده عرش بردند و از طرف حق تعالی خطاب شد مرحبا به تو ای بنده من برای نصرت دین، اظهار امر و مهدی عبّاد من.
- ۴ - در روایت است که برای صاحب الامر خانه‌ای است که آن را بیت‌الحمد گویند.
- ۵ - کنیه و اسم رسول الله صلی الله علیه و آله برای آن حضرت جمع شده است. «محمد» (م ح م د) که بسیار قابل تعظیم و احترام است.
- ۶ - نام آن حضرت مهدی (آل محمد علیهم السلام) است.
- ۷ - وصایت و حجت در روی زمین به او ختم شده (وصی) است.
- ۸ - از روز ولادت غیبت کرده و به روح القدس سپرده شد و در عالم نور و فضای قدس تربیت شد و مجالست و مؤانست با ملاء اعلی و ارواح قدسیه دارد.
- ۹ - با کفار و منافقین و فاسقین تاکنون مصاحبت و معاشرت نکرده حتی دست ظالمی به دامانش نرسیده و از آنها کناره گرفته است.
- ۱۰ - بیعت احدی از جباران در گردن آن حضرت نبوده و نیست.

۱. لازم به ذکر است در زمان غیبت امام عصر اروحناله فداء نام بردن ایشان به این اسم اصلی (م ح م د) حرام است.

- ۱۱ - در پشت آن حضرت علامتی مانند علامت پشت رسول الله ﷺ که آن را مثل ختم و مهر نبوت گویند وجود دارد.
- ۱۲ - در کتب سماویه و اخبار معراجیه سایر اوصیاء هفت خصوصیت حضرت را ذکر کرده ولی اسم شریفش را نبرده‌اند.  
(بقیة الله، قائم آل محمد ﷺ)
- ۱۳ - برای ظهور حضرت آیات غریبه و علامات سماویه (آسمانی) و ارضیه ظاهر می‌شود که برای تولد و ظهور هیچ حجتی نبوده است.
- ۱۴ - نزدیک ظهور، منادی آسمان به اسم آن حضرت را ندا می‌کند.
- ۱۵ - در زمان حکومت ایشان افلاک از سرعت سیر افتاده و با آرامش حرکت می‌کند.
- ۱۶ - کتاب و مصحفی که حضرت امیرالمؤمنین علیؑ بعد از وفات رسول الله ﷺ جمع کرده ظاهر می‌شود. الان آن کتاب نزد حضرت است و در موقع ظهور حضرت کتاب مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- ۱۷ - ابر سفیدی همیشه بر سر وی دیده می‌شود.
- ۱۸ - فرشته و جن در میان لشگرشان دیده می‌شوند.
- ۱۹ - روزگار و گردش شب و روز و سیر فلک در مزاج و اعضاء و صورت و هیأت حضرت تأثیر نکرده به طوری که در هنگام ظهور به صورت مردی که سن سی تا چهل سال دارند خواهند بود.
- ۲۰ - از میان حیوانات وحشت و نفرت می‌رود. (به همدیگر و به انسان‌ها آسیب نمی‌رسانند).
- ۲۱ - جمعی از مردگان در رکاب آن حضرت حاضر می‌شوند. از جمله بیست و هفت نفر از اصحاب موسیؑ، نفراتی از اصحاب کهف و از پیامبران، حضرت

عیسی علیه السلام، حضرت خضر، یوشع بن نون علیهم السلام و سلمان و اباذر و مقداد و مالک اشتر، و هر کس چهل صباح دعای عهد «الهم رب النور العظیم» را بخواند از یاران آن حضرت خواهد بود و اگر پیش از ظهور بمیرد خداوند او را از قبر بیرون خواهد آورد البته اگر قابلیت همراهی آن حضرت را داشته باشد.

۲۲ - به برکت وجود حضرت زمین گنج‌ها و ذخیره‌های خود را از دل خاک بیرون کرده و مردم غنی گردند.

۲۳ - نعمت‌های زمین فراوان می‌شود. (باران، گیاه، درختان، میوه‌ها و همه چیز و همه جا پر از نعمت‌های گوناگون گردد).

۲۴ - عقل‌های مردم به برکت وجود حضرت تکمیل می‌شود دست مبارکش کینه و حسد را از دل‌های آنان بیرون می‌کند و علم در دل‌های مؤمنین جای می‌گیرد به طوری که هیچ کس به علمی که نزد دیگری است محتاج نمی‌شود و تأویل آیه (یغن الله کلا من سعته) ظاهر می‌شود.

۲۵ - در دیده و گوش‌های اصحاب امام قوت و قدرتی خارج از عادت نمایان می‌شود به طوری که با فاصله زیادی با حضرت تکلم کرده و به حضرت نظر می‌کنند.

۲۶ - اصحاب ایشان عمرشان طولانی است.

۲۷ - ناراحتی و امراض و بلاها و ضعف از بدن حضرت می‌رود.

۲۸ - هر یک از یاران وی قوت و قدرت چهل مرد را دارا می‌شوند.

۲۹ - مردم، با نور ایشان از نور آفتاب و ماه بی‌نیاز می‌شوند.

۳۰ - رایت رسول الله صلی الله علیه و آله نزد آن حضرت است. (رایت به معنی علم و پرچم است)

۳۱ - زره رسول الله صلی الله علیه و آله به اندازه قد و قامت آن بزرگوار است، که به قامت



- هیچ کس راست نیامده و اندازه نشده است.
- ۳۲ - به ابر مخصوصی که برای ایشان ذخیره شده و در آن رعد و برق است سوار می‌شوند و به هفت آسمان و زمین می‌روند. همچنین هیچ اسلحه‌ای به حضرت و در مواردی به اصحاب شریفشان کارگر نمی‌شود.
- ۳۳ - تقیه کردن از کفار و مشرکین و منافقین برداشته می‌شود.
- ۳۴ - سلطنت و حکومت حضرت از مشرق تا مغرب ادامه خواهد یافت.
- ۳۵ - روی زمین از عدل و داد پر می‌شود.
- ۳۶ - بینه و شاهی نمی‌خواهد و مانند حضرت داود به علم امامت حکم می‌فرماید.
- ۳۷ - احکام خاصی که تا زمان قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ اجرا نشده بود دستور و تعلیم می‌فرماید.
- ۳۸ - تمام علوم که بیست و هفت حرف است و پیامبران قبل از پیامبر اسلام فقط دو حرف آن را بیان داشتند منتشر می‌فرمایند. یعنی بیست و پنج حرف باقی علوم را بیان می‌نماید.
- ۳۹ - شمشیرهای آسمانی برای یاران وی مهیا می‌شود.
- ۴۰ - حیوانات از انصار اطاعت می‌کنند.
- ۴۱ - از پشت کوفه که مقر سلطنت است دو نهر آب و شیر پیوسته از اثر آن سنگ حضرت موسی بیرون می‌آید.
- ۴۲ - حضرت عیسی از آسمان برای یاری آن حضرت نزول می‌کند و پشت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ نماز را اقامه می‌نماید.

۱. لازم به ذکر است که امام عصر له فداء امثل سایر ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به ظاهر حکم نمی‌کند بلکه به توسط علم امامت به باطن افراد حکم کرده و اگر کسی در ظاهر به حضرت ایمان آورده باشد ولی در باطن ایمان نیاورده باشد حضرت به آن واقع بوده و آنچه را که خواهد انجام دهد.

۴۳ - دجال که مایه گمراهی مردم است بدست ایشان به قتل می‌رسد.  
 ۴۴ - سلطنت جباران و دولت ظالمین در دنیا باوجود امام دوازدهم علیه السلام به پایان می‌رسد.

۴۵ - بعد از فوت حضرت هفت تکبیر خوانده می‌شود که به جنازه احدی جز جنازه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام جایز نبوده.  
 بحثی درباره اخلاق و تزکیه

اگر جهاد اکبر و جهاد کبیر جزء، وظایف منتظران عصر غیبت است، مشکلات و معضلاتی هم در بردارد، هم جهاد اکبر داری مشکل است، و هم جهاد کبیر مشکل است. و کسی که بخواهد خود را بسازد و حال تذکیه نفس سرکش را دارا شود: باید تمامی مشکلاتش را پشت سر بگذارد و نفس شکنی دوری از دنیاداری و دنیامداری است.

دل راز بی خودی سر از خود رمیدن است

جان را هوای از قفس تن پریدن است

از بیم مرگ نیست که سر داده ام فغان

بانگ جرس به شوق منزل رسیدن است

دستم نمی‌رسد که دل از سینه برکنم

باری علاج شوق گریبان دریدن است

شامم سیه تر است زگیسوی سرکشت

خورشید من برآی که وقت دمیدن است

بوی تو ای خلاصه گلزار زندگی

مرغ نگه در آرزوی پرکشیدن است

بگرفت آب و رنگ زفیض حضور تو  
هر گل در این چمن که سزاوار دیدن است  
با اهل درد شرح غم خود نمی‌کنم  
تقدیر غصه دل من ناشنیدن است  
آنرا که لب به دادم حرص گشت آشنا  
روزی ما سزالب حسرت گزیدن است

### توصیف شمایل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه که رسول خدا ص و ائمه معصومین علیهم السلام بیان فرمودند

در توصیفات که حضرت رسول الله ص و حضرت امیرالمؤمنین علی ع و امام  
محمد باقر ع و امام جعفر صادق ع و کسانی که آن حضرت را در کودکی زیارت  
کرده‌اند. مانند سعد بن عبدالله قمی، اسماعیل نوبختی، یعقوب بن منقوس،  
ابوهارون و مردی از اهل فارس و یا اینکه آنهایی که در بزرگی مانند علی ابن  
ابراهیم مهزیار، ابن هشام، ابومحمد، علجی و چهار نفر نواب خاص آن حضرت  
که ایشان را زیارت کرده‌اند، ایشان را با این خصوصیات توصیف کرده‌اند:  
قامت؛ چهار شانه کشیده (نه بلند و نه کوتاه).

صورت: خوشرو و درخشنده بطوری که نور صورت مبارکشان بر سیاهی موی  
سر و محاسن غلبه دارد.

خد و خال: دو گونه او روان بدون برآمدگی و بر گونه راستشان خال سیاهی  
است.

پیشانی: گشاده و باریک کشیده و نزدیک به چشمان اما پیوسته نیست.  
چشم و مژه: چشمانش سیاه و درشت و کمی فرورفته و پلک‌ها درخشنده.

بینی: کشیده و بالآمده و مختصر برآمدگی در وسط دارد.

دندان: دندان‌هایش درخشنده است. (دندان‌های پیشین با فاصله است).

رنگ چهره: سفید و سرخ‌گونه و بسیار نورانی و جذاب.

مو و رنگ مو: رنگ موی سر و محاسن سیاه در کودکی نیز موهای سر مبارکشان درخشنده و سیاه بوده اما زیاد درهم پیچیده نبوده و تا نرمی گوش از دو طرف آویزان و به روی دوش مبارک می‌ریخت و از وسط دارای فرق بوده است.

سر مبارک: سر مبارکش گرد و مدور و علامت ریختگی مو یا موهای ریز سرایشان پیدا است.

سرشانه: استخوان سرشانه نرم و بزرگ و سردوش مبارکشان کمی پایین افتاده و مابین دوشانه پهن.

علامت پشت شانه: مابین دوشانه حضرت از طرف چپ خالی است که با رنگ بدن فرق دارد و در زیر دوشانه برگی است مانند برگ یاس نورانی است.

علامت پشت: در پشت مبارک دو خال است یکی به رنگ بدن و دیگری شبیه به خال پیغمبر ﷺ.

بازو: بر بازوی راستشان این دو آیه نوشته شده:

جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا وتمت كلمه ربك صدقاً وعدلاً  
لامبدل لكلماته وهو السميع العليم

کف: کف دست آن حضرت پهن می‌باشد.

سینه تا ناف: سینه پهن و فراخ و از گودال گلو تا ناف خطی از مو کشیده شده.

شکم: مقداری متناسب برآمده و تقریباً کمی بزرگ می‌باشد.

ران: ران‌های مبارکشان پهن و قوی می‌باشد.

زانو: دو زانوها به جلو آمده و پهن و قوی می‌باشد.

### (برتری چهل گونه حضرت «قائم» عَلَيْهِ السَّلَامُ)

#### صفات و نشانه‌های ظاهری حضرت حُجَّتِ ابْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

علامات و نشانه‌هایی که باید هر امامی دارا باشد بحار<sup>۱</sup>، در کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُ الْفَقِيهَ، امام قائم نیز داراست که در کتب بسیاری از جمله، معانی الاخبار، خصال، شیخ صدوق، عیون، احتجاج طبرسی و اثبات الهدایة<sup>۲</sup> ذکر شده است.

- ۱ - پاک و منزّه متولد می‌شود.
- ۲ - پاک و پاکیزه و ختنه شده متولد می‌شود.
- ۳ - چون از شکم مادر به زمین آید بر دو کف خود قرار گیرد و صدا به شهادتین بلند کند.
- ۴ - محتلم نمی‌شود.
- ۵ - چشمش بخوابد اما دل او بیدار باشد.
- ۶ - بدن مبارکشان سایه ندارد.
- ۷ - از پشت سر ببیند چنانکه از پیشین رو می‌بیند.
- ۸ - او را خمیازه و دهن دره نباشد.
- ۹ - بول و غائط او دیده نمی‌شود و زمین آن را ببلعد.
- ۱۰ - بوی او مثل مُشک و حتی خوشبوتر از هر عطری باشد...
- ۱۱ - از همه مردم عالم‌تر و احاطه به هر علمی دارد.
- ۱۲ - از همه حلیم‌تر و بردبارتر است.
- ۱۳ - از همه عابدتر و داناتر است.

۱. مکتوب در جلد هفتم باب جامع . ۲. مکتوب در جلد هفتم .

- ۱۴ - حکمش از همه بهتر و عدالت کامل را دارا است.
- ۱۵ - کورمادرزاد، و هر مریضی را شفا می‌دهد و بر هر علمی از برای رفع امراض آگاه است.
- ۱۶ - از همه پرهیزگارتر و با ورع ترست.
- ۱۷ - از همه شجاع‌تر و اشجع الناس است.
- ۱۸ - از همه عالم‌تر به کتاب خداوند متعال (قرآن مجید) احاطه دارد.
- ۱۹ - تواضعش به خدا از همه بیشتر است.
- ۲۰ - به آنچه امر می‌کند از همه عامل‌تر است.
- ۲۱ - از آنچه نهی می‌کند از همه ترک‌کننده‌تر است.
- ۲۲ - به مردم مهربان‌تر از خودشان نسبت به خودشان است.
- ۲۳ - دارای معجزه باشد و انواع معجزه‌ها را برای مردم انجام می‌دهد.
- ۲۴ - تا وقتی زنده است ملائکه با او سخن می‌گویند.
- ۲۵ - مستجاب الدعوه است و برای همه مومنان دعای خیر می‌فرماید.
- ۲۶ - مصحف و کتاب حضرت فاطمه الزهراء علیها السلام نزد او است.
- ۲۷ - کتاب جامع ائمه علیهم السلام و مصحف حضرت فاطمه الزهراء علیها السلام نزد ایشان است.
- ۲۸ - تمامی علم جفر اکبر و جفر اصغر نزد او است.
- ۲۹ - نزد او صحیفه‌ای است که اسامی تمامی شیعیان را از ابتدا تا روز قیامت در آن ثبت است.
- ۳۰ - قرآن حضرت علی امیرالمؤمنین علیه السلام نزد اوست (قرآنی که حضرتش به خط خود جمع‌آوری کرده بودند)
- ۳۱ - عصای حضرت موسی علیه السلام دست اوست.

- ۳۲ - نسخه‌های اصلی تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی نزد ایشان است.
- ۳۳ - ألواح موسی عليه السلام در دست مبارک ایشان است.
- ۳۴ - پیراهن حضرت یوسف عليه السلام نزد ایشان است.
- ۳۵ - خاتم سلیمان عليه السلام دست او است.
- ۳۶ - بیزق جبرئیل در روز بدر در دست حضرت است.
- ۳۷ - زره حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله در نزد او است.
- ۳۸ - ذوالفقار حضرت علی عليه السلام در نزد قائم است.
- ۳۹ - عصای حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله در نزد او است.
- ۴۰ - و انگشتر حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله در نزد او است.

### بحث درباره ادیان الهی و مسیحیت

(و در این جا پیامی برای جامعه مسیحیت)

باید توجه نمود به اینکه تمامی کتب آسمانی بجز قرآن مجید به علت تغییرات و تحریفاتی که در طول زمان شده دارای آن مطالب اولیه و احکام الهیه نیست. چنانچه در کتاب انجیل حضرت عیسی مسیح دارد که مریم مادر عیسی که در عقد یوسف بود قبل از ازدواج با او بوسیله روح القدس آبستن شد و یوسف که بجهت پای بند اصول اخلاقی بسیار منظم بود برآن شد که نامزدی خود را برهم زند. نقل از کتاب انجیل متی صفحه هفتم که فتوکپی از آن صفحه را در مقابل می‌بینید. با اینکه این کلمات تماماً دروغ است و حضرت مریم عليها السلام از شش سالگی در معبد بیت المقدس بوده و با هیچ مردی تماس نداشته و نه او عقد بسته کسی بوده نه در فکر این‌گونه مسائل بوده چنانچه در آیه ۸۷ از سوره بقره می‌خوانیم:

و بكفرهم و قولهم علی مریم بهتاناً عظیماً

(آیه ۱۵۶ سوره نساء)

و آتینا عیسی بن مریم الیینات

و به عیسی پسر مریم دلیل‌ها ی‌روشن و معجزه‌های آشکار بخشیدیم معجزاتی چون زنده ساختن مردگان به خواست خدا، شفا بخشیدن به کور مادرزاد و یا بیمار گرفتار به مرض پیسی و خوره، تا در پرتو این معجزات مردم را به توحید و تقوا فرا خواند. عده‌ای از مفسران معتقدند که منظور از (یینات) انجیل مقدس کتاب آسمانی عیسی علیه السلام بوده که مقررات آن روشن‌گر و انسان ساز می‌بوده.

و ایدناه نا بروح القدس

و منظور از (روح القدس) روح مقدسی است که بر عیسی علیه السلام دمیده شد و اضافه شدن نام خدای جهان آفرین به خاطر شکوه و قداست بخشیدن به حضرت عیسی مسیح علیه السلام است مثل:

(روح الله : ناقة الله : بیت الله)

و چون حضرت عیسی مسیح علیه السلام برای هدایت قومی بهانه جو فرستاده شد، و از ولادتش تا صعودش به آسمان به خواست خداوند متعال همواره با خطرات و مشکلات و بداندیشی‌هایی از جانب بعضی از قوم یهود روبرو بوده و ولادت ایشان به اراده و خواست خداوند به سبکی خاص و از مادری تنها انجام پذیرفته و گرنه همه پیامبران الهی بویژه برترین آنان پیوسته مورد احترام و تکریم بسیار فرشته وحی بوده اند و او به فرمان و دستور خداوند آنان را در مراحل حساس تاریخ یاری می‌نموده است و اما در مورد آیه شریفه ۱۷۱ از سوره مبارکه نساء.

یا اهل الكتاب لاتغولوا فی دینکم و لا تقولوا علی الله الا الحق انما المسيح

عیسی ابن مریم رسول الله و کلمته ألقها الی مریم و روح منه فامنوا بالله



ورسله و لا تقولوا ثلاثه انتهوا خيراً لكم انما الله واحد، سبحانه ان يكون له و  
لد له مافی السموات و مافی الارض و كفى بالله وكيلاً

ای اهل کتاب اشاره (ای علمای نصاری) در دین خود (بیندیشید) و زیاده روی  
نکنید و اندازه نگهدارید و درباره خدا جز براستی سخن مگوئید در حق مسیح  
عیسی ابن مریم جز این مطلب نتوان گفت که او رسول و فرستاده خداوند است و  
مسیح فرزند (مریم) و او پیام آور خداوند است و اوست که عیسی را به سوی مریم  
(پاک) افکنده و روحی است از جانب او . بنابراین به خدا و پیام آوران او ایمان  
بیاورید و نگوئید (خدا) سه گانه است (و از این گفتار شرک ألود) و آن گونه که  
برایتان بهتر است شوید و باز ایستید جز این نیست که خدا خدایی یگانه است و  
منزه است از این که برایش فرزندی باشد آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین  
است تنها از آن اوست و خدا تدبیرگر و کارسازی بسنده است.

و در سوره مبارکه مائده آیه شریفه ۷۳ فرموده:

لقد کفرالذین قالوا ان الله ثالث ثلاثه و مامن الاله الااله واحد وان لم ينتهوا  
عما یقولون لیمسن الذین کفروا منهم عذاب الیم

آن کسانی که سه خدا قائل شدند (اب و ابن و روح القدس) (را خداوند گفتند)  
کافر گردیدند و حال آنکه جز خدای یگانه خدایی نخواهد بود و اگر از این گفتار  
کفر آمیز به سه گاه پرستی روی آوردند به راستی کفر ورزیدند (این) در صورتی  
است که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست، و هشدارشان باد که از آنچه ورزیده  
اند عذابی دردناک خواهد رسید.

وبکفر هم وقولهم علی مریم بهتاناً عظیماً آیه ۱۵۶ سوره نساء

و به سبب کفرشان و گفتارشان بر مریم دروغ و بهتانی بزرگ بستند.  
و قولهم انا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول الله و ماقتلوه و ما صلبوه و

لکن شبه لهم وان الذين اختلفوا فيه لفي شك منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن  
و ماقتلوه يقيناً

آیه ۱۵۷ سوره نساء

و به سزای کفر ورزید نشان و گفتار ناروا و ناهنجار شان در مورد مسیح و  
مریم که بهتانی عظیم و سهمگین بوده و نیز به کیفر سخنانشان که ما مسیح  
عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم.

### (در صورتی که نه او را کشتند و نه او را به صلیب کشیدند)

بلکه فردی نظیر (عیسی) در نظرشان به خواست خدا مجسم شد، و بی تردید  
کسانی که در مورد سرنوشت ایشان اختلاف نمودند از کشته شدن او در تردید (و  
دودلی و شک) بودند. آنان در مورد او جز پیروی از پندار خویش هیچ گونه آگاهی  
نداشتند، و اینک بدانید که به یقین او زنده است و وی را نکشتند.

و در آیه ۱۵۸ سوره نساء دارد که:

بل رفعه الله اليه و كان الله عزيزاً حكيماً

بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد (یعنی به آسمان) و خدا همواره پیروزمند  
و فرزانه است.

پس در نتیجه گیری از آیات ذکر شده معلوم شد که اولاً صلیب در مورد  
حضرت عیسی عليه السلام نیست و ایشان را به صلیب نکشیدند بلکه ایشان به آسمان  
بالا رفتند و قضیه پدر پسر و روح القدس هم در قرآن مجید تکذیب شده و  
ایشان جزء ۳۱۳ نفر اصحاب حضرت مهدی عليه السلام هستند و در روز رجعت حضرت  
عیسی مسیح عليه السلام هم به زمین می آیند و با حضرت مهدی عليه السلام نماز می خوانند و از  
اصحاب و انصار حضرت هستند و از نزدیکان حضرتش خواهند بود.

### علائم ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

- ۱ - ماه و خورشید و ستارگان در فرمان او باشند.
- ۲ - باد و ابرهای شدید در تسخیر او باشند.
- ۳ - ابر بر او سایه افکند و با او همراه است.
- ۴ - آسمان تام او را ندا کند.
- ۵ - تمامی نصرتها بر او پدیدار شود.
- ۶ - شمشیرهایی از آسمان برای یارانش حاضر شود.
- ۷ - ملائکه از جمله جبرئیل میکائیل و اسرافیل او را یاری دهند.
- ۸ - حضرت عیسی بن مریم برای یاریش حاضر شود.
- ۹ - اصحاب کهف وعده‌ای از گذشتگان برای همراهی به حضرت حاضر شوند و به دنیا برگردند و رجعت نمایند.
- ۱۰ - حضرت طی الارض می‌کند.
- ۱۱ - و او همه جای دنیا را می‌بیند.
- ۱۲ - هر مشکلی برای ایشان آسان است.
- ۱۳ - اگر بخواهد نور او از خورشید منورتر است.
- ۱۴ - ایشان دوست و دشمن را می‌شناسد.

(نقل از بحار و نجم الثاقب)

(و کتاب مهدی موعود)

## غیبت صغری حضرت صاحب الامر مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِهِ التَّوَكُّلُ و شرح حال نواب چهارگانه

غیبت حضرت پس از شهادت پدر بزرگوارشان و در پی تعقیب معتمد عباسی لعنت الله علیه شروع شد. نخستین محل غیبت در سامرا اطراف سرداب مقدس بود که حضرت نائب خاص برای خود تعیین فرمود که به وسیله آن حوائج و سؤالات شیعیان را دریافت نموده و جواب دهند تا مدتی بدین منوال چهار نایب ایشان یکی پس از دیگری دستورات را از حضرت می‌گرفتند و به شیعیان می‌رساندند.

قبر شریف این چهار نایب خاص در بغداد بازار، شرحه می‌باشد.

### ۱ - «نائب خاص اول»

ابوعمر عثمان بن سعید العمری الاسدی که برای امام علی النقی عَلَيْهِ السَّلَامُ وکالت و برای حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِهِ التَّوَكُّلُ از سال ۲۶۰ تا ۲۸۰ نیابت نمود و سپس به ملاء اعلا شتافت.

### ۲ - «نائب دوم»

محمد بن عثمان العمری بعد از وفات پدرش (نائب اول) از سال ۲۸۰ تا ۳۰۵ هجری قمری نیابت حضرت را برعهده داشت.

### ۳ - «نائب سوم»

ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی از سال ۳۰۵ تا ۳۲۶ به نیابت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِهِ التَّوَكُّلُ منصوب شد. (پس از وفات محمد بن عثمان)

### ۴ - «نائب چهارم» (بعد از وفات حسین بن روح)

ابوالحسن علی بن محمد سمری از سال ۳۲۶ تا سال ۳۲۹ به نیابت از امام عَلَيْهِ السَّلَامُ منصوب گردید.

## درباره غیبت کبری آن حضرت

شش روز قبل از وفات سمري نامه و دست خط مبارک حضرت به این عنوان صادر و به ابوالحسن علی بن محمد سمري رسید.

و اما (متن نامه) وفات تو نزدیک شده است دیگر به کسی وصیت نکن و کسی را به نیابت تعیین ننما که غیبت تامه واقع شده است و ظهور نخواهد شد مگر بعد از مدت طولانی که قساوت دل‌ها عالمگیر شده و زمین پر از جور شود پس هر کس پیش از سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند دروغگو است. (مگر در موارد خاص)

طبق مفاد این نامه بعد از وفات سمري (نائب خاص چهارم) غیبت کبری شروع شد و امور شیعیان به عموم فقهای جامع الشرايط محول گردید به همین دلیل فقها و مراجع را نائب عام می‌گویند چنانچه حضرت در نامه‌ای به اسحق بن یعقوب فرمود:

واما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة شیعتنا زحديثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجة الله

«پیش آمدهایی که واقع می‌شود به راویان احادیث رجوع کنید که آنان حجت من هستند بر شما و من حجت خدایم».

در حدیثی از امام جعفر صادق علیه السلام است (درباره فقها) است که فرموده‌اند:

و اما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً لهواه مطيعاً لامر

مولاه فلل عوام ان يقلدوه

هر کسی از فقها نفس خود را از محرمات نگهدارد و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای نفس و تابع و فرمانبردار مولای خود باشد بر عوام (کسی که فقیه و مجتهد نیست) واجب است از او تقلید کند.

واما شبهاتی که به غیبت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفته و یا نوشته‌اند که در جواب باید گفت.

۱ - کسانی که خارج از اسلام بوده یا مسلمان هستند، ولی عقاید شیعه را قبول ندارند که به آنان اگر چه می‌توان با دلیل عقل جواب داد لکن روش صحیح آن است که ابتدا عقیده به (توحید، نبوت، و امامت) را به آنان القاء کرد و بعد راجع به غیبت امام دوازدهم بحث نمود.

۲ - گروهی از شیعیان که عقاید حقه را قبول کرده‌اند و در مورد غیبت، حضرت ولی عصر صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ دچار شبهه شده‌اند که بهترین جواب، اخبار و احادیثی است که از طرف ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وارد شده است و از آن بهتر اینکه چند روزی روزه بگیرند و توسل به حضرت پیدا کنند تا حقایق برایشان روشن شود.

### غیبت از سنن انبیاء

در کتاب اکمال الدین، عبدالله سنن از حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند که حضرت فرمودند روش موسی بن عمران عَلَيْهِ السَّلَامُ در قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ هست عرضه داشتیم سنت روش موسی بن عمران چه بوده؟ فرمودند: پنهانی بودن غیبت او از قومش عرض کردم ایشان چند سال از اهل و قومش غایب شد فرمودند بیست و هشت سال، ولی غیبت حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ را خداوند می‌داند که چند سال است.

سعید بن جبیر می‌گوید از امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می‌فرمودند در قائم ما سنن و روش‌هایی از سنن انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هست سنتی از آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب و سنتی از حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اما سنتی که آدم و نوح دارد طول

عمر ایشان است و سنت ابراهیم مخفی بودن ولادت و کناره‌گیری از مردم سنت موسی خوف و غیبت است و سنت عیسی اختلاف مردم است درباره او سنت ایوب فرج بعد از گرفتاریش و سنتی که حضرت محمد ﷺ دارد خروج با شمشیر عدل است.

### پیشگویی معصومین علیهم السلام در خصوص غیبت حضرت صاحب الامر علیه السلام

در کتاب اکمال الدین<sup>۱</sup> حدیثی طولانی از حضرت امام زین العابدین علیه السلام به ابو خالد کابلی آمده است. حضرت فرمودند:

«ای ابا خالد اهل زمان غیبت که به امامت او قائل و به ظهور او منتظر هستند از اهل هر زمانی بهترند برای اینکه خدای تعالی از عقول و افهام و معرفت به آنان چنان مرحمت فرموده که غیبت قائم نزد آنها به منزله مشاهده و حضور است آنان مانند زمان مجاهدین صدر اسلام که با شمشیرهای برهنه در محضر حضرت رسول الله ﷺ بودند، هستند. همانا آنان از مخلص ترین و مؤمن ترین و از اشخاص متدین حقیقی و از شیعیان راستین ما هستند آشکارا و نهان مردم را به دین خدا دعوت می‌کنند. از این رو انتظار فرج از بزرگترین عبادات و از اعمال مهم و اطاعت خاصه است.

در کتاب اکمال الدین از صیرفی نقل شده است: مفضل و ابوبصیر و ابان بن ثعلب به خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدند. و حضرت با اندوه گریه می‌کردند و می‌فرمودند اشک می‌ریزم برای قیام قائم علیه السلام (مهدی آل محمد علیهم السلام است).

همچنین از امهانی نقل شده<sup>۲</sup> که به حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض نمودم که زمان حیرت و غیبت چیست؟ حضرت در جواب فرمودند: نیکو مطلبی از من

۲. نقل از کتاب کمال الدین صفحه ۳۳۰

۱. مکتوب در جلد اول صفحه ۳۲۰

سؤال نمودی ای امهانی: ایشان مولودی است در آخر الزمان و اوست مهدی قائم و از این عترت، برای او حیرتی است، گروهی در آن زمان که زمان حیرت و غیبت است گمراه شوند و گروهی هدایت خوشا کسی که او را درک نماید و در زمان غیبت و حکومت از ارادتمندان و از اصحاب و شیعیان او باشد که رحمت خدا با ایشان است. پس موفق کسی است که در امر ولایت خاندان ما ثابت قدم باشد و ثبوت در طریق و راه صحیح همانا توجه به فرامین الهی است.

گر یار بما رخ ننماید چه توان کرد

ز آنروی نقاب ار نگشاید چه توان کرد

پنهان ز نظرها اگر آید به تماشا

در دیده دل از ما بزداید چه توان کرد

آن حسن و جمالی که نگنجد به عبارت

این دیده مر آنچه چو نشاید، چه توان کرد

در دیده عشاق چو خورشید عیانست

گه در نظر غیر نیاید، چه توان کرد

آید بر این خسته دمی به عیادت

عمرم اگر آندم بسر آید، چه توان کرد

ای فیض گرت یار نخواهد چه توان گفت

ور خواهد و رخ می ننماید، چه توان کرد

اشعار از ملامحسن فیض کاشانی



## نگاه و تگرشی به دوران غیبت صغری حضرت مهدی علیه السلام و نقش نواب خاص آن حضرت

یکی از مطالبی که پیروان ادیان و مذاهب مختلف اعم از زرتشتیان و مسیحیان و یهودیان و از همه مهمتر جامعه مسلمانان و اکثر ادیان دیگر بر آن اتفاق نظر دارند مساله ظهور یک مصلح حقیقی و منجی اعظم در آخرالزمان است همه ادیان و مذاهب حاکم بر جهان از کسی که نجات دهنده بشریت و خاتمه دهنده به ظلم و ستم، جنگ، فساد، فقر و ناامنی است، سخن به میان آورده و آمدن او را که امیدبخش جانهاست نوید می دهند همه چشم به راه و آماده اند که شایسته ترین انسان روی زمین پا به عرصه ظهور گذاشته و به این همه نابسامانی خاتمه و با نور وجود خود دنیا را از ظلمت رهایی بخشد و فضیلت و تقوا، درستی، راستی و هدایت را به همگان تفهیم فرماید. محرومیت و ناکامی را از میان بردارد و بشر را از نعمت و آسایش بهره مند سازد زیرا وعده الهی تخلف ناپذیرست. موضوع حضرت مهدی علیه السلام نه اندیشه چشم به راه نشستن کسی است که باید متولد شود و نه یک پیشگویی است که باید به انتظار مصداقش ماند بلکه واقعیت، و فرد مشخصی است که در میان ما زندگی می نماید و ما او را می بینیم و ایشان در اندوه و شادی اهل تشیع شریک هستند. مرحوم آیت الله علامه طباطبایی رحمه الله علیه فرموده اند: بشر از روزی که روی زمین سکنی گزیده، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت بوده و به امید رسیدن چنین روزی قدم برداشته و اگر این خواسته تحقق خارجی نداشت هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد وی نقش نمی بست چنانچه اگر غذایی نبود گرسنگی نبود اگر آبی نبود تشنگی تحقق نمی یافت و از این روی به حکم ضرورت جبر آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز

جامعه بشری پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا زندگی خواهد کرد و تمامی انسان‌ها غرق در فضیلت و کمال و نیکبختی می شوند و البته استقرار چنین وضع و وضعیتی به دست خود انسان‌ها خواهد بود و رهبر چنین جامعه ای منجی جهان بشریت حضرت صاحب الامر بقیه الله الامام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ خواهد بود و بنابراین اعتقاد حضرتش تنها یک باور دینی و اسلامی نبوده و بلکه ایشان رنگ خاص دینی حقیقی دارند و اوست که عنوانی است برای خواسته‌ها، آرزوهای همه آدمیان با کیشها و مذاهب مختلف و گوناگون و هم چنین بازتاب الهام فطری تمامی انسان‌ها مخصوصاً متفکرین و آنانی که اهلیتشان را داشته باشند و شخصیت حقیقی ایشان را درک کنند.

بنا بر این شرط اهلیت شرطی است که عقل پذیرای آن است عموماً مردمی که با هم اختلاف نظر دارند در عقیده و مذهب هم دریافته‌اند که در روی زمین روز موعودی خواهد رسید که با آمدن آن روز مقصد رسالت‌های آسمانی و ادیان الهی تحقق یافته و طومار ستمگری درهم پیچیده خواهد شد. آری جهان به عصر صلح و داد و برادری و همکاری و همفکری می رسد روز موعود نزدیک است نشانه هایش در عالم یکی پس از دیگری ظاهر می‌شود و ما در آستانه فرا رسیدن آن هستیم که آدمیان از یوغ استعمار فرهنگی، سیاسی، دینی، فکری، عقیدتی و استعمار اقتصادی بیرون آید و استبداد ریشه کن شود. اصل وجود مصلح در مصداق و تطبیق کلام‌های گوناگون است و بحث درباره نواب خاص آن حضرت که در طول هفتاد سال واسطه‌ای بین حضرت و شیعیان و محبین آن حضرت بوده‌اند و هم چنین تجزیه و تحلیل غیبت صغری این اعتقاد را از محدوده ذهن آدمی به دنیای واقعیات نزدیک‌تر می‌سازد. که ایشان یک حقیقت فرضی و خیالی نیستند بلکه یک موجود واقعی است که وجود او را از آینده به

حال انتقال داده تا به جای باور داشتن و چشم دوختن به نجات دهنده ای که در آینده ناشناخته پدید می آید همه منتظر و چشم براه رسیدن روز موعودند. بنابراین مصداق آن مصلح و موعود کسی جز فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و امام دوازدهم شیعیان نیست که وجود مبارکش به تجربه تاریخی ثابت شده است حضرت بنا به قول مشهور در سال ۲۵۵ قمری چشم به جهان گشودند. پس از پنج سال که از عمر ظاهری حضرت گذشت پدر بزرگوار ایشان شهید شدند ماموران دستگاه جبار عباسی به خانه امام علیه السلام هجوم برده و در جستجوی فرزند و جانشین آن حضرت برآمدند از این حادثه و پیش آمد معلوم شد که خطر جدی جان امام آینده را تهدید می کند. لذا لازم بود جهت محفوظ ماندن جان دنباله سلسله امامت و سلاله نبوت و مصلح بزرگ بشریت اقدامی جدی به عمل آید به همین خاطر حضرت از تیررس چشمان کارگزاران خلفای عباسی پنهان گردید. از این رو غیبت حضرت برای شیعیان بسیار سخت و دشوار بود و احتمال قوی می رفت که در این دوران دچار حیرت و سرگردانی و تشمت آرا شوند ولی برای اینکه شیعیان با غیبت امام علیه السلام عادت کنند و دچار شک و تردید نشوند و احساس وحشت نکنند از قبل احادیث و روایات محکمی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام در ذهن و فکر شیعیان جای گرفته بود که در آن احادیث اوصاف و ویژگی های غیبت بیان شده و در طول تاریخ طبق آن به وقوع پیوسته است وقوع غیبت خود یکی از دلایل قطعی صدق این احادیث و دلیلی قطعی بر صحت امامت است. که جز او کس دیگری نیست. زیرا چنین ویژگی هایی در غیر او دیده نشده است. غیبتی که در احادیث پیشگویی شده بود در دو مرحله به وقوع پیوست غیبت صغری که امام زمان علیه السلام از انظار و دیده های عموم مردم غایب شدند و نایبانی را انتخاب کردند تا توسط آنان با شیعیان در ارتباط باشند.

تاریخ دقیقی از غیبت صغری نقل نشده است تا بتوانیم بدان اشاره کنیم. بلکه به طور کلی می توان گفت آغاز غیبت صغری مصادف با آغاز امامت بود. زیرا در روز هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ قمری حضرت امام حسن عسکری علیه السلام شهید شدند. که بلافاصله بعد از دفن امام یازدهم غیبت صغری شروع شد و چهار شخص به ترتیب نایب حضرت شدند و آخرین نایب در نیمه شعبان سال ۳۲۹ قمری درگذشت. بنابراین طبق آنچه که بیان شد مدت غیبت صغری حدود هفتاد سال بوده است.

### غیبت کبری حضرت بقیه الله

پس از سپری شدن دوره غیبت صغری، غیبت کبری با خاتمه نیابت خاص تا به امروز ادامه دارد. احادیث بسیاری از ائمه هدی علیهم السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است. حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

ثم یغیب عنهم امامهم ما شاء الله و یكون له غیبتان احدهما اطول من الاخرین  
ثم التفت الینا رسول الله فقال رافعاً صوته الحذر الحذر اذا فقد الخامس من  
ولد السابع من ولدی

تا مدتی که خداوند بخواهد امام حق، غایب و از دیدگان پنهان خواهد بود و از غیبت اول طولانی تر خواهد شد سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهی به ما کرده و با صدای بلند فرمود باید هوشیار و آگاه بود آن هنگام که پنجمین نسل از هفتمین فرزندم از دیده ها ناپدید شود طی حدیثی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در کتاب غیب نعمانی و همچنین در کتاب بحار الانوار هم نقل نموده است که حضرت صادق علیه السلام فرموده اند.

قال الصادق علیه السلام : للقائم غیبتان احدهما طویله و الاخری قصیره فالما

ولی يعلم بمكانه فيها خاصة من شيعته و الاخرى لا يعلم بمكانه فيها الا خاصة  
مواليه في دينه

برای قائم علیه السلام دو غیبت است یکی طولانی و دیگری کوتاه در اولی تنها  
خواص شیعیان از جایگاه وی مطلع خواهند بود و در غیبت دومی فقط  
نزدیکترین خواص او که متصدی خدمت ایشان هستند از جایگاه وی باخبر  
خواهند بود.

بنابراین در دوره هفتاد ساله غیبت صغری که نائین خاص حضرت چهارنفر و  
به حکم حضرت مشغول به امر نیابت بوده‌اند.  
و طی حکمی این‌گونه ابلاغ نیابت فرمودند:

وَ أَشْهَدُ وَ أَعْلَىٰ أَنْ عُثْمَانَ بْنَ سَعِيدِ الْعَمَرِيِّ وَ كَيْلِي وَ أَنَّ إِسْمَهُ مُحَمَّدًا وَ كَيْلُ ابْنِي  
مَهْدِيكُمْ

گواه و شاهد باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من فرزندش محمد بن  
عثمان (نایب دوم) وکیل حضرت حجة بن الحسن المهدی علیه السلام است. که حضرت  
نایبان را به وسیله نایب قبلش معین و به مردم معرفی نموده اند و در هیچ یک از  
دو غیبت صغری و کبری پیوند امام حجة ابن الحسن المهدی علیه السلام با مردم به طور  
کلی گسسته نبوده زیرا در هر دو غیبت امر نیابت وجود داشته و دارد و از طریق  
نایبان حضرت ارتباط امام با مردم برقرار بوده است امام عصر حضرت  
مهدی علیه السلام در توقیع و دست خط مبارک خود به اسحاق بن یعقوب توسط  
محمد بن عثمان نایب دوم فرموده است.

وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَىٰ رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَانْهَمُ حِجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا  
حِجَّةُ اللَّهِ

درباره رویدادها و پیشامدهایی که در آینده روی خواهد داد به راویان حدیث  
رجوع کنید، زیرا آنها حجت من بر شمایند و من حجت خدا می‌باشم.

کسانی که در دوره غیبت صغری نیابت داشتند و با اسم و مشخصات معرفی شده بودند، «نایب خاص» و نمایان امام زمان علیه السلام را نواب خاص (نواب اربعه) می‌نامند و کسانی را که فقیه و از طرف حضرت مشغول به نیابت عام هستند نائب عام می‌نامند.

و حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

وَ أَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِئاً لِنَفْسِهِ حَافِظاً لِدِينِهِ مُخَالِفاً لِهَوَاهُ مَطِيعاً لِأَمْرِ  
مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ

هر کس از فقها نفس خود را از معاصی و محرمات نگهداری کند و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای خود و مطیع مولای خود باشد فقیه است. عوام به کسی گویند که فقیه نیست و قدرت استنباط ندارد و باید از فقها در مسائل دینی تقلید نمایند.

مه من نقاب بگشا ز جمال کبریایی

که بتان فروگذارند اساس خودنمایی

شده انتظارم از حد چه شود ز در درآیی

ز دو دیده خون فشام ز غمت شب جدایی

چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی

چه کسم چه کاره‌ام من که رسم به عاشقانت

شرف است آنکه بوسم قدم ملازمانت

به کمین استخوانی که شها برم زخوانت

همه شب نهاده‌ام سر چو منتظران بر آستانت

که رقیب در نیاید به بهانه گدایی

نگشوده عقده دل زشیخ و نه از برهمن  
 نه ز دیر طرف بستم نه ز کعبه و نه ز ایمن  
 که نصیب عاشقان شد ز ازل فضای گلخن  
 سر سیر گل ندارم ز چه رو روم به گلشن  
 که شنیده ام ز گلها همه بوی بی وفایی

### بحث درباره غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف

به طوری که معلوم شد ابتداء غیبت حضرت از سرداب مقدس و بیت شریفشان بوده است ولی اینطور نیست که الان در آنجا زندگی نمایند. در حال حاضر شیعیان در سرداب مقدسه و یا در منزل ایشان راز و نیاز و استغاثه می کنند یا مانند استغاثه و ندبه ای که در امکنه دیگری که مربوط به حضرت می باشد مثل مسجد سهله و مسجد جمکران و یا توسل جستن به آن وجود شریف و یا خواندن نماز حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشريف در شبهای چهارشنبه و یا شبهای جمعه با اینکه در دعای ندبه آمده است: (کجاست آن ذخیره خدا که برای تجدید فرایض و سنن می آید)

لَيْتَ شِغْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النُّوْيُ بَلْ أَيْ أَرْضِ تَقْلُكِ أَوِ الثَّرَى اِبْرَضُوِي أَوْ  
 غیرها ام ذی طوی «...» الی متی احار فیک یا مولای والی متی...  
 هل اليك يا بن احمد سبيل فتلقى «...»

أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعَتْرَةِ الْهَادِيَةِ أَيْنَ الْمَعْدِ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ  
 الْمُنْتَظَرِ لِاقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعُوجِ أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجُورِ وَالْعُدْوَانَ أَيْنَ الْمُدْخَرِ  
 لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسَّنَنِ أَيْنَ الْمَتَخِيرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ الْخ

روایت شده است در حال غیبت، ندیم و انیس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف حضرت

خضر علیه السلام و ملائکه هستند، و در هر سال موسم حج ایشان حج به جا می آورند، مردم او را می بینند ولی آن وجود مبارک و منور و الهی را نمی شناسند. و اما زمان غیبت مشخص نیست و امام علیه السلام نیز در توقیع و نوشته مبارک که برای اسحق بن یعقوب صادر کردند فرمودند: ظهور فرج تحقیقاً به امر و نظر خداوند است (و کذب الوقتون) دروغ گفته اند کسانی که وقت معین کردند. در روایتی که از اسدی نقل شده است که به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض نمودم امری که ما در انتظار او هستیم چه وقت است حضرت در جواب فرمودند: «دروغ گفتند کسانی که وقت و موقع ظهور قائم علیه السلام را معین کرده اند آن علمی است که در اختیار خداوند متعال بوده و تا زمینه ظهور آماده نشود ظهوری واقع نمی شود».

و حضرت در حدیث دیگر می فرمایند:

«دروغ گفتند وقت گذاران، در این امر نه در گذشته وقت تعیین شده و نه در آینده معلوم می شود مگر خدای سبحان امر فرج را معین فرماید و اما مجهول ماندن وقت ظهور فرج و طول غیبت آن حضرت از حکمت های الهی است. امتحان و آزمایشی برای عموم مردم بالاخص شیعیان، مهلتی است برای جباران و ستمکاران و اهل عصیان و گناهکاران که با ظهور قائم آل محمد علیه السلام ظالمین به جزای اعمال خود خواهند رسید».

هل من معین فاطیل معه العویل والبکاء

فرازهایی از دعای ندبه بر حزن و غم مؤمن که در فراق آن حضرت باید گریست. دعای ندبه در حقیقت ندبه و زاری و فغان از جدایی و فراق آن حضرت است ندبه یعنی گریه و اشک ریختن برای دوری از ایشان و ناقابل بودن چشمهایمان که جمال چون ماه تابان حضرت را زیارت ننمائیم.



### طول عمر مبارک حضرت مهدی علیه السلام

بعضی از اطباء قدیم معتقد بودند که اگر چهار عنصر بدن انسان خون، بلغم، صفرا و سودا، موافق یکدیگر باشد جسم و بدن تعادل خود را حفظ کرده مرگ برای انسان اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه تصادف، حادثه یا قتل واقع شود. پزشکان امروز نیز عقیده دارند اگر بشر بتواند سلامتی و بهداشت غذایی خود را رعایت کند چند صد و یا بیش از هزار سال عمر خواهد کرد.

در تاریخ، مُعَمَّرین بسیاری وجود داشته‌اند و آیا مانعی دارد که خداوند ولی و خلیفه خود را هزاران سال برای مصلحتی عمر دهد.

براین اساس تمام ادیان، نه شیعه حقه اثنی عشری و چهار مذهب اهل سنت مانند: حنفی، مالکی، حنبلی، شافعی، بلکه ناصبی و مسیحی و یهودی و مجوسی و طبیعی و نه هیچ بشر دیگری می‌تواند در مورد طول عمر بشری نظر مخالف بدهد و یا راه انکار و تردید داشته باشد.

### معمربین دنیا و آنهایی که دارای طول عمری زیاد بوده‌اند

طول عمر حضرت مهدی علیه السلام امام عصر و الزمان بسیار زیاد نیست حتی معمربینی در تاریخ وجود دارند که بعضی از آنها عمرشان هزاران سال زیادتر از حضرت ولی عصر علیه السلام بوده است. از جمله در کتاب آدم و نوح علیهم السلام نقل نموده است که؛

۱ - حضرات خضر و الیاس که هزاران سال قبل از ولادت آن حضرت متولد شدند و هنوز هم زنده هستند.

۲ - در تورات است که ذوالقرنین سه هزار سال عمر کرده است.

۳ - عوج بن عناق که سه هزار و ششصد سال عمر کرد و سرانجام به دست

حضرت موسی عليه السلام به قتل رسيد.

- ۴ - ضحاک هزار و دويست سال و طهمورث هزار و پانصد سال عمر کردند.
- ۵ - حضرت آدم نهصد و سي سال و شيث نهصد و دوازده سال زندگي کردند.
- ۶ - قينان نهصد و ده سال.
- ۷ - مهلائيل هشتصد و نود و پنج سال.
- ۸ - نفيل بن عبدالله هفتصد سال.
- ۹ - سطيح کاهن (ربيعه بن عمرو) ششصد سال.
- ۱۰ - عامر بن الضرب پانصد سال.
- ۱۱ - حرب بن مضاخ جرهمي چهارصد سال.
- ۱۲ - قس بن ساعدة سيصد و هفتاد سال.
- ۱۳ - کعب بن جمخه سيصد و نود سال.
- ۱۴ - سلمان فارسي دويست و پنجاه سال به روايتي سيصد سال.
- ۱۵ - ابوالدنيا مغربي علي بن عثمان بن خطاب بن مره بن مؤيد که عمر هر کدام از چهارصد سال هم متجاوز بوده.
- ۱۶ - ربيع بن اذبع الفزاري سيصد و هشتاد سال.
- ۱۷ - معد کرب حميري دويست و پنجاه سال.
- ۱۸ - ثرية بن عبدالله جعفي سيصد سال.
- ۱۹ - عوف بن کنانه سيصد سال.
- ۲۰ - صبيرة بن سعد بن سهم القرشي يکصد و هشتاد سال.
- ۲۱ - لبیدبن ربيعه جعفري يکصد و چهل سال.
- ۲۲ - ذوالاصبح عدواني سيصد سال.
- ۲۳ - جعفر بن قبط و عامر بن ظرب عدواني سيصد سال.

- ۲۴ - مُحْصَن بن غسان دویست و پنجاه سال.
- ۲۵ - صیفی بن رباح دویست و هفتاد سال.
- ۲۶ - عادبن شداد یکصد و پنجاه سال.
- ۲۷ - اکتَم بن صیقی سیصد سال.
- ۲۸ - فروة بن ثعلبة یکصد و سی سال.
- ۲۹ - مضادبن حبابه یکصد و چهل سال.
- ۳۰ - حارث بن کعب مذحجی یکصد و شصت سال.
- ۳۱ - فریدون عادل فوق هزار سال .
- ۳۲ - مؤسس عید مهرگان هزار و پانصد سال.
- ۳۳ - یعرب بن قحطان دویست سال.
- ۳۴ - عمروبن عامر هشتصد سال.
- ۳۵ - جهلة بن ادد پانصد سال.
- ۳۶ - انوش (پادشاه ایرانی) نهصد و شصت و پنج سال.
- ۳۷ - ادریس علیه السلام نهصد و شصت و پنج سال.
- ۳۸ - متوشلح نهصد و نود و شش سال.
- ۳۹ - نوح طبق آیه قرآن نهصد و پنجاه سال (الف الاخمسین عام).
- ۴۰ - حضرت اسماعیل علیه السلام یکصد و سی و هفت سال.
- ۴۱ - اسحاق علیه السلام یکصد و هشتاد سال.
- ۴۲ - حضرت ابراهیم علیه السلام یکصد و هشتاد و پنج سال.
- ۴۳ - مُسَلِمُ أَف قفقازی از اهالی قفقاز که یکصد و هفتاد سال عمر کرد و در سال‌های اخیر فوت شد و بسیاری از انسان‌های دیگر که اخبار آن را می‌شنویم و یا خواهیم شنید که عمری طولانی داشته و چون طول عمر آدمی به امر خداوند

است و بعید نیست که کسی هر مقداری که اراده خداوندی باشد عمر کند خصوصاً اشخاصی که متدین و صالحین از بندگان الهی هستند و در این جهان زندگی می‌کنند. (نقل از الغدیر مرحوم علامه امینی ره)

### وقایع زمان غیبت و علائم آخرالزمان

در کتاب روضه کافی (صفحه ۳۶) از ابی جعفر منصور نقل شده است که امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«آیا نمی‌دانید کسی که منتظر این امر باشد و هر چه آزار و خوف بیند و صبر کند فردای قیامت داخل گروه ما (از اهل نجات) می‌شود.

پس زمانی که دیدی حق، مرده و اهل حق رفته‌اند و ظلم و ستم به جهان پیچیده و قرآن را کهنه می‌پندارند و چیزهایی که در آن نیست به آن اضافه شده و مردم رو به هواهای نفسانی آورده‌اند و وقتی که دیدی دین جای خود را خالی کرده همان‌گونه که آب از ظرف خالی می‌شود آن زمان اهل باطل بر اهل حق برتری می‌جوید شر و بدی آشکار و نهی نمی‌شود و بدکاران را معذور می‌دانند، فسق ظاهر می‌شود و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می‌کنند مؤمن را می‌بینی که ساکت است و قولش قبول نمی‌شود و فاسق دروغ می‌گوید و دروغ و بهتان‌ش به او رد نمی‌شود کوچک، را بزرگ می‌شمارند رحمها قطع شده و کسی به قولش عمل نمی‌کند پس آن هنگام ظهور موعود است.

عالم بزرگوار مرحوم حجة الاسلام آقای حاج شیخ جواد خراسانی بعضی از علائم آخرالزمان را قسمت بندی کرده و فرموده‌است: «از دین نماند جز اسمش، خود را به اسلام بنامند ولی دورترین مردم به اسلامند، صبر کنند بر دین مانند کسی است که آتش در دست نگهدارد، دین را به دنیا بفروشند، مبانی دینی پائین

آمده و دنیا در نظرشان برتر گردد اگر دنیایشان سالم باشد هر چه از دین تلف شود پروا نکنند، دینشان، درهمشان و همتشان، شکمشان و قبلهشان، زنانشان باشد، برای نان خود را می‌شکنند و برای درهم بخاک می‌افتند حیران و سرگردانند نمی‌شود که آنها را مسلمان نامید احکام دینی را باطل بشمارند و اسلام رو به ضعف نهد، همچنین بدعتها ظاهر و زیاد شود، بدعت سنت شود گناه و شر بیش از سال قبل حادث شود، فتنه‌ها و بدعتها در دین چنان شایع شود که نوزادان با همان بدعتها نشو و نما کنند و بزرگ شوند و بزرگان با بدعتها پیر گردند تا اینکه بدعتها سنت شود و چنان مستحکم گردد که اگر چیزی از آن تغییر داده شود فریاد برآید که سنت تغییر یافته، امر به معروف و نهی از منکر ترک شود و امر کننده به معروف ذلیل شود. آمال دراز، و عمل‌ها کم شود، گویند عمل خیر نکنند، دل مردم را قساوت می‌گیرد و چشم‌هایشان خشک باشد و اشکی از خوف خداوند نریزند و در غیر طاعت خدا بسیار خرج کنند و در طاعت خدا از کم دریغ دارند مؤمن غمگین، حقیر و ذلیل باشد حج و جهاد را برای غیر خدا کنند در مسجدها آلات موسیقی بنوازند و کسی برایشان انکار نکند بعضی از عابدان جاهل و بعضی قاریان فاسق باشند قاریان زیاد و فقیه عادل کم باشند دنیا را بالای سر و علم را زیر پا نهند علم دین را برای غیر خدا بیاموزند، دروغ را شوخی بشمارند حرام را غنیمت شمردند طالب حلال را سرزنش و طالب حرام مدح شود فقیه فقه را برای غیر دین الهی قرار دهد و ریا معمول گردد، زنان به کارهای دنیا و کسب و کار مشغول شوند و با همسران خود در کسب و تجارت شرکت شوند از برای حرص و طمع به دنیا همه جا قانون جور حکومت کند فرمانروایان زیاد و امین کم باشد، حکومت را به کسی می‌دهند که سزاوار آن نیست اشرار بر اختیار مسلط شوند، کودکان به امارت و حکومت رسند قضات بر

خلاف امر خدا قضاوت کنند هیچ حدی برای خداوند متعال جاری نشود زنا را سهل شمارند رقص و طرب و غناء را حلال شمردند زبان سالم و راستگو نایاب شود غیبت را ملاححت و غیبت کننده را ملیح شمردند شهادت‌های دروغ معمول گردد، هرج و مرج زیاد شود، خونریزی را آسان شمارند، آدم‌کشی بسیار شود، مردم با کسی هستند که غلبه با اوست، زنان فاسد و جوانان فاسق شوند کودکان فاقد حیا و ادب باشند پرده حیا از زنان برداشته شود مردان خود را به لباس زنان زینت کنند مردان اطاعت از زنان بی‌ایمان کنند صله رحم را با منت کنند و استخفاف به پدر و مادر ظاهر شود باطن‌ها خبیث و ظاهرها نیکو شود از برای طمع دنیا خائن را امین گویند و مدح او کنند به صرف قول و زبان شخص بی‌ایمانی و کم‌خردی او را بپذیرند و حرف و گفتار کسی را که از نمانان و سخن چیانان نباشد قبول نکنند و او بی‌اهمیت باشد و مردمان پست و لثیم بسیار و مردم شریف کم شوند.

و در کتاب احوالات الحجة از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند: از شما «شیعه اثنی عشر» نماند مگر مانند سرمه دو چشم یا نمک طعام. (آنقدر شیعه سالم کم شود که حضرت تشبیه به نمک غذا فرموده‌اند).

پیامبر گرامی اسلام حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: قسم به آن کس که مرا برای بشارت به حق مبعوث فرموده کسانی که معتقد به قائم علیه السلام در زمان غیبت باشند از هر چیزی نایاب‌تر و با ارزش‌تر هستند.

حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: غیبت دوّم ایشان طولانی شود تا هنگامی که بیشتر طرفداران امامت آن حضرت از این امر برمی‌گردند و جز کسی که یقین او قوی و معرفت او صحیح باشد در این امر ثابت نمی‌ماند.

در کتاب غیبت شیخ طوسی (صفحة ۲۷۵) از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است: «برای صاحب این امر غیبتی است در آن زمان هر کس متمسک به دین او باشد مانند کسی است که دستش را به چوب خاردار بکشد (دینداری و شیعه بودن در زمان غیبت بسیار مشکل و سخت است و هر کسی نمی‌تواند دین دار باشد).

### نشانه‌ها و علامت‌های نزدیک شدن به قیام حضرت مهدی علیه السلام

در همان کتاب<sup>۱</sup> ابو حمزه ثمالی نقل می‌کند: به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض نمودم، که امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمود: خروج سفیانی و ندا و طلوع شمس از مغرب از حتمیات است.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: اختلاف بین فلان و قتل نفس زکیه و خروج قائم از حتمیات است، به حضرت عرض نمودم این ندا چگونه است، حضرت فرمودند: منادی در اول روز از آسمان ندا می‌کند که صدای او را هر گروهی با زبان خودشان می‌شنوند: آگاه باشید حق با علی و شیعیان علی است و در آخر روز ابلیس ندا می‌کند آگاه باشید که حق با عثمان و شیعیان (پیروان) عثمان بن عنبسه سفیانی است در این هنگام اهل باطل به شک می‌افتند.

در حدیثی حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله نقل نموده است که: ساعتی قبل از «خروج و ظهور قائم» ده چیز باید بوجود بیاید:

- ۱ - سفیانی ۲ - دجال ۳ - دود ۴ - جنبنده‌ای عجیب ۵ - خروج قائم علیه السلام ۶ - طلوع آفتاب از مغرب ۷ - آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان ۸ - خسف (فرورفتن زمین) در مشرق ۹ - خسف در جزیره العرب ۱۰ - آتشی شعله ور از قعر عدن.

۱. نقل از کتاب غیبت شیخ طوسی (صفحة ۲۶۶)

حضرت امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: پنج چیز از نشانه‌های پیش از قیام قائم علیه السلام است.

۱ - صیحه آسمانی ۲ - خروج سفیانی ۳ - فرورفتن زمین در محله بیداء ۴ - خروج یمانی ۵ - قتل نفس زکیه.

و فرمودند: قائم خروج نمی‌کند تا اینکه او دوازدهمین نفر از ما باشد و ظلم همه عالم را فراگرفته و ظالمین مشغول به ظلم و بیدادگری باشند.

عمیره بنت نفیل می‌گوید از حضرت امام حسن بن علی علیه السلام شنیدم امری که شما منتظر آن هستید، واقع نخواهد شد تا زمانی که بعضی از شما از بعض دیگر بیزاری جویند و یکدیگر را لعن کنند و بعضی از شما به صورت بعضی دیگر اُف کند و به کفر دیگران شهادت دهد. راوی می‌گوید عرض کردم در این زمان خیری نیست امام فرمودند: همه خیرها در این لحظه یعنی زمان قیام قائم است که همه اینها را از میان برمی‌دارد.

در کتاب غیبت (صفحه ۲۶۹) روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است که فرمودند: آن سالی که مهدی قائم آل محمد علیه السلام قیام می‌کند بیست و چهار مرتبه باران می‌بارد و آن سال با سالهای دیگر تفاوت دارد و نعمت زیاد می‌گردد.

در همان کتاب (صفحه ۲۷۰) حذلم بن بشیر می‌گوید به حضرت امام زین العابدین علیه السلام عرض کردم: خروج حضرت مهدی علیه السلام را برای من توصیف و دلائل و علاماتش را معرفی کنید فرمودند: قبل از خروج وی مردی به نام عوف السلمی در الجزیره و کریت بن صالح از سمرقند خروج می‌کند سپس سفیانی ملعون که از فرزندان عتبه بن ابی سفیان است از وادی یابس خروج می‌کند، هنگامی که سفیانی ظاهر شد حضرت مهدی علیه السلام مخفی است و بعد از آن خروج می‌کند که مصلحت الهی این چنین باشد.



در کتاب بزاز از پیامبر اسلام حضرت رسول الله ﷺ روایت شده است: «مردی که اسمش اسم پیغمبر است از قزوین خروج می‌کند و بعضی مردم عوام با او بیعت می‌کنند او کوهها را از ترس و خوف پر می‌کند مردم مشرک و بی‌ایمان به سوی او برای طاعت و پیروی از او حرکت می‌کنند که خیری در او نیست، و او باطل است.

راوی در کتاب غیبت (صفحه ۲۷۱) از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمودند قیام قائم در زمانی واقع شود که همه جا ظلم و جور باشد. سپس می‌فرمایند: خروج سه گانه، خراسانی، سفیانی و یمانی، در یک سال یک ماه و یک روز واقع می‌شود که در میان آنها پرچمی هدایت یافته‌تر از پرچم یمانی که به سوی حق هدایت می‌شود، نیست.

در همان کتاب (صفحه ۲۷۴) حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: قائم صلوات الله علیه شب بیست و سوم ندا می‌کنند و و جمعهای که در آن روز روز عاشورا واقع شود و عاشورا روزی است که در آن روز حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسیده‌اند و روز ظهور آن روز است که قیام می‌فرماید و همه جا را پر از عدل و نور می‌کند.

در اخبار علامات دیگری نیز ذکر شده که در اینجا به عنوان فهرست آنها را ذکر می‌نمائیم. در روایات نشانه‌های دیگری وجود دارند که عبارتند از:

منع طعام و درهم از عراق، دعوت کردن مردی از اهل قم مردم را به دین، ظاهر شدن آب بر روی زمین قم و مرکز علم شدن آن دیار، ظهور آتش در حجاز و ظهور آبی فوق‌العاده در نجف و خرابی در بصره - مسلط شدن کفار بر نهر سیحون و جیحون و فرات و دجله - اختلاف دو صنف از عجم در کلمه عدل - خرابی دیوار مسجد کوفه، بنای قصر عتیق، بنای عمارتها در اطراف مسجد کوفه

و بنای جسر کوفه - ظهور آتشی در کوفه (فتنه‌های پی در پی در عراق و بغداد و خرابی و فساد در بغداد) مرگ زردپوستان - پیدایش ملخ سرخ در درخت خرما (فساد خرما) جنگ و قتل پی در پی در همه جا - شروع جنگ از ماه صفر تا صفر بعد - گرفتن ماه در شب چهاردهم رجب - نمایان شدن آتشی در آسمان - جاری شدن آب فرات در شهر کوفه - کثرت زلزله، زلزله‌ای بزرگ در شام - فرو رفتن یا خرابی مسجد دمشق (خسفی در بغداد) - اختلاف پرچم حسنی و اموی در شام - خروج مغربی - حمله به مصر و شام - خروج دجال - ظاهر شدن کفی در آسمان - خواندن دو نامه به براءت از عملی در کوفه و بصره همراهی حضرت خضر و حضرت عیسی با حضرت ولی عصر علیه السلام خروج دابه الارض - نصرت جن و ملائکه - برگشتن اصحاب کهف و جمعی از امت و یاران حضرت که آنان سیصد و سیزده نفر جمع خواهند شد و آنها کسانی هستند که یاران مخصوص حضرت قائم علیه السلام می‌باشند (سلام الله علیهم اجمعین).

### وظائف شیعیان در زمان غیبت

هر کس ادعای تشیع و دوستی کند و خود را عبد ذلیل خداوند بداند و شیفته و منتظر حضرت بقیه الله علیه السلام باشد لازم است از یاد آن حضرت غافل نباشد و آداب بندگی خداوند متعال را انجام داده و رسوم فرمانبرداری و وظیفه دوستی را به جا آورد زیرا طرز سلوک این طریق آموختنی نیست بلکه مقدماتی لازم است، مانند تزکیه نفس و تهذیب اخلاق و تطهیر باطن و توجه قلبی که درد و احتیاج را درک کند و بداند که یک عمر با حال و وضع تشنگی بسر می‌برد و تنها به این ماء معین از راه ابتهال و تضرع به درگاه ذوالجلال و توسل به ذیل عنایت حضرت می‌توان دست یافت. پس باید هر لحظه در حال تزکیه نفس بود و لقمه حلال خورد و خود را از گناه دور نگه داشت و در هر حال بیاد گمشده و غیاث مضطربین

و آرام بخش دل‌ها بود که برای هر دل مسکین و مؤمن پناه و فریاد رس هر بی‌پناهی است و از این رو دل سوختگان هجرانش و منتظرین مقدم مبارکش چگونه می‌توانند در حال غیبت بی تفاوت باشند آنها هر هفته که روز جمعه می‌آید انتظار می‌کشند و بی‌اختیار نغمه عاشقانه و ندبه اشتیاق سر می‌دهند و در فراغش صبر می‌کنند تا خداوند عالم فرجش را نزدیک فرماید. انشاء الله  
 آمین رب العالمین

هل اليك يا ابن احمد سبيل فتلقى  
 هل يتصل يؤمنامك بعد فنحظي  
 متى نرد مناهلك الرويه فنزوي  
 متى نتقع من عذب مائك فقد طال الثدى  
 متى نغاديك ونراوحك فتقرعينا  
 متى ترينا ونريك وقد نثرت لواء النصر ترى  
 الى متى احارفيك يا مولاي والى متى  
 عزيز على ان ارى الخلق ولاترى  
 بنفسى انت من مغيب لم ينحل منا

بیا ای امام هدایت شعار	که بگذشت حد غم از انتظار
ز روی همایون بیفکن نقاب	عیان ساز ز رخسار چون آفتاب
برون آی از منزل اختفاء	نمایان کن آثار مهر و وفا

**آیا می‌دانید؟ چه وظیفه‌ای نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه داریم**

در هر حال باید در زمان غیبت به یاد آن حضرت بوده و برای دوری و محرومیت از وصال جمالش مغموم و گریان باشیم و مانند کسی که بهترین

عزیزش را گم کرده شب و روز در یاد آن حضرت و به جستجوی دیدن جمالش و دیدار وصالش باشیم و خود را مهیا نمائیم برای تکامل روح و دوری از معصیت و وصل شدن به معنویت نیز کوشا باشیم.

حضرت امام رضا علیه السلام در خبری فرموده‌اند: چه بسیار مؤمنه و مؤمنی که هنگام فقدان ماء معین (حضرت حجت علیه السلام) متأسف و حیران و محرومند. در دعای ندبه می‌خوانیم:

هل من معین فاطیل معه العویل والبکاء هل من جزوع فاساعد جزعه اذا  
خلاهل قذیت عین فساعتها عینی علی القذی<sup>۱</sup>

خداوند تبارک و تعالی بحق حجتش فیض دیدار آن عالی مقام عظمی را به چشمان ناقابل ما عنایت فرماید.

در کتاب منتهی الامال آمده است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام به عبدالله ابن ظبیان فرمود: هیچ عیدی برای مسلمین نیست نه عید قربان و نه فطر و نه عیدی دیگر مگر خداوند تازه کند طعم ایمان را برای شیعیان آل محمد علیهم السلام راوی پرسید چرا؟ حضرت فرمودند: حق این است که از کرامات ما اهل‌البیت ایمان آنها افزوده شود. و آن کرامت ولایت ما ائمه معصومین است که قلبها راجلا و ایمان را تازه می‌گرداند.

### افضل الاعمال، انتظار الفرج

دیده‌اید کسی که مسافر عزیزش در شرف برگشتن از سفر است برای قدوم مسافر، خانه را نظافت نموده و بهترین غذا و وسائل را به خاطر او آماده کرده و

۱. آیا کمکی هست با او گریه و فریاد در ادامه دهند آیا جزع کننده‌ای هست، که از بی تابیش یاری بگیرم وقتی که خلوت کند آیا چشمی مبتلای به خار شده که چشم من با او شریک درد گردد برخار.

خود لحظه شماری می‌کند. با این همه ما خودمان را به لفظ انتظار و منتظر قانع نکنیم بلکه مثل همان آمادگی واقعی تطهیر و تزکیه ظاهر و باطن نموده سپس او را بخوانیم.

آئینه شو جمال پری طلعتان طلبجاروب کن در خانه سپس میهمان طلب اینجاست که قبل از ظهور حضرت قائم علیه السلام بدون تلاش زیاد می‌توان از توجهات خاص حضرت برخوردار شد زیرا هر چه هست در همان حال حقیقت و توکل و توجه به آن وجود نازنین است که با عنایت و نظر حضرت انشاءالله دین و دنیا و آخرتمان درست می‌شود.

«ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخرة حسنه»

آب کم جو تشنگی آور بدست تا که آبت جوشد از بالا و پست

امید است به حق حضرت صاحب الامر امام زمان علیه السلام همگی از منتظرین وجود مبارک ایشان باشیم و از برکات وجود مقدس سرورمان تمامی شیعیان بهره‌مند گردند و کفر و ظلم و کاستی از تمامی اراضی مسلمین ریشه کن شود. محمدبن فضل راجع به فرج، از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال نمود حضرت فرمودند: آیا انتظار فرج از فرج نیست و بدان که بابی از فرج همان انتظار فرج است؟

در کتاب بحارالانوار (جلد ۵۳ صفحه ۱۲۵) و در کتاب اکمال الدین شیخ صدوق (ره) از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت می‌کند: هر کس در زمان غیبت امام در ولایت او ثابت بماند خداوند متعال همانند شهداء بدر و اُحد و شهداء زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به او اجر عطا می‌فرماید: و آنانی که حضرت را ندیده‌اند و فقط (ولایت و امامتش را معتقد و صبر در انتظار فرج را داشته باشد) آن ثواب بزرگ را بهره‌مند شوند.

حضرت رسول الله ﷺ فرمودند:

### افضل العباد انتظار الفرج

بزرگترین عبادت انتظار فرج قائم آل محمد ﷺ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. حضرت امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که از شما بر این امر بمیرد در حالی که منتظر قائم ما باشد مانند کسی است که در خیمه قائم عليه السلام باشد. و او (از یاران و اصحاب مخصوص حضرت خواهد شد)

یکی از وظایف ما دعا کردن برای سلامتی وجود مبارک و تعجیل در فرج و ظهور آن حضرت است که به هر زبانی و در هر زمان و مکانی میسر است اما بهترین دعاها همان است که از حضرات معصومین عليهم السلام روایت شده است که از مهم‌ترین دعاها که در ایام و لیالی مهم و متبرک مخصوصاً در شب نوزدهم و بیست و یکم و شب بیست سوم ماه مبارک رمضان و شبها و عصرهای جمعه و شب نیمه شعبان به آن تاکید شده این دعا است.

«دعای مخصوص حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف»

«اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه وعلی آبائه فی هذه الساعه و فی کل ساعه ولیاً وحافظاً وقائداً و ناصراً و دليلاً و عیناً حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً.»

و نیز خواندن دعای توسل و زیارت آل یاسین و نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در شبهای جمعه و شبهای چهارشنبه که افضل مکانها مسجد سهله و مسجد جمکران برای نزدیک شدن به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

و از جمله دعاهاى مهم (اللهم اذفع عن و لیک و خلیفتک و حجتک) و صلوات منسوب به ابوالحسن ضراب اصفهانی است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ لِسَانِكَ الْمُعْبِرِ عَنكَ  
 النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةَ بِاِذْنِكَ وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ الْحُجَّاجِ  
 الْمُجَاهِدِ الْعَائِدِ بِكَ الْعَائِدِ عِنْدَكَ وَ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ وَ اَنْشَأْتَ  
 وَ صَوَّرْتَ وَ اَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَن يَمِينِهِ وَ عَن شِمَالِهِ وَ مِنْ قَوْفِهِ  
 وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَ اَحْفَظْ فِيهِ رَسُوْلَكَ وَ اَبَاءَهُ  
 اِيْمَتَكَ وَ دَعَائِمَ دِيْنِكَ وَ اجْعَلْهُ فِي وَدِيْعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ وَ فِي جَوَارِكِ الَّذِي لَا  
 يُخْفَرُ وَ فِي مَنَعِكَ وَ عِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ وَ اٰمِنُهُ بِاٰمَانِكَ الْوٰثِقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَنْ  
 اٰمَنَتْهُ بِهِ وَ اجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ وَ اَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ وَ  
 اَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَ قُوَّةِ بِقُوَّتِكَ وَ اَرِدْهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ اِلٰهِ مَنْ وَاٰلِهٖ وَ عَادِ مَنْ  
 عَادَاهُ وَ اَلْبَسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةَ وَ حَقِّقْهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَقًّا اَللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهٖ الصَّدْعَ وَ  
 اَرْتُقْ بِهٖ الْفَتْقَ وَ اَمِثْ بِهٖ الْجَوْرَ وَ اَظْهِرْ بِهٖ الْعَدْلَ وَ زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْاَرْضَ وَ اَيِّدْهُ  
 بِالنَّصْرِ وَ اَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَ قُوَّةِ نَاصِرِيهِ وَ اِخْذُلْ خٰذِلِيهِ وَ دَمْدِمِ مَنْ نَصَبَ لَهٗ وَ دَمَّرْ  
 مَنْ عَشَّهٗ وَ اَقْتُلْ بِهٖ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عُمَدَهُ وَ دَعَايِمَهُ وَ اَقْصِمْ بِهٖ رُؤْسَ الضَّلٰلَةِ وَ  
 شَارِعَةَ الْبِدْعِ وَ مُمَيِّتَةَ السُّنَّةِ وَ مُقَوِّتَةَ الْبٰطِلِ وَ ذَلِّلْ بَهٗ الْجَبَّارِيْنَ وَ اَبْرِيْهِ الْكٰفِرِيْنَ  
 وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِيْنَ فِي مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا  
 حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَارًا وَ لَا تُبْقِيَ لَهْمُ اَثَارًا اَللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ  
 عِبَادَكَ وَ اَعِزِّ بِهٖ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اٰخِ بِهٖ سُنَنَ الْمُرْسَلِيْنَ وَ دَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّنَ وَ جَدِّ بِهٖ  
 مَا اَمْتَحَى مِنْ دِيْنِكَ وَ بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِيْنَكَ بِهٖ وَ عَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا  
 غَضًّا مَخْضًا صٰحِيحًا لَاعِوَجَ فِيهِ وَ لَا بِدْعَةَ مَعَهُ وَ حَتَّى تُنِيرَ بَعْدَ لِهٖ ظُلْمَ الْجَوْرِ وَ

تُطْفِئَ بِهِ مِيزَانَ الْكُفْرِ وَ تَوْضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي  
 اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ اضْطَقَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّاتَهُ مِنَ  
 الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ  
 يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْباً وَ لَا أَتَى حُوباً وَ لَمْ يَزْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَ لَمْ يُضَيِّعْ  
 لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً وَ  
 أَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ  
 وَ وُلْدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنُهُ وَ تَسْرِّبُهُ نَفْسُهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ  
 مُلْكَ الْمَمْلُوكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبَهَا وَ بَعِيدَهَا وَ عَزِيزَهَا وَ ذَلِيلَهَا حَتَّى تُجْرِيَ حُكْمَهُ عَلَى  
 كُلِّ حُكْمٍ وَ يَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلُّ بَاطِلٍ اللَّهُمَّ اسْأَلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى  
 وَ الْمَحْجَةَ وَ الْحَبَّةَ الْعُظْمَى وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَ يَلْحَقُ بِهَا  
 الثَّالِي وَ قَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ ثَبَّنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَ ائْتِنَّا عَلَيْنَا بِمَا بَعَثَهُ وَ اجْعَلْنَا فِي  
 حِزِّهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَا صَحَّتِهِ حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ  
 الْقِيَمَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّتَةِ سُلْطَانِهِ اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصاً مِنْ كُلِّ  
 شَكٍّ وَ شُبُهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُنْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَ  
 حَتَّى نُحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَ تَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَ أَعْدِنَا مِنَ السَّامَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ وَ  
 اجْعَلْنَا مِنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لَدِينِكَ وَ تُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ  
 اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَ  
 الْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ بَلِّغْهُمْ أَمَانَةَ لَكُمْ وَ زِدْ فِي أَجَالِهِمْ وَ أَعِزِّ نَصْرَهُمْ وَ تَمِّمْ لَكُمْ مَا  
 أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ وَ ثَبِّتْ دَعَائِمَهُمْ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَاناً وَ عَلَى دِينِكَ  
 أَنْصَاراً فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَ خُرَانُ عِلْمِكَ وَ أَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَ دَعَائِمُ دِينِكَ وَ



وَلَاةُ أَمْرِكَ وَ خَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ صَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَوْلِيَاؤُكَ وَ سَلَائِلُ  
أَوْلِيَايِكَ وَ صَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

خدایا دور کن (هر بلایی را) از نماینده و خلیفه‌ها و حجت بر آفریدگانت و زبان گویایت و سخن گوینده به حکمتت و دیده بینا به گواه تو بر بندگانت؛ آن بزرگ مرد مجاهد و پناهنده به تو و پرستش کننده در نزد تو، پناهِش ده از شر تمام آنچه آفریده و خلق کردی و صورت بخشیدی و نگهداریش کن از پیش رویش و پشت سرش و از طرف راستش و سمت چپش و از بالای سر و زیر پایش که تباه نگردد هر که را بدان نگهداری کنی، نگهداری کن در وجود او (و بوسیله آن حضرت) پیامبرت و پدران او که پیشوایان و پایه‌های دین تو هستند و قرار ده آن حضرت را در سپرده خودت که چیزی در آن ضایع نگردد و در جوار تو که قرقش شکسته نشود و در حفظ و عزت خودت که مقهور کسی نگردد و ایمن دار او را به امان محکمت که هر که را بدان ایمن کردی خوار نگردد و در کنف حمایت خودت قرارش ده که هر که در آن بود مورد دستبرد کسی واقع نگردد و یاریش کن به یاری نیرومندی و کمکش کن به لشگر پیرومندی و نیرومندی کن به نیرویت، فرشتگانت را پشت سرش قرارده و دوست دار دوستدارش و دشمن دار دشمنش را و بهوشان به برش زره محکمت را قرار بده و گرداگردش فرشتگانت را بطور منظم قرارده خدایا امر فرما به وسیله او رفع شکستگی دین را و مقرر فرما بوسیله او رفع گسیختگی ایمانها و رفع ظلم و ستم را و نمایان کن بوسیله ایشان عدالت را و زینت ده بدرازی عمرش زمین را و کمکش کن به یاری خود و یاریش کن به ایجاد رعب در دل دشمنان و نیرومند کن یاورش را و خوار گردان خودداری کننده از یاریش را و به هلاکت رسان کسی که به او خیانت کند و بکش به دست او گردنکشان کفر و پایه‌های آن را و بدعت گذاران در دین و آنان

که فکر از بین بردن دین را در سر دارند و کسانی را که باطل را تقویت می‌کنند، خوار فرما و به دست مبارک او گردنکشان را ریشه کن ساز و بوسیله آن جناب کافران و تمام بی دینان را در شرق و غرب زمین و خشکی‌ها و دریاها و سرزمینهای هموار و کوه‌ها و خلاصه در همه جا و تا آنجا که فردی و اثری از آنها باقی نگذاری خدایا پاک کن از وجود آنها شهرها و بلاد را و شفا ده به نابودیشان دل بندگان مؤمن را و عزت بخش بدان وسیله مؤمنان را و زنده کن بوسیله وی آئین نامه پیمبران مرسل و احکام حق را و تازه کن بوسیله او آنچه محو گشته از دینت و تغییر یافته از فرمانت تا اینکه باز گردد دین تو تر و تازه و خالص و صحیح که اعوجاجی و بدعتی در آن نباشد، تا اینکه روشن گردد بوسیله عدالتش تاریکی‌های بیدادگری و خاموش گردد آتشیهای کفر. آن بنده بزرگوار تو است که انتخابش کردی و نگاهش داشتی از گناهان و مبرایش گردانیدی از عیوب و پاکش کردی از پلیدی و سالمش داشتی از چرکی خدایا ما برای او گواهی دهیم در روز قیامت و روز وقوع آن حادثه بزرگ که برآستی او گناهی مرتکب نشده و دست به کار زشتی نزده و مرتکب معصیتی نشده و هیچ فرمانبرداری تو را وانگذارده و حرمتی را از تو هتک نکرده و واجبی را تغییر نداده و آئینی را بهم نزده و او است راهنمای راه یافته پاک پرهیزکار پسندیده و زبده خدایا عطا کن به خودش و خاندان و فرزندان و نژاد و ملت و تمام افراد رعیت (و فرمانبردارانش) آنچه دیده‌اش را بدان روشن کنی و دلش را بدان خشنود گردانی و گردآور برای او فرمانروایی همه ممالک نزدیک و دور راتا اینکه حکم و فرمانش را فوق همه حکمها جاری کنی و بوسیله آئین حق او، هر باطلی را مغلوب گردانی خدایا ما را به دست آن بزرگوار به راه روشن هدایت و به راه جاده بزرگ (دیانت) و طریق مستقیم هدایت فرما و نیرویی ده برای فرمانبرداریش و پابرجایی فرما بر

پیرویش و منت گذار بر ما و درگروه او قرارمان ده همانند آنان که به دستور قیام کنند و صبر کنند و در خیرخواهی کردن نسبت به حضرت طالب رضای او و خوشنودی تو باشند تا در روز قیام و ظهور ما را جزء یاران و اعوان او و تقویت کنندگان حکومتش محشورمان گردانی و ما را از هر شک و شبهه و خودنمایی و شهرت طلبی به دور گردان تا در اینکار به غیر تو اعتماد نداشته و جز رضا و خوشنودی تو چیزی نخواهیم. تا ما را به جایگاه آن حضرت وارد کنی و جایمان را در بهشت قرار دهی و نگاهمان داری از خستگی و کسالت و سستی، ما را از جمله کسانی قرار ده که بدست آنها دینت را یاری کنی این افتخار را نصیب غیر از ما مکن زیرا برای تو آسان است که دیگران را برگزینی که اینکار بر ما بسیار گران و ناگوار است. خدایا درود فرست بر پیمانداران و پیشوایان پس از او و آنان را به آرزوهایشان برسان و عمرشان را طولانی گردان و کامل کن آنچه از دستورات به آنها مستند کردی و پایه‌های (حکومت) آنان را پا بر جا کن و ما را از اعوان و از یاران دین و ائینت قرار ده زیرا که آنها معادن کلمات (فرامین) و خزینه‌دارهای دانش تو هستند و آنها ارکان یگانه پرستی و استوانه‌های دین و سرپرستان دستورات تو و زبده‌ها از بندگانت و برگزیدگان از آفریدگانت و چکیده فرزندان پیامبرت که سلام و رحمت خدا و برکاتش بر آنها باد. (انشاءالله)

و در کلام آخر: همچنین اطعام کردن و رسیدگی نمودن به شیعیان و دوستان آن حضرت و صدقه دادن برای حفظ وجود مبارک حضرت که سالم و زنده بودن ما وابسته و به طفیلی وجود آن حضرت است

بیمنه رزق الوری وبوجوده ثبتت الارض والسماء

و اما: حج و عمره و زیارت به نیابت حضرت مهدی علیه السلام انجام دهیم که با این عمل نه تنها ثواب اعمال از ما کم نمی‌شود بلکه هدیه‌ای است به مولا و

سیدمان که عاید آن به وجود خودمان برمی‌گردد. و اگر این کار میسر نبود حتماً بعد از هر نماز واجب رو به قبله به ایشان سلام دهیم که بسیار قابل اهمیت است و مراتب را بالا می‌برد و مؤمن به درجات مهمی می‌رسد.

برای تعظیم و تکریم به حضرت در زمان غیبت باید در مراسم عزاداری اجداد طاهرینش و مراسم جشن و سرور و اعیاد و موایده ائمه معصومین علیهم‌السلام بالخصوص در میلاد با سعادت حضرت در نیمه شعبان شرکت کنیم و تجلیل نماییم از اسماء شریفه‌اش و هنگام ذکر اسم مبارک قائم علیه‌السلام که روش امامیه و شیعیان است قیام کنیم پس هر زمانی که نام مقدس و مبارک حضرت مهدی علیه‌السلام را شنیدید از جای خود برخیزید و احترام نمایید.

در هنگام غیبت برای حفظ ایمان و گوهر ولایت و از بهترین دعاها برای این امر این دعای شریف است:

اللهم عرفني نفسك فانك ان لم تعرفني نفسك لم اعرف نبيك اللهم عرفني رسولك فانك ان لم تعرفني رسولك لم اعرف حجتك اللهم عرفني حجتك فانك ان لم تعرفني حجتك ضللت عن دینی.

و از دیگر دعاها، دعای غریق است

يا الله يا رحمن يا رحيم يا مقلب القلوب ثبت قلبي على دينك

همچنین

اللهم لاتمتني ميتة جاهلية ولا تزع قلبي بعد اذ هديتني (الخ)

و استمداد و استعانت و استغاثه به آن حضرت در هنگام شدائد و گرفتاریها مریضی‌ها و در هر فتنه و بلا و مصیبت دنیوی و اخروی مادی و معنوی بوسیله تضرع و ندبه و گریه آرامش بخش دل‌های شیعیان است از جمله آنها دعای عهد است که هر که چهل صباح خالصانه بعد از نماز صبح بخواند از یاران آن

حضرت ﷺ شود و گاهی نماز حضرت، که دو رکعت است در هر رکعت سوره حمد را تا ایاک نعبد و ایاک نستعین خوانده و همین آیه را صد مرتبه تکرار و حمد را تمام می‌کنی سپس سوره قل هو الله احد را یک مرتبه تلاوت کرده ذکر رکوع و سجود را هفت مرتبه می‌گویی (رکعت دوم هم مثل رکعت اول) بعد از سلام نماز یک مرتبه لا اله الا الله و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام گفته سر به سجده می‌گذاری و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده و حاجت خود را می‌طلبی، و بعد از نماز این دعا را می‌خوانی:

اللهم عظم البلاء و برح الخفاء و انكشف الغطاء و ضاقت الارض و منعت السماء و اليك يا رب المشتكى و عليك المعول في الشدة و الرخا اللهم صل على محمد و آل محمد الذين امرتنا بطاعتهم و عجل الله لهم فرجهم بقائهم و اظهر اعزازه يا محمد يا علي يا محمد اكفياني فانكما كافيای يا محمد يا علي يا علي يا محمد انصراني فانكما ناصرای يا محمد يا علي يا علي يا محمد احفظاني فانكما حافظای يا مولای يا صاحب الزمان يا مولای يا صاحب الزمان يا مولای يا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث ادركني ادركني ادركني الامان الامان الامان. بعد حاجت خود را می‌طلبی. و نمازهای دیگری نیز در کتب مختلف برای توسل به آن حضرت ذکر شده است که همگی مؤثر و باعث توسل به وجود نازنین ایشان است.

و گاهی بوسیله نوشتن نامه به آن حضرت که مرحوم (محدث قمی ره) از تحفة الزائر و در مفاتیح النجاة نقل کرده است هر که حاجتی داشته باشد آن را در نامه و رقعهای خطاب به حضرت بنویسد و در یکی از ضریح مطهر ائمه علیهم السلام بیندازد یا ببندد و مهر کند و آن را داخل گلی که پاک باشد، بگذارد و در نهر یا چاه آب پاکی یا غدیر آبی بیندازد که به دست مبارک حضرت صاحب الزمان صلوات

الله عليه می‌رسد و آن حضرت شخصاً متولی برآوردن حاجت می‌شوند.  
در عصر غیبت تأکید شده به سکون و مواظبت در اعمال و کردار برای حفظ  
دین در کتاب قائم آل محمد نقل شده از امام جعفر صادق علیه السلام که فرموده:  
(كُلَّمَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيهِ)

و نیز در بیانی دارد که:

(من ترك التقيه قبل خروج قائمنا فليس منا)

جابر جعفی از امام محمد باقر علیه السلام سؤال نمود: در آخرالزمان چه عملی بهتر  
است؟ حضرت فرمودند:

(حفظ اللسان ولزوم البيت) یعنی حفظ زبان و نگهداری آن از غیبت

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

خالطوهم بالبرانية وخالطوهم بالجوانية اذا كانت الامرہ صيانية

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: زمانی می‌آید که عافیت (حفظ دین) در ده جزء  
است، نه جزء آن در اعتزال از مردم و یک جزء آن در سکوت است. (دوری از  
خلق الله) امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: (كونوا اجلاس بيوتكم فان الفتنة على من  
آثارهما)

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

(اسكنوا ما سكنت السموات والارض)

امام صادق علیه السلام به سیدر صیرفی فرمود:

(الزم بيتك وكن جلساً من اجلاسه واسكن ما سكن الليل والنهار فاذا بلغ ان

السفياني قد خرج فارح الينا ولو على رجلك)

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

(كن في الفتنة كابن اللبون لاظهر فيركب ولا ويرفيسلب ولاضرع فيحلب)

در کتاب البرهان المتقی الهندی (صفحه ۱۰۳) آمده است؛ رسول الله پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

(ستكون بعدی فتن منها فتنة الاجلاس يكون فيها حرب و هرب، ثم بعدها فتنة اشد منها ثم تكون فتنه كلما قيل: انقطعت تمادت حتى لا يبقى بيت الادخلته ولا مسلم الاملته حتى يخرج رجل من عترتی)

همچنین حضرت امیرالمومنین علیؑ فرمودند:

يخرج رجل قبل المهدي من اهل بيته بالمشرق، بحمل السيف على عاتقه ثمانية عشر شهراً يقتل ويمثل ويتوجه الى بيت المقدس فلا يبلغه حتى يموت  
در تمامی این احادیث شریف تزکیه اخلاق، نگهداشتن زبان و معاشرت نکردن با هر کسی و مواظبت اهل بیت و تربیت صحیح خانواده و اولاد و تماس نداشتن با نامحرمان و ناهلان را سفارش فرموده است.

اشعار تربیتی در امور دنیا مربوط به آخر الزمان

پس بگردید و بگردد روزگار	دل به دنیا در نبندد هوشیار
ای که دستت می رسد کاری بکن	پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار
این که در شهنامه ها آورده اند	رستم و رویینه تن اسفندیار
تا بدانند این خداوندان مُلک	کز بسی خلق است دنیا یادگار
نام نیکو گر بماند ز آدمی	به کزو ماند سرای زرنگار
سال دیگر را که می داند حیات؟	یا کجا رفت آن که با ما بود یار؟
صورت زیبای ظاهر هیچ نیست	ای برادر سیرت زیبا بیار
آدمی را عقل باید در بدن	ورنه جان در کالبد دارد حمار
چون زبر دستیت بخشید آسمان	زیر دستان را همیشه نیک دار

مرحوم محدث قمی در کتاب منتهی الامال از عالم جلیل القدر ملا زین

العابدین سلماسی در خصوص علامه بحرالعلوم نقل می کند هنگامی که بحرالعلوم در مکه سکونت داشت و به صاحبان مذاهب اربعه درس می گفت و در بذل و بخشش مال ید طولایی داشت من که در اثر کثرت مخارج از مال دنیا چیزی نداشتم به علامه بحرالعلوم عرض نمودم گفتم مخارجم زیاد است و چیزی در دستم نیست ایشان جوابی نفرمود؛ و عادت ایشان این بود که صبحها طوافی دور کعبه می کرد و به خانه می آمد و به اطاقی که مختص خودش بود می رفت و قلیان می کشید بعد بیرون می آمد و در اطاق دیگر می نشست و طلاب و مردم از هر مذهبی جمع می شدند و ایشان به هر کس مختص مذهبش درس می گفت و آن روز من در نزد سید شکایت از تنگدستی روز گذشته کرده بودم پس از برگشت از طواف؛ قلیان را حاضر کردم که ناگاه کسی در را کوبید دیدم سید به شدت مضطرب شد و گفت قلیان را بگیر و از این جا بیرون برو و خودش با سرعت برخاست و در را باز کرد دیدم شخص جلیلی به قیافه و هیأت عربها داخل شد و در اطاق سید نشست و سید در نهایت ذلت و مسکنت و ادب دم در نشست و به من اشاره کرد قلیان را نزدیک نبرم سید با آن شخص ساعتی نشستند و با یکدیگر سخن گفتند و در آخر جلسه برخاستند و سید با شتاب در خانه را باز کرد و دست آن مرد را بوسید و او را بر ناقه‌ای که در خانه بود سوار نموده و ایشان رفتند سید با رنگ متغیر بازگشت و حواله و نامه‌ای به دست من مرحمت نمود و گفت حواله‌ای است، بر مرد صرافی که با این مشخصات است و حجره او در نزدیکی کوه صفا می باشد نامه را برده دست همان صراف دادم همین که برات و نامه را گرفت بوسید و گفت برو، چند حمال بیاور چهار حمال آوردم آنچه که در نزد ایشان وجوه نقد بود به من داد و گفت: به منزل ببرید من هم بردم به خدمت سید علامه بحرالعلوم بعد معلوم شد این حواله از حضرت امام



زمان صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَامُ بوده و علامه همه وجوه را به فقرا و نیازمندان عطا نمود من خیلی در فکر بودم روزی رفتم به آن محلی که از صراف پول را گرفته بودم و دیدم در آن مکان نه صرافی نه دکانی بود از یک نفر که آنجا ساکن بود پرسیدم، گفت ما در اینجا صرافی ندیده‌ایم دانستم که این از اسرار بوده که مرا از آن اطلاعی نبود.

### (ملاقات با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ در کنار کعبه معظمه در مکه)

در کتاب بحار الانوار (جلد ۵۲ صفحه ۱) در کتاب غیبت شیخ نعمانی از علی ابن ابراهیم فدکی نقل می‌کند: در حال طواف ششم بودم و قصد دور هفتم کرده بودم ناگهان دیدم در طرف راست کعبه عده‌ای حلقه زدند و جوانی خوش صورت و خوشبو و با هیبت به مردم نزدیک است و سخن می‌گوید. من زیباتر از کلام او و شیرین‌تر از منطق او در خوش برخوردی ندیده بودم جلو رفتم تا با او سخن بگویم مردم از رفتن من جلوگیری کردند از یکی از آنان سؤال کردم این شخص کیست؟ گفت: فرزند رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که هر سال یک روز برای دوستان و شیعیان خواص خود ظاهر می‌شود و آنان با او گفتگو می‌کنند گفتم ای آقای من مرا ارشاد کن در جواب فرمودند: خداوند تو را هدایت کند. مقداری سنگریزه به من دادند برگشتم بعضی از هم‌نشینانش به من گفتند فرزند رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه چیز به تو دادند گفتم: سنگریزه، بعد کف دستم را گشودم دیدم مستی از طلا است مجدداً به خدمت ایشان رفتم فرمودند حجت بر تو ثابت شد و حق برای تو عیان گردید و بینا شدی آیا مرا می‌شناسی؟ گفتم به خدا نه، فرمودند: من مهدی هستم، قائم زمانم آن کسی که زمین را پر از عدل می‌کند همان طور که پر از ظلم شده‌است، زمین از حجت خداوند متعال خالی نمی‌شود و مردم بیش از حیرت

بنی اسرائیل در انقطاع نمی‌مانند که ایام خروج من ظاهر می‌شود. پس این را که گفتم در نزد تو امانت است برای برادران دینی که اهل حق باشند نقل کن.

### تعلیم دعای فرج که حضرت صاحب الامر علیه السلام بیان فرموده‌اند

از ابوالحسین بن ابی البغل (کاتب) نقل شده که از طرف، ابومنصور بن صالحان کاری به عهده گرفته بودم بین من و او اختلافی پیش آمد بطوری که مجبور شدم خود را پنهان کنم و او در جستجوی من بود مدتی هراسان و سرگردان بودم در یک شب جمعه تصمیم گرفتم به حرم مطهر حضرت موسی بن جعفر و امام محمد تقی علیهما السلام بروم و آن شب را در آنجا بسر برم تا خداوند گشایشی عنایت فرماید، آن شب باران می‌آمد و باد می‌وزید اوائل ماه بود و ظلمت و تاریکی همه جا را فرا گرفته بود وارد حرم مطهر شدم از کلیددار حرم خواهش کردم که مرا نجات دهد و ایمن باشم پذیرفت و درهای حرم مطهر را بست. مشغول دعا و نماز شدم و با اشک و آه دعا می‌کردم و از حضرت می‌خواستم که از خداوند بخواهد مشکلم حل شود در همین حال ناگهان متوجه صدای پایی از جهت قبر و مضجع شریف حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شدم به آن سو نگاه کردم دیدم که کسی در آنجا مشغول زیارت است ولی آن محل را نور فرا گرفته و ایشان به حضرت آدم و انبیاء اولوالعزم رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله سلام می‌نماید. و همچنین به امیرالمومنین علیه السلام و به ائمه طاهرین علیهم السلام سلام فرمود تا به حضرت حجت علیه السلام رسید، توقف نمود. و نامی از حجت بن الحسن (روحی فداه) نبردند. بسیار تعجب کردم با خودم گفتم ممکن است فراموش نموده و یا اینکه آن جناب را نمی‌شناسد و یا احتمالاً مذهب ایشان اینطور می‌باشد.

زیارتشان در آن مکان مقدس تمام شد، دو رکعت نماز خواندند و به طرف قبر

مطهر حضرت جواد علیه السلام آمدند همان اعمال را تکرار نمودند و دو رکعت نماز خواندند چون درک شناخت ایشان را نداشتم قدری ترسیدم. ایشان لباس سفیدی پوشیده بودند و عمامه ای با حنک بر سر داشتند و ردایی نیز بر روی شانه خود انداخته بودند به طرف من توجه نموده و فرمودند.

ابوالحسین بن ابی البغل: این انت من دعاء الفرج

فرمودند: ای ابوالحسین اگر گرفتاری، چرا دعای فرج را نمی خوانی؟  
عرض کردم، آن دعا چگونه است؟ فرمودند دو رکعت نماز می خوانی آنگاه این دعا را تلاوت می کنی:

یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریره و لم یهتک الستریا  
عظیم المن یا کریم الصّفح یا حسن التجاوز و یا واسع المغفره یا باسط الیدین  
بالعطیه یا منتهی کلّ نجوی و یا غایة کلّ شکوی یا عون کلّ مُستعین و یا مبتدئاً  
بالنعم قبل استحقاقها یا رباه

عبارت (یا رباه) را ده مرتبه می گویی و همچنین پس از (یا رباه) ده مرتبه  
می گویی (یا غایة رغبتاه) سپس بگو:

اسئلك بحق هذه الاسماء و بحق محمّد و آله الطاهرين عليهم السلام الاما  
كشفت کربی و نفست همی و فرجت غمی و اصلحت حالی.

پس از قرائت دعاهای ذکر شده هر چه خواستی از خداوند متعال بطلب و دعا  
کن و حاجت خود را بخواه سپس طرف راست صورت را بر زمین بگذار و در آن  
حال صد مرتبه بگو.

یا محمد یا علی یا علی یا محمّد اکفیانی فانکما کافیا و انصرانی فانکما  
ناصرای

پس از آن طرف چپ صورت را بر زمین می گذاری و صد مرتبه می گویی

ادرکنی

و به مقدار یک نفس می گویی:

### الغوث الغوث

و سر از زمین بر می داری، خداوند متعال به کرم وجودش حاجتت را بر می آورد من مشغول آن نماز و دعا و ذکر شدم که ایشان از حرم بیرون رفتند و پس از اینکه دعایم تمام شد از کلیددار سوال نمودم که او چگونه وارد حرم شد کلیددار گفت درها همگی بسته است این گونه که تو نقل می کنی، ایشان حضرت صاحب الامر صاحب الزمان مهدی علیه السلام هستند بسیار ناراحت شدم که چرا ایشان را نشناختم به طرف منزل خود رفتم و همان روز حل مشکلم شد به طریقی که اصلاً فکرش را نمی کردم.

و در خبری دیگر نقل شده است که این دعا را بخوانید برای توسل به حضرت قائم علیه السلام بسیار مفیدست.

### بسم الله الرحمن الرحيم

یا اسمع السامعین و یا ابصر المبصرین یا عزالناصرین و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین صل علی محمد و آل محمد و اوسع لی فی رزقی و مُذَلِّی فی عمری و امنن علیّ برحمتک واجعلنی ممّن تنتصر به لدینک و لا تستبدل بی غیری.

### تعلیم دعای حضرت مهدی علیه السلام برای نجات از گرفتاری

در کتاب بحارالانوار (جلد ۵۳ صفحه ۲۲۵) آمده است: از کلم طیب، امیراسمعیل حائری انصاری (سنه ۱۰۷۳) بیان شده که او از حاج شیخ علی مکی شنیده بودند که ایشان نقل نموده: که ایشان می گفتند من به سختی و تنگدستی و گرفتاری مبتلا شدم بطوری که مرتباً از خودم می ترسیدم دعای نوشته شده ای

را در جیبم پیدا کردم بدون اینکه کسی آن را به من بدهد تعجب کردم و متحیر بودم تا اینکه یک شخص زاهد و صالح را در خواب دیدم او به من گفت آن دُعا را من به تو دادم آن را بخوان از تنگی در امورات مالی و سختی نجات پیدا می‌کنی و برای من بیان کرد که کیست این واقعه به تعجب من افزود، بار دیگر در خواب حضرت حجت علیه السلام را دیدم به من فرمودند: بخوان آن دعایی را که به تو دادم و به هر که خواستی یاد بده.

حاج شیخ علی مکی می‌گوید: چند مرتبه این دعا را خواندم و فرج و گشایشی حاصل شد. بعد از مدتی دعا مفقود شد و من از فقدان آن تأسف می‌خوردم که چرا این دعای مهم گم شد شخصی به نزد من آمد و گفت: این دعا در فلان مکان افتاده فوراً آنجا رفتم و دعا را برداشتم و برای خدا سجده شکر به جا آوردم دعا این است:

بسم الله الرحمن الرحيم رب اسألك مدداً روحانياً تقوى به قوى الكلية والجزئية حتى اقهر عبادى نفسى كل نفس قاهره فتقبض لى اشاره رقائتها انقباضاً تسقط به قواها حتى لا يبتى فى لاكون ذوروح الا ونار قهرى قد احرقت ظهوره ياشديد ياشديد يا ذالبطش الشديد ياقهار أسألك بما اودعته عزرائيل من اسمائك القهرية فانفعلت له النفوس بالقهران تودعنى هذا السرفى هذه الساعه حتى اليك به كلى صعب واذلل به كل منيع بقوتك يا ذا القوة المتين.

این دعا را هنگام سحر و صبح و مسا (اول شب) سه مرتبه بخوان، و کسی که می‌خواند کارش به سختی نرسد بعد از خواندن دعا، سی مرتبه بگو:

يارحمن يارحيم يا ارحم الراحمين اسألك اللطف بما جرت به المقادير

در کتاب بحار (جلد ۵۳ صفحه ۲۲۷) و همچنین شیخ کفعمی در کتاب

بلدالامين درباره حضرت مهدی عليه السلام نقل می‌کند هر کس این دعا را در ظرف نو

با تربت حضرت امام حسین علیه السلام بنویسد و بعد آن را شسته و بخورد از آن مریضی شفا پیدا می‌کند.

(البته با پاکی نیت و اعتقاد و ایمان کامل)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ لِحَمْدِ اللَّهِ شِفَاءٌ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَفَاءٌ هُوَ الشَّافِي شِفَاءٌ وَهُوَ الْكَافِي كَفَاءٌ أَذْهَبَ الْبَاسَ بِرَبِّ النَّاسِ شِفَاءٌ لَا يَغَا دَرَهُ سَقَمٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ التَّجْبَاءُ

(این دعا را شخصی که در حائر حسینی در کربلاء مجاور بود در خواب از حضرت امام عصر مهدی علیه السلام فراگرفت این شخص مرضی داشت به حضرت قائم علیه السلام شکایت کرد حضرت فرمودند این دعا را در ظرف پاکی با گلاب یا زعفران بنویسد و بشوید و بیاشامد (بطریقی که ذکر شد) آن شخص این عمل را انجام داد و در همان ساعت صحت پیدا کرد).

(توضیح اینکه: پاکی دل و اعتقاد کامل به ولایت و امامت بسیار مؤثر در گرفتن حاجت است.)

### دیدارهای مکرر علامه بحرالعلوم با حضرت مهدی علیه السلام

در کتاب بحار الانوار (جلد ۵۳ صفحه ۲۳۶) به نقل از ملا زین العابدین سلماسی است که می‌گوید در مجلسی در حضور علامه بحرالعلوم علیه السلام بودیم شخصی از وی سؤال کرد آیا در غیبت کبری رویت و دیدار طلعت حضرت مهدی علیه السلام امکان دارد علامه بحرالعلوم علیه السلام که قلیانی در دست داشت و سرش را پایین انداخته بود آهسته آهسته با خود زمزمه می‌کرد و من می‌شنیدم:

(چه بگویم در جواب این شخص؟ در حالی که حضرت مهدی علیه السلام مرا به سینه خود چسبانیده و از طرفی در اخبار وارد شده کسی که در ایام غیبت ادعای

روایت کند او را تکذیب کنید و این کلام را علامه تکرار می‌کرد مگر خواص.  
سپس در جواب سائل گفت: در اخبار ائمه معصومین علیهم‌السلام وارد شده که مدعی  
روایت حضرت حجت عاشق‌الکمال را تکذیب کنید. (مگر بعضی از خواص) جناب علامه  
این جمله را به آن شخص نگفت و در جواب به همین اکتفا کرد.

### دیدار علامه بحرالعلوم در حرم عسکریین علیهم‌السلام در شهر سامرا:

در همان کتاب ملازمین العابدین سلماسی می‌گوید: روزی در حرم  
عسکریین علیهم‌السلام با جناب سید بحرالعلوم نماز می‌خواندیم وقتی که می‌خواست از  
تشهد رکعت دوم برای رکعت سوم برخیزد مدت کوتاهی حالت وقفه و مکث به او  
عارض شد بعد قیام کرد، همه ما از این امر تعجب کردیم و درک نکردیم علت  
این کار چه بود و هیچ یک از ما جرأت نکردیم از او سؤال کنیم تا وقتی به منزل  
آمدیم و سفره غذا آماده شد، یکی از بزرگان به من اشاره کرد که از ایشان بپرسم،  
گفتم تو از من نزدیک‌تر هستی، یک مرتبه علامه بحرالعلوم متوجه من شد  
فرمود درباره چه موضوعی سخن می‌گویید من که از همه خودمانی‌تر بودم  
عرض کردم اینها می‌خواهند آنچه در نماز برای شما پیش آمد، روشن شود سید  
فرمود: حضرت حجت عاشق‌الکمال برای سلام نمودن به پدر و جد مبارکشان علیهم‌السلام داخل  
روضه مقدس حرم مطهر شدند من از دیدن جمال انورشان به آن حال افتادم تا  
زمانی که از حرم مطهر خارج شدند و من محو تماشای ایشان بودم  
(حضرت مهدی عاشق‌الکمال زیاد به حرم عسکریین علیهم‌السلام مشرف می‌شوند).

دیدار حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشريف در مسجد سهله

مسجد سهله در شمال شرق نجف اشرف نزدیک به مسجد کوفه است که در آنجا مقام حضرت صاحب الزمان عجله الله تعالی فرجه الشريف نیز می باشد (آن مکان اعمال خاصی دارد که در کتاب مفاتیح الجنان کاملاً توضیح داده شده است) در کتاب بحار الانوار (جلد ۵۳ صفحه ۲۴۵) مرحوم شیخ باقر کاظمی نقل نموده است مؤمنی در نجف اشرف در کمال تقوا و تدین زندگی می کرد او پدر پیری داشت که از هیچ خدمتی در حق پدرش کوتاهی نمی نمود بطوری که آفتابه برای تطهیر تا بیت الخلا می برد و در پشت بیت الخلا منتظر می ایستاد تا پدرش بیرون بیاید و هیچگاه از او جدا نمی شد و در خدمت گذاری او آماده بود، فقط شبهای چهارشنبه به منظور عبادت به مسجد سهله مشرف می شد که بعد از رفتن به مسجد، آنجا را ترک کرد و برنگشت علت ترک مسجد را پرسیدم، گفت: چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله رفتم وقتی مرتبه چهارم شد نزدیک مغرب ممکن نشد خارج شوم تنها راه افتادم تا شب شد آسمان مهتابی بود مقداری از راه را رفته و ثلث راه مانده بود یک مرد عرب را دیدم که سوار اسبی به طرف من می آمد با خود گفتم که این مرد اکنون مرا لخت می کند وقتی به من رسید با زبان عربهای بیابانی از مقصد من سؤال کرد گفتم از مسجد سهله می آیم گفت: خوراکی همراه داری گفتم: نه، گفت: دستت را داخل جیبت کن، گفتم: چیزی در جیبم نیست دوباره سخن خود را تکرار کرد تا اینکه دستم را داخل جیبم کردم مقداری مویز پیدا کردم که آن را برای کودک خود خریده بودم و یادم رفته و در جیبم مانده بود. سپس ایشان رو به من کردند و سه مرتبه گفت (اوصیک بالعود)، عود در زبان بدویهای محلی پدر پیر را می گویند، تو را توصیه می کنم به پدر پیرت، پس از نظرم غایب شد فهمیدم که او امام عصر حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشريف است که راضی نیست من از پدرم جدا شوم حتی در شب چهارشنبه که من



بلافاصله به منزل برای رسیدگی به پدر رفتم. و متوجه شدم او در آن حال بمن احتیاج مبرم داشت و کاملاً منتظرم بود که با رفتن من به خانه بسیار خوشحال شد.

### حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف در حال زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نجف اشرف

در همان کتاب سیدبن طاووس از جمال الاسبوع نقل می‌کند<sup>۱</sup> روز یکشنبه که روز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است حضرت صاحب الزمان عجله الله تعالی فرجه الشریف را در بیداری دید، که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را با این کلمات زیارت می‌کند.

بسم الله الرحمن الرحيم السلام على الشجرة النبوية والدوحة الهاشمية  
المضيئة المثمرة بالنلوة المونعة بالاماعة السلام عليك وعلى ضجيعك آدم ونوح  
السلام عليك وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين السلام عليك وعلى الملائكة  
المحدين بك والحقين بقبرك يامولاي يا اميرالمؤمنين هذا يوم الاحد وهو يومك  
وباسمك وانا ضيفك فيه وجارك فاضفى يامولاي واجرنى فانك كريم تحب  
الضيافة ومامل بالاجابة فافعل مارغبت اليك فيه ورجوته منك بمنزلك  
وآل بيتك وآل بيتك عندالله ومنزله عندكم وبحق ابن عمك رسول الله صلى الله عليه وآله و  
عليكم اجمعين.

#### تلاوت قرآن توسط حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف

در همان کتاب<sup>۲</sup> میرزا حسین لاهیجی از ملا زین العابدین سلماسی نقل می‌کند: روزی سید جلیل القدر علامه بحرالعلوم وارد حرم حضرت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام شد و این مصرع را زمزمه می‌کرد:

۲. در همان کتاب بحارالانوار جلد ۵۳ صفحه ۳۰۲

۱. همان کتاب (بحارالانوار) ج ۵۳ ص ۲۷۱

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن  
 ملا زین العابدین سلماسی علت خواندن این مصرع را پرسید سید بحرالعلوم  
 فرمود: وقتی که وارد حرم مطهر شدم دیدم حضرت حجت علیه السلام در بالای سر  
 حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نشسته‌اند و با صدای بلند قرآن می‌خواندند همین  
 که صدای مبارکشان را شنیدم این بیت را خواندم و داخل حرم مطهر شدم  
 حضرت از قرائت قرآن فارغ شدند و از حرم منور به بیرون و رواق مطهر تشریف  
 بردند.

\*\*\*\*\*

«مناجات: خدا شناسی»

ای تو بر شاهان عالم پادشاه	ای خدا، ای بی پناهان را پناه
هم دوی درد بی درمان تویی	هم خداوند، خداوندان تویی
ای خدا هم اول و آخر تویی	من چه گویم باطن و ظاهر تویی
در ثنایت آنچه جویم آن نه‌ای	ای خدا من چه گویم آن نه‌ای
ای تو روزی بخش هر جنبه‌ای	ای تو عذر آموز هر شرمنده‌ای
لیک از من آنچه آمد کرده ام	ای خدا، دانم که من بد کرده ام
من ندارم لیک غیر از تو کسی	همچو من داری خداوند بسی
گو نباشد رحمت و لطف تو بس	گر من بی کس ندارم هیچ کس
هم پناه و هم گریز من تویی	گر فتادم، دستگیر من تویی
چون روم نومید یا رب از برت	برامیدی آمدستم بر درت
از من آید ذلت و از تو عطا	گرچه کردم من بسی جرم و خطا
ستر کردی بر من ای ستار من	پرده پوشیدی بروی کار من
دل اسیر مهربانیهای تو	من به قربان خدائیهای تو
آمدم بر درگهت امیدوار	ای خدا، با این گناه بیشمار

### رؤیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منزل ملا عبدالرحیم اسدی دماوندی

مرحوم حاج آقا رضا همدانی<sup>۱</sup> در کتاب مصباح می گوید گاهی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف خود را برای خواص شیعه ظاهر می کنند.

آن طوری که نقل شده حدود پنجاه سال قبل که برای یکی از علماء متقی به نام ملا عبدالرحیم اسدی دماوندی اتفاق افتاد، می گوید: در منزل خود در یک شب تاریک که چشمها چیزی را نمی دید حضرت را دیدم در حالی که به طرف قبله ایستاده و نور از صورت مبارکش ساطع بود به طوری که با نور ایشان من نقشه های فرش را می توانستم بینم. و نور حضرت تمام آن فضا را نورانی کرده بود و من محو جمالشان شده بودم.

محدث قمی در منتهی الامال (در صفحه ۳۱۹) از اثبات الهداة شیخ محدث حر عاملی (ره) نقل می کند: من در ده سالگی به مرض سختی مبتلا شدم به طوری که اقوام و خویشان در اطرافم جمع شده و یقین کردند که من خواهم مرد و آماده عزاداری شده بودند در آن شب حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله را با دوازده امام علیهم السلام بین خواب و بیداری دیدم به ایشان سلام کرده و با یک یک آنان مصافحه کردم، میان من و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سخنی گذشت که در خاطر منمانند این قدر می دانم که آن حضرت در حق من دعا فرمودند آنگاه به حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف سلام و مصافحه کردم و گریستم گفتم ای مولای من می ترسم از این مرض بمیرم و مقصود خود را از علم و عمل بدست نیآورم فرمودند نترس تو از این مرض نخواهی مرد خداوند تو را شفا داده و عمر طولانی خواهی کرد، آنگاه قدحی که در دست مبارکشان بود به من مرحمت فرمودند مقداری از آن آشامیدم و در همان حال عافیت پیدا کردم. (الحمد لله رب

العالمین) و نشستم اقوام و خویشانم که بالای سرم بودند تعجب کردند و من بعد از چند روز که بهبودی کامل یافته جریان را برایشان تعریف نمودم.

کشف این راز بایدهش روح الامین      بکنندش در مجلس عرش برین  
زانکه این راز لایق این خلق نیست      این ره عشق است ره حمام نیست

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بَاذَنهُ وَ سَرَاجًا مُنِيرًا

سوره احزاب آیه ۴۶

و ما تو را دعوت کننده به سوی خدابه اذن و فرمان او قرار دادیم و چراغی

نوربخش

خَلَقَكُمْ اللَّهُ انْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْرَشَهُ مُحَدِّقِينَ

خداوند شما را نورهایی آفرید که گرد عرش او حلقه زده بودید.

از زیارت جامعه کبیره

در توضیح می توان گفت که نور وسیله یقین اجسام و مشاهده موجودات

مختلف این جهان است و بدون آن چیزی را نمی توان دید و شناخت ائمه علیهم السلام

فقط با انوار خود آنان میسر است.

### شفای همسر آقای متقی همدانی به دست حضرت مهدی علیه السلام

از عالم ربانی شیخ محمد متقی همدانی که در صلاح و سداد و تقوی مشهور

بوده نقل نموده اند که همسر ایشان دچار سکتة ناقص شده بود و پزشکان از

معالجه اش مأیوس شدند تا اینکه در شب جمعه ای آقای متقی متوسل به

حضرت مهدی علیه السلام می شود و نیمه های شب همسر ایشان در اطاق خود در قم

بوسیله آن حضرت شفا می یابند.

### دستور ساخت بنای مسجد جمکران به دستور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشريف

در کتاب جنته الماواى محدث نوری (حکایت هشتم) از محمدبن بابویه قمی نقل می‌کند:

شیخ حسن بن مثله جمکرانی بیان داشته که شب سه‌شنبه ۱۷ ماه رمضان ۳۹۳ هجری قمری (۱۰۲۹ سال قبل) در منزل خود خوابیده بودم در خواب دیدم که نصف شب جماعتی در خانه اجتماع کرده و مرا می‌خوانند و بمن می‌گویند برخیز و امام زمانت را اجابت کن که تو را فراخوانده است وقتی به در خانه رفتم جمعی از بزرگان را دیدم آنها مرا همراه خود به محلی که اکنون مسجد جمکران است بردند در آنجا تختی دیدم که روی آن فرشها و تشکهای زیبا پهن شده و جوانی نورانی به آن تکیه داده و پیرمردی که کتاب می‌خواند در کنارش ایستاده و بیش از شصت نفر سفید و سبز پوش در اطراف او نماز می‌خوانند پس آن پیرمرد (حضرت خضر علیه السلام) دستور دادند تا بنشینم، حضرت مهدی امام عصر علیه السلام مرا به اسم صدا زدند و فرمودند: نزد حسن بن مسلم برو، به او بگو: تو این زمین را چند سال است، آباد می‌کنی و کشت و کار می‌کنی و از جانب ما رضایتی نیست همانا دیگر اجازه کارکردن به روی این زمین را نداری و باید آنچه از غلات این زمین سود برده‌ای سهم خود را برداری و مابقی باز گردانی تا در اینجا مسجدی بنا شود. این زمین شریفی است که تو آن را به زمین‌های خود افزوده‌ای که خداوند با مرگ دو جوانت جزای تو را داد و خود می‌دانی که مال تو نیست.

عرض کردم: اگر علامتی نباشد از من قبول نمی‌کنند فرمودند: علامتی در اینجا می‌گذاریم، تو برو پیام ما را برسان (نزد سیدابوالحسن) تا در اینجا مسجدی بنا کنند و کسری آن را با غله ملک مارهق اردهال تکمیل کنند ما نصف آن ملک را برای مسجد وقف کردیم تا غله آن را هر ساله برای بنا و آبادی این مسجد

مصرف شود.

و به مردم بگو: به این مکان رغبت کنند و آن را بزرگ بشمارند و دو رکعت نماز تحیت در اینجا بخوانند (در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و هفت مرتبه سوره قل هو الله احد و ذکر رکوع و سجود را هفت مرتبه بخوانند و دو رکعت نماز حضرت صاحب الزمان علیه السلام به این ترتیب که سوره حمد را تا ایاک نعبد و ایاک نستعین بخوانند و این آیه را صد مرتبه تکرار کنند سپس حمد را به آخر برسانند و ذکر رکوع و سجود را هفت مرتبه بخوانند رکعت دوم نیز به همین کیفیت انجام شود) و بعد از سلام تهلیل یک مرتبه (لا اله الا الله) و تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را گفته به سجده بروند و صد مرتبه صلوات بر پیامبر و آلش بفرستند آنگاه امام علیه السلام فرمود هر کس این نماز را بخواند همانند کسی است که در بیت الله عتیق «خانه کعبه» نماز خوانده باشد، انشاءالله و خداوند او را حاجت روا فرماید. وقتی که به طرف منزل برگشتم بار دیگر مرا خواندند و فرمودند: در گله جعفر کاشانی چوپان بزی است پرمو و ابلق آن را بخر و در شب آینده به اینجا بیاور و ذبح کن و در روز چهارشنبه ۱۸ ماه رمضان گوشت آن را به بیماران و کسانی که علیل و بیمار سخت هستند بده تا خداوند همه آنها را شفا عنایت فرماید.

وقتی به طرف ده برگشتم بار سوم مراخواستند و فرمودند: هفت یا هفتاد روز در اینجا بمان اگر هفت روز ماندی به لیلۃ القدر می‌رسی (بیست و سوم ماه رمضان) و اگر هفتاد روز ماندی با بیست و پنجم ذی القعدة مطابق است که هر دو روز مبارک است. حسن بن مثله می‌گوید آن شب را تا صبح در فکر بودم صبح بعد از نماز با علی بن منذر به آن مکان رفتم یکی از علامتها زنجیرها و میخ‌هایی که در خواب دیدم بود سپس به خانه سید ابوالحسن الرضا رفتیم خدام و اطرافیانش گفتند سید ابوالحسن از سحر منتظر تو است داخل منزل شدم و سلام

کردم او هم جواب گرمی داد و مرا احترام کرد و قبل از سخن من گفت: دیشب شخصی را در خواب دیدم که به من فرمود مردی از جمکران که نامش حسن بن مثله است صبحگاه نزد تو می‌آید هر چه او خواست تصدیق و به قول او اعتماد کن زیرا کلام او کلام من است از خواب بیدار شدم و تا حال منتظر تو بودم؛ سپس سید ابوالحسن دستور داد تا اسبها را زین کنند آنگاه بیرون آمده سوار شدند و هنگامی که نزدیک جمکران رسیدند جعفر چوپان را دیدند که گله‌ای در کنار جاده همراهش بود حسن بن مثله داخل گله شد و آن بز که عقب گله بود دوان دوان به طرف او آمد حسن او را گرفت، و وقتی خواست قیمت آن را به چوپان بدهد و آن را همراه خود بیاورد جعفر چوپان گفت که به خدا قسم هرگز این بز را در گله‌ام ندیده بودم از وقتی که او را دیدم هر چه خواستم او را بگیرم ممکن نمی‌شد اکنون خود نیز نزد شما آمد بهر حال بز را همانطور که حضرت دستور فرموده بودند به آن مکان آوردند و ذبح کردند سید ابوالحسن الرضا به آن مکان و موضع آمد و حسن مسلم را احضار کرد و غلات را از او پس گرفت و با چوب‌های غلات اردهال سقف مسجد را پوشانیدند سپس سید ابوالحسن آن میخ‌ها و زنجیرها را برده و در خانه‌اش امانت گذاشت. مریض‌ها و معلولین می‌آمدند و اعضای خود را به آنها متبرک می‌کردند، و خداوند آنان را فوراً شفا می‌داد و صحت می‌یافتند.

ابوالحسن محمد بن حیدر می‌گوید: به طریق استغاثه از ابوالحسن الرضا که در محله موسویان قم بود این داستان را شنیدم، بعد از وفات سید ابوالحسن فرزندش مریض شد صندوقی را که آن زنجیرها و میخ‌ها در آن بود باز کرد ولی آنها را نیافت.

### حضرت مهدی علیه السلام در مسجد «جمکران»

مرد متدینی از یزد خوابی در مسجد جمکران دید و نقل کرد من چهل شب چهارشنبه از یزد به شهر قم مشرف شده و به مسجد جمکران می‌آمدم تا اینکه شب/چهارشنبه آخر خسته بودم. با خود گفتم ساعتی از اول شب بخوابم سحر برخیزم و عبادت نموده و نماز حضرت صاحب الزمان علیه السلام را بخوانم. در صحن حیاط که هوا گرم بود خوابیده بودم ناگهان آقا را دیدم ولی نتوانستم جلو بروم پرسیدم آقا برای همیشه آمده‌اید؟ حضرت بلند فرمودند: نه، برو و به مردم بگو دعا برای فرج کنند تا خداوند فرجم را نزدیک فرماید.

### کیفیت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان<sup>۱</sup>

هر گاه وقت خروج حضرت برسد به فرمان خداوند تبارک و تعالی ندا می‌رسد. که ای وای برخیز و دشمنان خدا را از بین ببر و ابتدای ظهور آن نور پاک ندای آسمانی در روز بیست و سوم ماه رمضان می‌باشد که به سوی مکه حرکت می‌فرماید.

چنانچه در کتاب اصول کافی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است: چون سفیانی و یمانی و سید حسنی خروج کنند صاحب این امر با میراث پیغمبر صلی الله علیه و آله که شمشیر، زره، برد و عمامه و قضیب است از مدینه به سوی مکه حرکت کند و در کوه ذی طوی که مجاور و متصل به مکه است ساکن شوند و تا وقتی که اجازه خروج از جانب خداوند متعال به او داده شود در مکه بماند و با مردم به طور ناشناس رفت و آمد کرده و خود را به کسی معرفی نکند و اظهار دعوت نفرماید تا اینکه یاران ایشان از ندای آسمانی جمع شوند در آن ایام عده

۱. کیفیت ظهور حضرت در کتب بحار و اصول کافی و کتب معتبر دیگر آمده است.



ای برای مراسم حج و گروهی به جهت فرار از سفیانی و... به مکه هجوم آورده اند و حضرت در ماه ذی الحجه خود را به مؤمنین معرفی می‌فرمایند و بعد از حج و قبل از قیام از آنها بیعت می‌گیرند (بعضی از انصار آن حضرت را قبلاً ذکر نموده‌ایم).

ابتدای ظهور ده هزار نفر دور آن حضرت جمع می‌شوند که بیشتر آنها جوان هستند و چند پیامبر مانند حضرت خضر و موسی و عیسی علیهم‌السلام نیز همراه حضرت هستند.

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: وقتی که قائم علیه‌السلام ظهور نماید مؤمنین ناگهان نزد صاحب خود در یک شب بدون وعده قبلی حاضر می‌شوند و در مکه صبح می‌کنند و بر شمشیر هر یک از آنها اسم و نسبشان نوشته شده است و کلمه‌ای بر آن نوشته شده که هزار کلمه از او گشوده می‌شود. و تکلیف همه در آن روز متابعت و کمک به حضرت می‌باشد و همه باید از اصحاب و یاران و شیعیان آن حضرت شوند و الا از کفار خواهند بود.

حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام فرمودند: گویا اصحاب قائم را می‌بینم که مابین مشرق و مغرب را احاطه کرده‌اند و همه چیز حتی درندگان زمین و درندگان و پرنده‌های آسمان مطیع آنها می‌شوند و زمین بر زمین دیگر فخر می‌کند که امروز مردی از اصحاب قائم علیه‌السلام از روی من عبور نمود.

### قیام برای بیعت با حضرت مهدی صاحب العصر و الزمان علیه‌السلام

حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام شب قبل از قیام، یاران خود را فرامی‌خواند و چون صبح شود قبل از طلوع آفتاب در مسجد الحرام جمع می‌شوند و آنگاه بر

۱. مکتوب در کتاب بحار الانوار و ندای ظهور قائم (عج)

منبر بالا روند و مردم را به دین خود دعوت می‌کند و جبرئیل نازل شده و می‌گوید من اول کسی هستم که با شما بیعت می‌کنم پس جبرئیل دست او را ببوسد و دست خود را بدست او بمالد بعد ملائکه و جن سپس سیصد و سیزده نفر از یاران با ایشان بیعت می‌کنند و جبرئیل ندا می‌کند:

(اتی امرالله فلا تستعجلوه)

آنگاه در پیش روی حضرت ما بین رکن و مقام ایستد و بگوید:  
(البیعة لله)

وقتی که آفتاب بلند می‌شود صیحه آسمانی از چشمه خورشید به زبان عربی بلند می‌شود که همه اهل آسمان و زمین بشنوند، ندا می‌کند:

(این مهدی آل محمد علیهم السلام است)

او را بیعت کنید تا هدایت یابید و با او مخالفت نکنید که گمراه خواهید شد پس ملائکه و جن و نقباء می‌گویند  
(سمعنا و اطعنا)

ندای شیطانی نزدیک غروب از طرف مغرب بلند می‌شود که ای مردم، پروردگار شما عثمان بن عنبسه اموی را در وادی یابس از زمین فلسطین ظاهر می‌کند او را بیعت کرده تا هدایت پیدا کنید و مخالفت نکنید که گمراه خواهید شد. آنان که اهل شک و خیال و نفاق و کفر باشند به این ندا توجه نمی‌کنند چون بیعت حضرت تمام شد پس از آن اصحاب خود را به قیام و خروج اصرار و دعوت می‌کنند حضرت، نفس زکیه را برای دعوت به مکه می‌فرستد که او را در محل رکن یمانی به قتل می‌رسانند پس از قتل نفس زکیه برای زیارت به سوی مدینه مشرف شده و آنجا وزیر خود منصور یا منتصر را می‌بیند و با آمدن لشکر سفیانی به سوی مکه مراجعت می‌فرماید.  
(نقل از کتاب احوال الحجه)

### خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از مکه به سوی مدینه منوره

وقتی که امام علیه السلام با یاران خود بیعت نمودند منتظر تکمیل اصحاب می‌شوند و ده هزار و سیصد و سیزده نفر با حضرت می‌گروند که با میراث‌های رسول الله صلی الله علیه و آله و حجر موسی علیه السلام حرکت می‌کند هر کجا نزول می‌کند چشمه‌ها از آن زمین ظاهر می‌شود و هر گرسنه و تشنه که از آن بخورد سیراب می‌گردد و به همین جمعیت کم بلاد مشرق و مغرب را فتح می‌فرماید.

در طول راه مردم را به کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و امامت و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام دعوت می‌فرماید و همگان را به اسلام و برائت از دشمنان و دین الهی دعوت می‌کند و به مدینه و کوفه و نجف اشرف مشرف می‌شود.

### ورود و تشریف فرمایی حضرت به کوفه و نجف اشرف

پس از فراغ از کارهای مدینه جانشینی از طرف خودشان در آنجا گذاشته و به سوی عراق حرکت می‌نمایند و در نزدیکی نجف رایت رسول الله صلی الله علیه و آله را به اهتزاز درمی‌آورد در آن هنگام گروه‌های خراسانی، حسنی و یمانی به حضرت می‌پیوندند، و دسته دسته به جمعیت حضرت اضافه شده و از اصحاب ایشان می‌شوند و در خدمت حضرت آماده برای اطاعت از هر گونه دستور ایشان می‌گردند و آغاز (حکومت الله) در کل جهان شروع می‌گردد.

### برنامه حضرت در مسجد سهله و مسجد کوفه

روایت است که مسجد سهله اقامتگاه و منزل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌شود بعد از ورود و دعا در مسجد سهله به مسجد کوفه مشرف می‌شوند و خطبه می‌خوانند لکن مردم از شادی و گریه متوجه نمی‌شوند که ایشان چه می‌فرمایند.

ایشان مسجد کوفه را محل حکم و مسجد سهله را محل بیت المال و غنائم مسلمین و خلوتگاه خود را نجف اشرف معلوم می نمایند.

در عظمت مسجد سهله در کتب مختلف اینطور نقل شده است که هیچ پیامبری به پیامبری مبعوث نشد مگر که در این مسجد شریف نماز گذارد و بیتوته فرموده باشد.

نقل از کتاب تحفة المهدیه  
فی احوال الحجه عَلَيْهِ السَّلَامُ  
رَبِّ الشَّرِيفِ

### فتح سایر ممالک و بلاد

پس از آنکه کوفه را امن و منزلگاه خود قرار دادند به مراکز و شهرهای دیگر می پردازند در ابتدا به سوی سفیانی می روند و پس از اتمام حجت او را از بین برده و شامات را متصرف می شوند.

پس از خاتمه جنگ با سفیانی، سه پرچم ترتیب داده یکی را به قسطنطنیه، دیگری را به چین و سومی را به دیلم می فرستند و به هر سه مکان رسیده و فاتح می شوند سپس به بلاد دیگر مانند مصر و بصره و اطراف و سایر بلاد می پردازند و در مدت بسیار کمی تمامی کشورها خصوصاً بلاد اسلامی به تصرف حضرت درمی آیند و در تمامی ارض بیرق (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) نصب می شود و هر جماعتی که با حضرت مقابله کند از میان برود و لشکرهای مختلف از هر جای جهان که با ایشان مخالفت کنند یکی پس از دیگری سرکوب می شوند و با امداد الهی (حکومت مطلقه الهیه مهدویه) در تمام زمین با عدل و ثبات تحقق پیدا می کند.<sup>۱</sup>

۱. نقل از کتاب مهدی موعود (عج) و کتاب اخبار الحجه (عج)

تمامی کفار و شیاطین داخلی و خارجی سر جای خود نشسته و منکوب می‌شوند و همه جا یکدست تابع بیرق و حکومت الهی و اسلامی و علوی می‌شوند.

دیگر هیچ جنگی و هیچ فقری و هیچ ظلمی در هیچ نقطه‌ای از جهان نخواهد بود و همه جا با صلح و صفا و وفا و تدین و تقوا همگان زندگی پر برکت و پر رحمت با مبنای عدالت جهانی زندگی خواهند کرد.

### جوابیه علمای اهل سنت درباره قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ

در نشریه رابط عالم اسلامی چاپ مکه مکرمه در سال ۱۴۱۶ هجری قمری گزارشی در مورد سؤال‌های مختلف از کشورهای اسلامی در مورد کنیا «افریقا» داشت که کسی به نام ابو محمد سؤال نموده بود درباره ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ که دبیر کل رابطه عالم اسلامی (مکه معظمه) «شیخ محمد صالح القزاز» اینطور پاسخ داده بود. ضمن تصریح به این که (ابن تمیه) مؤسس مذهب وهابیان احادیث مربوط به ظهور حضرت (مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ) را پذیرفته بوده و چنین بیان شده است که متن رساله ای که پنج تن از علمای معروف فعلی حجاز در این زمینه تهیه نموده اند و برای نامبرده ارسال داشته اند و در این رساله ها پس از ذکر نام حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ محل ظهورشان (یعنی مکه معظمه) بیان نموده و تصریح شده که به هنگام ظهور، فساد در جهان و انتشار ظلم کفر و ستم را خداوند عالم به وسیله او برکنند و (حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ) زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد. او آخرین خلیفه دوازده گانه از اولاد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که خبر او در کتابهای صحاح اهل سنت هم موجود است و سپس این‌گونه بیان داشته که و اما احادیث مربوط به حضرت

مهدی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را بسیاری از صحابه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) نقل نموده‌اند از جمله علی ابن ابی طالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عثمان ابن عفان، طلحه ابن عبیدالله، عبدالرحمن ابن عوف، قره ابن اساس مزنی، عبدالله ابن حارث، ابوهریره، خذیفه ابن یمان، جابر ابن عبدالله ابوامامه، جابر ابن ماجد، عبدالله ابن عمر، انس ابن مالک، عمران ابن حصین، و ام سلمه و دیگران هم در این باره نقل نموده‌اند.

### اشعاری درباره حضرت مهدی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

فیض روح قدسی باز طبع مرده را جان داد  
 عندلیب نطقم را دستگاه دستان داد  
 بلبل غزلخوان را جان در گلستان داد  
 طوطی شکر خاره بشکرستان داد  
 کام تشنه ما را خضر آب حیات داد  
 صورتی نمایان شد از نور وجودش  
 طلعتی بسی زیبا قامتی بسی رعنا  
 فرق فرقدان سایش زیب تاج کرمانا  
 رانده ز صرف همت تا مقام او ادنی  
 بزم لی مع الله را رونقی به پایان داد  
 آنکه نسخ داتش دفتر کمالاتست  
 مصحف کمالاتش محکمت آیاتست  
 اولین مقاماتش منتهی النهایاتست  
 طور نور و میثاقش پرتوی از آن ذاتست  
 جلوه دلارایش جان گرفت و جانان داد  
 بزم غیبت مکنون را اوست شاهد و مشهود

ذاکت حق بی چون را اوست فیض نامحدود  
 عاشقان مفتون را اوست غایت مقصود  
 دوستان دلخون را اوست مهدی موعود  
 در قلوب مشتاقان نام نامیش جان داد  
 ای زمساح تا ماهی بندگان فرمانت  
 مسند شهنشاهی لایق غلامانت  
 بزم لی مع الاهی خلوتیست شایانت  
 جلوه‌ای بکن گاهی تا شوم بقربانت  
 جان ز کف توان دادن لیک یار نتوان داد  
 ای حجاب ربانی تا بچند پنهانی  
 ای تو یوسف ثانی تابکی بزندان  
 شد محیط امکائی همچو شام ظلمانی  
 جلوه کن باسانی هم چو صبح نورانی  
 بیش از این نشاید تن زیر بار هجرانی

از غزلیات مرحوم آیت الله غروی کمپانی اصفهانی (رحمة الله علیه)

ای شمع جهان افروز بیا	وی شاهد عالم سوز بیا
من مفتخر رنجور توأم	تا جان به لب است هنوز بیا
ای خاک درت جام جم ما	آیا خبرت هست ز غم ما
با ساز غمت دمساز شدیم	ای راز و نیاز تو محرم ما
ای مرحم سینه خسته ما	وی مونس قلب شکسته ما
کی حلقه شود در گردن یار	این دست بگردن بسته ما
در عشق تو شهره آفاقم	دیوانه حلقه عشاقم

راهی بکارم اخلاقم  
 سودای تو کبابم کرد  
 از شاه خویش بخوابم کرد  
 وز چاه بذوره جاه مرا  
 نگرفت دمی به پناه مرا  
 پس دعوی صدق و صفا نکند  
 رنجور تو فکر دوانکند  
 بیمی از فقر و فنا نکند  
 سهل است ولی خدا نکند  
 شایسته هیچ بهان بود  
 جز جلوه یار دوا نبود  
 از لؤلؤ تر چه کمی دارد  
 دیگر بجهان چه غمی دارد  
 روزی چو شبان سیه دارد  
 کو جانب عشق نگه دارد  
 عمریست که چشم بره دارد  
 گر لطف کنی چه گنه دارد  
 با این دل سوخته ما کرد  
 جان رابا جانان سودا کرد  
 پایر سرعرش معلا زد  
 دم از سر دنی فتدلی زد  
 آتش در بنده و مولا زد  
 در وادی صام و صلی زد

از خلق کریم تو می طلبم  
 صهبای خم تو خرابم کرد  
 مخموری نرگس بیدارت  
 مهر تو رسانده بماه مرا  
 عمری بدرش بردیم پناه  
 هر کس که بعهد وفا نکند  
 عشق تو قرین بسی رنجست  
 دل جز کوی تو هوا نکند  
 تلخی ز تو ای شیرین جهان  
 آن دل که بیاد شما نبود  
 درد دل عاشق بی نوا  
 چشمی که زعشق نمی دارد  
 هر کس که غم تو بسینه گرفت  
 آن سینه که مهر تو مه دارد  
 قربان وفای دلی گردهم  
 آن کس که بمثل توشه دارد  
 هر چند که بنده گنه کارم  
 یار آنچه بسینه سینا کرد  
 آن سود که مفتخر از تو نمود  
 هر کس بتو دست تولا زد  
 تا با تو دلم همدم شده ام  
 برق توز طور تجلی زد  
 بی عشق تو گمره هر که قدم



رسوای زمانه زبانم کرد  
 گیرم که زبان بندم از عشق  
 آن کیست که بسته بند تو نیست  
 کونه نظیرم و مدیحه ما  
 هر جا که سوی تو می بینم  
 دریای محیط دوگیتی را  
 تا گوهر عشق اندوخته ام  
 از دفتر عشق تو روز نخست  
 از یار نیاز ندیده کسی  
 گویند بسوز بسازد ولی  
 تنها نه منم به کمند هوی  
 رنجور ترا بهبودی نیست  
 آن سینه که تیرتر اهداف است  
 کور است ز دیدار رخ تو  
 به خدا که زغیر تو بیزارم  
 رنجورم و باز مرنجانم  
 آبروی تو قبله حاجاتم  
 گربنده خویشم گردانی

فاش این همه را زنهانم کرد  
 با اشک روان چه توانم کرد  
 یا آنکه اسیر کمند تو نیست  
 زببنده سرو بلند تو نیست  
 یکجا همه روی تو می بینم  
 یک قطره زجوی تو می بینم  
 چشم از همه عالم دوخته ام  
 دیباچه غم آموخته ام  
 جز عشوه و ناز ندیده کسی  
 این سوز و گداز ندیده کسی  
 من را رکوب العشق هوی  
 اذلیس لداء الحب دوا  
 گنجینه معرفت و شرف است  
 آندیده که باز بهر طرف است  
 وز خویش همیشه در آزارم  
 بیزارم و باز میازارم  
 وی کوی تو طور مناجاتم  
 بیزار کشف کراماتم

(اشعار از کمپانی ره)

مهدی آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

سینه تنگم مجال آن ندارد  
 گوشه چشمی بسوی گوشه نشین کن

جان بهوای لب است و راه ندارد  
 ز آنکه جز این گوشه کس پناه ندارد

گرچه سیه رویم غلام تو هستم      خواجه مگر بنده سیاه ندارد  
از گنه من مگو که زاده آدم      ناخلف استی اگر گناه ندارد  
هر که گدایی ز آستان تو آموخت      دولت اندوختی که شاه ندارد  
مهر تو در هر دلی که کرد تجلی      داد فروغی که مهر وفا ندارد  
(اشعار از مرحوم فروغی ره)

قال المهدی علیه السلام : فلیعمل کل امرء منکم بما یقرب به محبتنا و یتجنب ما یدنیه من کراهتنا و سخطنا.  
باید هر یک از شما آنچه که باعث به محبت و دوستی ما شما را نزدیک می‌کند به جا آورید و از آنچه که به کراهت و خشم ما نزدیک می‌نماید دوری نمائید.

(بحار جلد ۵۲ ص ۱۷۵)

جان بی توبه لب آمد یا مهدی (عج)  
از فراق تو جانم به لب آمد یا مهدی (عج)  
ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی  
جان بی توبه لب آمد وقت است که باز آیی  
دائم گل این بستان شاداب نمی‌ماند  
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی  
دیشب گله زلفش با یاد همی کردم  
گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی

صد باد صبا آنجا با سلسله می رقصند  
 این است حریف ای دل تا باد نه پیمایی  
 مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد  
 کز دست نخواهد شد پایان شکیبایی  
 یارب به که بتوان گفت این نکته که در عالم  
 رخساره به کس ننموده آن شاهد هر جایی  
 ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست  
 شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی  
 از درد توام درمان در بستر ناکامی  
 وی یاد توام مونس در گوشه تنهایی  
 در دایره قسمت ما نقطه پرگاریم  
 لطف آنچه تو اندیشی امر آنچه تو فرمایی  
 فکر خود و رأی خود در عالم رندی نیست  
 کفر است در این مذهب خودبینی و خودرایی  
 زین دایره میناخونین جگرم می ده  
 تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی  
 حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد  
 شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی

السلام عليك ايها القائم المنتظر المهدي عليه السلام

عمری بانتظار وصال نشسته‌ایم

آنی ز درد هجر تو شها نرسته‌ایم نرسته

در پیشگاه قدس تو گر خسته می‌خزد

بر آستان قدس تو سوگند خسته‌ایم خسته

بر مال و جاه بسته اگر دیگران امید

ما جز درت امید به جایی نبسته‌ایم نبسته

گر نیستیم لایق دیدار یک نظری

رحمی بکن که از وفا نرسته‌ایم، نرسته

**حدیثی درباره ۳۱۳ نفر از اصحاب امام عصر علیه السلام از کلام حضرت علی علیه السلام**

اصبغ بن نباته می‌گوید: حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطبه‌ای را خواندند و درباره امامت سخنانی را فرمودند تا رسیدند به آنجا که ظهور حضرت مهدی علیه السلام و از یاران ایشان اوصافی را بیان فرمودند که ایشان از نظر خلق و نیکویی شبیه‌ترین به حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله هستند و حدیثی بیان نمودند از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمودند شنیدم پیامبر یاران حضرت مهدی علیه السلام را اینطور معرفی کردند: «از بصره دو نفر اهواز یک نفر منی یک نفر شوشتر یک نفر دورق یک نفر بروجرد یک نفر عَمان دو نفر از شیراز سه نفر اصفهان چهار نفر مَرَج یک نفر کرخه یک نفر نهاوند یک نفر دینور دو نفر همدان سه نفر قم ده نفر خراسان یک نفر و شش نفر اصحاب کَهِف اَمَل یک نفر جُرْجان یک نفر هرات یک نفر بلخ یک نفر قَراح یک نفر عَانه یک نفر دَماغان یک نفر سرخس یک نفر اردبیل یک نفر مراد یک نفر تَدَمَر یک نفر اَرَمینه یک نفر مَراغه سه نفر خوی

یک نفر سلماس یک نفر بدلیس، چهار نفر از قادسیه یک نفر سورا یک نفر از سراه یک نفر از نیل یک نفر از صیداء یک نفر از قرقان یک نفر از قصور یک نفر از انبار یک نفر از عکبرا یک نفر حنانه یک نفر از تبوک یک نفر از جاهده یک نفر از عبادان یا آبادان سه نفر از حدیثه و موصل، شش نفر از مخلثا، یک نفر از بالس یک نفر از قبج یک نفر از طرطوس یک نفر از قصر یک نفر از - ادنه یک نفر از خمیری یک نفر از عوار یک نفر از قورس یک نفر از انطاکیه یک نفر از حلب سه نفر از حمص دو نفر از دمشق چهار نفر از ارض سوریه یک نفر از قسوان یک نفر از قیموت یک نفر از صوریکی یک نفر از کراز یک نفر از اذرح یک نفر از عامر یک نفر دکار یک نفر بیت المقدس دو نفر رمله یک نفر بالس یک نفر دکا دو نفر عرفات یک نفر عسقلان یک نفر غزه یک نفر قسّاط چهار نفر فرمیس یک نفر دمیاط یک نفر محله یک نفر اسکندریه یک نفر برقه یک نفر طنجه یک نفر افرنجه یک نفر، قیروان یک نفر از سوس اقصی پنج نفر از قیرص دو نفر از حمیم سه نفر از قوص یک نفر از عدن یک نفر از علالی یک نفر از مدینه رسول الله ﷺ ده نفر از کله چهار نفر از طائف یک نفر از دیر یک نفر از شیروان یک نفر از زبید یک نفر صرو ده نفر از احساء یک نفر از قطیف یک نفر از هجر یک نفر یمامه و عدهای از تمامی عالم اسلام و حضرت خضر و عیسی و موسی علیهم السلام و سایر پیامبران و صلحا و بندگان خاص خداوند تبارک و تعالی که جمعا ۳۱۳ نفر اصحاب خاص آن حضرت شوند و مطابق عدد اصحاب بدر خداوند آنان را از مشرق و مغرب عالم به یک چشم برهم زدن در کنار خانه کعبه جمع می کند البته مسلمانان و مؤمنین و دیگران هم به حضرت مایل و جذب خواهند شد حضرت مهدی قائم آل محمد علیهم السلام در خطبه ای مفصل می خواند و می فرماید اینان (یعنی اصحاب خاص) برای چهل خصلت با من

بیعت نموده‌اند و به شما می‌گویم که صادق و درستکار باشید و دزدی نکنید زنا نکنید کسی را به ناحق نکشید هتک حرمت محترمی را نکنید فحش و ناسزا به کسی نگویید به منزل کسی هجوم نبرید کسی را به غیر حق تزنید مال و چهار پای / لاغر را سوار نشوید مردان طلا، خز، ابریشم استفاده نکنند و نعلین‌های نگین دار نپوشند، راه را بر کسی نبندید در حق یتیم ظلم نکنید مکر و حيله نکنید لواط نکنید شراب نخورید در امانت خیانت و خُلف وعده نکنید - گندم و جو احتکار نکنید و شکست خورده را تعقیب نکنید - خونی بناحق نریزید به کشتن شخص مجروح اقدام نکنید - نان جو بخورید - به چیز کم راضی و برای خدا جهاد کنید مشک و بوی خوش ببوئید - از نجاست دوری کنید - همیشه با طهارت و با وضو باشید - خداوند را آن طوری که شایسته است اطاعت کنید و مُنظم در امورات باشید. و به یکدیگر احسان کنید.

ذکر سلام به حضرت مهدی علیه السلام و وآله الطیفة برای درخواست حوائج و توسل به حضرت

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على سيدنا محمد و آله اجمعين سيما الامام

المبين الحجة القائم المنتظر المهدي «عجل الله تعالى فرجه الشريف» السلام

عليك يا صاحب الزمان (ع) الغوث، الغوث، الغوث: الغوث: ادركني: ادركني ادركني

العجل: العجل: العجل:

## دوری و درد فراق از حضرت صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَام

زبان خامه ندارد و سربیان فراق  
 و گرنه شرح دهم با تو داستان فراق  
 دریغ مدت غمرم که برامید وصال  
 بسر رسید و نیامد بسر زمان فراق  
 سری که بر سرگردون بفخر می سودم  
 بر استان که نهادم بر استان فراق  
 چگونه باز کنم بال در هوای وصال  
 که ریخت مرغ دلم پر در آشیان فراق  
 کنون چه چاره که در بحر غم بگردابی  
 فتاد زورق صبرم زیادبان فراق  
 بسی نماند که کشتی عمر غرقه شود  
 زموج شوق تو در بحر بیکران فراق  
 اگر بدست من افتد فراق را بکشم  
 که روز هجر سیه باد و خانمان فراق  
 رفیق خیل خیالیم و همنشین شکیب  
 قرین آتش هجریم و هم قران فراق  
 چگونه دعوی وصلت کنم به جان که سرشت  
 تنم وکیل قضا و دلم ضیمان فراق  
 زسوز شوق دلم شد کباب دورازیار  
 مُدام خون جگر می خورم زخوان فراق

فلک چو دید سرم را اسیر چنبر عشق  
 ببست گردن صبرم به ریمان فراق  
 به پای شوق گراین ره بسر شدی حافظ  
 بدست هجر نداری کسی عنان فراق  
 دربارهٔ آیه شریفه تطهیر سورة احزاب آیه ۳۳ در کتب مختلف شیعه و سنی  
 اتفاق نظر دارند که این آیه شریفه مربوط به اهل بیت رسول خدا ﷺ است از  
 جمله:

در کتاب کنز العمال (جلد دوازدهم)، تفسیر کشاف - و ابن ابی الحدید معتزلی  
 در شرح نهج البلاغه

کتاب صواعق محرقه ابن حجر (صفحه ۱۸۶) و تفسیر فخر رازی  
 کتاب العقد الفرید ابن عبدوه (جلد سوم صفحه ۴۲)  
 کتاب مسند امام احمد حنبل (جلد پنجم صفحه ۱۸۹)  
 کتاب صحیح ترمذی و مستدرک حاکم و شواهد التنزیل و تفسیر ابن جوزی و  
 در کتاب مجمع الزوائد هیشمی و بسیار کتب معتبر دیگر تأیید براین مطلب دارند.  
 قال الله تبارک و تعالیٰ

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)  
 خداوند منان اراده فرمود که رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور سازد و  
 شما را پاک و مطهر نماید.



و اما چهل حدیث پیرامون امام دوازدهم شیعیان منجی عالم بشریت حضرت امام زمان مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه الشریف بیان می‌داریم.

حدیث ۱ - به نقل جعفر بن سیارشامی - دربارهٔ ظلم و غصب، در زمان حضرت ولی عصر مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف کار به جایی می‌رسد که اگر چیز (غصبی) در زیر دندان کسی باشد آن را باز پس گرفته و به صاحب آن بر می‌گرداند.

حدیث ۲ - به نقل از نوف یکالی - بر بیرق و پرچم حضرت ولی عصر صاحب الزمان مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف مرقوم است، (بیعت فقط برای خداوند باریتعالی است) (البیعت لله)

حدیث ۳ - ابوسعید خدری از حضرت رسول اله صلی الله علیه و آله روایت نموده که حضرت فرمودند: ساکنین آسمان و زمین از حضرت ولی عصر صاحب الزمان مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف راضی و خشنود خواهند بود آسمان باران خود را فرود آورد و زمین هم گیاهان خود را بیرون آورد و نعمت فراگیر گردد به طوری که اموات آرزوی زنده شدن خواهند کرد. و این همه نعمت از وجود با برکت حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

حدیث ۴ - معمر بن فتاده از حضرت رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله نقل می‌نماید که حضرت فرمودند: قائم حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف گنج‌ها را استخراج نموده و از ته زمین بیرون می‌آورد و اموال را بین شیعیان تقسیم می‌نماید و دین اسلام استقرار خواهد یافت.

حدیث ۵ - ابوسعید خدری از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روایت نموده که حضرت فرمودند امت حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف آنطوریکه زنبور عسل بدور پادشاه خود جمع می‌گردند به دور حضرتش جمع می‌گردند و اطاعت از آنجناب می‌نمایند.

حدیث ۶ - ابوسعید خدری از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روایت نموده که

فرموده‌اند.

حضرت مهدی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانکه قبل از او پر از ظلم و ستم شده باشد و آن حضرت حدود هفت سال حکومت می‌کند.

حدیث ۷ - هارون بن هلال از حضرت امام محمد باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) روایت کرده که حضرت فرمودند: حضرت مهدی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) خروج نمی‌کند تا آن موقعی که تاریکی و ظلم و ستم دنیا را فراگیرد و با شروع حکومت دینی آن حضرت ظلمت تبدیل به نور خواهد گشت.

حدیث ۸ - زُهری می‌گوید: حضرت مهدی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از فرزندان حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است، و دوازدهمین امام از جانب خدای سبحان برای شیعیان است.

حدیث ۹ - عاصم از حضرت امیرالمؤمنین علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) روایت نموده که حضرت فرمودند حضرت مهدی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مردی است از اولاد من.

حدیث ۱۰ - عبدالله ابن عمر به نقل از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) حضرت مهدی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) آن کسی است که حضرت عیسی ابن مریم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بر او وارد می‌شود و پشت سر او به نماز می‌ایستد و با حضرتش نماز می‌خواند و از اصحاب او خواهد بود، و جزو اصحاب ۳۱۳ نفره حضرتش می‌باشند.

حدیث ۱۱ - ابورومان از حضرت امیرالمؤمنین علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) روایت نموده که حضرت فرمودند موقعی که منادی از آسمان ندا کرد حقاً که حق با آل (محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) است.

حضرت مهدی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ظهور می‌کند و نام او در دهان مردم خواهد بود و مردم مسرور و شادمان می‌شوند و ذکری و اسمی غیر از نام مبارک آن حضرت نمی‌برند، که نام آن حضرت را ولی الله الأعظم صاحب الزمان و مهدی فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می‌نامند.

حدیث ۱۲ - ابن مسعود از حضرت رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمودند: عده خلفاء بعد از من مثل عده ثقباء بعد از موسی ﷺ است (و آنها دوازده نفرند)

حدیث ۱۳ - فاضل المعی سید علی خان در کتاب حکم الطیب روایت کرده که در ملاقات شیخ حاجی علیا با حضرت صاحب الامر امام زمان علیه السلام حضرت دعایی به او تعلیم فرمودند و به او فرمودند که بخوان آن را که نجات خواهی یافت و بیاموز آن را به هر کس که خواهی و آن دعای شریف این است:

توضیحاً این دعا در رفع گرفتاری و جهت توشل به حضرتش بسیار مهم بوده و البته تجربه نیز شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

رب انی اسئلك مدداً روحانیا تقوی به قوی الكلیة و الجزیة حتی اقهر بمبادی نفسی كل نفس قاهره فتقبض لی اشاره دقایقها انقباضاً تسقط به قواها حتی لا یبقی فی الكون ذو روح الا ونار قهری قد احرقت ظهوره یا شدید یا شدید یا ذالبطش الشدید یا قهار اسئلك بما و دعته عزرائیل من اسمائك القهریة فانفعلت له النفوس بالقهران نودعنی هذا السرفی هذا الساعة حتی الین به كال صعب و اذلل به كل منیع بقوتك یا ذالقوه المتین.

این دعا را در وقت سحر سه مرتبه و در صبح سه مرتبه می خوانید و در شام سه مرتبه و بعد از آن سی مرتبه می خوانی:

یا رحمن یا رحیم یا ارحم الراحمین اسئلك الطف بما جرت به المقادیر

را خوانده و حاجت خود را می طلبی که انشاء الله حاجت روا خواهید شد.

حدیث ۱۴ - علامه مجلسی در تحفه الزائر و محقق سبزواری در مفاتیح النجات روایت کردند که هر که را حاجتی باشد و بخواند برآورده شود این رقعہ را

بنویسد. و در ضریح و به داخل یکی از صندوق قبور ائمه علیهم السلام بیندازد یا ببندد و مهر کند و خاک پاکی را گِل کند و آن رقعہ و ورقہ نوشته شدہ را در میان آن گِل بگذارد در نہری و یا چاہ آبی عمیق بیندازد کہ بہ خدمت حضرت صاحب الزمان علیہ السلام می رسد و بنفسہ و شخصاً حضرت متولی برآوردن آن حاجت می شوند نسخہ نامہ و رقعہ مذکورہ این است، البتہ قبل از نوشتن نامہ نماز حضرت صاحب الامر را بخواند و زیارت آل یاسین ہم خواندہ و با وضو و توسل شروع بہ نوشتن نامہ نماید.

بسم الله الرحمن الرحيم

کنت یا مولای صلوات الله علیک مُستغیثاً و شکوت مانزل بی مُستجیراً بالله عزوجل ثم بک من أمر قد دهمنی و اشغل قلبی و اطال فکری و سلبتی بعض لبی و غیر خطیر نعمۃ الله عندی السلمتی عند تخیل و روده الخلیل و تبره منی عند ترایی اقباله الی الحمیم و عجزت عن دفاعه حیلتی و خانتی فی تحملہ صبری و قوتی فلجات فیہ الیک و توکلت فی المسئله لله جل ثناؤه علیہ و علیک فی دفاعه عنی علماً بمکانک من الله رب العالمین ولی التدبیر و مالک الامور واثقاً بک فی المسارعة فی الشفاعه الیه جل ثناؤه فی امری متیقناً لاجابته تبارک و تعالی ایاک باعطائی سُئولی، وانت یا مولای جدیر بتحقیق ظنی و تصدیق املی فیک فی امر کذا و کذا.

و نام حاجت خود را ببرد

فیما لا طاقة لی بحملہ ولا صبرلی علیہ وان کنت مستحقاً له و لاضعافه بقبیح افعالی و تفریطی فی الواجبات الی لله عزوجل فاغثنی یا مولای صلوات الله علیک عند اللُهِف و قدم المسئله لله عزوجل فی امری قبل حلول التلف شمائة الاعداء و بک بسطت النعمه علی واسئل الله جل جلاله لی نصراً عزیزاً و فتحاً

قريباً فيه بلوغ الامال و خيرالمبادى و خواتيم الاعمال و الامن من المخاوف كلها  
فى كل حال انه جل ثناؤه لما يشاء فعال و هو حبسى و نعم الوكيل فى المبدء  
والمال و المال.

و آنگاه بر بالای آن نهر یا رود یا چاه بایستد و بر یکی از وکلای حضرت رو  
به قبله سلام دهد.

۱ - السلام عليكما يا عثمان بن سعيد و يا محمد بن عثمان و يا حسين بن روح  
و يا على بن محمد و بگوید مثلاً - يا عثمان بن سعيد سلام عليك اشهدان و  
فاتك فى سبيل الله و انك حى عند الله مرزوق و قد خاطبتك فى حياتك التى  
لك عند الله عزّ و جلّ و هذه رُقعتى و حاجتى الى مولانا عليه السلام فسَلِمِها اليه  
و انت الثقة الامين.

پس این نوشته را در ضریح یکی از امامان یا در نهر آبی بینداز که به حضرت  
می‌رسد و انشاء الله حاجت روا خواهدی شد.

ترجمه: بنام خداوند بخشنده و مهربان - نوشتم به شما مولای من -  
رحمت‌های خدا بر تو باد بفریادم برس به تو شکایت می‌کنم از آنچه برایم اتفاق  
افتاده و پناه می‌برم به‌خدای بزرگ و سپس از شما می‌خواهم راه نجاتی از کاری  
که مرا پیچانده و فکرم را پریشان و مشغول کرده و حالم را آشفته و عقلم را ربوده  
است و نعمت بزرگ الهی را تغییر داده و دوستانم در وقت کمک کردن به من مرا  
بخود وا گذاشته و در موقع استمداد به من خویشانم از من تبری جستند و در  
چاره‌جویی کارم عاجز شدم و صبر و قوتم از تحمل خارج و نسبت به کارم بتو  
پناهنده می‌شوم و در این مسئله به‌خدایم توکل می‌کنم که شما به من کمک کنید  
مکان شما در پیشگاه خداوند رب العالمین و خدای دو جهان است ولی تدبیر و  
صاحب کارها با خداست مطمئنم که در شفاعت این مُشکلم بدرگاه خداوند متعال

مساعدت می‌فرمائید. و یقین دارم این وساطت شما مورد قبول پیشگاه خداوندی قرار خواهد گرفت.

ای مولای من کسی از شما بهتر نمی‌دانم برای اصلاح کارم و اینکه به کارم جامع عمل پوشانده و این آرزو و مشکلی که دارم رفع فرمائید و خواسته‌هایم را اجابت نمائید. و آنچه مرا به تحمل آن طاقت و صبر نیست و لو اینکه من در قبال نافرمانی‌ها و در اثر قبح اعمال و گناه و تفریط در واجبات تکالیف خدایی مستحق این گرفتاریها شدم. ای مولا و آقای من در اندوه و حسرتم به فریادم برس. سؤال مرا پیش از طعن و شماتت دشمنان به پیشگاه خداوندی عرضه فرما مولای من بسبب لطف تو بمن نعمت می‌رسد از خداوند بزرگ یاری با عزت و پیروزی نزدیک می‌خواهم که در آن است رسیدن به آرزوها و خوبی و نیکی‌ها و خاتمه آن خیر است و امن از تمام بدیها و مستلت می‌کنم که خدای جل جلاله هر چه را بخواهد می‌شود و او چه خوب خدایی است در مبدأ و تا آخر یا مولای صاحب العصر و الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَبِّهِ الشَّيْبَانِي و بعد کاغذ نوشته را در چاه یا نهری آب و یا ضریح یکی از ائمه معصومین بیندازد انشاءالله که حاجت روا خواهد شد. بعد سلام به وکیل خاص آن حضرت می‌نمایی و از او می‌خواهی که نامه و حاجتت را به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَبِّهِ الشَّيْبَانِي برساند.

حدیث ۱۵ - و اما حدیث مُفَضَّلُ که در کتاب مُنْتَخَبُ الْبَصَائِرِ بسند معتبر از حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ امام ششم نقل شده که از حضرتش سؤال شد آیا برای ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَبِّهِ الشَّيْبَانِي وقت مُعینی هست؟ در جواب حضرت فرمودند که: آیاتی که خداوند باریتعالی در امر قیام ساعت و برپاشدن قیامت در قرآن مجید فرموده است همگی در باب قیام آن حضرت نازل شده است و هر کسی برای ظهور حضرت صاحب الامر مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَبِّهِ الشَّيْبَانِي ما وقتی معین قرار دهد خود را با

خداوند در علم غیب شریک گردانیده است و دعوی اطلاع بر اسرار خداوند متعال کرده است. مفضل سؤال نموده و عرض کرد ای مولای من چگونه خواهد بود ابتدای ظهور آن حضرت؟ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در جواب فرمودند که حضرت مهدی علیه السلام بی خبر ظاهر خواهد گردید و نامش بلند آوازه شود و امر فرجش هویدا گردد و از آسمان منادی باسم و کنیه و نسبش ندا کند تا آنکه شناختن حُجَّت خدا بر تمامی خلائق تمام و آشکار شود با آن حُجَّتی که خداوند بر خلق لازم دانسته و این است احوال آن حضرت که نام و کنیه و نسبش بیان شد که نام و کنیه اش مثل نام و کنیه جد اوست تا اینکه مردم نگویند که مانام و نسبش را نمی دانستیم.

پس خداوند او را بر همه دینها غالب گرداند چنانکه خداوند بر پیغمبرش وعده داده است:

لِيُظْهِرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

یعنی خداوند پیغمبرش را فرستاده تا با هدایت و دین حق او را بر همه دینها و ادیان غالب گرداند و هر چند کراهت داشته باشند آنها که به خدا شرک می آورند و در آیه شریفه دیگر آمده است.

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ

یعنی قتال کنید با کافران تا آنکه در زمین فتنه و کفر نباشد و همه دینها برای خداوند باریتعالی باشد.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سپس فرمودند: والله. ای مفضل! از همه ملتها و دینها اختلاف را بردارد و همه به دین حق برگردند و از هیچ کس بغیر دین حق قبول نمی کند چنانکه خداوند فرمود:

(ومن يبتغ غير الاسلام ديناً فلن يقبل منه و هو في الآخرة من الخاسرين)

ترجمه: یعنی هر که طلب نماید غیر دین اسلام را هرگز از او قبول نمی‌شود و او در آخرت از زیان کاران است.

مفضل عرض کرد. که در ایام غیبت آن حضرت با چه کسی مخاطبه خواهد فرمود و باچه کسی سخن می‌فرماید. حضرت جواب فرمودند: با ملائکه و مؤمنان و امر و نهی ایشان از معتمدان و یاران نزدیک شروع خواهد شد به سوی معتمدان آن حضرت که به شیعیانش برسانند بعد حضرت وصف فرمودند تشریف فرمایی امام عصر صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را.

### شرح حضرت صادق علیه السلام درباره تشریف و داخل شدن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به مسجد الحرام

که می‌بینم آن حضرت به شهر مکه داخل شوند و بُرد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله را به تن و عمامه زردی به سر نمایند و در پای مبارکشان نعلین حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و عصای پیغمبر صلی الله علیه و آله را در دست بگیرند و صورت خود را بپوشانند که کسی حضرتش را نشناسد و مشرف شوند به مسجد الحرام و حمد خداوند را به جای آورند و بین حجرالاسود و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام به صدای بلند ندا دهند. ای بزرگان و مسلمانان و شیعیان و پیروان دین خدا - آنها که خداوند ایشان را برای یاری من ذخیره کرده است که قبل از ظاهر شدنم به روی زمین بیایند، پس خداوند متعال صدای حضرتش را به گوش همه آنها می‌رساند در هر جای عالم که باشند به مشرق و مغرب گیتی و بر هر حالی که بوده باشند و بریک چشم بهم‌زدن به حضور حضرت شرفیاب شوند. در مکه مابین رُکن و مقام در مسجد الحرام کنار کعبه معظمه. پس عمودی از نور بلند شود از زمین بسوی آسمان که هر مؤمنی که روی زمین باشد از آن روشنی متوجه شود و همه شادمان گردند



ولی نمی‌دانند که قائم آل محمد علیه السلام ظاهر گردیده است پس چون صبح شود سیصد و سیزده نفر که از اصحاب حضرتش باشند خدمت حضرت ایستاده باشند و تابع نظر و فرامین آن نازنین وجود گردند.

و سپس حضرت کنار کعبه معظمه دست خود را بگشایند عالم را از نور روشن کنند پس گوید هر که با این دست بیعت کند چنان است که با خداوند بیعت کرده پس اوّل کسی که با او بیعت کند جبرئیل است که دست مبارک حضرت را می‌بوسد و بیعت می‌کند پس سایر ملائکه با او بیعت می‌کنند سپس سیصد و سیزده نفر نقبا با او بیعت می‌کنند و سرافراز گردند آنگاه مردم مگه فریاد بر می‌آورند که کیست این شخص که در جنب کعبه ظاهر شده است و آنها که با اویند چه کسانی هستند پس وقتی که آفتاب بلند شد منادی ندای دهد که او امام دوازدهم صاحب الزمان مهدی آل محمد علیه السلام است. او منجی عالم بشریت است او وارث شریعت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

حدیث ۱۶ - در کتاب بصائر الدرجات و در کتاب فصول المهمه از ابن عباس روایت نموده که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند در روز قیامت پروردگار عالم حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و امامان دیگر تا حضرت قائم صاحب الزمان امام مهدی علیه السلام که همگی ائمه هدی علیهم السلام هستند را احضار می‌فرماید و می‌گوید شما همگی با تمامی شیعیان و پیروانتان از پل صراط عبور کنید و داخل بهشت شوید و خداوند تمامی اهل فسق را داخل دوزخ می‌نماید و به حرمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ائمه هدی و حضرت صاحب الامر علیه السلام همگی از شیعیان را اهل نجات قرار می‌دهد.

(انشاء الله تعالی) آمین یارب العالمین

حدیث ۱۷ - در کتاب اصول کافی به نقل از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آورده است که حضرت فرمودند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که هر که بمیرد در حالی که امام و مقتدایی نداشته باشد پس مُردن او مُردن زمان جاهلیت است و مرگ او در حال گمراهی است. و داخل دوزخ می شود.

حدیث ۱۸ - در کتاب بحار الانوار جلد سیزدهم از عبدالله ابن عمر روایت نموده که حضرت محمد ابن عبدالله رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که خروج می کند مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله در حالی که در بالای سرش ملکی ندا می کند که این است مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله تابع او شوید و هر چه می فرماید عمل کنید.

حافظین احادیث - مثل ابونعیم و طبرانی هم این روایت را نموده اند.

حدیث ۱۹ - شیخ صدوق رحمه الله علیه در کتاب اکمال الدین به نقل از امام سجاد علیه السلام نقل نموده است که حضرت فرموده اند که قائم ما (حضرت مهدی علیه السلام) دارای سنت هایی است که از سنن انبیاء سنتی از حضرت آدم علیه السلام و سنتی از حضرت نوح علیه السلام و سنتی از حضرت موسی علیه السلام و سنتی از حضرت موسی علیه السلام و سنتی از یونس و حضرت عیسی علیه السلام و سنتی از حضرت ایوب علیه السلام و سنتی از حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اما سنت حضرت عیسی علیه السلام اختلاف مردم است در موت و حیوة و زنده بودن آن وجود شریف و سنت حضرت ایوب علیه السلام فرج است بعد از بلاء و گرفتاری آن حضرت و سنتی که از حضرت محمد صلی الله علیه و آله است خروج است با شمشیر و سنت است در حضرت قائم مهدی علیه السلام که سنتی است از نوح علیه السلام و آن طول عمر اوست و شباهت او با حضرت یونس بن متی است که مراجعت اوست از غیبت با صفت جوانی بعد از کبر سن و شباهت به حضرت یوسف علیه السلام غیبت و پنهانی اوست و شباهت آن وجود شریف به حضرت موسی بن عمران خوُف و طول غیبت و مخفی بودن مولد اوست و غیبت اتباع او است

به سبب اذیت و خواری که بعد از او به ایشان رسید تا وقتی که خدای تعالی او را در ظهور مآذون نماید و او را نصرت دهد و بردشمن غالب نماید.

حدیث ۲۰ - در کتاب علل الشرایع و کتاب اکمال الدین از ابن مسرور ذکر شده که از حضرت امام حسین ابی عبدالله علیه السلام روایت نموده که آن حضرت فرمودند که چرا حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در اوّل با دشمنان خود جهاد و قتال ننمود جهت این بوده که ترک قتال به جهت این آیه بود در قرآن مجید.

مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا الْعَذَابَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً آیه ۲۵ - سوره الفتح  
یعنی هر کسی را که خداوند بخواهد در اثر کردارشان هر آینه به عذاب گرفتار می‌شوند و آنانی که کفر ورزیدند از آنها به عذابی دردناک می‌رسند.

سؤال شد مزایلت یعنی چه؟ امام در جواب فرمودند که: نطفه‌های مؤمنانند که در اصلاب کافران ودیعه گذاشته شده‌اند پس حاصل مضمون آیه شریفه این است که اگر نطفه‌های مؤمنان از پشت‌های کافران منتقل شوند هر آینه کافران را بعذاب دردناک معذب می‌کنیم پس چون حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌دانستند که در اصلاب دشمنانش نطفه مؤمنان است از این جهت با ایشان قتال نمودند و ایشان را نکشتند همچنین حضرت قائم علیه السلام ظهور نمی‌کنند تا وقتی که امانت‌های خدا مهیا گردند.

کنایه از اینکه (۳۱۳) نفر اصحاب خاص حضرت امام عصر علیه السلام حاضر و مهیا گردند، و در خدمت حضرت به انجام وظایف محوله پردازند و حکومت حقّه جهانی اسلامی حضرت امام زمان علیه السلام شروع شود. انشاء الله تعالی

حدیث ۲۱ - در کتاب بحار الانوار جلد سیزدهم در خصوص غیبت آن حضرت روایت شده که شیعیان در زمان غیبت امتحان می‌شوند مُراد از چیزهایی که در زمان غیبت اتفاق خواهد افتاد نه این است که خداوند عالم امام علیه السلام را برای این

موارد غایب نمود چگونه می‌شود که خدای تعالی چنین چیزی را اراده نماید و حال آنکه چیزی از ظالمان به مؤمنان می‌رسد و مؤمنانی که در آخرالزمان بسبب صبر کردن و شکیبا بودن در ناملایمات و ستم و ظلم ظالمان منتظر فرج قائم آل محمد حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه هستند ثواب و اجر زیاد می‌برند.

### (درباره محل اقامتگاه امام عجل الله فرجه) جزیره خضراء

نقل از جلد سیزدهم بحار الانوار

قضیه بسیار شنیدنی جزیره خضراء

حدیث ۲۲ - بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي هدانا للمعرفة والشكر له على ما منحنا للاقتداء بسنن سيد برتیه محمد الذي اصطفاه من بين خليفته وخصنا بمحبة على الائمة المعصومين من ذريته صلوات الله عليهم اجمعين الطيبين الطاهرين و سلم تسليماً كثيراً

بعد از حمد الهی و درود و سلام به نبی اکرم حضرت محمد ص خاتم النبیین نقل از عالم فاضل علی طیبی کوفی شده که شیخ شمس الدین حلی از علی بن فاضل مازندرانی در شهر حله که از اطراف نجف اشرف است دیدن نموده و راجع به آن سؤال نمود که قضیه جزیره خضراء را کاملاً تعریف نمایند. ایشان گفتند که چند سالی که در شهر دمشق شام به طلب علم مشغول بودم. در نزد شیخ زین الدین علی مغربی اندلسی بوده و علم قرائت و صرف و نحو و منطق و معانی و بیان را از ایشان یاد می‌گرفتم و به طلب علم مشغول بودم پس از چندی ایشان قصد مسافرت به مصر را نمود من هم چون علاقه‌ای به او داشتم همراه او به مصر رفتم و در اتاقی که مربوط به جامعه الازهر بود ساکن شدیم پس از چندی از اندلس خبر آوردند که پدر شیخ زین الدین مریض است و برای شیخ پیغام

فرستاده که هر چه زودتر به پیش من بیا که مرگ من نزدیک است لذا شیخ قصد سفر نمود و من هم همراه وی شدم به نزدیک آندلس که رسیدیم تب شدیدی مرا بیمار کرد ناچار شیخ به راه خود ادامه داد و مرا به کسی سپرد که مداوایم نماید پس از چند روزی بهتر شدم. پس از منزل بیرون رفتم جماعتی را دیدم که پشم و روغن و سایر متاع تهیه کرده‌اند از کسی پرسیدم که اینها اهل کجا هستند او جواب داد اینها «رافضی» یعنی «شیعه دوازده امامی» هستند خوشحال شدم و جاذبه‌ی شوق دیدن سرزمین‌شان گریبان گیرم نمود.

با چند درهمی درازگوشی تهیه نموده و همراه آنان حرکت کردم به جزیره‌ای رسیدیم در کنار دریا با حصارهایی محکم و در آن قلعه‌های استوار بود در قسمتی از آن محل مسجدی نظرم را جلب کرد به مسجد رفتم ناگهان مؤذن اذان ظهر را شروع کرد پس از شهادت ولایت حتی (حی‌علی خیرالعمل) را هم گفت بعد از آنکه اذان تمام شد برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام هم دعا نمود من در آن حال گریه‌ام گرفت بعد از آن خلائق دسته بدسته داخل مسجد گردیدند و در چشمه آبی که زیر درختی که در سمت شرق مسجد بود به وضو ساختن مشغول شدند و من هم به ایشان نگاه می‌کردم با اینکه خیلی خوشحال و مسرور بودم چون وضو گرفتن آنان را مطابق با فقه شیعه می‌دیدم و بآنچه که از ائمه هدی علیهم السلام نقل شده، بعد مردی خوش روی و با وقار و آرام از میان ایشان به محراب برای نماز ایستاد و صفهای جماعت در پشت ایشان منظم شدند.

پس او را امام قرار داده و در عقب او نماز ظهر را به‌جا آوردند درست همان طوری که نقل از حضرات ائمه هدی علیهم السلام است دستورات واجبات و مستحبات را عمل نمودند خیلی لذت بردم ولی بجهت طول راه و سفر و خستگی نتوانستم با آنها نماز بگذارم پس وقتی آنان از نماز فارغ شدند و مرا به این حالت دیدند

همگی متوجه من شدند و پرسیدند که اهل کجایی و مذهب تو چیست گفتم از عراق آمده‌ام و مذهبم اسلام است شهادتین را گفتم آنان گفتند چرا شهادت دیگر و سوّم را نمی‌گویی و اگر معتقد بولایت باشی پس بدون محاسبه داخل بهشت خواهی شد گفتم آن شهادت کدامست خدا به شما رحمت کند آن را بمن یاد دهید کسی از آنان گفت آن شهادت سوّم است و شهادت اقرار است به اینکه امیرالمؤمنین و یثوب‌الدین و قائد‌الغرام‌المجلین الاتقیاء علی بن ابی طالب علیه السلام و یازده نفر از اولاد او اوصیاء رسول خدا و خلفاء بلافصل از این دو می‌باشند و بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله پروردگار عالم اطاعت ایشان را بربنندگان خود واجب گردانیده و ایشان را اولیاء خود گردانیده است و امر و نهی خود را بزبان ایشان بربنندگان رسانیده و ایشان را در روی زمین بر خلائق حُجّت قرار داده و ایشان را برای مخلوقات اسباب امان گردانیده زیرا که پروردگار عالم برای پیغمبر خود در شب معراج در مقام (قاب قوسین او ادنی) نام‌های این دوازده نفر را (مشافهه) ذکر نموده و امامت و خلافت شان را به او اظهار فرموده حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله آن صادق امین و رسول رب العالمین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله هم بما خبر داده‌اند وقتی که این سخنان را از ایشان استماع نمودم به خداوند سبحان و تعالی در مقابل این نعمت بزرگ حمد خداوند را به جای آوردم و شاد و خرم و سرافراز شدم به حدی که خستگی راه و گرسنگی و تشنگی را از یاد بردم و به ایشان اظهار داشتم که من هم شیعه اثنی عشری هستم پس به مهربانی و محبت بمن توجه نمودند و منزلی در زاویه مسجد برایم تعیین نمودند و امام جماعتشان مرتباً بمن سر می زد از او پرسیدم که ذخیره غذایی این مردم از کجا می‌آید او گفت از جزیره خضراء از بحر ایض که از جزائر اولاد حضرت صاحب الامر علیه السلام است می‌رسد گفتم در سال چند مرتبه آذوقه می‌رسد جواب داد ۲ بار گفتم کی وقت آمدن آذوقه است گفت

چهار ماه دیگر بسیار مشتاق و منتظر بودم تا چهار ماه تمام شد و کشتی‌های مورد نظر رسید مردی بلند قامت و خوبرو و خوش لباسی را دیدم که از کشتی بیرون آمد و به مسجد رفت وضو گرفت به طریق شیعیان نماز کاملی خواند وقتی که از نماز فارغ شد به سمت من متوجه شد سلام نمود جواب دادم و ایشان سؤال نمود که نام تو علی است گفتم بلی تعجب کردم پرسید نام پدرت فاضل است.

گفتم آری از کجا مرا و پدرم را می‌شناسید او گفت نام و نسبت و صورت و سیرت بمن رسیده باید تو را به جزیره خضراء ببرم پس از شنیدن این سخن شاد شدم و مرا همراه خود به کشتی برد شانزده روز بعد در روی آب دریا سفیدی مخصوصی دیدم سؤال نمودم آنجا کجاست او گفت جزیره خضراء گفتم که این آبها چرا سفیدند. گفت اینجا قسمتی مخصوص از بحر ایض است (یعنی دریای سفید) او بیان داشت که از جانب خداوند آب در اطراف این جزیره مانند حصاری مدور گردیده است و از هر سمت که به این جزیره بیایی آن آب سفید را می‌بینی و از حکمت حکیم علی الاطلاق و برکت مولای ما حضرت صاحب العصر و الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ هر وقت کشتی‌های دشمنان به این آب داخل شوند غرق می‌شود هر چند که به هر مقدار وسیله آنها استحکام داشته باشد قدری از آن آب خوردم و کشتی از آن آب سفید گذشت و بجزیره خضراء رسیدیم از آن کشتی بزرگ بیرون رفته و به داخل جزیره رفتیم درختان میوه‌های گوناگون و رودخانه‌های زیبا و بازارهای بسیار و حمام‌ها و اماکن و ساختمانها و عمارتهایی که از مرمر شفاف و سفید بنا شده بود و مردمش بسیار زیبا بودند بسیار شاد و مسرور شدم و قلبم به طپیدن افتاد و بعد از کمی استراحت مرا به جامعه و مسجد بزرگ شهر راهنمایی نمود در آنجا مردم جمع شده بودند. مردی که با هیبت و وقار و بزرگی

خاصی در وسط جمعیت نشسته بود از وقار و از جلالت او قادر به وصف نیستیم. چون ایشان مثل مردمان دیگر نبود و در کمال نورانیت بود.

مردم آنجا به او لقب سید شمس‌الدین محمد عالم خطاب می‌کردند و ایشان تفسیر قرآن و علم فقه و علوم عربیه و اصول دین و علوم فقهی را که از جانب حضرت صاحب الامر علیه السلام اخذ می‌نمود مسئله به مسئله و قضیه به قضیه و حکم به حکم برای آن مردم می‌خواند و آنها اگر خطایی می‌کردند جناب سید مردم را ارشاد می‌نمود. من وقتی که به پیش روی سید رسیدم جای وسیعی در نزد خود بمن عنایت فرمود و مشقت راه را از من سؤال کرد و گفت همه احوال تو را پیش از این بمن خبر داده‌اند و از آن مطلع هستم بلافاصله منزلی در آنجا به من عطا فرمود قدری که استراحت نمودم موقع عصر گماشته‌ای به نزد من آمد و گفت که از این مکان به جایی نروید اصحاب سید شمس‌الدین عالم به اینجا می‌آیند و شام را اینجا خواهند خورد. گفتم. (سمعاً و طاعة) پس موقع شام رسید و اصحابش تشریف آوردند و بعد از آن طعام و غذایی حاضر نمودند پس خوردیم و برای نماز مغرب و عشاء به مسجد رفتیم وقتیکه از نماز فارغ گردیدیم سید شمس‌الدین عالم به منزل خویش رفت و من بمکان خود برگشتم هجده روز به این منوال گذشت روز جمعه اول که با سید نماز می‌خواندیم دیدم سید نماز جمعه را بطریق وجوب به عمل آورد سؤال نمودم او گفت بلی زیرا که شرط آن موجود بود از این جهت واجب شد من پیش خود فکر کردم که امام علیه السلام در آنجا آیا حاضر بودند باز در خلوت از او پرسیدم او فرمود که نه امام علیه السلام در آنجا حاضر نبودند و لیکن من از جانب امام علیه السلام به امرشان نائب هستم گفتم ای سید من آیا امام علیه السلام را دیده‌ای گفت نه ولیکن پدرم به من خبر داد و گفت که صدای آن حضرت را در حالتی که سخن می‌گفت شنیدم لیکن جدم حضرتش را دیده و صدایش را شنیده



پس گفتم ای سید چرا یکی آن حضرت را می بیند و یکی نمی بیند او گفت ای برادر خداوند متعال از میان بندگان خود هر که را می خواهد فضل و احسان خویش را باو عطا می فرماید چنانچه از میان بندگان خود انبیاء و اوصیاء را خلق نموده و ایشان را نشانه های راه دین و حجت های خود قرار داده بر خلائق ایشان را میان خود و مخلوقات وسیله و واسطه نموده تا اینکه هلاکت هالکان و نجات ناجیان بعد از اقامه حجت و برهان باشد برایشان و خداوند عالم روی زمین را برای اینکه لطف خود را درباره بندگان ارزانی بدارد از حجت خالی نگذاشته و برای هر حجت مقرر داشته از سفیری و واسطه ای برای اینکه پاره ای از احکام را از جانب وی به خلائق برساند. بعد سید مرا به خارج از شهر برد و به سمت باغات رفتیم در آنجا نهرهای آب جاری و باغ های بسیار با میوه های مختلف مثل انگور و انار و میوه های دیدنی بسیاری که امثال آنها را تا به آن هنگام ندیده بودم دیدیم و از باغی به باغ دیگر می رفتیم و تفریح می نمودیم تا اینکه مردی را دیدیم بسیار خوش صورت و او لباسی از پشم سفید پوشیده بود او به نزد ما آمد و بر ما سلام کرد و ما هم جواب سلام او را دادیم از سید سؤال نمودم او کیست سید گفت آن کوه بلند را می بینی در آنجا محلی است و جایگاه بسیار خوب و نورانی و این مرد با رفیق خود خادم آن محل است من صبح های روز جمعه به آنجامی روم و دو رکعت نماز در آن محل می خوانم و امام علیه السلام را زیارت می خوانم و در آنجا ورقی می یابم که جواب احکام بین مؤمنین و سؤال ها و تمام مطالبی که حاجت من هست در آن می یابم. تو هم برو در آنجا زیارت کن و نماز بخوان پس سید شمس الدین مرا به آنجا هدایت فرمود. به آنجا که رسیدم آن خادم که مرا دیده بود به من مرحباً گفت و برایم نان و انگور آورده و خوردم و از آن آب چشمه که در آن نزدیک بود قدری نوشیدم و وضو ساختم و دو رکعت نماز خواندم و

سؤال نمودم آیا امام علیه السلام را می توان دید گفتند دیدنش ممکن نیست و ما مأذون نیستیم که به احدی در این خصوص خبر بدهیم پس به ایشان التماس دعا گفتم و ایشان برایم دعا نمودند و بعد از آن از کوه پائین آمدم و به شهر برگشتم بدرخانه سید شمس الدین آمدم به من گفتند که هرکسی مجاز نیست به آن کوه برود فقط سید شمس الدین یا امثال او می تواند به آنجا بروند و پرسیدم سید شمس الدین کیست؟ گفتند: سید پنج پشت می رسد به حضرت صاحب الامر و او از اولاد آن حضرت است و او به امر آن حضرت نایب است و بعد از آن روزی به سید گفتم: به من اجازه بده قدری علوم از تو فرا گیرم و قرآن را بخوانم هرکجا اشکالی هست برایم توضیح دهی سید قبول نمود و سید گفت که قرآن بخوان و من هم شروع به قرائت نمودم در بعضی از کلمات اشکال می کرد که حمزه چنین خوانده و یا چنان و بعد در باره قرآن صحبت فرمود که قرآن پیش از هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه نازل شده مگر با هفت حرف و بعد از هجرت در وقتی که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله از حجة الوداع فارغ شدند جبرئیل به او نازل گردید و عرضه داشت یا رسول الله صلی الله علیه و آله قرآن را نزد من تلاوت بکن تا اینکه اوایل و اواخر سوره ها و شأن نزول آنها را برای تو بیان نمایم پس در آن وقت علی ابن ابی طالب علیه السلام و حسنین علیهما السلام و ابی ابن کعب و عبدالله بن مسعود و خدیفه بن یمانی و جابر بن عبدالله انصاری و ابوسعید خدری و حسان ابن ثالث و جماعتی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و از نیکان ایشان نزد آن حضرت جمع شدند پس او قرآن را از اول تا آخر تلاوت فرمود و به هر جایی که در آن اختلاف بود می رسید جبرئیل آن را برای وی بیان می نمود و امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن را در ورق هایی از پوست می نوشت پس بنابراین همه آیات به قرائت و کتاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام است گفتم ای سید من بعضی آیات را چنین می بینم که نه ما قبلش

ربطی دارد و نه به ما بعدش و به فکر قاصر نمی‌رسد موضوع چیست گفت آری امر چنان است که دیده‌ای و سیر آن اینست که وقتی که حضرت رسول اکرم محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله از دار فنا بدار بقا رحلت فرمودند و آن دو نفر خلیفه اول و ثانی غصب خلافت نمودند حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تمام آیات قرآن را که در پوست نوشته شده بود جمع نموده و در بقچه‌ای گذاشتند و به مسجد رفته و به ایشان عرضه فرمودند و بیان داشتند که این کتاب خداست حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله به من امر نموده که آن را در اختیار همگان قرار دهم تا اینکه در روز قیامت در نزد خدای تعالی حجت بر شما تمام شده باشد در آن حال عمر بن الخطاب به آن حضرت گفت ما به قرآن تو احتیاج نداریم. آن حضرت فرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله این مطلب را به من خبر داده بودند لیکن از راه اتمام حجت آن را به شما نشان دادم پس این را فرمود و به منزلش برگشت در حالی که می‌فرمودند.

لا اله الا انت و حدک لا شریک لک لا راد لما سبق فی علمک و لا مانع لما اقتضا حکمتک فکن انت شاهدلی علیهم یوم العرض علیک

یعنی پروردگاری جز تو بی نظیر و شریکی رد کننده نیست چیزی را که از علم تو گذشته و مانعی نیست از عمل کردن چیزی که حکمت آن را اقتضاء نموده پس در روز قیامت در خصوص من، کرده‌های این قوم را شاهد باش. در آن حال پسر ابی قحافه مسلمانان را صدا نمود و گفت که در نزد هر کس آیه یا سوره‌ای هست آن را به مسجد بیاورد پس ابو عبیده بن جراح و عثمان و سعید بن ابی وقاص و معاویه بن ابی سفیان و عبدالرحمن ابن عوف و طلحه بن عبدالله و ابی سعید خدری و حسان بن ثالث و سایر مسلمانان هر یک از آنها آیه‌ای یا سوره‌ای آوردند و قرآن را جمع‌آوری کردند و آیاتی را که دلالت داشتند به افعال قبیحه ایشان که بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله از ایشان صادر گردید می‌بینی از این جهت

این آیات به هم دیگر غیر مربوط می‌بینی و قرآنی که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام آن را جمع نمود الان نزد حضرت صاحب الزمان علیه السلام محفوظ است و اما این قرآن که نزد ماست در صحت آن و در اینکه کلام خداست شکی نیست. و اما این روز جمعه نیمه ماه بود و ناگاه صدای هرج و مرج از بیرون مسجد بگوشم رسید به سید گفتم که این چه صدایی است که می‌شنویم او گفت که در هر روز جمعه که به نیمه ماه افتد امراء لشکر ماسوار براسب شده منتظر فرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله می‌باشند، پس برای تماشا کردن از آنها از سید اجازه گرفتم بیرون رفتم جمع کثیری از مردم را دیدم که تسبیح و تهلیل و حمد خدا می‌کنند و از خدای متعال فرج امام قائم حضرت مهدی علیه السلام را مستلت می‌نمایند بعد از آن به مسجد برگشتم سید گفت لشکر را دیدی گفتم بلی پرسید آیا امراء لشکر را شماره کردی گفتم خیر گفت عدد ایشان سیصد نفر است سیزده نفر باقی است خداوند تعالی فرج ولی خود را زودتر گرداند بدرستی که خداوند جواد و کریم و بخشنده است و مهربان. سؤال کردم ای سید من. کی فرج خواهد شد گفت ای برادر علم این امر نیست مگر در نزد خداوند و متعلقست به مشیت او بسا که امام صاحب الامر علیه السلام خودشان هم آن وقت را نمی‌داند بلکه برای این امر پاره‌ای علامت است که به ظهورشان دلالت می‌کند از جمله آن نطق و صحبت کردن ذوالفقار است به نوعی که از غلافش بیرون می‌آید و به زمان عربی فصیح صحبت می‌کند که یا ولی الله برخیز با نام خدا و دشمنان او را بکش و از جمله آنها سه صداست که خلائق آنها را می‌شنوند صدای او اینست که ای جماعت مؤمنان قیام نزدیک شده است. دوّم آنکه آگاه باشید لعنت خداوند بر کسانی که در حق آل محمد صلی الله علیه و آله ستم نمودند سوم آنکه بدنی را در روی جرم آفتاب دیده می‌شود که می‌گوید خدای تعالی مهدی صاحب الامر علیه السلام محمد بن حسن

العسکری علیه السلام را مأمور نمود امر الهی و نهی الهی از جانب او را بشنوید و اطاعت کنید گفتم ای سید من مشایخ ما احادیث چندی از حضرت صاحب الامر علیه السلام بما روایت نموده‌اند که آن حضرت در وقتی که به غیبت کبری خبر داد فرمود هر که بعد از غیبت من ادعای دیدن نماید هر آینه دروغ گفته پس بنابراین در میان شما چگونه پیدا می‌شود کسانی که آن حضرت را می‌بینند گفت راست گفتمی بدرستی که آن حضرت این سخن را فرموده مگر به سبب بسیاری دشمنانش که تعدادی از ایشان از اهل بیت خود او و پاره‌ای دیگر از فرعون کیشان از ظالمان بنی عباس بودند و شدت تقیه به طوری بوده که در آن زمان شیعیان بعضی بعضی دیگر را از ذکر آن حضرت منع می‌کردند و در حالی که این زمان مدّت غیبتش طولانی شده و دشمنان از دست یافتن بر او ناامید گردیده‌اند و بلاد ما از ایشان و ظلمشان دور است. و از برکت آن حضرت احدی از دشمنان قدرت ندارند که به این سرزمین برسند گفتم ای سید من علماء شیعه از آن حضرت روایت نموده که او خمس را برای شیعیان فقیر و سادات محتاج قرار داده است آیا این حدیث از آن حضرت روایت شده گفت آری شیعیان را که از اولاد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام باشند اجازه فرموده که خمس را برای مستحقین از خودشان صرف نمایند بعد از آن سید جلیل‌القدر گفتند که آن حضرت در میان رُکن و مقام در مکه معظمه در سال و تر خروج می‌کند یعنی در سالی که جفت نباشد مانند یکم و سوم یا پنجم یا هفتم پس باید مؤمنان منتظر باشند گفتم ای سید من آرزو دارم که در همسایگی شما باشم تا وقتی که خدای تعالی اذن فرج بفرماید ایشان در جواب گفتند ای برادر بدان که در خصوص مراجعت تو بسوی وطن خویش حکمی پیش‌تر از این به من رسیده و برای من ممکن نیست که با آن حکم مخالفت کنم تو هم از مخالفت با آن حذر کن زیرا که تو صاحب عیالی و مدّتی است که از ایشان دور

افتاده‌ایی و برای تو جایز نیست که بیشتر از این از ایشان دور باشی پس از استماع این سخنان متأثر شدم و گریستم و گفتم ای سید آیا جایز است به اینکه در خصوص این امر به خدمت آن حضرت رجوع نمایی بلکه مرا اجازه بفرمایند که در اینجا بمانم گفت ممکن نیست گفتم آیا مرا اجازه می‌دهید که هر چه در اینجا دیدم و یا شنیدم و یا فرمودی نقل نمایم گفت عیبی ندارد که برای مؤمنین نقل نمایی تا دل‌هایشان اطمینان بهم رسانند گفتم آیا ممکن است که نگاه کردن به جمال آن حضرت گفت نه ولیکن ای برادر بدان که هر مؤمن مخلص را ممکن است که آن حضرت را ببیند به طریقی که او را نشناسد گفتم ای سید من منم از جمله بندگان صاحب اخلاص اویم و لیکن تا حال او را ندیده‌ام گفت چنین نیست که می‌گویی بلکه دو مرتبه جمال ماه تابش را دیده‌ای یکی این بود وقتی که برای زیارت به سامرا آمدی رفقای تو از پیش افتادند و تو تنها ماندی تا اینکه به کنار جویباری رسیدی که آب نداشت در آنوقت سواره‌ای که به اسب سفید سوار شده بود نزد تو حاضر گردید و در دستش تیزه‌ای بود وقتی که او را دیدی ترسیدی وقتی که جلو آمد به تو گفت نترس و بسوی رفیقان خود برو دوستان تو در زیر آن درختان منتظرت هستند همین طوری که آن سید جلیل‌القدر تعریف می‌نمود به یادم افتاد به او گفتم واقع همین‌طور است که می‌فرمایی و آن سید گفت و اما دیدار دوم آن است که وقتی که از دمشق با شیخ آندلسی که استاد تو بود به عزم مصر حرکت نمودی و از قافله عقب ماندی آن سواره که پیشانی اسبش سفید بود بسر راه تو آمد و گفتند که مترس و حراس نکن و برو به آن دهی که در دست راست می‌بینی و امشب را پیش اهل آنجا و نزد آن اهالی بمان و از ایشان تقیه نکن که همگی شیعه اثنی عشری هستند و فردا برایت فرج می‌شود تو رفتی و آنها احترام و اکرام نمودند و بعد به شیخ آندلسی رسیدی و

ادامه سفر نمودی آیا این چنین است گفتم بلی. سید گفت آن بزرگوار حضرت صاحب الامر علیه السلام بودند که دیدی گفتم آیا ای سید امام همه ساله حج بهجا می آورند سید گفت یابن فاضل همه دنیا در زیر قدم امام علیه السلام یک گام است پس چگونه می شود که سیر دنیا بر ایشان سخت باشد نسبت به کسی که وجود دنیا و بقای آن به سبب وجود او و پدران عالی مقام و امام بعد از امام و معصوم بعد از معصوم بوده باشد. آری در همه سال حج می فرماید و پدران خود را در مدینه منوره نجف کربلا و سامرا و طوس زیارت می نماید و باین سرزمین ما بر می گردند بعد از آن سید مرا به مراجعت نمودن به سمت عراق ترغیب نمود و پنج درهم از سکه هایش که نقش روی آن این عبارت بود:

(لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله محمد بن الحسن قائم بامر الله)  
به من عطا فرمود آنها را برای تبرک در پیش خود نگاه داشتیم. بعد از آن مرا با آن کشتی که آمده بودم روانه نمود تا اینکه پس از چند روز رسیدیم به آن سرزمین که ابتدای آن شهر شهری بود از شهرهای بربر که در وقت سفر کردن از دمشق بمصر به آن جا رسیده بودم. و سید قدری گندم و جو به من عطا فرموده بود که آن را در آن شهر به صد و چهل دینار طلا فروختم و از آنجا با وجه آن به حج مشرف شدم و بعد از حج به عراق به نزد عیال و اولادانم مراجعت نمودم.  
راوی می گوید این بود قضیه عالم زاهد عابد شیخ صالح متقی علی بن فاضل مازندرانی که خوشا به حالش باد.

اللهم ارزقنا به رويته صاحب الامام العصر والزمان عليه السلام

حدیث ۲۳ - در کتاب بحار الانوار مرحوم مجلسی (ره) نقل شده

که شبی سید امیر علامی در نجف اشرف مشاهده نمود که شخصی به سمت روضه مقدسه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می آید که ناگاه درب روضه مقدسه و

درب حرم مطهر برای او باز شد به سمت او رفتم وقتی که به او نزدیک شدم دیدم که استاد، علامه ملا احمد اردبیلی است خود را از او پنهان نمودم تا اینکه بنزدیکی درب روضه مقدسه رسیدم آنگاه شنیدم که او با کسی تکلم می‌کند مقداری بعد او از حرم مطهر بیرون آمد و درب بسته شد به دنبال او حرکت نمودم او به سمت کوفه حرکت نمود تا به مسجد کوفه رسید درب برایش باز شد داخل شد به محراب شهادت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام رسید در آنجا زمان طویلی درنگ نمود بعد به سمت نجف اشرف حرکت نمود من هم در پشت سرش حرکت می‌کردم ناگاه سرفه‌ام گرفت بطوریکه نتوانستم خود را نگه دارم ناگاه ملاحظه برگشت و متوجه وجود من شد و مرا شناخت و فرمود آیا تو سید امیرعلامی هستی گفتم بلی گفت اینجا چه می‌کنی گفتم همه چیز از حرم تا مسجد را دیدم برایم بگوئید ماجرا چیست؟ و او را قسم به صاحب قبر مطهر دادم او گفت شرط من این است تا زنده هستم با احدی حرفی نزنم قبول کردم وقتی که از من مطمئن گردید گفت که بعضی مسائل برای من مشکل گردید در آنها فکر می‌کردم ناگاه بدلم افتاد که به خدمت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بروم و از او بپرسم بدر روضه مقدسه رفتم بدون کلید برایم باز شد پس داخل حرم مطهر شدم به درگاه خداوند متعال تضرع و زاری نمودم برای اینکه حضرتش جوابم دهد و حل مشکلم نماید در آنحال از قبر مطهر صدایی شنیدم که برو به مسجد کوفه آنها را از (قائم علیه السلام) که مراد حضرت ولی عصر امام زمان (علیه السلام) است. بپرس زیرا که او امام زمان تُست پس آمدم در نزد محراب شهادت حضرت مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن مسائل را از «قائم آل محمد» حضرت صاحب الامر علیه السلام پرسیدم و جواب شنیدم و الان می‌بینی که به خانه خود بر می‌گردم.

حدیث ۲۴ - شیخ نعمایی در کتاب غیبت روایت نموده از علاء ابن سبابه از



حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام که فرمود کسی که فوت شود از شما که منتظر فرج و ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام بوده باشد مانند کسی است که در خیمه‌ای باشد که آن حضرت در خیمه تشریف داشته باشد یعنی جلیس و صدیق حضرت است و در خدمت آن بزرگوار باشد.

حدیث ۲۵ - از امام هشتم حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده (افضل اعمال امت من انتظار فرج قائم علیه السلام) است مراد انتظار وجود مبارک حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه است.

حدیث ۲۶ - دیگر از تکالیف در دوران غیبت دعا کردن برای حفظ وجود شریف آن حضرت است از شرور شیاطین انس و جن و طلب تعجیل نصرت و ظفر و غلبه بر کفار و ملحدین است.

مرحوم سید رضی الدین علی ابن طاووس قدس سره فرموده است از جمله روایات روایتی که ابی قره در کتاب خود از صالحین نقل است که فرموده خصوصاً در شب بیست و یکم و بیست و سوم رمضان و در تمام سال شب‌های جمعه و اگر نشد در هر حال که باشی چه در روز و چه در شب بخوانید این پنج دعای مخصوصه را و بعد از تمجید کردن و تمجید نمودن یعنی حمد خداوند تعالی و صلوات بر پیغمبر حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله شاکر و شکر کننده این نعمت بزرگ الهی شوید و بگوئید این دعای عظیم و مهم را.

### دعای اول

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْقَائِمُ بِأَمْرِكَ الْحَجَّةُ ابْنُ الْحَسَنِ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ وَعَلَى آيَاتِهِ أَفْضَلُ الصَّلَوَاتِ وَالسَّلَامِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَوَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَمُوَيْدًا وَعَيْنًا حَتَّى تَسْكُنَهُ أَرْضُكَ طَوْعًا وَتَمْتَعَهُ فِيهَا طَوِيلًا وَ

تجعلہ و ذریئہ من الائمہ الوارثین.

دعای دوّم

اللّٰهُم اظهر به دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفى بشيء من الحق مخافة احد من الخلق.

دعای سوّم

اللّٰهُم انى ارغب اليك فى دولة كريمه تعزبها الاسلام و اهله و تذل به النفاق و اهله و تجعلنا فيها من الدعاء الى طاعتك و القادة الى سبيلك و آتنا فى الدنيا حسنة و فى الاخره حسنه و قناعذاب النار.

دعای چهارم

واجمع لناخير الدارين و اقض عنا جميع ماتحب فيها و اجعل لنا فى ذلك الخيره برحمتك و منك فى عاقبه آمين يا رب العالمين.

دعای پنجم

وزدنا من فضلك و يدك الملاء فان كل معط ينقص من ملكه و عطائك يزيّد فى ملك.

و ديگر از تکالیف شیعیان صدقه دادن برای سلامت بودن آن حضرت است. چون صدقه دادن اشخاص یا برای خود یا نزدیکترین اشخاص به خود مثل اولاد یا زن یا پدر و مادر و امثال آن است البته وجود شخصی که عالم و مافی العالم از نازنین وجود آن خورشید عالم تاب استفاده می کنند و واسطه بین خالق و مخلوق است آحق و اولی است که برای حفظ آن وجود شریف صدقه بدهی و از حضرت احدیت سلامتشان را طلب نمایی.

حکایت اذیت و شرارت مصطفی الجمود در سامراء

حدیث ۲۷ - در کتاب شریف بحار الانوار نقل می فرماید مردی بود در سامرا

به نام مصطفی الجمود که سنی مذهب و شاید ناصبی بوده و او جزء خدمه آستانه مبارکه عسکرین علیهم السلام و غالب اوقات در سرداب مطهر بوده و مانع از زیارت زوار می شده و آنان را بسیار اذیت و آزار می کرده و یا در بین زیارت آنها برای دیگران زیارتنامه غلط می خواند و اگر زواری حالی در عبادت و زیارت داشت مانع حال آنها می شد اجمالاً کارهایی می کرد که همگی زوار آزرده خاطر بودند.

شبی حضرت حجه ابن الحسن العسکری امام عصر علیه السلام را در خواب دید حضرت فرمودند تا چه زمان زوار مرا اذیت می کنی و نمی گذاری آنها زیارت کنند تو را چکار به کار آنها که بعضی را داخل حرم می نمایی و بعضی را خارج می نمایی و از آنها که فارسی زبانند غلطگیری می نمایی بگذار آنان به حال خودشان باشند مصطفی الجمود از خواب بیدار شد دید دوتا گوش او هر دو کر شدند و ابداً چیزی نمی شنوند و دیگر زوار از شر او راحت شدند و تا زنده بود گوش او کر بود و خوب نشد تا از دنیا رفت.

حدیث ۲۸ - شیخ صدوق ره در کتاب مهم کمال الدین نقل نموده است که بابی از دین و شریعت ائمه اطهار علیهم السلام آن است که ایمان و ولایت و ورع و عفت و خدمت به مردم و (انتظار داشتن فرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله مهدی موعود علیه السلام است.)

حدیث ۲۹ - قُطب راوندی در کتاب خرایج روایت کرده که ابومحمد و علجی دو پسر داشت یکی صالح و صحیح العمل و دیگری غیر صالح و فاسق یک نفر از شیعیان مقدار وجهی داد که از طرف حضرت صاحب الامر علیه السلام نیابت حج نماید او و جه را به آن پسر فاسق داد و پسر را همراه خودش به سفر مکه معظمه برد زمان مراجعت از حج نقل کرد که در موقف عرفات جوان گندم گونی نیکو هیئت و نورانی را دیدم که مشغول تضرع و ابتهال و دعا بود چون نزدیک او رسیدم

بسوی من التفات نمود و فرمود ای شیخ حیا نمی‌کنی عرض کردم از چه حیا کنم من چه کرده‌ام فرمود بتو نیابت حج می‌دهند از برای آن کسی که میدانی و تو آن وجه را به پسر فاسقت می‌دهی نزدیک است که این چشم تو کور گردد گفت پس از برگشت از حج به همان چشم که اشاره نموده بودند کور شد و چشم ضایع گردید.

حدیث ۳۰ - شیخ نعمایی در کتاب غیبت نقل نموده که حضرت امام صادق علیه السلام فرموده باشد به درستی که از برای صاحب این امر غیبتی است که دوستان و شیعیان که باین وجود قائلند مانند کسان باشند که بدست خود خارو تیغ درخت خاردار را بتراشد تا هموار گردد کنایه به اینکه دین‌داری و نگهداری ایمان در آخرالزمان به این مقدار سخت و دشوار است.

حدیث ۳۱ - در کتاب وظیفه شیعیان در زمان غیبت از حضرت امام صادق علیه السلام نقل است که فرموده باشد از تکالیف لازمه در آخرالزمان انتظار فرج است که دعا شود بر اینکه هر چه زودتر خداوند فرج (آل محمد صلی الله علیه و آله) حضرت مهدی علیه السلام را نزدیک فرماید و سلطنت ظاهره حضرت مهدی آل محمد صلوات اله را برقرار و مستقر گردانیده زمین را پر از عدل و داد فرماید.

و چنین وعده را خداوند به تمام پیغمبران و امم صالحه داده است روزی خواهد آمد که جز خدای تعالی کسی را پرستش نکنند و چیزی از دین در پرده حجاب و خفاء باقی نخواهد ماند چنانچه در زیارت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله آمده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام على المهدي الذي وعد الله به الامم ان يجمع به الكلم و يلم به الشعث  
و يملأ به الارض عدلاً و قسطاً و ينجز به وعد المؤمنين.

سلام بر مهدی آن چنانکه وعده داده خداوند به او و جمیع اُمتها را که جمع کند بوجود او کلمه‌ها را یعنی اختلاف را از بین ببرد و تمامی ادیان شود و پراکندگی‌ها را از بین ببرد و او زمین را از عدل و داد و نور منور نماید به سبب او وعده‌ای را که به مؤمنین داده شده است.

حدیث ۳۲ - سعدابن عبدالله اشعری روایت نموده‌است روزی یکی از مخالفان به من رسید از من پرسید که چه می‌گویی در باره‌ی خلیفه اولی و دومی ایشان طوعاً و با رغبت ایمان آوردند یا به اجبار و ترس یا به کراهت با خود گفتم که اگر بگویم از روی اجبار در آن زمان ابتداء اسلام بوده و اجباری در پیش نبوده و اگر بگویم بالطوع و الرغبة و الاختیار ایمان آوردند که این یکی از ادله‌ی صحت عمل آنهاست که من خود اقرار نمودم و حال آنکه مفسد صدر اسلام آنچه بوده و هرچه بوده از آنها سرچشمه گرفته است از جواب طفره رفتم و در همان روز متوجه به خانه احمدابن اسحاق شدم تا از او جواب این مشکل را بشنوم همین که درب منزل او رسیدم گفتند: خیلی زمان نیست که او به طرف سرمن رأی (سامرا) رفته من هم با مرکب خود به طرف سامراء حرکت نمودم در بین راه به ایشان رسیدم از من سؤال کرد که چه قصدی از این مسافرت داری و کدام شهر را قصد کردی گفتم چهل مسئله دارم و همگی مشکل و قصد زیارت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را دارم و می‌خواهم به خدمت ایشان برسیم پس شیخ احمدابن اسحاق بسیار خوشحال شد و گفت الحمدلله رفیق و همسفر خوبی برایم فراهم آمد و با هم بودیم تا به سامرا رسیدیم و در کاروانسرای هر کدام حجره‌ای گرفتیم بعد از غسل نمودن و زیارت قبر مطهر امام دهم متوجه محضر مبارک حضرت امام حسن عسکری علیه السلام گردیدیم در اثنای راه احمدبن اسحاق انبانی از بازار خرید و بعضی از اسباب که جهت هدیه به آن حضرت داشت در آن نهاده و بر دوش

گرفت تا به منزل آن سرور رسیدیم و بعد از اجازه و رخصت وارد منزل و مُشرف به محضر مبارک آن حضرت گردیده و حضرت عسکری علیه السلام در قسمتی نشستند و در جانب راست او طفلی مثل ماه شب چهاردهم به کمال زیبایی و نورانیت و وقار تمام نشسته بودند. سلام کردیم و با کمال ملاحظت جواب فرمودند و احترام و اکرام نمودند و اشاره کردند که به نزدیک خود و ما آنجا نشستیم احمدابن اسحق انبان را در پیش خود به زمین نهاد و در آن حین امام عسکری علیه السلام مکتوبی طویل الذیل که بعضی از بلاد برای استفتاء یعنی (سؤال و جواب) ارسال شده بود در دست داشتند و یک یک از مسائل و مُشکلاتی که بر آن صحیفه بود می خواندند و در زیر آنها جواب مرقوم می فرمودند. پس آن طفل بزرگوار متوجه احمدابن اسحق شد فرمود این انبان که در پیش روی داری تُحف دوستان ماست که برای ما فرستاده اند احمد گفت بلی یا سیدی پس فرمود اینها صلاحیت آن ندارند که ما در آن تصرف کنیم زیرا که در این هدایا حلال و حرام ممزوج است.

پس امام حسن عسکری علیه السلام متوجه آن طفل شدند و فرمودند حق تعالی ترا الهام داده و میزان حلال و حرام را میدانی در میانش حکم کن پس احمدابن اسحق از انبان همیانی درآورده پیش روی حضرت مهدی علیه السلام گذارد حضرت فرمودند که این همیان را از فلان دیار فلان ابن فلان فرستاده و این مبلغ را از بهای گندم تهیه نموده اما در حین تقسیم به زارعان و رعیت ظلم نموده مقدارش این و آن صفاتش چنان و چنین و کاغذی در میان همین همیان است مقدار مبالغ و دنانیر در آن نوشته شده و صاحب این مبلغ از مقدار وجه آن مطلع است.

و سه دینار در این همیان است که از بقیه پولها ممتاز و نیکوتر است. یکی

مضروب بلده آمل است و دیگری غیر مسکوک است و دیگری بطریق غرامت و تاوان است که از مردی بافنده گرفته و ریسمانی جهت بافتن به او داده بودند و آن ریسمان را دزد از خانه برده است.

این دینار را در غرامت ریسمان از آن نساج گرفته‌اند چون احمد بن اسحق این سخن بشنید آن انبان و کیسه را برداشته و کیسه دیگری پیش کشید آن سرور او را نیز رد نمود و علت قبول نکردن آن را هم بیان فرمودند. بعد از آن به جانب احمد ملتفت شده و فرمودند این انبان را به کیسه خود بگذار زمان مراجعت بدیار خود هر یک را به صاحبش برسان و آن جامعه که آن پیرزن صالحه بدست خود ریسمان او را رشته و بافته به نزد ما بیاور که آن قبول است.

احمد برخواسته عرض کرد در منزل است الساعه می‌روم و می‌آورم. و احمد از مجلس بیرون رفت.

پس حضرت امام حسن عسکری علیه السلام التفات به جانب من نمود و فرمود که آن چهل مسئله که بر تو مشکل است از فرزندم سؤال کن تا جواب کافی بشنوی. آن آقازاده روی به من فرمود و گفت اول آن مسئله که بر تو مشکل شده بود در باب ایمان آوردن ابابکر و عمر بوده آیا ایشان از روی رغبت ایمان آورده‌اند و یا از روی خوف و ترس اسلام قبول نموده‌اند.

فرمودند یقین بدان از روی ترس و اکراه بوده و از روی رغبت و شعف نبوده بلکه از راه طمع اظهار اسلام نمودند و اظهار ارادت به حضرت سیدالانام محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله را نمودند زیرا که علماء یهود و نصارا متواتراً نقل کردند که (پیامبری به نام محمد صلی الله علیه و آله) نام ظاهر خواهد شد که شریعت او ناسخ تمام شرایع ملل سابقه خواهد بود و مالک شرف و عزت خواهد شد و تابعین او تا زمان انقراض عالم بمانند و بعضی دیگر از اهل کتاب گفتند که شریعت حضرت

محمد ﷺ باعث این است که مالک تمامی ربع مسکون ارض گردد و جمیع اهل ارض مطیع و منقاد آن حضرت شوند.

و چون این سخنان را از کتب و رهبانان استماع نمودند برای طمع در ریاست و حکومت و محبت دنیا ایمان آوردند.

و با یکدیگر پیش از بعثت گفتند که محمد ﷺ در زمان ما ظاهر شود و دعوی پیغمبری نماید چون ما در ایمان آوردن به او سبقت داشته باشیم هر آینه ما با خدمت به او قرب بیشتری از دیگران به ایشان داشته باشیم و برای این جهت اول کسی که به رتبه امارت و خلافت برسد ما باشیم.

چون سرور کاینات مبعوث گردیدند ایشان بقرارداد خود عمل نمودند و ایمان آوردند و چون مدتی بگذشت دیدند از امارت و ریاست و خلافت برای آنان خبری نیست در ایمان آوردن خود به نهایت پشیمان و نادم گشته گفتند ما از اقوام و عشیره خود جدا گشته و اهانت و خواری بی شماری کشیده‌ایم و آنچه ما اندیشه و قصد داشتیم که جامه عمل نپوشید مصلحت آن است که در موقع مناسب پیامبر حضرت محمد ﷺ را بکشیم و در میان قریش بگوئیم که اظهار اسلام ما به سبب آن بود که به این طریق قصه را خاتمه بدهیم. پس با جمعی از منافقان اتفاق کردند که هرگاه دست یابد این عمل را انجام دهند و حضرتش را به قتل برسانند تا اینکه در (لیلة العقبه) جمعی بر این امر شنیع مصمم شدند و گفتند ما بر سر راه محمد (ﷺ) پنهان می‌شویم و چون آن حضرت به محل عقبه می‌رسد از کمین گاه بیرون آمده او را از شتر پائین کوه می‌اندازیم تا در میان قریش ما بعد از این اعتبار تمام پیدا نمائیم. جبرئیل امین قضیه توطئه و تمهید و مکر شیطانی و افکار باطل این جماعت نادان را به حضرتش انتقال داد پس آن حضرت تمام اصحاب را احضار نمودند و فرمودند باید پیش از من کسی جلو



نرود و سبقت بر من نگیرد چون منافقان از صعود عقبه ممنوع شدند با یکدیگر گفتند که دورتر از راه در محلی مرتفع پنهان شویم که کسی ما را نبیند و چند بشکه چوبی بزرگ را به هم بسته از آن بلندی سرازیر در جاده نموده شتران حضرتش قطعاً رَم نموده و آن حضرت از پشت به جانب سرازیری پرتاب شود و مقصود ما حاصل می‌گردد پس در حین عبور حضرت سید المرسلین محمدابن عبدالله علیه السلام که حرکت می‌فرمودند صدای بشکه‌ها که آمد حضرتش از جای خود حرکت نمودند و به شتران و ناقه‌ها اشاره فرمودند که ساکن باشید شتران بزانو در آمدند جبرئیل امین دست آن حضرت را گرفت و ایشان را محافظت فرمود و در آن حال ستاره‌ای بیرون آمد و جمیع منافقان رُسوا شدند و از محلی که پنهان گردیده بودند ظاهر شدند و بعد از این واقعه‌ی شنیع، حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله با آن جماعت نادان مدارا می‌نمودند و بدین جهت هلاک شدن عثمان - طلحه و زبیر نیز به طمع حکومت بوده و بعد از حضرت هم اغوای عایشه و متابعت نمودن از شاه ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام رویگردان شدند و به محاربه با حضرتش بودند و عایشه هم بنا بر عدوات و دشمنی‌های موروثی و کینه با شاه ولایت حضرت علی علیه السلام جمعی از اهل کفر و نفاق را با خود متفق و متحد ساخته و به مقابله با امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرداخت. لعنة الله على القوم الظالمين آمین

یارب العالمین

سعدابن عبدالله اشعری گوید چون سخنان معجزه بیان حضرت صاحب الامر مهدی موعود علیه السلام را شنیدم دویدم دست و پای حضرتش را بوسیدم. یک یک مسائل مشکله را جواب فرمودند و قصد بیرون آمدن از محضرشان را نمودم که احمدابن اسحق هم خواست که حرکت نماید حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند ای احمد از فرزندم کفنی برای خود طلب کن که بزودی رشته عمر تو

گسیخته خواهد شد و برحمت الهی و اصل خواهی شد. پس احمدابن اسحاق از حضرت صاحب الامر علیه السلام کفنی طلب نمود حضرتش فرمودند که در وقت احتیاج بتو از جانب ما کفنی خواهد رسید و احمدابن اسحاق به وطن نرسیده مریض شد و به تبی سخت مبتلا گشت و پس از چند روزی به رحمت خداوند واصل گردید سعدابن عبدالله می گوید من از اول شب نزد او بودم اثری از موت در وی مشاهده نکردم چون شب قریب به یک ثلث گذشت دیدم دو مرد آمدند و به من تسلیت گفتند و اشاره نمودند.

(اجرک الله فی موت احمدابن اسحاق)

پس گفتند ما او را غسل و کفن می نمائیم و کفن او را از محضر مبارک حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه آوردیم. بیا تا باهم کمک کرده بعد به او نماز گذاریم و پس از اداء نماز میت در خلوت او را دفن کنیم و به کمک آنها شتافتم پس از غسل و کفن به بدن او نماز خواندیم و او را دفن نمودیم.

مؤلف: خوشابه حال این گونه افرادی که حیات و ممات آنها با نظر و عنایت کریمانه وجود مقدس حضرتش بوده انشاءالله ما هم به این گونه افتخار نائل شویم. آمین رب العالمین.

حدیث ۳۳ - حکایت قاسم ابن علاء که با حضرت ولی الله الاعظم علیه السلام رابطه مستقیم داشته است.

سیدابن طاووس رحمة الله علیه در کتاب فرج المهموم از حسن صفوانی نقل می کند که در آران آذربایجان شخصی به نام قاسم ابن علاء بوده که از نظر علم و زهد و تقوی همتا نداشته به علاوه رابطه نزدیک و مستقیمی با امام عصر علیه السلام داشته است. لذا حسن صفوانی به دیدن قاسم ابن علاء می رود و پس از کسب اجازه حضورش مشرف می شود. قاسم ابن علاء در آن زمان یکصد و هفده ساله

بوده و از هر دو چشم نابینا بوده و از خانه بیرون نمی‌رفته مگر برای ضرورت و حدود بیست و پنج سال از نعمت چشم بهره نداشته و ضعف جسمانی هم باعث بوده که خانه نشین شود و نوعاً دائم الذکر و مشغول عبادت بوده حضورش عرض نمودم من حسن صفوانی و از اولادهای صفوان جَمال که از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام و موسی ابن جعفر علیه السلام بودند هستم چون نسبت مرا به صفوان جمال شنید از جا برخاست و بسیار احترام کرد عرض نمودم به خدمتش که من از راه دور حضور شما مشرف شدم برای اینکه شنیده‌ام شما با آقای من صاحب العصر و الزمان حضرت ولی عصر روحی له الفداه رابطه دارید خواستم بعضی از اسرار و مطالبی که از آنجناب شنیده‌اید برای من نقل نمائید دیدم که آن مرد بزرگ آه کشید و فرمود: آری بین من و آقایم رابطه بود ولی قریب به چهل روز است اصلاً دیگر آنجناب از من احوالی نپرسیده‌اند و نامه برای من و پیغامی نفرستاده‌اند در این مابین صدای درزدنی آمد معلوم شد قاصدی از ناحیه آقا آمده قاسم ابن علاء صورتش شکفته شد و گفت الحمدالله که آقایم مرا فراموش نکرده‌اند به خادمشان گفتند قاصد را داخل اطاق کن و پس از دقیقه‌ای شخص کوتاه قدی که آثار سجده در جبین او ظاهر و نور از صورتش متصاعد بود وارد شد و خُرجین کوچکی بردوش داشت خُرجین را بروی زمین گذاشت و سلام کرد و گفت ای قاسم بن علاء آقایت به تو سلام می‌رساند و پنج جامه (لباس) از برای شما فرستاده‌اند و خرجین را گشود و پنج جامه سفید در آورده و جلوی روی قاسم ابن علاء گذاشت که یکی از آنها قطیفه بود و پاکتی سربه مهر هم از جیب در آورد و فرمود این نامه را هم آقا فرستاده‌اند قاسم ابن علاء نامه را گرفت بوسید و بردیدگان خود گذاشت و قاصد با کسب اجازه از نزد قاسم ابن علاء بیرون رفت قاسم امر کرد تا بیرون حیاط از او مُشایعت نمایند سپس صدا زد خادم خود

را و فرمود نامه آقایم را از برایم قرائت کن خادم نامه را گشود و شروع کرد بخواندن نامه بعد از بسم الله الرحمن الرحيم مرقوم فرموده بودند قاسم ابن علاء هفت روز پس از رسیدن نامه به تو چشمهایت روشن می شود و پس از سی و سه روز که دیده هایت روشن گردید اجلت میرسد از دنیا می روی و من پنج پارچه کفن از برایت فرستادم قاسم ابن علاء بسیار خوشحال گردیده و عرض نمود آقایم مژده ای که از جانب شما به علاوه کفن از ناحیه مقدس شما برایم بسیار با مسرت است و استقبال می کنم و سپس قاسم ابن علاء گفت بروید و قاضی شهر را بیاورید عرض کردند او شخصی عصبانی و سنی مذهب است چکار به او دارید که موجبات ناراحتی خود را فراهم می کنید فرمود کار لازمی با او دارم رفتند و او را بنزد قاسم ابن علاء آوردند قاسم امر کرد تا قبل از ورود به حیاط از او استقبال نمایند وقتی قاضی شهر به اتاق قاسم ابن علاء آمد. قاسم ابن علاء به او فرمودند من راجع به ولایت علی علیه السلام و اولاده المعصومین آن حضرت با تو مباحثه های زیادی نموده ام و اکنون به توسط آقایم امام عصر حجة ابن الحسن علیه السلام که آخرین امام از وصی پیغمبر خاتم صلوات الله علیه می باشند و در پشت پرده از انظار غائب است نامه ای به من رسیده که در آن نامه نوشته است بعد از هفت روز دیگر چشمهایت باز و روشن می گردد و سی و سه روز بعد از آن با چشم روشن زندگی می کنی و سپس از دار دنیا می روم تو این موضوع را امام زمان علیه السلام به من خبر داده است یادداشت کن اگر دیدی به همان نحوه ای که ایشان خبر داده اند واقع شد که قطعاً هم واقع می شود، آنگاه از مرام باطلی که داری دست بردار و بدین روش حنیف مذهب اثنی عشری شیعه جعفری دوازده امامی که اول آن حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و آخر آن حضرت صاحب الزمان مهدی آل محمد صلوات الله علیهم همگی آنان از جانب خداوند امام هستند مذهب حقه شیعه را بپذیر و

اعتقاد پیدا کن و خود را از مهالک فوق العاده و سیاهی نظر که در پیش داری نجات بده و اگر دیدی آنچه آقایم خبر داده‌اند برخلاف شد در راه خویش ثابت قدم باش.

قاضی از سخنان قاسم ابن علاء برآشفست و گفت ای مرد مگر تو در قرآن نخوانده‌ای که پنج علم منحصر به خداست و احدی غیر از او نمی‌داند و دوتای از آن علوم یکی آن است که فردا به سر آدمی چه آید و دومی در چه زمینی از دنیا می‌رود. قاسم ابن علاء فرمودند چرا این آیات را خوانده‌ام و لکن معنی آیات این است که کسی بدون اطلاع خداوند خواسته باشد به این موضوعات پنج گانه اطلاع دهد و لکن ما معتقدیم که خداوند بسیاری از علوم خود را به پیغمبر اسلام حضرت ختمی مرتب اطلاع داده و از آن حضرت به اوصیاء خود خبر داده و به علاوه نیز اعتقاد داریم که از عرش الهی نوری به قلب اوصیای پیغمبر صلی الله علیه و آله متصل است که به توسط آن رشته‌ای از علوم الهی را که در آتیه چه خواهد شد اطلاع می‌دهند قاضی به حالت ساکت و بدون کلام بلند شد و بیرون رفت. چون پنج روز از زمان رسیدن نامه حضرت صاحب الامر علیه السلام گذشت قاسم ابن علاء را تبی فرا گرفت و در آتش تب می‌سوخت و دائماً اسم مبارک ائمه اطهار و پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام را به زبان می‌آورد و به آنها استغاثه می‌نمود تا آنکه صدا زد بیائید مرا بلند کنید آمدند او را بلند کردند و تکیه داد ناگاه سرفه‌ای براو عارض شد و در اثر فشار سرفه از دو گوشه چشم او آب زردی آمد و به گونه صورتش جاری شد ناگهان هر دو چشم باز شد و به اطراف نگاه می‌کرد و هر که به او وارد می‌شد و می‌شناخت نام او را می‌برد و فرمود زود بروید و از حال من به قاضی خبر دهید و بگوئید قاضی به اینجا بیاید و چون قاضی را خبر دادند بنزد قاسم آمد دید چشمهای او به خوبی می‌بینند در دست قاضی انگشتی بودنشان

داد و گفت در دست من چیست فرمود انگشتر است عرض کرد در نگین او چه نوشته است؟ فرمود سه سطر نوشته دارد و لکن چشمهای من از این فاصله خطوط را نمی بیند قاضی مبهوت مانده و ابدأ سخنی نمی گفت و آخر الامر بدون سخن از نزد قاسم ابن علاء بیرون رفت.

قاسم فرزندی داشت بنام علی که بسیار شخص فاسق و فاجری بوده او را نزد خود خوانده و به او فرمود پسر دیدی مقام امام زمانت را به همان نحوی که خبر داده بودم روز هفتم پس از بیست و چند سال کوری چشمهای من بینا شد و خبر دیگر که فوت من است در سی و سه روز دیگر هم قطعاً واقع خواهد شد دوست داشتم تو فرزند صالحی باشی تا در موقع مرگ من وصایای خویش را به تو گویم و از طرف امام عصر علیه السلام مأذون شویم تا تو را مثل خود متصدی امور وجوه و سهم مبارک حضرتش قرار دهم و لکن صد افسوس که شنیده ام تو فاسقی و اهل گناه و لیاقت آن را نداری که از طرف آقایم (امام عصر علیه السلام) منصبی بتو تفویض شود. علی صدایش بگریه بلند شد و عرض کرد آری بابا منم پشیمانم که چرا راهی را رفتم که نزد پدر و امام زمان علیه السلام خویش روسفید نباشم قاسم فرمود نورچشمم باز از رحمت الهی و عنایت امام زمان علیه السلام خویش مأیوس نباش و با حال خوش توبه کن و در این چند روزی که من زنده ام و در قید حیاتم تا می توانی توبه و استغفار کن و بدرگاه حضرت احدیت التماس کن و من هم در حق تو دعا می کنم شاید توبهات قبول شود و مورد عنایت حضرت ولی عصر علیه السلام قرارگیری علی از نزد پدر بیرون رفت و لیکن حقاً مثل آنکه عوض شده بود و در همه حال اظهار ندامت و پشیمانی می کرد و اشک می ریخت تا اینکه چند روزی از این قضیه گذشت ناگاه صدای درب خانه بلند شد و به قاسم ابن علاء گفتند. قاصد از جانب امام علیه السلام آمده است فرموده باشد زود بگوئید

تشریف بیاورد چون قاصدی که از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر علیه السلام آمد پاکتی به قاسم بن علاء داد قاسم ابن علاء روی پاکت را خودش خواند صدا زد علی نوردیده علی بیا که توبهات قبول شده و خداوند از تو گذشته و توبهات را مورد قبول قرار داده آقا امام زمان علیه السلام نظر محبتی بشما نموده و نامه را از برای تو فرستاده‌اند و نامه امام عصر علیه السلام را که به نام فرزند قاسم ابن علاء علی بود به او داد.

علی نامه را بوسید و به چشم و دیده‌گان خود گذاشت و با چشم گریان نامه را خواند و متوجه شد که حضرتش مرقوم فرموده‌اند به اینکه علی ابن قاسم من تو را به جای پدرت قاسم بن علاء برگزیده‌ام و تمام مناصب را که به او داده بودم بتو تفویض کردم.

علی ابن قاسم خشنود شد و از خشنودی می‌خواست روح از بدنش پرواز کند و قاسم او را در بر کشید و صورتش را بوسید.

فرمود: نوردیده، دلم را شاد نمودی خداوند رحمان دلت را شاد کند و چون روز چهارم از نامه اول که هفت روز فاصله تا بینایی و سی و سه روز بعد بود تمام شد روز فوت قاسم بن علاء فرارسید. او وضویی کامل ساخت و بستر خود را به سمت قبله کشید و استراحت نمود و خود را آماده نمود و زبانش را به ذکر خدای سبحان مشغول کرده و ناگاه دیدند پس از شهادت سه گانه به خداوند و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دیگر قاسم ابن علاء چیزی نگفت و به دیدار حق شتافت و از دار دنیا رفت. شهر در آن روز در موت و مرگ او یکپارچه ماتم و عزا شد بدن او را برداشتند و پس از غسل و کفن مرحمتی حضرتش، او را به خاک سپردند و لکن در تشییع جنازه او دیدند قاضی شهر از همه کس بیشتر اظهار ناراحتی و گریه می‌کند و اشک ریزان می‌گوید من اکنون

دانستم که مذهب حقه شیعه برحق و مذاهب اربعه اهل سنت حقانیت شیعه را ندارد و قاضی پس از فوت قاسم ابن علاء رحمه الله علیه یکی از دوستان خاندان رسالت و ائمه اطهار علیهم السلام گشت و مقام ارجمند و رفیعی را نائل گردید.

حدیث ۳۴ - شاگرد شیخ طوسی ره در کتاب شریف قبس المصباح و مرحوم مجلسی ره در کتاب بحار الانوار نقل نموده اند که شیخ ابو عبدالله حسین ابن حسن بن بابویه در ری در سال چهارصد و چهل هجری قمری که روایت کرد از عم بزرگوار خود ابی جعفر علی ابن بابویه رحمه الله علیه که گفته است. یکی از مشایخ جلیل القدر قم بر او غم و اندوه سختی وارد شد و باعث شد که ناراحتی بسیار زیادی را که به هیچکس هم اظهار نمی نموده در خواب دیده بود که آن را چنین بیان کرد: درحالتی که مهوم و مغموم بودم دیدم مردی خوشرویی با جامه و لباس نیکو و قیافه ای جذاب فکر کردم که ایشان از علماء و بزرگان و مشایخ قم باشند که نزد بعضی از آنان شاگردی نموده و درس می خواندم فکر می کردم و در قلب می آوردم که تاکی رنج و مشقت را تحمل کنم و به کسی اظهار نکنم خوبست به ایشان بگویم شاید فرج و کمکی شود. ناگهان آن بزرگوار ابتدا فرمود و گفت مراجعه کن و استغاثه کن به درگاه خداوند تبارک و تعالی و استعانت بجوی بصاحب الزمان امام العصر و الزمان حضرت مهدی علیه السلام و آن حضرت را مفرع و معین خود قرار بده و اوست عصمت اولیاء مؤمنین خود آنگاه دست راست مرا گرفت و به من فرمود او را زیارت کن و سلام بر او بده و سوال کن و حاجت بخواه که او تو را شفاعت فرماید و درجات نزد خداوند عزوجل بالا رود. به او گفتم به من تعلیم نما که چه کنم او فرمود بگو (لا حول و لا قوة الا بالله) و به دست مبارکش سینه مرا مسح فرمود و گفت وضویی کامل بگیر و دو رکعت نماز بخوان رکعت اول سوره مبارکه حمد و انافتحنا و رکعت دوم بعد از حمد سوره اذاجاء



نصرالله را بخوان و سلام بده و درحالی که رو به قبله باشی در زیر آسمان این زیارت مبارکه و شریفه را بخوان.

با حال و با توجه به ساحت مقدس

آن حضرت با زبان دل بخوان

با دل شکسته و با اشک و آه از حضرتش بخواهید حوائج خود و تمامی مؤمنین و مؤمنات بر آورده به خیر گردد.

**السلام علیک**

**یا**

**ابا صالح المهدی**

**عجل الله تعالی فرجه الشریف**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام الله الكامل التام الشامل العالم و صلواته الدائمة و بركاته القائمة على  
حجة الله و وليه في ارضه و بلاده و خليفته و عباده سلاله النبوه و بقيه العزة و  
الصفوه صاحب الزمان مظهر الايمان و معلن احكام القرآن. مطهر الارض و ناشر  
العدل في الطول و العرض الحجة القائم المهدي و الامام المنتظر المرضي  
الظاهر ابن الائمة الطاهرين الوصي بن الاولياء المرضيين الهادي المعصوم ابن  
الهداء المعصومين.

السلام عليك يا امام المسلمين و المؤمنين.

السلام عليك يا وارث علم النبيين و مستودع حكمة الوصيين

السلام عليك يا عصمة الدين يا ناصر الدين.

السلام عليك يا معز المؤمنين المستضعفين

السلام عليك يا مُدْل الكافرين المتكبرين الظالمين

السلام عليك يا مولاي يا صاحب الزمان يا ابن امير المؤمنين و ابن فاطمه

الزهراء سيد النساء العالمين.

السلام عليك يا ابن الائمة الحُجج على الخلق اجمعين.

السلام عليك يا مولاي سلام مخلص لك في الولاة اشهد انك الامام المهدي

قولاً و فعلاً و انك الذي تملأ الارض قسطاً و عدلاً عجل لله فرجك و سهل

مخرجك و قرب ازمانك و كثر انصارك و اعوانك و انجز لك موعدك و هو

اصدق القائلين و تُريدان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و

نجعلهم الوارثين يا مولاي حاجتي... كذا و كذا حاجت را بخواه

و حاجت خود را ذكر نماييد و بخواهيد آنچه مي خواهی. القماس دعا

گفت پس بيدار شدم و دعا و نماز را كه در نظرم بود نوشتم كه يادم نرود و

بلافاصله نصف شب عمل به آن نمودم قسم به خداوند بعد از طلوع صبح حضرتش وجود نازنین آن سرور حضرت صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَامُ شفیع شدند و از خداوند خواستند و حاجت روا شدم و فرج و گشایش در کارم شد و شکرانه باریتعالی را به جا آوردم.

حدیث ۳۵ - مرحوم شیخ طوسی در مصباح نقل فرموده هر کسی بخواهد وجود مبارک انبیاء و ائمه و یا حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را در خواب ببیند و یا اینکه میتی را از اهل اسلام در خواب ببیند این دعا را بخواند.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انت الحي الذي لا يوصف و الايمان يعرف منه منك بذات الاشياء و اليك تعود فما اقبل منها كنت مجاه و منجاء و ما ادبر منها لكم يكن له ملجاء و لا متجاهتك الا اليك فاسئلك بلا اله الا انت فاسئلك به بسم الله الرحمن الرحيم و بحق حبيبي محمد صلى الله عليه و آله وسلم سيد النبيين و بحق علي خير الوصيين و بحق فاطمه سيدة نساء العالمين و بحق الحسن و الحسين الذين جعلتها سيدي شباب اهل الجنة اجمعين (عليهما السلام) ان تُصلي على محمد و آله محمد و اهل بيته و ان تربتي ميتي في الحال التي هوف فيها فانك تراه انشاء الله.

از جمله ادعیه برای رویت انبیاء و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و والدین و خویشان است و دعای مخصوص رویت حضرت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ این است.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انى استلك يا من لطفه خفى و اياديه باسطه لا تتقضى استلك بلطفك الخفى الذى مالطفت به لعبد الاكفى ان ترينى مولاي على بن ابي طالب فى منامى.

حدیث ۳۶ - روایت از حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در کتاب بینایی و شناسایی آمده

است که آن حضرت فرموده باشد به اینکه چون درمانده و گرفتار شدی پس استغاثه کن به حضرت حجت علیه السلام (مراد وجود مقدس حضرت ولی الله الاعظم الامام العصر والزمان حضرت مهدی علیه السلام) است. که تو را در می یابد و او فریاد رس و پناه است. از برای هر کسی که به او استغاثه و درخواست حاجت و شفاعت نماید.

حدیث ۳۷ - یکی از علماء و از اوتاد در مجلس درس می فرمود صبح های جمعه با حال و با توجه و بیداری دل دعای ندبه را بخوانید و گریه کنید حتی المقدور با توسل و توجه و عنایت به وجود مقدس حضرت صاحب الامر علیه السلام با وضو و زیر آسمان اگر ممکن بود والا در هر کجا که هستید.

### بسم الله الرحمن الرحيم

(این الطالب بذحول الانبياء و ابنا الانبياء) اللهم نوره بنوره كل ظلمة و هد برکته كل بدعة و اقسم به كل جبار و اخمد بسيغه كل نار

حدیث ۳۸ - شیخ طبرسی در کتاب کنوز النجاح روایت کرده است که هر کسی که حاجتی داشته باشد توسل به حضرت صاحب الامر علیه السلام پیدا کند و بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و دو رکعت نماز بخواند به این نحو در رکعت اول بخواند سوره حمد را چون به (ایاک نعبد و ایاک نستعین) که برسد صد مرتبه آن را مکرر نماید و بعد از آنکه صد مرتبه تمام شد بقیه سوره حمد را بخواند تا آخر آن و قل هو الله احد را یک مرتبه بعد از حمد بخوان و ذکر رکوع و سجود یعنی هر دو سجده را هفت مرتبه تکرار نماید بعد رکعت دوم هم مثل رکعت اول و بعد از نماز حاجت خود را طلب کن و این دعا را بخوان که انشاء الله حاجت روا خواهی شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم إن اطعتك فالمحمدة لك و ان عصيتك فالحجة لك منك الروح و منك  
الفرج سبحان من انعم و شكر سبحان من قدر و غفر اللهم انى ان كنت عصيتك  
فانى قد اطعتك فى احب الاشياء اليك و هو الايمان بك لم اتخذلك ولداً و لم  
ادع لك شريكاً مناً منك به على لامناء منى به عليك و قد عصيتك يا الهى  
على غير وجه المكابره و الخروج عن عبوديتك ولا الجحود لربوتيك و لكن  
اطعت هواى و ازلى الشيطان فك الحجة على والبيان فان تعذبني فبذنوبى غير  
ظالم لى و ان تغفرلى و ترحمنى فانك يا جواد ويا كريم

و تا نفس کمک بکند (بگو دستها به طرف آسمان) یا کریم یا کریم

و بعد از آن بگو

يا آمناً من كل شى و كل شى منى خائف حذر اسئلك بامنك من كل شىء  
و خوف كل شىء منك أن تصلى على محمد و آل محمد وان تعطينى اماناً لنفسى  
و اهلى و ولدى و سائرما انعمت به على حتى لاخاف و لا احذر من شى ابدأ  
انك على كل شى قدير و حسبنا الله و نعم الوكيل. يا كافى ابراهيم نمرود

و يا كافى موسى فرعون. اسئلك أن تُصلى على محمد و آل محمد و ان

تكفينى شر فلان بن فلان

و به جای فلان اسم و اسم پدر آن شخصی که دشمن توست و یا ظالمی که  
به تو ضرری می‌رساند بپر و یقین بدار که حاجتت مقرون به برآوردن گردد تجربه  
شده است.

انشاء الله الرحمن

حدیث ۳۹ - شخصی متدین در کوفه از حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) نقل نموده

است. که بنا به دستور حضرت این دعا را زیاد بخوانید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ نَبِيَّكَ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ وَاهْلِي بَيْتَهُ الَّذِينَ  
اخْتَرْتَهُمْ عَلَيَّ عَلِيمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ ذَلِّلْ لِي صُعُوبَتَهَا وَاكْفِينِي سِرَهَا فَإِنَّكَ  
الْخَافِي الْمُعَافِي وَالْغَالِبُ الْقَاهِرُ

اللَّهُمَّ هَذَا دِينُكَ قَدْ أَصْبَحَ بَاكِيًا لِفَقْدِ وَلِيِّكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ  
فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِدِينِكَ اللَّهُمَّ وَهَذَا كِيَابُكَ قَدْ أَصْبَحَ بَاكِيًا لِفَقْدِ وَلِيِّكَ فَصَلِّ عَلَيَّ  
مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِكِتَابِكَ اللَّهُمَّ وَهَذِهِ عِيُونَ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ أَصْبَحَتْ  
تَاكِيدًا لِفَقْدِ وَلِيِّكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ.

حدیث ۴۰ - صلوات خاص برای وجود نازنین و مبارک حضرت

صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ

الصلوات على الإمام الحجة عجل الله تعالى فرجه الشريف

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَيَّ صَاحِبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ وَالسَّوْلَةِ الْحَيْدَرِيَّةِ  
وَالعِصْمَةِ الْفَاطِمِيَّةِ وَالْحِلْمِ الْحَسَنِيِّ وَالشُّجَاعَةِ الْحُسَيْنِيَّةِ وَالْعِبَادَةِ السَّجَّادِيَّةِ وَالْمَأْتِرِ  
الْبَاقِرِيَّةِ وَالْأَثَارِ الْجَعْفَرِيَّةِ وَالْعُلُومِ الْكَاطِمِيَّةِ وَالْحُجُجِ الرَّضْوِيَّةِ وَالْجُودِ التَّقْوِيَّةِ  
وَالنَّقَاوَةِ النَّقْوِيَّةِ وَالْهَيْبَةِ الْعَسْكَرِيَّةِ وَالغَيْبَةِ الْإِلَهِيَّةِ الْقَائِمِ بِالْحَقِّ وَالِدَّاعِي إِلَى  
الصُّدُقِ الْمَطْلُوقِ كَلِمَةِ اللَّهِ وَحُجَّةِ الْغَالِبِ بِأَمْرِ اللَّهِ وَالذَّابِّ عَنِ حَرَمِ اللَّهِ إِمَامِ السُّرِّ  
وَالْعَلَنِ دَافِعِ الْكُزْبِ وَالْمَحَنِّ صَاحِبِ الْجُودِ وَالْمِنَنِ الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْقَاسِمِ  
مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ وَخَلِيفَةِ الرَّحْمَنِ وَإِمَامِ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ  
صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الصَّلَوَاتُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الصَّالِحِ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيَّ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا

حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا أَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَي خَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

بعد از قرائت دست‌ها به طرف آسمان بلند نما و برای دعا و حاجت خواستن از خضرشان که انشاء الله برآورده خواهد شد.

باب ۱ - در کتاب صحیح مسلم «از کتب اهل سنت» در جلد سوم صفحه ۴۵۲ باب الخلافه فی قریش درباره خلافت و امامت دوازده نفر از که اول آنها علی علیه السلام و آخر آنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. این طور روایت دارد که:  
قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

لا يزال أمر الناس ماضياً ما وليهم اثني عشر رجلاً كلهم في قریش  
ترجمه: امر مردم به خیر خواهد گذشت مادام که دوازده نفر بر آنها ولایت داشته باشند که همه آنها از قریش هستند.

باب ۲ - و در کتاب ینابیع الموده: صفحه ۴۴۵ در مورد امامت روایتی دارد که  
حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند:

یکون بعدی اثني عشر خلیفه کلهم من بنی هاشم  
ترجمه حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: بعد از من دوازده نفر امام خواهند آمد که همه آنها از بنی هاشم هستند.  
باب ۳ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

يا ايها الناس اني تارك فيكم ما ان اخذتم به لن تضلوا كتاب الله وعترتي  
اهل بیتی.

این حدیث شریف را در کتاب صحیح ترمذی که یکی از بزرگترین کتب اهل سنت است بیان نموده در صفحه ۶۲۱ جلد پنجم.

ترجمه اینکه فرموده باشد رسول خدا صلى الله عليه وآله : ای مردم من در میان شما چیزی

را وامی‌گذارم که اگر تمسک به آن جوید هرگز گمراه نمی‌شوید، کتاب خداوند  
(یعنی قرآن مجید) و عترتم (اهل‌البیت علیهم‌السلام)، یعنی علی علیه‌السلام و فاطمه الزهرا علیها‌السلام و  
یازده فرزندشان که آخر آنها منجی عالم بشریت حضرت صاحب‌العصر والزمان  
امام مهدی علیه‌السلام است.

باب ۴ - امام زمان - حجت حق - امام عصر (علیه‌السلام)

ای آیت کبری خدا مطلع انوار      وی حافظ شرع نبوی مخزن اسرار  
وی واسط فیض خدادار همه اعصار      وی از تو نجوم فلکی ثابت و ستار  
وی مظهر الطاف خداوند جهان‌دار

ای آنکه محیطی تو همه کون و مکان را

وی آنکه خبیری تو همه سرو نهان را

وی آنکه دهی افسر عزت تو شهان را

وی آن که کنی پاک زنا پاک جهان را

توقامح کفاری چون حیدر کرار

ای آنکه بدرگاه خداوند جلیلی

آخر گل خوشبوی تو از نسل خلیلی

برهان حق و گوهر بی‌مثل و عدیلی

فریادرس خلق و شفا بخش علیلی

آثار ربوبیت حق از تو پدیدار

کنز خفی و گوهر مقصود تویی تو

دریای سخاوکرم وجود تویی تو

فرمانده مخلوق ز معبود تویی تو



این عالم امکان را باشی تو نگهدار تویی تو  
 ای آنکه تو خود نور سماوات و زمینی  
 ای آنکه تو خود کاشف آیات مبینی  
 در محفل خاص ازلی صدر نشینی  
 مرآت جمال حقی و رکن رکینی  
 در هر دو جهانی زخدا خسرو و سالار  
 شاهها تو سلیمانی و ما مأمور ضعیفیم  
 شاهها تو مسیحی و ما عظم رمیمیم  
 از گلشن رخسار تو مشتاق نسیمیم  
 رب آرنی گوشده مانند کلیمیم  
 از طور تجلی کن و بنمای تو رخسار  
 از دوری و حرمان تو شد طاقت ماطاق  
 پروانه صفت شمع رخت را شده مشتاق  
 ای نیراعظم فکن از غیب تو اشراق  
 تا جنت فردوس شود جمله آفاق  
 تا گلشن گیتی بشود پاک زهرخار  
 ای قطب جهان آفاق پراز جنگ  
 در سینه نفسها به مَحبان تو شد تنگ  
 آئینه شرع نبوی گشته پراز زنگ  
 مپسند که بر شیشه اسلام خورد سنگ  
 مپسند شود رأیت اسلام نگون سار

ای صاحب عصر (عج) یک نظری برضعفا کن  
 ما را زغم و غصه و اندوه رها کن  
 درد همه را بهر خداوند دوا کن  
 این ظلمت ما را تو مبدل بضیاء کن  
 بین روز بما چون شب دیجور بودتار

باب ۵ - بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم لك الحمد على ماجرى به قضائك فى اوليائك الذين استخلصتهم لنفسك  
 ودينك اللهم صل على محمد عبدك ورسولك و على على امير المؤمنين عليه  
 السلام وليك و حجتك ووصى رسولك و على الصديقه الطاهره سيدة نساء  
 العالمين و على سبطى الرحمه و امامى الهدى الحسن و الحسين و على ائمة  
 المسلمين على بن الحسين و محمد بن على و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و  
 على بن موسى و محمد بن على و على بن محمد الحسن بن على و الخلف  
 الهادى المهدي عليهم السلام اللهم صل على ولى امرك القائم المؤمل و العدل  
 المنتظر ولى الله الأعظم الامام العصر والزمان و خليفه الرحمن حضرت مهدي  
 عجل الله تعالى فرجه الشريف.

(دعا و سلامی بسیار جامع بود برای توسل به ساحت مقدسشان)

باب ۶ - در کتابی که شرح حال سالک الی الله آیت الحق مرحوم آیت الله سید  
 عبدالکریم کشمیری به تنظیم درآمده در آن آمده است که برای درک محضر امام  
 زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف خواندن زیارت سلام علی آل یاسین که در سرداب مقدسه صحن  
 مطهر حضرت عسکریین وارد است به اضافه ذکر المُسْتَفَاتِ بِكَ يَا بَنِي الْحَسَنِ  
 ۷۸۶ مرتبه در رُتبه توسل به ساحت مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف بسیار مؤثر و مفید  
 است و برای خودسازی و معرفت نفس و «معرفت رب» و سفارش اکید به مراقبه

است که مراقبه یعنی ترک مُحرمات و عمل به واجبات و در صورت توفیق عمل به مُستَحبات و زیارات خاصه از آن جمله مُهمّ زیارت جامعه، دعای کمیل، دعای ندبه، صبح جمعه و دعای سمات عصر جمعه و دعای توسل شب چهارشنبه و شب جمعه و در اوقات دیگر هم خوب است و در کتاب یاد شده دارد که ذکر یونسیه را مرحوم سیدالعارفین آیت الحق مرحوم آیت الله سید علی قاضی به مرحوم آیت الله سید عبدالکریم کشمیری تعلیم فرموده.

باب ۷ (ذکر یونسیه) - سوره انبیاء آیه مبارکه ۸۷

وَدَالْتُونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِيْنَ.

(درباره مداومت به قرائت این آیه شریفه بسیار اولیاء خدا تاکید داشته‌اند)

ترجمه: و یاد آر حال یونس علیه السلام را هنگامی که در حال خشمگین و غضبناک واقع شد و چنین پنداشت که ما او را هرگز در مضیقه نمی‌افکنیم فریاد کرد الهی خدایی بجز ذات یکتای تو نیست تو از شرک مُنْزَهِی و من از ستمکاران بر نفس خودم به حالم تَرَحُّم فرما پس ما دعای او را مُسْتَجَاب کردیم و او را از گرداب غم نجات دادیم و ما اهل ایمان را این‌گونه نجات می‌دهیم.

از مرحوم آیت الله آقای کشمیری نقل شده: مرحوم آیت الله آقای سید علی قاضی، منزوی از خلق بودند و مرتباً سجده با ذکر یونسیه را انجام می‌دادند.

باب ۸ - و این دو آیه شریفه را قبل از تکبیرة الاحرام و اقامه نماز که برای حاجت خواستن خیلی مهم است و بهترین وقت برای خواندن بین اذان و اقامه را بیان نموده‌اند.

قُلْ اِنَّ صَلَاتِيْ وَنُسُكِيْ وَمَخْيَايَ وَمَمَاتِيْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ لَشَرِيْكَ لَهُ وَاِيْذِكَ

## أَمَرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ

آیه شریفه ۱۶۲ و ۱۶۳ سوره مبارکه انعام

باب ۹ - در عرفان و مقام بندگی خداوند باریتعالی دارد که مرحوم آیت الله آقای سید عبدالکریم کشمیری رحمه الله علیه به نقل از مرحوم آقای شیخ علی زاهد که شاگرد مرحوم آقای ملاحسین قلی همدانی بوده مرحوم آیت الله آقای کشمیری از شیخ سؤال می فرماید که چیزی برای راه بندگی خداوند به من تعلیم دهید؟ در جواب می شنود که در سجدهها ذکر یونسیه را بگویید. در باب هفتم آیه شریفه را ذکر نموده ایم که از وِذَالْتُونِ تا نَجَى الْمُؤْمِنِينَ است.

باب ۱۰ - مرحوم سید رحمه الله علیه از آیت الله آقای سید علی قاضی استادشان در مورد علم کیمیا می پرسند سید می فرماید: بسیار بگویید لا حول ولا قوّة الا بالله (و درخواست از خداوند درباره روزی حلال داشته باشید)

اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّن سِوَاكَ.

باب ۱۱ - سید می گفت در مصرف سهم مبارک امام (عَلَيْهِ السَّلَامُ) خیلی باید صرف جویی نمود چون بسیار دیدم افرادی را که مبتلا به امراضی شدند و این ناشی از مصرف بیش از اندازه سهم مبارک امام و وجوه شرعیه بوده پس باید افراط و زیاده روی در مصرف نباشد و الا مشکلاتی برای مصرف کننده ایجاد می شود در دنیا و در آخرت هم بسیار کارش مشکل و غیر قابل جبران می شود. چون سهم امام مربوط به حضرت ولی عصر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) است و مصرف آن باید مورد قبول آن حضرت شود.

باب ۱۲ - درباره شب قدر در ماه مبارک رمضان ایشان فرموده اند شب نوزدهم و بیستم و بیست و یکم را و شب بیست و سوم و بیست و هفتم رمضان و شب آخر ماه و شب عید فطر را هم احیاء بگیرند و مستحبات را به جا آورند ولی شب

بیست و سوم ماه مبارک رمضان خیلی مهم است و ممکن است آن شب شب قدر باشد.

باب ۱۳ - در مورد ابن ملجم لعنة الله عليه که مُلقب به اشقی الاشقیاء است از سید سؤال نمودند ایشان فرمودند چون تقابل است و مقابل با حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که حضرت (اتقی الاتقیاء) است. (اتقی الاتقیاء) و اوست در مقابل (اشقی الاشقیاء)

باب ۱۴ - از سید العارفین آقای کشمیری سؤال نمودند که نماز بی توجه اگر چه کامل نیست آیا در صفحه اعمال درج می شود آقا فرمودند در صفحه اعمال به نحو نماز معمولی و رفع تکلیف ثبت می شود (پس باید در خواندن نماز توجه کامل نمود که نماز با حضور قلب و با توجه حساب شود).

باب ۱۵ - در باب استخاره مرحوم سید از شیخ مرتضی طالقانی اجازه استخاره گرفتند و ایشان به این سبک تعلیم فرمودند که استخاره با تسبیح که چهارتایی انجام می دادند که یکی بسیار خوب و دو تا پشیمانی دارد و سه تا خوب با زحمت و چهار تا بسیار بد و استخاره های ایشان به این سبک بوده، البته با تسبیح و با توجه و طهارت روح و جسم.

باب ۱۶ - مرحوم سید درباره دائم الوضو بودن می فرمودند روح بسیار قوی می شود و می گفتند مرحوم ملاصدرا هم همیشه دائم الوضو بوده (درباره وضو و طهارت برای عبادت و همیشگی مداومت داشتن به آن بسیار سفارش شده)

باب ۱۷ - برای کسانی که کم روزی هستند مرحوم سید فرموده اند (سوره والذاریات) را بسیار خواندن مؤثر است و (دائم الوضو بودن هم اثر برای زیاد شدن روزی دارد)

باب ۱۸ - آیه ای که برای مکاشفه باشد فرمودند که:

(أَزَفَتِ الْأَرْفَةَ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ) را بسیار خواندن مؤثر است.

(سوره مبارکه نجم، آیه شریفه ۵۷ و ۵۸).

باب ۱۹ - سید رحمة الله عليه در باب بچه دار شدن و آن کسانی که اولاد ندارند و می خواهند که خداوند به آنان اولادی مرحمت فرماید مداومت به خواندن سوره یس به قصد حامله شدن زن بسیار مؤثر است، چون (یس) پیغمبر ﷺ است و القرآن الحکیم و یس قلب قرآن است به خاطر چهارده معصوم .

باب ۲۰ - مرحوم سید (ره) فرمودند آیه شریفه (الْإِنْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ) را با

عدد معین به شرط ملازمت برای اینکه انسان محتاج خلق نشود مهم است.

بفرموده یکی از بزرگان: بعد از نماز صبح روزی صد و ده مرتبه این آیه شریفه را خواندن به قصد محتاج نشدن و فقط آدمی محتاج به رحمت خداوند باشد ذکر با تسبیح ثربت حضرت سیدالشهداء بیشتر قابل اثر است و بسیار مؤثر و مفیدست.

رو به قبله با حالت توجه و عبادت بلافاصله بعد از نماز صبح و تعقیبات. ذکر

گفته شود.

باب ۲۱ - سید جلیل القدر در این باب که اگر کسی مرض سختی داشته باشد

هر روزه سوره (والتجم) را بخواند و ثوابش را به حضرت سجاده  تقدیم کند

بسیار برای شفاء مؤثر خوب است و خداوند سبحان انشاءالله شفا عنایت

می فرماید.

باب ۲۲ - سید جلیل القدر (ره) در باب حافظه فرمودند هر روز ۲۱ مرتبه آیه

الکرسی تا هم فیها خالدون خوانده شود حافظه بسیار قوی و نورانی می شود

انشاءالله الرحمن.

باب ۲۳ - به دستور یکی از بزرگان زیاد این دعا را بخوانید خصوصاً بعد از نمازهای واجب.

بسم الله الرحمن الرحيم

الهی بأخص صفاتک وبعزجلالک وبعظماسمائک وبنور انبیائک وبعصمة اولیائک ویدماء شهدائک ویمناجات قرائک نَسئَلُکَ زیادة فی العلم و صحه فی الجسم و بَرَکة فی الرِّزْقِ وطولاً فی العمر و تَوْبَةً قبل الموت و راحتة عِنْدَ الموت و مغفرة بعدالموت و نجاة من النار و دخولاً فی الجنة و عافیة فی الدین و الدنیا و الاخره برحمتک یا ارحم الراحمین بِحَقِّ ولى الله الاعظم الامام العصر و الزمان و خلیفة الرحمن حضرت مهدی آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ التماس دعا - حاجت خود را طلب نمائید.

باب ۲۴ - مرحوم سید ره فرموده که شش آیه اول سوره حدید و چهار آیه آخر سوره خشر برای قضاء حوائج را تلاوت نمودن بسیار مؤثر و ممتاز است.

باب ۲۵ - تلاوت مداوم به خواندن سوره مبارکه «إِنَّا فَتَحْنَا» برای رفع حُجُب و گشایش صدر و فتح و باز شدن قلب و روح مؤمنین بسیار مؤثر و نافع است.

باب ۲۶ - در سفری که مرحوم سید رضوان الله علیه به اصفهان رفته بودند در قبرستان (تخت فولاد) سر قبر مرحوم بابا رکن الدین حاضر شده بودند بعداً گفتند که خواستم بفهمم که ذکر او چه بوده الهامم شد که ذکرش لاله الا الله بوده است و اضافه نمودند بابا رکن الدین روح و ریحان است و روح قوی و تزکیه شده‌ای داشته.

باب ۲۷ - سید ره گفته‌اند که برای تماس با ارواح بزرگان اهل معرفت بهترین وسیله خواندن قرآن و هدیه نمودن به روحشان است تا با ایشان رفیق و نزدیک شوید و از احوالات او با خبر شوید.

باب ۲۸ - برای تشرف و زیارت حضرت بقیه الله علیه السلام خواندن زیارت آل یاسین که در کتاب مفاتیح است و به اضافه ۱۱۰ مرتبه «الْمَسْتَغَاثُ بِكَ يَا بَنَ الْحَسَنِ» با تزکیه و توجه و وضو «و طهارت جسم و روح» بسیار خوب است.

باب ۲۹ - مرحوم سید ذکر (الله) را یک ساعت در شبانه روز در یک ساعت معین دستور می فرمودند و به این عمل بسیار معتقد بودند.

باب ۳۰ - ذکر «یا حی و یا قیوم» و هم چنین ذکر را به صورت ذکر در قلب با توجه و مراقبه نظر داشتند که اثرش بسیار خوب و مهم است.

(يَا مَنْ أَحْتَجِبُ بِشُعَاعِ نُورِهِ عَنِ نَوَاطِرِ خَلْقِهِ)

درباره این ذکر سید بن طاووس در کتاب مَهج الدعوات نقل نمودند برای نورانیت قلب به صورت مداوم بسیار مفید است. و درباره دعای یستشیر در صبح و شام خواندن هم آثار خوبی مشاهده شده و هر روز (هزار و یک مرتبه) استغفار نمودن برای پیمودن راه عرفان خوب است و در خصوص وقت برای ذکر فرمودند باید یکسال از شروع ذکر بگذرد تا اثر کامل معرفتی آن معلوم شود.

درباره دعای عهد حضرت صاحب الزمان علیه السلام

در شرح حدیث ۲۱ روایت است که هر کس چهل روز صبح دعای عهد (اللهم رب النور العظيم) را تا به آخر با وضو رو به قبله و با توجه و حضور قلب بخواند از یاران آن حضرت شود و خداوند توفیقاتی را نصیبش فرماید و عمده آن نورانیت قلبی است که ایجاد می شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظُّلِّ وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ بِنُورِ



وَجِهَكَ الْمُنِيرِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ اسْتَلْكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اشْرَقَتْ بِهِ  
 السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَ الْآخِرُونَ يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ  
 حَيٍّ وَ يَا حَيُّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ إِلَّا حَيُّ يَا مُخَيِّبِ الْمَوْتَى وَ مُمَيِّتِ الْأَحْيَاءِ يَا  
 حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْأَمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ  
 عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ  
 مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ عَتَى وَ عَنْ وَالِدَيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ  
 عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّدُهُ فِي  
 صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَزَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحْوُلُ  
 عَنْهَا وَ لَا أَرْوُلُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَتِهِ وَ الذَّاكِرِينَ عَنَّهُ وَ الْمُسَارِعِينَ  
 إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنَّهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِزَادَتِهِ  
 وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنْ خَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى  
 عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرِّرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي  
 مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ  
 الْحَمِيدَةَ وَ اكْحَلْ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ  
 مَنَهْجَهُ وَ اسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ وَ اشْدُدْ أَرْزُهُ وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَخِي  
 بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْقَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي  
 النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَ لِيَّكَ وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتَّى لَا  
 يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ وَ يُحَقِّقَهُ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومٍ  
 عِبَادِكَ وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ  
 وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْهُ  
 اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَاسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَ سِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

إِلَيْهِ يَرْجِعُ كُلُّ شَيْءٍ مِّنْ سَمَاءٍ مُّطَهَّرَةٍ مِّمَّنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَ أَرْحَمِ اسْتِكَاتِنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ  
عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ عَجَلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرِيهِ قَرِيباً بِرَحْمَتِكَ  
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس سه مرتبه دست بر ران راست خود میزنی و در هر مرتبه  
می‌گویی الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پروردگارا ای رب نور حقیقی و وجود کامل و خداوند کرسی یا رفعت (علم و  
رحمت شامل) و خداوند دریای (بی‌پایان) احسان و ای نازل کننده‌ی کتاب  
آسمانی تورات و فرقان موسی و انجیل عیسی و زبور داود، و ای پروردگار سایه  
و آفتاب گرم و ای نازل کننده‌ی قرآن عظیم‌الشان (بر پیغمبر ختمی مرتبت) و ای  
پروردگار ملائک مقرب و پیغمبران و رسولان رحمت.

پروردگارا به حق ذات بزرگواریت و به حق نور جمال بی‌مثالت که عالم به آن  
روشن است و به ملک قدیم و سلطنت ازلیت ای زنده‌ی ابدی و ای پاینده‌ی  
سرمدی از تو درخواست می‌کنم به حق آن اسمی که آسمان‌ها و زمین‌های  
(بی‌حد و حصر) را به آن اسم نور وجود بخشیدی و به آن اسمی که اولین و آخرین  
اهل عالم را به آن اصلاح و تربیت دادی ای زنده (ازلی و ذاتی) پیش از هر زنده  
(موقت عارضی) ای زنده‌ی ابدی بعد از هر زنده (فنا پذیر) ای زنده هنگامی که  
احدی زنده نبود ای زنده کننده‌ی مردگان و میراننده‌ی زندگان عالم ای زنده‌ی  
بالذات که غیر از تو خدایی نیست (حضرت امام عصر هادی امت و مهدی آل  
محمد ﷺ قیام کننده به فرمان تو که درود خدا بر پدران پاک گوهر او باد و هم از  
تمام مرد و زن اهل ایمان که در مشرق و مغرب‌های زمین هستند و در صحرا و  
کوه و بر و بحر عالمند و هم از من و پدر و مادر من براو درود و تحیتی کثیر  
برایشان باد.

برابر عرش (با عظمت) خدا و به قدر مراد کلمات (تکوینی وجودی) حق و

آنچه که علم خدا احصاء و کتاب آفرینش حق احاطه برآن نموده است). پروردگارا من در صبح همین روز و تمام ایامی که در آن زندگانی کنم با او تجدید می‌کنم عهد خود و عقد بیعت او را که برگردن من است که هرگز از این عهد و بیعت بر نگردم و تا ابد برآن ثابت قدم باشم. پروردگارا مرا از انصار و یاران آن بزرگوار قرارده و از آنان که از او دفاع می‌کنند و از پی انجام مقاصدش می‌شتابند و اوامرش را اطاعت و از وی حمایت کرده و به جانب اراده اش مشتاقانه سبقت می‌گیرند و در حضور حضرتش (و در رکاب ایشان) به درجه‌ی رفیع شهادت می‌رسند. پروردگارا اگر میان من و او موت که بر تمام بندگان قضای حتمی قرار داده ای جدایی افکند، پس مرا از قبر برانگیز درحالی که کفنم مرا پوشانیده و درحالی که شمشیرم را از نیام برکشیده، لبیک گویان دعوتش را که بر تمام مردم شهر و دیار عالم لازم الاجابة است اجابت نمایم. ای خدا به ما (شیعیان چشم انتظار) آن طلعت زیبای رشید را بنما (که چشم اهل عالم مشتاق دیدار اوست) و از پرده‌ی غیب پدیدار کن و سرمه نور و روشنی ابدی را به یک نظر بر آن جمال مبارک روشن فرما و فرج آن حضرت را نزدیک و خروجش را آسان ساز و توسعه در طریق وی عطا فرما.

و مرا به طریقه محبت و بیان سلوک ده و فرمان آن حضرت را نافذ گردان و پشت او را قوی (یعنی سپاهش را فاتح) ساز و ای خدا شهر و دیارت را به وجود او مأمور ساز و بندگان را به واسطه او زنده ساز (یعنی بندگان صالحه را در ظهورش قدرت و قوت و عزت بخش) چون تو خود فرمودی و کلام تو حق و حقیقت است (فرمودی ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس) پس (اکنون که جهان پر از فتنه و فساد شده) تو ای پروردگار ولی خود و پسر دختر پیغمبرت را که مسمی به نام پیغمبرت (حضرت محمد ﷺ) است بر ما از پرده‌ی غیب ظاهر فرما (تا آنکه هر باطل ظفر یابد و آن را محو نابود سازد و حق را ثابت

و محقق گرداند) و آن حضرت را ای پروردگار فریادرس بندگان مظلومت قرار ده و ناصر و یاور آنان که جز تو ناصر و یآوری ندارند و مجدد احکامی از دین و قرآن مجید که تعطیل شده رفعت و استحکام بخش کاخ شعائر آئین و سنن پیغمبر اکرم ﷺ و او را ای پروردگار از ستمکاران در حفظ و امان خود بدار.

پروردگارا پیغمبر اسلام حضرت محمد ﷺ را شاد و مسرور گردان به دیدار او و پیروانش که دعوت حضرت را اجابت کردند و ای خدا بر حال زار پریشان ما از (غیبت) او ترحم فرما ای خدا غم و اندوه دوری آن بزرگوار را به ظهورش از قلوب این امت برطرف گردان و برای آرامش دل‌های ما به ظهورش تعجیل فرما که مخالفان بعید دانند و ما فرج و ظهورش را نزدیک می‌دانیم ای خدا ای مهربان ترین مهربانان عالم (دعای ما را مستجاب فرما). (آمین رب العالمین) در کتاب مصباح کفعمی صفحه ۵۵۰ نقل نموده که در دعای عهدی که از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است می‌خوانیم.

اللهم ارنی الطلعة الرشیده و القرّة الحمیده و اکحل ناظری بنظرة منی الیه  
بار خدایا! آن طلعت رشید و آن چهره نازنین را به من بنما و دیده ام را به  
سرمه یک نگاه روشن فرما.

### لقای حضرت مهدی علیه السلام

خیز تا چاره این غم به مناجات بریم

حاجت خود بهر قاضی حاجات بریم

مقصد اصلی دل را که لقای مهدی است

همچو موسی ارنی گوی به مقیات بریم

از خدا خدمت او را به تضرع طلبیم

به مناجات مگر ره به ملاقات بریم

ما خود آن حال نداریم مقام تو کجاست  
 مگر از رهگذرت پی به ملاقات بریم  
 نارسیده به وصال جهان گر برویم  
 بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم  
 فتنه می بارد از این قصر مقرنس برخیز  
 تا به ظل تو پناه از همه آفات بریم  
 در بیابان غمت گم شدن آخر تا چند  
 ره بپرسیم مگر پی به مهمات بریم  
 کوس ناموس تو از کنگره عرش زنیم  
 علم مهر تو بر بام سماوات بریم  
 خاک کوی تو به صحرای قیامت فردا  
 همه برق سر از بهر مباحات بریم  
 غیر جان چیست که تا در قدمش افشانیم  
 غیر اخلاص چه داریم که سوغات بریم  
 فیض بیهوده مکن بر سر هر کوی خروش  
 خیز تا چاره این غم به مناجات بریم

اشعار از فیض کاشانی

### ارشاد پیامبران و اوصیاء الهی و رهبران آسمانی

از ابتدای پیدایش جهان نوع بشر در تشنج، و اضطراب و دلهره بسر می برد و  
 در اثر تجاوز و ظلم، آرامش خاطر از میان رفته و جانها به لب رسیده و تاکنون با  
 وجود رهبرانی شایسته مانند پیامبران و اوصیاء الهی در اثر تارسایی و جهل و  
 خودبینی جوامع بشری، زمینه مساعد نبوده و به همین جهت پس از مدت

طولانی ارشاد و تبلیغ هیچ‌یک از پیامبران و رهبران آسمانی موفق نشده‌اند جوامع بشری را کاملاً اصلاح کنند و این عدم تمکن از ناحیه انسان‌های ظلوم و جهول است نه از ناحیه پیامبران و رهبران الهی.

در هر مقطع زمانی اهل آن زمان از این نابسامانی و تعدیات در رنج و در پی چاره و دواي این درد طاقت فرسا و در جستجوی موجودی که قدرت و تمکن اصلاح جامعه را داشته باشد بوده‌اند در هر زمان هر گروه و ملت و هر دین و مذهبی در انتظار یک فرد مصلح جهانی بوده و هست و خواهد بود و به اصطلاح در هر فردی یک قوه و غریزه (مصلح جهان هستی حضرت مهدی علیه السلام) طلبی وجود دارد لیکن در مصداق خارجی آن اختلاف شده است بالاتر بگویم در مصداق خارجی نیز اختلاف و اشتباهی نیست زیرا مصداق خارجی در حقیقت یکی بیش نیست چرا که مصلحی که با شرائط خاص خواسته همگان است در یک فرد مشخص پیاده می‌شود و باید آن جامع الصفات را پیدا کرد پس اختلاف در الفاظ و عبارات و اسم گذاری است نه در شخص.

### عقاید اقوام و ملل راجع به حضرت مهدی علیه السلام

ما بیاری پروردگار عالم در این صفحات عقاید اقوام و آراء دیگر ادیان را بطور خلاصه راجع به مصلح بشریت حضرت مهدی علیه السلام و مصلح کل عالم بیان می‌کنیم تا کاملاً برای همه روشن شود که زمانی نبوده که بشر عقیده به آن نداشته و خواستار یک فرد مصلح جهانی نباشد و اگر کسی بعد از براهین عقلی و نقلی انکار اصل موضوع کرده و عقیده به آن نداشته باشد به حکم عقل و وجدان سربلندی نموده و این عمل یا از راه عناد و لجاج است و یا انگیزه ماده و مادیگری و ریاست‌طلبی و دنیایی و دنیامداری وی را به آن واداشته و از طریق حق و

حقیقت دور نموده است.

اینک ابتداء آیاتی چند که در مورد امام العصر والزمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأویل شده می‌پردازیم سپس روایات وارده و دلائل عقلی و اقوال ملل و ادیان را در باره منجی و مصلح کل ذکر می‌نمائیم و پس از اثبات اصل مهدویت و مختصری از حالات آن حضرت از ولادت تا زمان حکومت جهانی‌اش و وظیفه شیعیان در زمان غیبت و قسمتی از علائم آخر الزمان و معرفی بعضی از شخصیت‌ها و کسانی را که موفق به زیارتشان شده‌اند بیان می‌داریم نخست در احوال قیامت بحث تحقیقی و مطالبی است، سپس نتیجه‌گیری.

## روز قیامت و جهنم

### لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

درباره‌ی قیامت اگر تحقیق جامعی نمائیم متوجه می‌شویم که در سطح جامعه و عامه‌ی مردم مهمترین عامل و پشتوانه برای عمل به قوانین الهی همان اعتقاد به قیامت و پاداش اعمال نیک و بد می‌باشد و از واژه قیامت معلوم است که منظور از قیامت روزی است معین نزد پروردگار متعال که همه در آن روز جمع می‌شوند و خداوند به حساب و اعمال همه و همه و تک تک از آدمی رسیدگی خواهد فرمود. و نه اینکه هر پدیده‌ای طبق حرکت تکاملی تدریجی خود در حالت و زمانی جدا از زمان دیگری به آن مرحله برسد. عنوان نمونه در این آیه دارد که:

### لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

شما (همگی) را به سوی روز قیامت جمع می‌کند      سوره نساء - آیه شریفه ۸۷  
و حضرت امیرالمومنین علی رضی الله عنه می‌فرماید:

وَذَٰلِكَ يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ فِيهِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لِنِقَاشِ الْحِسَابِ وَجَزَاءِ الْأَعْمَالِ

کتاب شریف نهج البلاغه خطبه (القیامة)

آن روز روزی است که خداوند اولین و آخرین از مردم را برای تحقیق و محاسبه و پاداش اعمال جمع می‌کند. با ذکر نام جهنم در قرآن کریم، منظور روشن است زیرا که پس از روز قیامت و رسیدگی به اعمال، بنده‌گان خداوند به بهشت و بنده‌گان شیطان و کسانی که اعمال ناروا داشتند به جهنم رهنمون می‌سازد و آن روز، روزی است که خرید و فروشی در آن روز نیست و از مطاع دنیا خبری نیست در آنجا پول و طلا و زندگی دنیا معنی و مفهومی ندارد فقط عبادات و اطاعت فرامین الهی در آنجا موثر است و چیزی که قابل اثر است پاکی و صداقت و صفا و گناه نکردن، ترک همه محرمات و اعمال حرام و آلودگی مختلف می‌باشد و انجام وظایف دینی و اخلاقی و اجتماعی و به صورت خدایی عمل نمودن یعنی پس از انجام فرائض و واجبات رسیدگی به فقرا و مستمندان که یکی از اعمال شایسته و دارای اجر بسیار بالایی است به صورت مخفی و برای خدا و واقعاً قربتاً الی الله باشد که به درد عالم آخرت و قیامت بخورد و به صورت تظاهر نباشد. قیامت روزی است که نمی‌توان بار لغزشها و گناهان خود را به گردن و دوش کسی بگذاری. دوستی، رفاقت زن و بچه خلاصه هیچکس در آن روز به درد کسی نمی‌خورد. منظور از آن روز، روز نفی طبقات از نظر مالی و اقتصادی و عدم نیاز به پول و امثالش است ولی کسانی که از اموال خود در این دنیا انفاق کرده‌اند اعمال خیر انجام داده‌اند و به اهمیت مسائل خیر و خیریه‌ها دقت نظر داشته‌اند و از نظر مالی و اقتصادی به امور مساکین کمک و مساعدت داشتند و در مسائل دینی کوشا بوده و عمل خیر داشته‌اند در آن روز با کمال سربلندی و افتخار به بهشت که راه سالکین الی‌الله و انسان‌های زاهد و عابد و



عارف است راه پیدا می‌کنند و خوشا به حال آنانی که در آن راه ثابت قدم باشند. پس در حیات و در زندگانی آدمی باید اهل انفاق و گذشت باشد و گرنه زمانی می‌آید که اموال انسان بی ارزش می‌شود. آن روز روزی است که بین مال و ثروت و انسان فاصله می‌افتد و سرمایه و مسائل دنیایی دیگر در حال انسان اثری ندارد چون پول و ثروت در خانه قبر بدرد انسان نمی‌خورد مگر عمل صالح و چیزی که قبل از مرگ آدمی برای خود ذخیره داشته باشد.

در قبر، دیگر ثروت معنی و مفهومی ندارد فقط عبادت و اطاعت و فرامین الهی که بدان عمل شده قابل اثر است. پاکی و صداقت و صفا و گناه نکردن ترک محرمات و انجام فرایض دینی، اخلاقی و اجتماعی و رسیدگی به فقرا و مستمندان، آن‌هم از راه مخفی که برای خدا (قربته الی الله) باشد خریدار دارد.

چنانچه در میان کتب آسمانی و خصوصاً قرآن کریم مفصلاً درباره روز رستاخیز بیان فرموده و در کتب آسمانی دیگر هم بیان روز قیامت شده ولی به صورت قرآن کامل نیست چون صدها آیه دلالت به روز رستاخیز با نامهای گوناگون یاد شده و سرنوشت انسان‌ها را جمعاً و فرداً و گاهی به تفصیل بیان نموده است و در قرآن در چند آیه شریفه تذکر به ایمان به روز جزا، رستاخیز، قیامت، داده شده و آنرا برابر با ایمان به خداوند ذکر نموده و یکی از اصول سه گانه اسلام معرفی فرموده و منکر معاد را خارج شده از دین معرفی کرده و سرنوشتی جز هلاکت ابدی بیان نشده و واقع مطلب نیز همین است چون اگر از جانب خداوند باری تعالی حساب و کتابی در کار نبود و جزا و اجر و پاداشی در آخر کار وجود نداشت دعوت دینی که از فرامین الهی است کوچکترین اثری در آدمیان نداشت و وجود و یا عدم نبوت و تبلیغ مساوی و برابر می‌بود و تنها موضوعی که بسیار برای انسان قابل اهمیت است (جزای اعمال است)

ان الذین یضلون عن سبیل اللہ لهم عذاب شدید بما نسوا یوم الحساب

سوره مبارکه (ص)، آیه ۲۶

کسانی که از راه خدا بیرون رفته و گمراه می‌شوند، برای ایشان عذابی است سخت در مقابل اینکه روز حساب را فراموش کردند چنانکه پیداست در این آیه شریفه، فراموشی روز حساب و روز قیامت منشاء هر گمراهی شناخته شده است.

### تأمل در آفرینش

در خلقت انسان و جهان و همچنین در غرض‌ها و اهداف، مسائلی است که اگر آدمی به آن بیندیشد متوجه خواهد شد که در پیش بودن چنین روزی قطعی است. وقتی دقیق‌تر به ابعاد آفرینش بنگریم خواهیم دید که هیچ چیزی بی جهت آفریده نشده و خلقت و آفرینش انسان و جهان کار خداوندست و خدای تعالی منزله است از اینکه کار بیهوده و بی‌هدف انجام فرماید و دائماً بیافریند و به آنان روزی عطا فرماید و بمیراند و باز بیافریند و روزی دهد و بمیراند و همچنین خلق کند و درست کند و بهم زند پس نتیجه گرفته می‌شود که برای آفرینش جهان و انسان هدف و غرض ثابتی درکار است و معلوم است که سود و زیان آن به خداوند بی‌نیاز باز نخواهد گشت و نتیجه آن از سود و زیان عمل نیک یا بد عاید و برگشت آن به دفتر اعمال هرکس ثبت خواهد گردید.

پس می‌رسیم به آنجا که جهان و انسان بسوی یک آفرینش ثابت و وجود کاملتری در حال حرکت و تداوم است که فنا و زوال را پذیرا نیست. آدمی پس از طی دوران زندگی خویش می‌میرد ولی کردار و اعمال او ماندنی است ولی جهان و نظام آفرینش هم چنان باقی است و صفحه زندگی را هر روز برای دیگری آماده می‌سازد. منتهی اینکه این خلائق زندگیشان به دو دسته تقسیم می‌شود

نیکوکاران و بدکاران و آن کسانی که از نظر تربیت دینی که در اثر راهنمایان الهی، پیامبران، و ائمه معصومین علیهم السلام و در حال حاضر با گفتار و نوشته‌های علمای دین تربیت دینی می‌یابند و بدان عمل می‌کنند و نتیجه عمل صالح خود را می‌بینند.

با اینکه دین داری کاری است بسیار مشکل دقت نمودن به حلال و حرام ترک لذائذ و خوش گذرانی‌های مختلف توجه نمودن به محرّمات الهی، نخوردن و نیاشامیدن خیلی از چیزها.

و مراعات نمودن کلیه مسائل دینی و دقت در حرام و حلال و مسائلی که از آن نهی و یا دستور به عمل آن شده دادن و پرداخت مسائل مالی اعم از خمس و یا صدقات و یا زکات مالی خلاصه عمل به دین کاری بسیار مشکل و بی دینی و بی قیدی بسیار آسان است خلاصه عمل به دین واقعی و مؤمن به احکام الهی بودن در صورتی امکان‌پذیر است که انسان دائماً مبارزه با نفس خود نموده و در حال خود سازی و خودنگری باشد و اعتقاد و ایمان به روز جزاء و قیامت و آن روز رستاخیز همیشه نصب العین بوده و با دقت در همه حال آدمی خداوند را حاضر و ناظر بداند و با توجه و بیداری کامل مواظب کردار و اعمال خود باشد. و در آن حال و صورت مشاهده می‌نمائیم که عدل الهی آنگونه است که هر کس را مطابق با عملش با او برخورد می‌نماید چنانچه در آیه ۳۸ و ۳۹ در سوره مبارکه دخان می‌فرماید.

و ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما الا عین ما خلقناهما الا بالحق و لکن اکثر هم لا یعلمون

و ما آسمان‌ها و زمین را و آنچه که میان آن است بپازی نیافریدیم و آنها را نیافریدیم مگر بحق ولی بسیار از ایشان نمی‌دانند.

و در آیه ای دیگر به بیان بسیار ظریفی فرموده است.  
 ام حسب الذین اجتر حوا السیئات ان نجعلهم کالذینء آمنوا و عملوا الصالحات  
 سواء محیاهم و مماتهم ساء ما یحکمون و خلق الله السموات و الارض بالحق  
 ولتجزی کل نفس بما کسبت و هم لایظلمون

سوره جاثیه، آیه شریفه ۲۱ و ۲۲

آیا کسانی که به جرم و جنایتها پرداختند گمان می‌برید که ما آنان را مانند کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده‌اند، قرار خواهیم داد به طوری که زندگی و مرگشان برابر باشد بد حکمی است که می‌کنید خدا آسمانها و زمین را آفرید به حق نه بیهوده و برای اینکه هر کس به آنچه با عمل خود کسب کرده جزا داده شود بدون اینکه به مردم ظلم و ستم روا شود.

با اینکه تمامی معارف اسلامی و اخلاقی و تمامی کمالات و بینش‌های انسانی و آن نورانیت‌های اخلاقی و نمودارهای کامل انسانیت در قرآن کریم از راههای گوناگون و با بیانات مختلف بیان شده و به طور کلی به دو طریق ظاهر و باطن منقسم است.

و بیان از طریق ظاهر بیانی است که مناسب سطح افکار ساده برای عامه مردم می‌باشد.

به خلاف طریق باطن قرآن که اختصاص به خاصه دارد و روح حیات معنوی و درک حقیقی آن برای اهل خواص است و برای هر کس قابل فهم و ادراک نیست. و با اینکه زبان قرآن با اشاره‌های گوناگون خود، اجمالاً می‌رساند که جهان آفرینش با همه اجزاء خود که یکی از آنها انسان است با سیر تکوینی خود (که پیوسته رو به کمال است) و به سوی خداوند متعال در حرکت است و روزی خواهد رسید که به حرکت خود خاتمه داده، و در برابر عظمت و بزرگی خداوند سر

تعظیم فرود آورد.

انسان یکی از اجزاء جهان هستی است و شتابان بسوی خداوند در حال حرکت است و روزی شتاب آدمی به پایان می‌رسد و ناگهان ناخواسته می‌میرد و آنگاه حقانیت و یگانگی خدای یکتا و بی‌همتا را عیاناً مشاهده خواهد نمود و متوجه می‌شود که قدرت و کامل بودن و مالک بودن فقط در انحصار ذات مقدس خداوندی است و از همین راه حقیقت کامل را خواهد دید.

و در نخستین منزل بعد از مرگ آنچه به درد او می‌خورد، ایمان و عمل صالح و ارتباط و اتصال و انس با خدای تعالی و توسل به مقام پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم‌السلام است. و اما اگر به واسطه دلبستگی و پای بندی به زندگی این جهان و لذات گذران و زود گذر آن از عالم بالا بریده و علاقه‌مندی و الفتی به خداوند سبحان و ائمه معصومین علیهم‌السلام که از پاکان درگاهش هستند نتوانست پیدا کند گرفتار عذابی بزرگ و دردناک و بدبختی ابدی خواهد شد.

سوره علق، آیه ۸

ان الی ربک الرجعی

برگشت مطلقاً بسوی خدای تست

سوره شوری، آیه ۵۳

الا الی الله نصیر الامور

آگاه باشید همه امور بسوی خدا برمی‌گردد

یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی

سوره فجر، آیه ۲۷-۳۰

ای نفس که اطمینان و آرامش یافته‌ای با یاد خدا بسوی خدای خود بازگردد در حالی که خشنودی و از تو خشنود شده، پس داخل شو در میان بندگان من و داخل شو در بهشت من.

لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَمَةِ وَ لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ

سوگند یاد نکنم به روز قیامت و رستاخیز سوره مبارکه قیامت آیه اول و دوم و نه سوگند آرام به نهاد (به روان و روح) سرزنشگر و قسم به نفس ملامتگر (یعنی به وجدان).

وجدان چیزی است که در موقع انجام یافتن بدی شخص را ملامت می کند و این نفس اولین رتبه خوب آن است که آن را نفس لوّامه می نامند ولی در مقابل نفس سرکش نفس بسیار ممتاز و نیک و خوبی است به نام نفس مطمئنه.

### شرحی راجع به اسامی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ از زبان ادیان مختلف و احادیثی از آن وجود شریف

۱ - بحارالانوار جلد ۱، صفحه ۶۵، و در کتاب عیون اخبارالرضا از حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدرانش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نقل فرموده که حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند روز قیامت برپا نمی شود تا قائم از ما قیام کند و این قیام هنگامی انجام می گیرد که خدای عزوجل اذن بدهد کسی که از او پیروی کرد نجات پیدا می کند و هر که از او تخلف کند هلاک می شود.

بندگان خدا، خداوند را در نظر بگیرید، اوامر او را انجام دهید و او را اطاعت کنید چون او امام و خلیفه خدای عزوجل است و او امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرزند فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ می باشد.

۲ - از شیخ مفید (ره) نقل است که: حضرت ختمی مرتبت حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روزهای آخر عمرشان به حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ فرمودند: قسم به آن که جان من در دست اوست آن مهدی که از فرزندان تست. آخرین امام و دوازدهمین پیشوای امت اسلام است.

یاران مهدی در غیبت بزرگوارترین امت در قیامت هستند و اجر و ثواب آن

اُمّتی که در زمان غیبت اطاعت از او نماید بسیار زیاد است.

۳ - در کتاب اکمال الدین از حضرت رسول الله ﷺ نقل نموده که حضرتش فرمود خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و او را در زمان غیبتش قبل از این که قیام کند امام خود قرار بدهد و دوستانش را دوست و دشمنانش را دشمن بدارد آنان رفقای من و بزرگوارترین امتم در نزد من در روز قیامت هستند و آنان شفاعت نصیبشان می شود.

و منکر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه همچون منکر پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۴ - در کتاب اکمال الدین حدیثی مفصل از حضرت رسول الله ﷺ است که فرموده اند: کسی که قائم را که از فرزندان من است انکار کند در حقیقت مرا انکار کرده است.

و منکر مهدی به مرگ جاهلیت مرده و امامش را نشناخته و درک نکرده است.

۵ - کتاب اکمال الدین: حضرت رسول الله ﷺ فرمود: کسی که قائم از فرزندانم را در زمان غیبتش انکار کند با مردن جاهلیت از دنیا رفته است و از شفاعت من و اهل بیت بهره ای نمی برد.

۶ - نقل از کتاب غیبت شیخ طوسی - حضرت رسول الله ﷺ فرمود: مهدی عجل الله تعالی فرجه در آخر الزمان خروج می کند.

و عدالت مهدی پس از ظلم فراگیر در عالم پیاده خواهد شد.

۷ - قال رسول الله ﷺ: اگر از دنیا یک روز باقی بماند خداوند آن روز را طولانی می کند تا اینکه مردی از اهل بیت من خروج و زمین را پر از عدل و داد کند همان طوری که پر از ظلم و جور شده باشد.

و مهدی از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۸- ام سلمه گفت شنیدم حضرت رسول الله ﷺ که می فرمود: مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

و مهدی هم نام و هم خلق پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۹- کتاب البرهان هندی ص ۹۲، حضرت رسول الله ﷺ فرمود: مردی از اهل بیتم خروج می کند اسمش موافق اسم من و خلق او همانند خلق من است. زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است. حضرت مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله

۱۰- کتاب البرهان صفحه ۹۵، حضرت امام امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: مهدی یک نفر از ما و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

در کتابی راجع به سلتها و نظر اقوام مختلف درباره ی منجی عالم بشریت دارد که:

۱۱- سلتها: پس از بروز آشوبها در جهان «بوریان بوریهم» *BORIYAN* قیام خواهد کرد و دنیا را متصرف می شود.

۱۲- اقوام اسکاندیناوی: برای مردم زمین بلاهایی می رسد و جنگ عالم گیر زندگی اقوام را مضحمل می سازد آنگاه «اودین» با نیرویی خدایی بر، (برهمه) پیروز می گردد و پس آدمیان زندگی نوینی خواهند داشت.

۱۳- قسمتی از یک لوح در اهرم ثلثه مصر که در سال ۲۷۰ هجری قمری بوسیله احمد بن طولون حکمران مصر کشف و توسط اسقف حبشه خوانده شد: در آن نوشته: من ریان دومغ *RYANDOMAG* هستم... روزی فرا می رسد که فرستاده پروردگارم قفلها را از این اسرار بگشاید او کسی است که در پایان دنیا در اطراف خانه خدا پدیدار می گردد و این برابی یعنی زمین را مسخر می نماید و عالم را به نور خود روشن می سازد.



- ۱۴ - چینی‌ها: «کریشنا» *KRYSHNA* ظهور می‌کند و جهان را نجات می‌دهد.  
(کریشنا به لغت چینی، یعنی منجی و نجات دهنده)
- ۱۵ - اقوام امریکای مرکزی: نجات بخش دنیا و جهان بشریت «کوتزلکوتل»  
پس از بروز حوادث در جهان پیروز خواهد شد.
- ۱۶ - گفتاری از سطح (ربیع ما زن): *RABIMAZN* هنگامی که اشرار به جاه و  
مقام برسند ستاره دنباله‌دار طلوع می‌کند و پرچم‌های زرد به مصر خواهد رسید و  
پادشاه صنعا که نامش حسین است قیام می‌کند در این هنگام مهدی از فرزندان  
حضرت محمد پیامبر اسلام ﷺ در مکه ظهور می‌کند و بوسیله او حق آشکار  
می‌گردد. (نقل از کتب یهودیت)
- ۱۷ - زرتشت کتاب زند: لشگرا هریمان با ایزدان در روی خاکدان دائماً  
محاربه و کشمکش دارند و... بعد از پیروزی ایزدان بنی آدم بر تخت نیکبختی  
خواهد نشست. (*ZAND*)
- سوشیانت «نجات دهنده‌ی دنیا» *SOUSHIYANT* در پایان هزاره سوم نجات  
دهنده زرتشتیان ظهور می‌کند و دین را در جهان رایج می‌نماید.
- ۱۸ - مانی *MANI*: مردی عظیم خواهد آمد که دوازده جانشین دارد و بوسیله  
آنها ارواحی که شایستگی دارند به بهشت می‌روند.
- ۱۹ - کتب هندریک ودا: (ماندالای ۴-۱۳) *MANDALY* بر گزیده به صورت  
فرد اول در میان مردم زمین ظاهر خواهد شد.
- ۲۰ - بابک *BABAK*: تمامی دنیا پادشاهی عادل پایان می‌یابد که از آسمان و  
زمین آنچه را که باشد خبر خواهد داد.
- ۲۱ - در کتاب ادیان در باین دادنگ نبی دارد که بعد از آنکه مسلمانی ظهور  
نماید جانشین آخر پیامبر اسلام پدیدار می‌گردد که مشرق و مغرب عالم را

متصرف می‌شود و همه را به عدل می‌خواند.

۲۲ - در بیان ادريس نبی دارد به شیطان مهلت داده شد تا روزی که وقت آن معلوم است که در آن هنگام درندگان با گوسفندان جمع می‌شوند و به هم ضرری نمی‌رسانند و همه جا عدل و داد شود.

۲۳ - در بیان ضفای نبی دارد که روزی را خداوند فرا می‌رساند که آواز آسمانی به گوش می‌رسد که پیشوایی به کعبه آمده و جهان را به صلح و دوستی دعوت می‌نماید. (ZAFIYAYA)

۲۴ - حبقوق نبی فرموده است که منتظر او باشید که جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند. (HABGOG)

۲۵ - در کتاب تورات آمده است که سفر پیدایش زمین را بیکی از اولاد ابراهیم می‌دهیم اگر کسی غبار زمین را بشمارد ذریه او را خواهد واگر بشمارد و از نسل اسماعیل دوازده پیشوا بوجود خواهد آمد جهان از نسل ابراهیم علیه السلام بوجود می‌آید، پس از آمدنش امت‌ها به او خواهند پیوست. و همگی از ایشان اطاعت خواهند کرد. (ABRAHIM)

۲۶ - در کتاب سموئیلی نبی است که او از فرزندان یسی «و نرجس خاتون پسری آید به نام مهدی» که جهان را به عدل کشاند. (SMOIYLI)

۲۷ - در کتاب ایوب نبی است که شخصی پنهان از ناپیدایی ظاهر خواهد شد متأخرین روزگارش از غیب وی متحیر می‌شوند مسکن او را چون مبدأ نور جستجو می‌کنند و همه مردم در غیبتش صبر می‌کنند. AYOB . NABI

۲۸ - در کتاب زبور داود علیه السلام است که خداوند مرد صالحی را برای جهان برگزیده خواهد کرد که جهان را به عدالت دآوری خواهد کرد خروشش تا اقصای زمین است عدالت را مثل نور و انصاف را مثل انوار در ظهر پدید می‌آورد پس

منتظر او باشید و تمام مردم منتظرش خواهند بود و تمام امم او را پذیرا شوند و همه جا را پر از عدل نماید. *ZABOR*

۲۹ - در کتاب سلیمان نبی ﷺ است که کسی جهانرا به عدالت داوری خواهد کرد و او کسی است از نسل ابراهیم خلیل الله.

۳۰ - اشعیای نبی مسکین ها را به عدالت داوری خواهد کرد و در پرتو عدالتش جانوران درنده با هم صلح خواهند کرد و بعد آنروز همه مردم خواهند گفت این است کسی که منتظرش بودیم و او عمرش خیلی طولانی خواهد بود.  
*ASHIYAY. NABI*

۳۱ - آرمیای نبی در کتب ادیان دارد که فرموده بسبب این احسان خدا تمام امتها را هدایت خواهد فرمود و او کیست آخرین پیشوای اسلامیان.

۳۲ - حزقیای نبی فرموده که خداوند او را بر جمیع ملتها سلطان خواهد کرد.  
*HAZGIYAY. NABI*

۳۳ - در کتاب دانیال نبی دارد که دانیال نبی بیان نموده است که آن کسی که دارای کتاب از جانب خداوند است غیبتش در مدت یک زمان و دو زمان و نصف زمان طول خواهد کشید و در آخر مدت غیبت در منصب خود قائم است (مراد ۲۵۰۰ سال از پیدایش اسلام است).

۳۴ - دارد که هوشع نبی فرموده است که یک سلطان برای تمام ملتهای جهان از طرف خداوند خواهد آمد و تمام جهان را گلستان عدل و داد نماید و اوست که ظالمان را از بین خواهد برد.

۳۵ - نقل از ژوئیل نبی شده که او مانند چشمه‌ای در خانه خدا بیرون می‌آید و تمام زمین را سیراب به عدل و داد می‌کند. *GOIYL. NABI*

۳۶ - عوبدیای نبی بیان فرموده که بشارت ظهور او را برامت (هانداکن) یعنی

هویدا و ظاهر کند و اوست قائم از طرف خداوند عالم. *OBIYAY. NABI*

(نقل از کتاب ادیان و ملل)

۳۷ - در کتاب انجیل برنابا نقل شده است که خداوند فرستاده خود را در حالی که ابری سپید بالای سرش می باشد خواهد فرستاد و همه جا را گلستان عدل کند.

۳۸ - در کتاب انجیل لوقا *ANGIL. LOGA* دارد که فرستاده خدا مدت ها از نظر شما پنهان می شود خوشا به حال کسانی که وقتی سرورشان می آید بیدار باشند.

۳۹ - در کتاب انجیل متی *ANGIL. MATA* دارد که پسر انسان در جلال پدر خود می آید - امت ها در حضورش جمع می شوند و رستاخیز می شود و در همه جا گل عدالت می روید.

۴۰ - انجیل یوحنا *ANGIL. YOHANA* نقل نموده که خداوند او اعمال مرا نگه می دارد و بر امت ها قدرت می بخشد. عیسی عَلَيْهِ السَّلَام گفت پسر انسان با جلالی بزرگ می آید - قبل از وقوع می گویم تا زمانی که واقع شود باور کنید - شنیده اید که گفتم می روم و با او می آیم. در اینجا کاملاً به روشنی بیان شده که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام گفت: می روم و با او می آیم. یعنی حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام با حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می آید.

۴۱ - در رساله اول *YOHANA* یوحنا دارد که منتظر او باشید تا در ظهورش خجل نشوید و از اصحاب و فرمانبران ایشان باشید.

۴۲ - در رساله اول پولس *POLS* خطاب به رومیان بیان نموده که انتظار وجود او مانند ظهور او است.

(یعنی ثواب در انتظار ظهور که در بیان شیعه است)

۴۳ - در کتاب اعمال رسولان مسیح بیان نموده که حضرت داود عليه السلام درباره حضرت مهدی عاشق الكمال می گوید که بدین سبب دلم شاد گردیده که او می آید و همه جا پر از عدل شود. *DAWOD. NABI*

۴۴ - در رساله پطرس *PATROS* جلد دوم بیان نموده که خواهید گفت که او کجا است ولی غافل هستید زیرا کلام خدا از قدیم بوده و فرموده که او در زمین قائم است و می آید و دنیا را پر از عدل و داد خواهد نمود.

۴۵ - در رساله یعقوب عليه السلام دارد که هرکس باو شک کند مانند موج دریاست که از باد رانده می شود و متلاطم می گردد در آخر الزمان او ظهور خواهد کرد و همه جا را پر از نور می نماید.

۴۶ - در رساله پولس به غیرانیان خطاب دارد که خداوند آنکسی را که پنهان می گردد باز می آورد و برای مؤمنان خوشی می آورد.

۴۷ - در رساله اول پولس به تیمور طاووس خطاب دارد که خداوند او را در زمانی معلوم ظاهر می کند و همه از عدالتش بهره خواهند برند.

۴۸ - در رساله دوم پولس به تیمور طاووس بیان دارد که اگر تحمل کنیم با او سلطنت خواهیم کرد و هرگاه او را نگاه کنیم ما را می نگرد و توجه او نور است و وجود او باعث گلستانی از عدل خواهد بود.

۴۹ - در رساله دوم پولس به تسالو نیکیان خطاب دارد که هنگامی که بیاید /  
 جمیع مقدسان به او جلال خواهند یافت.

۵۰ - در کتاب انجیل لمرقیس ذکر نموده که او با هزاران هزار قدیس خواهد آمد ولی اگر کسی بگوید اینجاست باور نکنید او نزد خداست و تا بیاید همه جا پر از نور و عدل شود.

### راجع به ابراهیم بن مهزیار

ابراهیم بن مهزیار از دانشمندان بزرگ بود و در شهر اهواز سکونت داشت و از طرف حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بوکالت برگزیده شده بود و شیعیان بیت‌المالی را که بدهکار بودند و به او می‌پرداختند. از این رو مقدار کثیری از بیت‌المال نزدش جمع شده بود. در این هنگام خبر وفات حضرت عسکری علیه السلام رسید. ابراهیم وجوه بیت‌المال را در نظر داشت به نمایندگی آن حضرت برساند که تبی بر او عارض شد و متوجه شد که مرگش فرارسیده به پسرش محمد وصیت نمود که وجوه را به وکیل حضرت برساند پس از فوت ابراهیم پسرش محمد وجوه بیت‌المال را برداشته و روانه خاک عراق گردید. در بغداد کنار شط خانه‌ای اجاره کرد و از آنچه همراه داشت به کسی چیزی نگفت و منتظر شد که از حضرت صاحب الزمان علیه السلام خبری برسد که وجوه بیت‌المال را به چه کسی بدهد. طولی نکشید که قاصدی آمد و نامه‌ای آورد و به او داد نامه از جانب حضرت بود و در آن نامه مکتوب بود که مقدار بیت‌المال و جای آن و خصوصیات و ویژگی‌های مال هر کسی که پرداخته، و محمد پسر ابراهیم مهزیار از آن خصوصیت‌ها کامل خبر نداشت پس از خواندن نامه محمد بن ابراهیم مهزیار بلافاصله آن وجوه را کاملاً تحویل فرستاده آن حضرت داد و پس از چند روز نامه‌ای از جانب حضرت ولی عصر علیه السلام برایش آمد که از طرف آن حضرت وکیل شد.<sup>۱</sup>

### و اما نام‌های مبارک حضرت بقیة الله صاحب الزمان حجة بن الحسن

#### العسکری مهدی علیه السلام

از کتاب‌های انبیاء سابق و صحف انبیاء و کتب علماء راشدین و اهل سنت و

۱. نقل از کتاب اثبات الهداة جلد سوم ص ۶۵۸ و ۶۵۹ و نقل از کتاب الکافی باب ۳۳.

آنچه در کتبی که نزد سائر اهل مذاهب است از اسامی آن حضرت که ذکر نموده‌اند و آمدن و ظهور آن حضرت را در آخر زمان ذکر و بیان نموده‌اند و اعتقاد سایر اهل مذاهب اسم‌هایی که برای آن جناب ذکر نموده‌اند در اینجا فقط به ذکر چهل نام مختلف از آن حضرت اکتفا می‌کنیم که در کتب مختلف بیان داشته‌اند.

۱ - در کتاب ایستاع و در کتاب ذخیره الالباب نوشته عالم جلیل القدر میرزا محمد نیشابوری نام بهرام (*BAHRAM*) را یکی از القاب آن حضرت نقل کرده‌اند و در کتاب نجم الثاقب صفحه ۴۱ هم همین‌طور این اسم را ذکر نموده است.

۲ - در کتاب ایستاع و در کتاب ذخیره الالباب نام بنده یزدان (*BANDAH*) و در کتاب نجم الثاقب صفحه ۳۹ هم این لقب را بیان نموده.

۳ - در کتاب تورات بغلة ترکوم و در کتاب ذخیره الالباب به نام اوقیدمو (*OGIDMO*) و در کتاب نجم الثاقب صفحه ۴۱ این نام را از تورات نقل نموده.

۴ - در کتاب کشکول شیخ بهایی علیه الرحمة و در کتاب ذخیره الالباب نام یزد شناس (*IYZAD SHANAS*) را بیان داشته است.

۵ - در کتاب کشکول شیخ بهایی علیه الرحمة و در کتاب ذخیره الالباب به نام یزد نشان (*IYZAD NASHAN*) هم ذکر شده است.

۶ - در کتاب کشکول شیخ بهایی است که فارسیان حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ را یزدشناس و یزدنشان گویند و مراد شیخ بهایی از فارسیان همان (مجوس) و آتش‌پرستان قدیم یزد و شیراز در زمان باستان بوده است که آنان این بیان را از کتب قدیمه ذکر نموده بودند.

و نیز در کتاب شامکونی (*SHAMKONI*) از مذاهب قدیمه و مجوس (آتش‌پرستان) بوده و در اینکه راجع به یزدنشان بیان داشته که اسم کسی است که روزی خواهد آمد. و او بیاید و عدل و داد برپا نموده و مقابله با ظلم و ظالم

نماید و حکومت عدل را استوار کند و مجوسیان شامکونی کلمه (ایستاده) *(ISTADAH)* را نام حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ نامیدند.

۷- بقیة الله *(BAGIYATAALAH)* در کتاب شریف ذخیره الالباب و در کتاب ذُوهَر و ذُوهَر همچنانکه فضل بن شاذان به نقل از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده است که نفرات اصحاب حضرتش ۳۱۳ نفر و ما شیعیان نام مبارک بقیة الله را مخصوص به حضرتش می‌دانیم.

۸- نام پرویز *(PARVIZ)* و این نام آن حضرت است در کتاب برزین *BRZYN* از فرس *FARAS* و سند آن را در کتاب ذخیره الالباب ذکر نموده‌اند و در فرهنگ فارسیان پرویز را به معنی شخصی بزرگ و بزرگ تر از همه و عالی تر و شاه شاهان وصف نموده است.

۹- بُرْهَانِ اللهُ *(BORHAN ALLAH)* و این نام را در کتاب «انکیون» چنانچه در کتاب ذخیره الالباب نقل کرده است. *(ANKIYON)*

نام مبارک برهان الله یعنی برهان و دلیل خداوند که ظهور او برهان است بر توحید و ثابت شدن دین خداوند و باطل شدن سایر ادیان و جمع شدن و دعوت تمامی مردم به دین اسلام واقعی و عمل نمودن به آن که حق و حقیقت و عدل است.

۱۰- در کتاب صحف حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ جَدِّ اعْلَی پیامبر اکرم عَلَيْهِ السَّلَامُ و در کتاب تذکرة الائمة نقل نموده است، نام حاشر را *(HASHAR)* که نام حضرت مهدی است. این نام را در کتاب نجم الثاقب صفحه ۴۵ هم نامیده است.

۱۱- نام خُجَسْتَه *(KOGASTAH)* و این اسم آن حضرت است در کتاب کندرآن فرنگیان و در کتاب ذخیره الالباب هم ذکر نموده است و معنی خجسته یعنی برگزیده و محبوب از جمیع جهات. *KONDOR*



- ۱۲ - در کتاب ذخیره الالباب و در کتاب تذکرة الائمة نقل نموده‌اند که در کتاب جاویدان *GAWIDAN* زمان مجوس و آتش پرستان اسم خسرو (*KOSRO*) یعنی پادشاه بزرگ را برای حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نام برده‌اند.
- ۱۳ - در کتاب نجم الثاقب صفحه ۴۵ دارد که در کتاب (شامکونی) (*SHAMKONI*) اسم پیامبری که تولد او در شهر (کیلواس) *KYLOAS* نقل شده که اسم رسول الله محمد بن عبدالله ص را به نام «یشن» (*YASHAN*) نام برده و ذکر شده که او (کوه قاف) را صاحب شود و دین خداوند را به نام ایستاده و اسم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را (خداشناس) ذکر نموده است.
- ۱۴ - (راهنما) (*RAHNAMA*) نام حضرت را نامیده‌اند در کتاب (باتنکل) (*BATNKOL*) راهنما به معنی راه نشان دادن آن حضرت ذکر نموده راهنمون به دین و احد خدایی برای حکومت عدل و قسط و عدالت و تذکر و ذکر نموده و دارد که ایشان مخصوص آخر دنیا است. (یعنی آخرالزمان)
- ۱۵ - نام (افریس) (*AFRIS*) نام حضرت را نامیده در کتاب (ماریاقین) *MARYAGIN* «زند» (*ZAND*) نام کتاب زردشت (*ZARDOSHT*).
- ۱۶ - نام (سروش ایزد) (*SOROSH IYZAD*) و در کتاب زمزم زرتشت (*ZARDOSHT ZAM ZAM*) همچنان که در کتاب تذکرة الائمة و کتاب ذخیره نقل نموده‌اند و معنای آن پسندیده و برگزیده خداوند باری تعالی است.
- ۱۷ - نام (شماطیل) (*SHAMATIL*) و این اسم آن حضرت در کتاب (ارماطش) (*ARMATASH*) و در کتاب نجم الثاقب صفحه ۴۹ و در کتاب ذخیره الالباب عالم جلیل القدر میرزا محمد نیشابوری نقل شده است.
- ۱۸ - در کتاب صحف حضرت ابراهیم ع (*SOHOF ABRAHIM*) نام (صاحب) (*SAHAB*) را برای وجود مقدس حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر

نموده است و در کتاب نجم الثاقب صفحه ۴۹ و در کتاب مقتضب الاثر نقل  
نموده است.

۱۹ - نام (صمصام الاکبر) (*SAMSAM ALAKBAR*) را نام مبارک حضرت ذکر  
نموده‌اند در کتاب (کندر آل) (*KONDOR:AL*) چنانچه در کتاب ذخیره الالباب و  
کتاب نجم الثاقب صفحه ۵۲ و در کتاب‌های قدیمه دیگر هم ذکر نموده‌اند.

۲۰ - نام (فردوس الاکبر) (*FARDOS ALAKBAR*) را نام مبارک حضرت ذکر  
نموده‌اند در کتاب قبرس رومیان (*GBRAS ROOMIYAN*) و معنای آن محل  
فرح و منشاء سرور خلق است. و در کتاب نجم الثاقب صفحه ۵۲ و در کتاب  
ذخیره الالباب نقل نموده است.

۲۱ - (فیروز) (*FIYROZ*) نام مبارک و معنای آن مبارک و برکت و منشاء  
شادی و عدل و در کتاب فرنگان ماچارالامان (*FARNGAN.MACHRALAMAN*)  
به نوشته امان به لغت ماچار و در کتاب تذکرة و نجم الثاقب صفحه ۵۲ ذکر نموده  
است.

۲۲ - نام (فرخنده) و این نام را در کتاب شعیای پیغمبر ذکر نموده و در کتب  
تذکرة الالباب و نجم الثاقب ذکر نموده است. و معنای فرخنده (*FARKONDAH*)  
یعنی پسندیده و برگزیده است.

۲۳ - نام (فیذمووا) (*FAYAZMOWA*) و این اسم آن حضرت در کتاب تورات  
است (*TORAT*) احمد بن عیاش در کتاب مقتضب نقل از کتب یهودیان نموده که  
به زبان عبری (عبرانی) زبان یهودیت و کلیمی‌ها ایری (*ABRI*) دارد و در این  
کتاب اسامی و القاب ائمه علیهم السلام را اینطور توصیف نموده است.

۱ - (نقریشب) (*NAGHRYASB*) پس از اول اوصیا است و وصی آخر انبیاء  
است.

یعنی این نام حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام که وصی آخرین پیامبر است.

۲ - و (قیذو) (GHYZOO) پس او ثانی اوصیاء است یعنی بعد از حضرت علی علیه السلام امام حسن علیه السلام دومین امام است.

۳ - و (دبیرا) (DABIRA) پس از ثانی اوصیاء یعنی حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام سومین امام است.

۴ - و (مفسور) (MAFSOOR) پس او سید عابدین است یعنی حضرت امام زین العابدین علیه السلام امام چهارم است.

۵ - و (مسموعاه) (MASMOAH) پس او وارث علم نبی است یعنی امام پنجم حضرت امام محمد باقر علیه السلام است.

۶ - و (دوموه) (DOMOWO) پس او سید صادقان است یعنی امام ششم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است.

۷ - و (مشیهوا) (MSHYHOWA) پس او بهترین محبوسین در زندان ظالمان است یعنی امام هفتم حضرت امام موسی ابن جعفر علیه السلام است.

۸ - و (هذرا) (HAZRA) پس او مقهور یعنی دور شده از وطن است یعنی امام هشتم حضرت رضا علیه السلام است.

۹ - و (یشیموا) (YASHYMOWA) کوتاه عمر یعنی در جوانی شهید می شود و آن امام نهم حضرت جواد الائمه علیه السلام است.

۱۰ - و (بطورت) (BTORT) او چهارم علی هاست و او امام دهم امام علی النقی علیه السلام است.

۱۱ - و (نوقس) (NOGAS) پس او حسن دوم است و آن امام یازدهم امام حسن عسکری علیه السلام است.

- ۱۲ - (تفسیر فیذموا به زبانی عبرانی و عبری یعنی امام غایب و خلیفه آخر و (فیذموا) (*FAIYAZMOWA*) پس او مفقود است و مفقود از نظرهاست که غایب است به امر خداوند متعال و بر پا دارنده حکم خداست و آن امام دوازدهم حضرت حجت ابن الحسن العسکری قائم آل محمد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.
- ۲۴ - نام (قاطع) (*GATEAA*) و این نام را برای حضرت قائم قائلند در کتاب قنطره و معنای آن قطع کننده باطل‌هاست و رفع کننده فسادهاست و این مطلب را کاملاً در کتاب نجم الثاقب ذکر و بیان نموده است.
- ۲۵ - نام کلمة الحق (*KALAMAT ALHAG*) نام حضرتش را در کتاب صحیفه سجادیه ذکر و بیان فرموده است و واقع اینکه کلمه و کلمات و گفتار حضرتشان از جانب حق است.
- ۲۶ - نام کیقباد دوم (*KAYGOBAD DOWOM*) و این نام را مجوسیان و گبران عجم در پارس شیراز برای حضرت قائل بودند و در کتب خود ذکر نموده‌اند و معنای آن عادل و عدل گستر است. (نقل از کتاب کیقباد نامه پارس)
- ۲۷ - نام کوکما (*KOKMA*) و این نام آن حضرت است در کتاب بختاوان از مذاهب قدیمه و معنای این کلمه بزرگ پیشوا و عادل و منشاء آثار خیر است.
- ۲۸ - نام لندیطار (*LANDYTAR*) و این نام آن حضرت است در کتاب هزار نامه هند و در کتب تذکرة الائمة و نجم الثاقب و ذخیره الالباب نقل نموده‌اند و معنای آن عادل و نام امام آخر و منشاء نیکی‌هاست.
- ۲۹ - نام (لسان الصدق) (*LASAN ALSADG*) و این اسم آن حضرت است در صحیفه سجادیه چنانکه در کتاب نجم الثاقب و ذخیره الالباب نقل شده و معنای آن راستگو و همه فرمایشات آن حضرت موافق با واقع است.
- ۳۰ - نام (ماشع) (*MASHAAE*) و در کتاب تورات عبریه و معنی عبری آن

شخص عظیم‌الشان است و کسی که خاتمه دهنده تمام مظالم و پیاده کننده عدل واقعی است.

۳۱ - نام (مهمید الاخر) (*MAHMID ALAKAR*) و نام آن حضرت است در کتاب انجیل (*ANGIYL*) دارد که معنی آن شخص بزرگ و جلیل‌القدر و آخر است و پادشاه و خلیفه الهی در آخرالزمان است.

۳۲ - نام (مسیح الزمان) (*MASIYH ALZAMAN*) که این نام آن حضرت است در کتاب فرنگیان و معنای آن عابد و زاهد و عالم و دانای زمان آخر است. «به معنی آخرالزمان»

۳۳ - نام (میزان الحق) (*MIZAN ALHAG*) که نام آن حضرت است در کتاب اژی *AGI* پیغمبر، و معنی آن معیار و میزان خداوند حق تعالی است و تمامی اقوال و افعال بندگان خداوند به او سنجیده و معیار می‌شود و هر چیزی را که قبول فرمود قبول درگاه باریتعالی و خداوندی است.

۳۴ - نام (منصور) (*MANSOR*) و این نام و اسم آن حضرت در دین براهمه و در کتاب (دید براهمه) برهمن (*BARAHMAN*) برهمن که در کتاب براهمه *BARAHAMAH* است و معنای آن نصرت داده شده از جانب خداوند قادر است که احدی بر او غالب نخواهد شد و کسی از دست او خلاص و رها نشود و هر کس به نتیجه کار و عملش می‌رسد و در روایتی در تفسیر فرات، شیخ فرات ابن ابراهیم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت فرموده‌اند:

(فلا یسرف فی القتل انه کان منصوراً)

فرموده باشد خداوند نامیده است حضرت مهدی علیه السلام را منصور چنانچه نامیده شد احمد و محمد و محمود علیهم السلام و چنانچه نامیده شد عیسی مسیح، ابراهیم خلیل الرحمن، موسی کلیم الله، محمد حبیب الله علیه السلام، تعبیر از اینکه در

زیارت عاشورا به امام منصور ذکر شده است

قاسئل الله الذی اکرم مقامک و اکرمنی بک أن یرزقنی طلب ثارک مع امام  
منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله

که مراد از این فراز از دعا حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه می‌باشند و ایشان ولی  
خون حضرت سیدالشهداء علیه السلام و قصاص کننده قاتلان آن بزرگوار هستند.

۳۵ - نام (واقیدما) (*VAGYDMA*) و این نام آن حضرت در کتاب تورات  
(*TORAT*) چنانچه در کتاب (تاریخ عالم آرا) که کتاب بسیار جالبی است بیان  
شده و در کتاب (جنان الخلود) هم نقل شده که این لقب آن حضرت است و در  
کتب آسمانی دیگر هم ذکر شده و معنای آن غائب شونده مدت مدید است.

۳۶ - (وهوول) ویا (وهوهول) (*WHOWOL*) و این اسم دیگر آن حضرت است  
در کتاب تورات (*TORAT*) و چنانکه احمد بن عیاش که یکی از علماء اهل سنت  
است در کتاب مقتضب خود روایت نموده به سندی از حاجت بن سلیمان صوح  
که وی گفته در بیت المقدس عمران بن خاقان را که به دست منصور مسلمان  
شده بود و او با یهود محاجه نموده بود و به جهت بیان و علمی که داشت و همه  
او را به علمیت قبول داشتند او در کتابش در بیانی که در تورات از علامات درباره  
حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام بعد از او نوشته و در تورات در باب سیزدهم  
اسم اول آنها محمد صلی الله علیه و آله و دوازده نفر از اهل بیت او که اوصیاء و خلفاء بعد از آن  
حضرت هستند و در تورات مذکور و نقل شده است و در پیشوایان بعد از رسول  
الله صلی الله علیه و آله حتی اسمی از اولاد بنی تیم و نه از عدی و نه از بنی امیه و نه از  
بنی العباس نیامده است و من مطمئن هستم هر چه جماعت شیعه می‌گویند حق  
است سؤال نمودم به من خبر ده هر چه می‌دانی در جواب گفت به من عهد و  
میثاق ببندید که آنچه می‌گویم به کسی نگوئید و به آن عمل کنید گفتم عهد

بستم او گفت: این بنی عباس که می بینی از بنی هاشمند گفتم اسامی آنها چیز دیگری است و آنها از نسل صدیقه الطاهره دختر رسول خدا ﷺ نیستند پس بنی عباس با اهل بیت پیغمبر فرق دارند و اینان از آنها نیستند و تورات کتابی است که در زمان پیغمبرش نازل شده و در هر قبیله و ملتی که از آن استفاده می نمودند به زبان محلی آنان بوده مثلاً در قسمتی از تورات آمده است که اسامی حضرت رسول الله ﷺ و دوازده امام علیهم السلام چنین است:

شموعل - شماعیسحوا - وهی هر - جی ابتوا - بمامدثیم - عوشود - بسنم بولید - بشیرالعوی - فولوم - کودود - عان لاند بود - وهوئل.

۳۷ - نام (قائم) (GAEAM) که این اسم آن حضرت را در کتاب (زبور) حضرت داود علیه السلام زبور باب سیزدهم و در کتاب «برلبومو» (BARLBWMW) نقل و ذکر کرده است.

شیخ مفید رحمة الله علیه در کتاب ارشاد روایت نموده که از حضرت امام رضا علیهم السلام که حضرت فرموده اند، حضرت قائم علیه السلام برخیزد مردم را به اسلام تازه بخواند تا آنکه فرمود و او را قائم می نامند برای اینکه قیام به حق خواهد نمود.

۳۸ - نام (مهدی) (MAHDI) و این نام آن حضرت است در نزد جمیع فرق اسلامیة شیعه از زیدی - فطحی - واقفی - حنفی - مالکی - شافعی - حنبلی همه ایشان چنانکه در کتاب عقدة الدرر به نوشته آن عالم اهل سنت به نام یوسف بن یحیی السلمی در باب اخبار امام منتظر که از کتب معروفه ایشان است در آن روایت شده که حضرت امام محمد باقر علیهم السلام فرموده است مهدی را مهدی می گویند زیرا که هدایت می کند به سوی امری خفی و بیرون می آورد تورات و انجیل اصلی را از زمینی که آن را انطاکیه گویند و اوست مفسر قرآن کریم.

- ۲ - نقل از بحارالانوار جلد ۵۱، صفحه ۲۹.
- ۳ - نقل از ارشاد مفید در فصل آخر کتاب.
- ۴ - نقل از اکمال الدین جلد دوم، صفحه ۳۷۸.
- ۵ - نقل از کتاب الاسرار فی حجة القائم علیه السلام صفحه ۱۱۰.
- ۶ - نقل از کتاب مقتضب الاثر، صفحه ۳۹.
- ۷ - نقل از کتاب نجم الثاقب، صفحه ۷۶.
- ۸ - حدیث نقل از تفسیر عیاشی، جلد دوم، صفحه ۲۹۰.
- ۳۹ - نام (ناطق) و این نیز نام مبارک آن حضرت است، چنانچه عالم جلیل احمد بن عیاش که از فضلاء اهل سنت است در کتاب مُقتضب حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیان داشته که حضرت برای جناب سلمان نام امامان علیهم السلام را بیان داشته‌اند به نام حضرت امام دوازدهم که رسیدند فرمودند که حجة الله بن الحسن المهدی الناطق القائم - و از این عبارات معلوم می‌شود که ناطق اسمی از اسماء مبارک آن حضرت است.

و در زیارت عاشورا است که:

«وَأَنْ يَرْزُقَنِي ثَارَكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ نَاطِقٍ لَكُمْ»

و به روایت شیخ طوسی است «مع امام مهدی ظاهر ناطق منکم» و معنای ناطق بودن آن حضرت بیان کردن آن بزرگوار است که دین حق را او اظهار می‌فرماید.

و بدون خوف و ترس از کافران و مشرکان و منافقان دین حق را اظهار می‌فرماید چنانچه در آیه شریفه است:

(لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)



ترجمه: (تا غالب گرداند او را بر تمام دین‌ها و لو بر خلاف میل اهل شرک (مُشْرکین) باشد).

حضرت به واقع بیان‌کننده حقایق دین و تفسیر مهمه قرآن کریم و کتاب الله و نطق به حق واقع خواهد بود و ناطق حقیقیه و مُتکَلِّم و صحبت‌کننده فی الواقع و بیان‌کننده تمام واقعیات و ناطق و ناطق کلیه کامله تمامی مبانی اسلامی حضرتش خواهد بود و هیچ مانع و رادعی در مُقابل حضرتش نبوده و حضرت کاملاً می‌تواند ناطق واقع اسلام و تشیع باشند همه علوم و ذخایر الهیه و همه گنجهای اسرار از زبان و کلام مبارک حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ به مردم می‌رسد چنانچه در دعای افتتاح (شب‌های ماه مبارک رمضان) فرموده

(اللهم أظهر به دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفى بشيء من الحق)

(اواخر دعای شریفه افتتاح).

ترجمه یعنی معنای آن این است که خداوندا ظاهر فرما ولی حق خودت را تا آنکه اظهار نماید دین حقت را و سنت پیغمبرت را و هیچ چیز را مخفی نکند از دین حق و به سبب خوف او از خلق یعنی حضرتش هیچ خوف و ترسی از خلائق ندارند و در ابلاغ کلام حق و حقیقت و ایستادگی در مقابله با ظلم و ظالم (خداوند منان و ایزد سبحان درک مفاهیم این ادعیه را به همگی عنایت فرماید)

۴۰ - نام (محمّد) و این نام نامی «م ح م د» و این اسم اصلی و نام اولی

حضرتش می‌باشد و آن نام مبارک را همه فرق مسلمین شیعه و سنی قائل به

این نام مبارک هستند. (م ح م د)

### فطرت بشر از ظلم تنفر دارد

این تنفر و بیزارى چون فطری طبع بشر است لذا اختصاص به فرد یا جمعیتی

ندارد و محدود به سرزمینی و منطقه ای نیست بلکه همه افراد بشر از بزرگ و کوچک سیاه و سفید و زرد و سرخ از این حکم فطری، برخوردار هستند. کودک از منظره تنبیه بدنی و کتک خوردن هم نوع خود ناراحت می‌شود. و گاه می‌گرید و از کسی که کس دیگری را می‌زند انزجار دارد تنفر و بی‌زاری از ظلم از غریزه‌های بشری است پس همیشه آدمی در پی آن بوده که منجی و نجات دهنده‌ای بیاید و این همه سرگردانی و ظلم و تباهی را از صحنه زندگی بشری پاک کند و این منفور فطری را که ظلم است ریشه کن سازد و تمامی صحنه زندگی آدمی که زمین است از ظلم و فساد و نابرابری پاک سازد.

## «بیان شیعه حقه اثنی عشری»

### شیعه و امامت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه

امامت گوهر فروزنده ای است که خداوند در میان خلقت بشریت به ودیعه نهاده است امام شاکله ای مانند مردمان و روحی فراتر از اندیشه هر انسان دارد از این رو پیرو امامان معصوم است تا امام زمان خویش را در هر زمان بشناسد و در راه معرفت او بکوشد بدین ترتیب روح و جان را با آب زلال معرفت از هر پلیدی پاک باید نمود اهمیت موضوعی این مسئله تا حدی است که فرموده‌اند که اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد مرگش مانند مرگ جاهلیت می باشد در میان همه امامان امام عصر حضرت حجة ابن الحسن العسکری علیه السلام با خصوصیت ویژه حیات تا به حال چون خورشیدی در پس ابر غیبت به هستی نور می بخشد و حضرت به انتظار سال‌هایی نشسته اند که در زمین پر آشوب و پر گناه و پر جنجال با تمامی ناعدالتی که بر بشریت حاکم است منتظرند تا فرجشان از ناحیه خدای سبحان معلوم گردد و حضرتشان بیایند و سفره عدل و عدالت و مساوات و برکت و کرم و سخا پهن فرمایند و خوان رحمت بگسترانند و ظهور حق و حقیقت گردد.

و همه و همگان متنعم از خوان ایشان شوند. انشاء الله الرحمن /

## و اما نامهای امام عصر بقیة الله حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ با حروف الفبا فارسی

(برای نورانی تر شدن الفبای فارسی)

نامهای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ آینه انوار وجودی آن حضرت هستند هر نام به نکته‌ای بدیع اشاره می کند و معنایی تازه به ارمغان می آورد و در صدف نامها معانی درخشنده و کمیاب به انتظار اشخاصی نشسته‌اند که در قلب خویش به دنبال تصویری روشن از امام می گردند.

الف - ابا صالح: اثبات کننده حق (مُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ)

الامام المأمون = امام محفوظ از آسیب دشمن

ب - بقیة الله = باقی مانده از خداوند

بینا کننده نابینایی = تجلی العمی = ربیع الانام

پ - پرچم برافراشته خدا = العلم المنصوب = علم الهدی = پرچم هدایت

ت - ترجمان کتاب خدا = ترجمان کتاب الله = تالی کتاب الله = تلاوت کننده و تفسیر کننده کتاب خدا

ج - جانشین پیشینیان = خلف السلف = جانشین پدران خود = خلیفه آبائه

جانشین خدا = خلیفه الله = جمع کننده سخنان مردم بر تقوی = جامع کلمة علی التقوی

ح - حاکم و حافظ دین خدا = دیان دین الله

حافظ اسرار پروردگار جهانیان = حافظ اسرار رب العالمین

حجت خدا = حجة الله

حجت آشکار خداوند = حجة الله التي لا تخفی

حجت خدا در آسمان و زمین = حجة الله علی من فی الارض و اسماء

حق ثابت = الحق الثابت

خ - خونخواه شهید کربلا = الطالب بدم المقتول بکربلاء

(در دعای شریفه ندبه)

خورشید تاریکی‌ها = شمس الضلام

د - درگاه خدا = باب الله

دعوت کننده به حق = داعی الله

ذ - ذخیره شده برای احیای واجبات و مستحبات

(= المدخر لتجدید الفرائض و السنن)

ذلیل کننده دشمنان = مذل الاعداء

ر - راه خدا که هر کس جز آن بپیماید هلاک می‌شود

(= سبیل الله الذی من سلک غیره هلاک)

ریشه کن کننده دشمنان، گمراهان و کافران = مستأصل اهل العناد والتضلیل

والالحاد

روی خدا = وجه الله

ز - زنده ای که تا نابودی کفر و طاغوت نمی‌میرد

(حتی لایموت حتی يبطل الجبت و الطاغوت) زنده کننده معارف دین و اهل

آن (محبی معالم الدین و اهله) زندگی بخش اهل ایمان (محبی المومنین)

س - سخن پسندیده (کلمة المحمود) سیاستمدار دین (دیان دینه)

ش - شادی بخش روزگار (نصرة الايام) شمشیر کشیده (السيف الشاهر)/

شکاف دهنده فرق ظالمان (فلاق الهام)

ص - صاحب زمان (صاحب الزمان) صاحب روز پیروزی (صاحب يوم الفتح)

صاحب شمشیر قدرت (صاحب الصمصام)

ع - عالمی که علمش را کرانه نیست (العالم الذی علمه لا یبید) عدل مشهور

(العدل المشتهر) عزت بخش دوستان (معز الاولیاء)

ف - فرزند آیات (ابن الایات) فرزند احمد (ابن احمد) فرزند برهانهای واضح (ابن البراهین الواضحات) فرزند دلیلهای آشکار (ابن الدلائل المشهودة) فرزند پرچمهای برافراشته (ابن الاعلام اللانحه) فرزند ماه درخشان (ابن البدر المنيرة) فرزند چراغهای روشن (ابن السراج المضيئه) فرزند عترت پاک (ابن العترة الطاهرة) فرزند خبری بس بزرگ (ابن النبأ العظيم) فرزند معجزات (ابن المعجزات الموجودة) فرزند جوانمردان و بزرگان (ابن الخضارمة المنتجبين) فرزند مهتران (ابن الغطارفة الانجبين) فرزند مردان پاک (ابن الاطائب المطهرين) فرزند راههای راست (ابن الصراط المستقیم) فرزند نعمتهای فراوان (ابن النعم السابغات) فرزند رؤسای با کرامت (ابن القماقمة الاکرمين) فرزند یس و الذاریات (ابن یس و الذاریات) فرزند سنتهای مشهور (ابن السنن المشهورة) فرزند ستارگان درخشان (ابن الانجم الزاهرة) فرزند اشیای نورانی آسمان (ابن الشهب الثاقبة) فرزند دانشهای کامل (ابن العلوم الكاملة) فرزند نشانه ها (ابن المعالم الماثورة)

ق - قائم منتظر (قائم المنتظر) المهدی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

ک - کشتی نجات (سفينة النجاة)

گ - گشاینده گره ها (فاتق کل رتق) گنجینه علوم (خازن کل علم) گوینده

حکمت و راستی (الناطق بالحكمة و الصدق)

م - م ح م د (اسم مخصوص حضرت که دارای احترام ویژه ای است)

ماه تابان (القمر الزاهر) ماه کامل ایمان (بدرالتمام) مایه اتصال زمین و آسمان

(السبب المتصل بين الارض و السماء) محوکننده دشمنی و عناد در زمین (حاصد

فروغ الغی و الشقاق) مظهر آیات خدا (ربانی آیاته) مشعل هدایت (علم الهدی)

مشاهده کننده درخت طوبی و سدره منتهی (ناظر شجره طوبی و سدره المنتهی) معدن علوم وحی و نبوت (معدن العلوم النبویة) مولای پندآموز (الولی الناصح) مهیا شده برای برکنندن ظلم و ستم (المعد لقطع دابر الظلمة) میثاق خداوند (میثاق الله) مهدی (المهدی)

ن - نابود کننده اندیشه‌های باطل و هواهای نفسانی (طامس آثار الزیغ و الالهواء) نابود کننده اهل فسق (مبید اهل الفسوق) نابود کننده سرکشان عالم (مبید القباة و المردة) نور خاموش نشدنی (نور الله الذی لا یطفی) نور درخشان (النور الباهر) نور دیدگان مردم (نور ابصار الوری) نظام دین (نظام الدین)

و - وارث انبیا (وارث الانبیاء) وصی اوصیای پیشین (وصی الاوصیاء) (الماضیین) وعده خداوند (وعدالله) ولی خداوند (ولی الله) ویران کننده سازمانهای شرک و نفاق (هادم ابنیة الشرک و النفاق)

ه - هلاک کننده کافران (مبیر الکافرین)

چنانچه در کتب اهل سنت از حضرت رسول الله ﷺ نقل نموده‌اند که حضرتش فرموده‌اند او مهدی همانام من (محمد) است و فرموده است نام پدر او حسن و نام او همانام و اسمش محمد است و در حدیث شریف (لوح مستفیض) بلکه متواتر به تواتر معنوی است که جابر ابن عبدالله انصاری از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده است که او لوحی را در نزد حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام و آن لوح را خداوند برای حضرت رسول الله ﷺ هدیه فرستاده بود و نامهای امام از اولاد صدیقه طاهره علیها السلام را همگی در آنجا ثبت است و نام حضرت مهدی علیه السلام در آن لوح (محمد) بود و این حدیث را علماء اهل سنت نیز نقل نموده‌اند و به روایت از شیخ صدوق در کتاب اکمال الدین که نقل نموده و در کتاب عیون الاخبار الرضا علیه السلام نام حضرتش این طور ذکر شده است.

ابوالقاسم محمدبن الحسن هو حجة الله القائم عاشقنا كماله رضيه الشريف

و در کتاب امالی مرحوم شیخ طوسی رحمة الله علیه به این نحو ثبت نموده است. (والخلف محمد صلى الله عليه وآله) که ظهور می‌کند در آخرالزمان و بر روی سر مبارکش ابر سفیدی است که بر او سایه افکنده و به روایتی جابر ابن عبدالله انصاری بیان نموده که دیده می‌شود در آن لوح مقدس که از جانب خداوند متعال است محمد را در آن لوح در سه موضع و علی را در چهار موضع و مراد از سه محمد حضرت امام محمد باقر و حضرت امام محمد تقی و حضرت مهدی عجل الله فرجه است و چهار علی - امیرالمؤمنین و حضرت علی ابن الحسین (سجاد) و حضرت علی ابن موسی امام الرضا و حضرت امام علی النقی عجل الله فرجه است.

و در قرآن کریم دارد (والنهار اذا جلیها) <sup>۱</sup> ترجمه: قسم به روز چون روشنایی دهد زمین را خورشید.

و در آیه (اذا جاء نصر الله والفتح) <sup>۲</sup> ترجمه: چون نصرت خداوند و فتح وی آمد، و آیه شریفه (الذین یؤمنون بالغیب) <sup>۳</sup> ترجمه: آنان که به غیب ایمان آورده‌اند. و آیه شریفه (یهدی الله لنوره من یشاء) <sup>۴</sup> ترجمه: خداوند هدایت می‌کند به نور خود هر که را خواهد.

در تفسیر این آیه شریفه (مطلع الفجر) در سوره قدر، حضرت امام جعفر صادق عجل الله فرجه فرموده است چنانچه در تفسیر برهان، جلد ۲، صفحه ۱۱۸۸ و در صفحه ۱۲۰۷ نقل از حضرتش نموده و در تأویل آیه شریفه مطلع الفجر مرحوم آیت الله شرف الدین بیان داشته است که مراد از (فجر) در این آیه شریفه حضرت قائم آل محمد عاشقنا كماله رضيه الشريف است که برخیزد و ظهور فرماید (و با ظهورش، با

۱. سوره شمس، آیه ۳.

۲. سوره نصر، آیه ۱.

۳. سوره بقره، آیه ۲.

۴. سوره نور، آیه ۳۵.



نورش، با وجودش، دفع ظلم و کفر و شرک و نفاق فرماید) آمین رَبِّ الْعَالَمِينَ.

به ظهور حضرت تمامی برکات از زمین بیرون می‌آید  
و زمین مأمور ظهور تمامی آنچه در اوست می‌شود

آیا فکر و اندیشه نموده‌اید که زمینی که در روی آن راه می‌روید در داخل آن چه معادن و منابع و گنج‌هایی وجود دارد و در آن امکانات فراوانی برای زندگی ما و نسل‌های بعدی و حتی امکان استفاده‌ها برابر جمعیت فعلی بشر و بشریت را داراست اما عدم اطلاع و آگاهی بشری به منابع موجود و منابع بالقوه زمین از یک سو و عدم وجود یک نظام جهانی سالمی برای تقسیم ثروت الهی از سوی دیگر سبب آن گشته که همه روزه آدمیان با سخت‌ترین وضع به زندگی مفلوکانه ادامه دهند و یا جمعیت‌هایی که از گرسنگی بمیرند و نظام شیطانی حاکم بر اکثر نقاط جهان روز بروز با به‌کارگیری از اقتصاد استعماری جنگ‌ها، شیطنت‌های مالی و اقتصادی، گرانی‌ها، ناامنی‌ها، بی‌بند و باری‌ها، و از همه مهمتر قسمت عمده و مهم نیروی مالی و بشری را که بایستی در جستجوی منابع جدید زیر زمینی و پژوهشی برای بهتر زیستن بشر و بشریت باشد ولی با تأسف بسیار با افکار و اعمال شیطانی آنان را برای ساخت اسلحه و تانک و توپ و مواد منفجره و مواد شیمیایی و ضد بشری رهنمون می‌سازد. و اما در روایات مربوط به بعد از ظهور حضرتشان دارد که حکومت آن مصلح بزرگ و آن راد مرد جهان بشریت، اشاره دارد که توسعه در این امر مهم خواهد شد که هر چه از ذخائر در زمین است بیرون می‌آید و همه مردم در آن حکومت بی‌نیاز خواهند شد و در حدیثی دارد که، (انه يبلغ سلطانه المشرق و المغرب، و تظهر له الكنوز، و لا یبقی فی الارض خراب الا یعمره) حکومت ایشان شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت، و گنجینه‌های زمین برای او ظاهر می‌گردد و در سرتاسر جهان ویرانی باقی

نخواهد ماند مگر اینکه آن را آباد خواهد ساخت.

با اینکه واضح است ویرانی‌ها و بی‌خانمانی‌های بشر به جهت کمبود نیروی انسانی و کمبود مالی و امکانات نیست بلکه مولود ویرانگری انسان‌های بی‌دین و بی‌انصاف است که وضع را وضع آخرالزمان می‌رسانند و این‌گونه عمل کرد و عدم احساس مسئولیت است که وضع نابسامانی بوجود می‌آورد و هنگامی که این اعمال در پناه یک نظام صحیح اجتماعی برطرف گردد آبادی و اصلاح در امر زندگانی انسان‌ها حتمی است و به خصوص اینکه از پشتوانه منابع جدید و فوق العاده‌ای نیز برخوردار باشد. ظاهر شدن برکات زمین و خارج شدن گنج‌ها نشان می‌دهد که هم مسأله زراعت و کشاورزی به اوج ترقی خود می‌رسد و تمام منابع زیر زمینی کشف و مورد استفاده قرار می‌گیرد و در زمان حکومت حضرت در آمد سرانه افراد آن قدر بالا می‌رود که در هیچ جامعه‌ای و در هیچ خانواده‌ای فقیر و محروم پیدا نمی‌شود و همه بر سر حد بی‌نیازی و خود کفایی می‌رسند تا اینکه اگر صدقه و یا زکاتی و یا خمسی باشد هیچ‌گونه مورد مصرفی نخواهد داشت.

به امید دیدن همچون روزی انشاءالله تعالی

## در زمان غیبت آیا ممکن است به محضر امام زمان حضرت ولی

عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ مُشْرِف شد؟

دیدار و یا به حضور امام رسیدن و تشریف به محضر مقدسشان چیزی نیست که آدمی بتواند با دعا و یا با عبادت و یا با ریاضت آن رابه دست بیاورد چون آن امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَامُ را نمی‌توان تسخیر نمود و نه ایشان منتظر کسی هستند که ریاضت بکشد که خدمت ایشان برود. ولی اگر ما آن حضرت را بشناسیم و اعمال و افکار و اخلاق و معارف ایشان را سرلوحه زندگی خودمان قرار دهیم کم کم به

آن مقام می‌رسیم به نحوی که سنخیت روحی پیدا می‌کنیم و دل از همه ردائل بریده و به کمالات اخلاقی رسیده و خصوصاً از مسائل مادی و دنیایی دل بریده و در قلب خود پس از خدای تبارک و تعالی محبت حضرتشان را جای دهیم و چون اعمال و افعال ما به گونه‌ای تزکیه شده و تصفیه شده گردید شاید حضرتش التفاتی و اراده‌ای فرمایند و ما را به دیدارشان موفق نمایند. و حضرات ائمه علیهم‌السلام ایشان را در زمان غیبت تشبیه به خورشید تابان پشت ابرها فرموده‌اند قطعاً اگر بدن مقدسشان دیده نمی‌شود روح با عظمتشان احاطه بر همه عالم و موجودات آن را دارد و همان طوری که نور خورشید برای همه عالمیان و مخلوقات لازم است و اگر نوری از خورشید نتابد همه جا یخ زده و بی‌روح می‌شود همه مردم و جمعیت این کره منجمد و یخ‌زده می‌شوند و هیچ گیاهی سبز نمی‌شود آبها یخ می‌زند و خلاصه زندگی با روح و با طراوتی دیگر وجود نخواهد داشت پس نور خورشید تابان این مقدار اهمیت را دارد که زندگی بشر بستگی به نور پرفروغش می‌باشد.

پس مقابل نور وجود مقدس حضرت هم، به همین شکل برای بقای زندگی بشریت لازم است که پرتوافشانی کند و ما که جسم حضرت را نمی‌بینیم ولی در هر آن و لحظه اگر نور آن حضرت بر ما نتابد هیچ برکتی و هیچ رحمتی بر آدمیان نمی‌ماند. و همانطوری که نور خورشید برای زندگی همه لازم است و آن نور به ما نزدیک است روح (حضرت ولی عصر بقیه‌الله ارواحنا فداه) هم به ما نزدیک است و توسل بندگان خداوند تبارک و تعالی نسبت به آن وجود مقدس و نورانی و حاجت خواستن از آن وجود نورانی که ایشان از خداوند بخواهند که حوائج همگی عنایت شود که اگر صلاح باشد می‌شود یکی از انواع توسلات صحیح و نورانی آن است که با چشم دل و چشم قلب و بصیرت می‌توان وجود و روح مقدس

حضرتش را حس نمود و حتی صوت ملکوتی حضرت را شنید و ارتباط روحی و معنوی و با چشم دل با حضرت می‌توان ارتباط برقرار نمود و دُعا برای تعجیل در فرج آن حضرت نمودن خود نوعی اظهار ارادت و محبت و عشق علاقه خالصانه نسبت به آن حضرت و روحیه‌ی نوع دوستی و علاقه معنوی به برقراری عدل و داد و حکومت جهانی آن حضرت است. اگر مسلمانی این روحیه را نداشته باشد و احساس وظیفه درباره دُعا برای فرج حضرت نداشته باشد و نجات مردم ضعیف و مُستضعف جهان و این عالم پهناور را که اکثریت عامه بشریت الان زیر چکمه پرفشار حکومت‌ها در حال خورد شدن و از بین رفتن هستند و ظلم و بی‌عدالتی و فساد و فحشاء در تمامی دنیا بیداد می‌کند و اگر مسلمانی پیدا شود که همه این مسائل برایش عادی جلوه کند و به فکر آسایش مالی فرهنگی و رفاه عمومی مردمی نباشد و فرهنگ فاسد و مبتذل غرب و روحیه بی‌دینی شرق برای او روحیه‌ای که دُعا کند خداوند تبارک و تعالی فرج قائم آل محمد حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ را برساند و اگر این روحیه در کسی نباشد قطعاً او مسلمان نیست زیرا حضرت رسول الله محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است:

(مَنْ اصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مُسْلِمًا)

کسی که صبح کند و از خواب برخیزد و همتش برای رفاه و خدمت به مردم مسلمان نباشد مسلمان نیست.

پس توسل جوئیم به حضرتش تا از خدای تبارک و تعالی ایشان بخواهند زندگی بر مؤمنین و شیعیان بهتر گردد و ما را به سوی نور و روشنی هدایت بهتری بیابیم.

امید است خداوند تبارک و تعالی به اینجانب توفیق هرچه بیشتر و بهتر عنایت فرماید در ظلل عنایات خاصه حضرت ولی عصر صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بتوانم جلد دوم این کتاب شریفه را به اتمام رسانم. (انشاءالله)

از تمامی خوانندگان عزیز تشکر و التماس دعا دارم.

و انشاءالله از ثواب این نوشته بهره ای برای قبر و قیامت حقیر باشد. جا دارد در اینجا از تمامی کسانی که در چاپ این کتاب به اینجانب کمک نمودند، خصوصاً برادران محترم آقایان حاج سید محمدعلی خاموشی و حاج آقا رضا فوقانی و آقای حاج منوچهر شایسته آن عارف وارسته تشکر و دعاگویی نمایم. ضمناً از مدیران محترم کتابخانه‌های مرحوم آیت الله العظمی مرعشی قم و کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه مریم مقدس و سایر کتابخانه‌های اقلیت‌های دینی که برای مطالعه اینجانب عنایت محبت داشتند تشکر می‌کنم و از خداوند متعال خواهان توفیق هر چه بیشتر برای گام برداشتن بسوی نزدیک‌تر شدن طریقی که تمامی بندگان خدای سبحان به اسلام و فرهنگ تشیع و ولایت مولی امیرالمؤمنین علی علیه السلام هدایت شوند.

## بسمه تعالی

## سخن پایانی

از کودکی تا بحال هر موقع که نام مبارک حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را دیدم و یا شنیدم حال عجیبی در خود احساس می‌کردم در مسجد مقدس جمکران و یا مسجد مقدس سهله یا مسجد کوفه و یا سامرا در سراداب مقدسه و یا حرم مطهر عسکرین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و یا مسجد الحرام و حرم‌های مقدس و منور و مطهر حضرات ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هر کجا مشرف می‌شدم در این حال بودم که آیا وجود مبارک حضرت را ممکن است ببینم حتی اگر مؤسسه و یا محلی به نام حضرت باشد بلافاصله با توجه به آن محل حال معنوی پیدا می‌کنم که قابل وصف نیست.

لذا چند سالی است با تحقیقات مختلف از کتب گوناگون از ادیان مختلف و با جستجو و تحقیق که آن منجی و دادرسی که عالم را از این وضع نجات دهد کیست همه ادیان قائل به وجود همچنین شخصیتی هستند و همه و همه با بیان گوناگون و اسامی مختلف همین بیان را دارند که در این کتاب ثابت شده که او کسی است به نام

قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مهدی موعود حضرت ولی الله

الاعظم صاحب العصر و الزمان (مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ)

التماس دعا

مؤلف اصغر حسینی تهرانی

## کتاب منابع و ماخذ

- |  |   |
|--|---|
| قرآن مجید                                  | کتاب چهره درخشان  |
| کتاب شریف نهج البلاغه و کتاب صحیفه سجادیه  | کتاب بحار الانوار مرحوم مجلسی (ره)                                    |
| تفسیر برهان: هاشم بحرانی                   | کتاب ایزد پاک   |
| تفسیر عیاشی                                | کتاب فرج المهموم مرحوم سید بن طاووس                                   |
| کتاب تهذیب و استبصار شیخ طوسی              | کتاب یزدان پاک  |
| تفسیر صافی ملامحسن فیض کاشانی و کتاب       | کتاب ینایع الموده حافظ حنفی   |
| الوافی: ملامحسن فیض کاشانی                 | کتاب خرد  |
| تفسیر جامع سید ابراهیم بروجردی             | کتاب بختاوان  |
| وسائل الشیعه: شیخ حر عاملی                 | کتاب مسیح الزمان  |
| تفسیر علی ابن ابراهیم قمی                  | کتاب براهمه برهمن   |
| تفسیر فرات کوفی (شیخ فرات ابن ابراهیم)     | کتاب خلیفه الله   |
| تفسیر برهان ثواب الاعمال، اکمال الدین شیخ  | کتاب ارشاد شیخ مفید   |
| صدوق، جامع الاخبار، جامع الوائد، صواعق     | کتاب تاریخ عالم آرا   |
| محرقة ابن حجر                              | کتاب ادیان و زمان   |
| العقد الفرید ابن عبدوه (عالم سنی)          | کتاب اثبات ولایت  |
| مسند امام احمد جنبل (عالم سنی)             | کتاب کنز العمال   |
| صحیح ترمذی (عالم سنی)                      | کتاب اعیان الشیعه مقدس اردبیلی  |
| مستدرک حاکم شواهد التنزیل تفسیر ابن جوزی   | کتاب بینایی و شناسایی (آیت اله استرآبادی)                             |
| (عالم سنی)                                 | کتاب کلیات صامت   |
| مجمع الزوائد هیشمی (عالم سنی)              | کتاب اسوه عارفان  |
| کنز العمال حکم الطیب سید علی خان           | کتاب سیرآفاق درخشان   |
| تحفته الزائر مجلسی (ره)                    | کتاب وحشی بافقی   |
| مفاتیح النجات محقق سبزواری                 | کتاب ارشاد شیخ مفید (ره)  |
| منتخب البصائر، (علل الشرایح)، احتجاج،      | کتاب الاسرار آل محمد <small>صلی الله علیه و آله</small> : سلیم بن قیس |
| (سرسلسله العلویه)، المسند بخاری (عالم سنی) | هلالی   |
| دفاع عن الکافی، مفاتیح العلوم خوارزمی      | کتاب نجم الثاقب   |
| کتاب لوح مستفیض                            | کتاب منقضب الاثر  |
| کتاب اهل الیقین                            | کتاب امالی شیخ طوسی (ره)  |
| کتاب جنان الخلود                           | کتاب الفصول المهمه علامه شرف الدین ره                                 |

- کتاب ملل و نحل شهرستانی  
 کتاب الغدير علامه امینی (ره)  
 کتاب بزاز: بزاز  
 کتاب غیبت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 کتاب مصلح جهانی: الهی  
 کتاب مهدی موعود دوانی  
 کتاب مهدی آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ  
 کتاب من لا یحضر الفقیه شیخ صدوق (ره)  
 کتاب روضه کافی (شیخ کافی)  
 رساله حزقیای نبی  
 کتاب حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 کتاب زبور داود عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 رساله حقوق نبی  
 کتاب سموئیلی  
 کتاب ایوب نبی  
 کتاب ضعیای نبی  
 کتاب تفسیر کشف  
 کتاب ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه  
 کتاب تفسیر فخر رازی  
 رساله پطرس  
 رساله یعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 رساله پولس جلد ۱ و ۲  
 کتاب غبر انیان  
 کتاب اعمال رسولان  
 رساله اول یوحنا  
 رساله ایستاع  
 رساله ذخیره الالباب  
 رساله انجیل لمر قیس  
 رساله انجیل یوحنا  
 رساله انجیل متی  
 رساله انجیل لوقا  
 رساله عوبدیای نبی  
 رساله ژوئیل نبی  
 رساله هوشع نبی  
 رساله انجیل برنابا  
 کتاب اشعیای نبی  
 کتاب آرمیای نبی  
 کتاب آزی پیامبر  
 کتاب جنته الماواى محدث نوری  
 کتاب منتهی الامال محدث قمی  
 کتاب اثبات الهداء شیخ حر عاملی  
 کتاب مصابح حاج آقا رضا همدانی  
 کتاب بحار الانوار مجلسی (ره)  
 کتاب جمال الاسبوع سید بن طاووس  
 کتاب جمال الاسبوع میرزا حسن لاهیجی  
 کتاب البرهان المتقی الهندی  
 کتاب عصر غیبت (جهان آرا)  
 کتاب عیون الاخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 کتاب شعار گلچین (گلچین)  
 کتاب الغیبة النعمانی (نعمانی)  
 کتاب غیبت صغری  
 کتاب غیبت شیخ طوسی (شیخ طوسی)  
 کتاب ملای رومی  
 کتاب خصال (شیخ صدوق)  
 کتاب منتخب التواریخ  
 کتاب تذکره الاولیاء  
 کتاب خواجوی کرمانی  
 کتاب اصول کافی کلینی  
 کتاب الفتوحات المکیه محی الدین بن عربی  
 (عالم سنی)  
 کتاب بلد الامین شیخ کفعمی  
 کتاب قبس المصباح  
 کتاب مهج الدعوات سید بن طاووس  
 رساله ادريس نبی عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 کتاب مانی (زر تشست)  
 کتاب هندریک ودا  
 کتاب ماندالای  
 کتاب بابک (زر تشست)  
 کتاب ادیان (در بیان دادنک نبی)  
 کتاب زند زر تشست  
 کتاب ربیع مازن  
 کتاب نجات بخش دنیا  
 کتاب سلتها  
 کتاب اقوام اسکانندیناوی



- کتاب کریشنا  
کتاب حکم الطیب: سید علی خان المعی  
کتاب لوح هرم  
کتاب ریان دومغ  
کتاب البرهان  
کتاب برهان هندی  
کتابهای انبیاء سابق  
کتاب صحف انبیاء  
کتاب علماء راشدین  
کتاب تورات بغلة ترکوم  
کتاب کشکول شیخ بهایی  
کتاب شامکونی  
کتاب دُوهر  
کتاب برزین: زردتشت  
کتاب انکیون (بررسی ادیان)  
کتاب فرهنگ فارسیان  
کتاب یواقیت شعرانی  
کتاب المختصر فی اخبار البشر ابوالفداء اسماعیل بن علی  
کتاب الفصول المهمه ابن صباغ مالکی (عالم سنی)  
کتاب احياء الميت جلال الدین سیوطی (عالم سنی)  
کتاب الانمه الاثنا عشر ابن طولون حنفی (عالم سنی)  
کتاب اخبار الدول قرمانی حنفی (عالم سنی)  
کتاب الاتحاف بحب الاشراف شبرای شافعی (عالم سنی)  
کتاب سبائك الذهب محمد امین سویدی (عالم سنی)  
کتاب الاعلام زرکلی (زرکلی)  
کتاب الاصول العامه للفقہ المقارن علامه محمد تقی حکیم  
کتاب الشیعہ و التشیع ظهیر  
کتاب سعد السعود (سید بن طاوس)  
کتاب ما نزل من القرآن (شیخ مفید ره)  
کتاب اقبال (سید بن طاوس ره)
- کتاب مصباح (شیخ طوسی ره)  
کتاب مصباح الزائر (سید بن طاوس)  
کتاب کامل الزیاره (ابن قولویه)  
کتاب مناقب ابن شهر آشوب  
کتاب هزارنامه هند  
کتاب صفات الشیعہ (شیخ صدوق)  
کتاب محاسن احمد بن محمد خالد برقی  
کتاب غایة المرام محدث بحرانی  
کتاب بصائر الدرجات  
کتاب خرایج راوندی  
کتاب حکم الطیب  
کتاب خرایج (مرحوم قطب راوندی)  
کتاب کنوز النجاح - (شیخ طوسی)  
کتاب کندران فرنگیان  
کتاب باتنکل  
کتاب ماریاقین  
کتاب زمزم زرتشت  
کتاب ارماتش  
کتاب قبرس رومیان  
کتاب فرنگان ماچارالامان  
کتاب کلیمی های ابری  
کتاب شعای پیغمبر  
کتاب عقدة الدرر  
کتاب اخبار امام المنتظر علیه السلام  
کتاب الاسرار فی حجة القائم علیه السلام  
کتاب گفتگو درباره حضرت مهدی علیه السلام (شهید صدر)  
کتاب اعتقادات (شیخ صدوق ره)  
کتاب الفصول (شیخ مفید ره)  
کتاب المختصر شیخ حسن سلیمان  
کتاب احتجاج طبرسی (طبرسی)  
کتاب علل الشرایع  
کتاب معانی الاخبار و مناقب  
کتاب مجمع البیان  
کتاب مناقب آل رسول  
کتاب اخلاق اسلامی از دیدگاه قرآن (حسینی)  
کتاب کلمه باقیه فی عقبه

کتاب الزام الناصب فی اثبات الحججه الغائب	کتاب رجال: مرحوم نجاشی
کتاب اعلام الوری	کتاب مقدمه: ابن خلدون
کتاب اخبار آخرالزمان	کتاب جامع السعادت: محقق نراقی
کتاب ادیان مختلفه	کتاب مصباح الشریعه: منسوب به امام صادق <small>علیه السلام</small>
کتاب کمال الدین و تمام النعمه (شیخ صدوق ره)	کتاب مروج الذهب: مسعودی
کتاب الذریعه فی تصانیف الشیعه مرحوم شیخ	کتاب سیر الائمه <small>علیهم السلام</small> : سید محسن امین
حاج آقا بزرگ تهرانی	کتاب عرفان نظری: دکتر سید یحیی یثربی
کتاب اربعین حدیث (ابونعیم اصفهانی)	کتاب سیره: ابن هشام
کتاب سر سلسله العلویه	کتاب الحیاة: حکیمی ترجمه آرام
کتاب مفاتیح العلوم	کتاب پا به پای آفتاب: ستوده
کتاب تذکره الخواص ابن جوزی	کتاب کیفادنامه پارس
کتاب مقاتل الطالبین: ابوفرچ اصفهانی	کتاب آذر: درباره آتش پرستان قدیم
کتاب ارشاد: شیخ مفید	کتاب نور و آتش: زردتشتیان
کتاب محجة البيضاء: فیض کاشانی	

\* \* \*

لیست کتابهایی که از مؤلف استاد اصغر حسینی تهرانی به چاپ رسیده و یا در حال چاپ می باشد.

۱- اخلاق اسلامی از دیدگاه اسلام فارسی، عربی، انگلیسی

۲- کشکول سعید فارسی، عربی

۳- خورشید تابناک درباره حضرت ولی عصر علیه السلام

۴- گل نرگس زاده نرجس درباره حضرت ولی عصر علیه السلام

۵- علی در قرآن (فارسی) و علی فی القرآن عربی

۶- ازدواج و جوان فارسی، عربی و انگلیسی در حال ترجمه

۷- به ۱۱۰ دلیل شیعه هستم

۸- بیداری نسل جوان برای کنترل مسئله‌ای به نام شهوت